



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عزیزان
علیهم الصلوات
والتحیات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



تنہا ویلہ الوبیکے

مؤلف: محمد حقیق مرادی

جلد سوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزیده دایره المعارف تهاویل الربیع

نویسنده:

محمد محقق مرندی

ناشر چاپی:

سیرت قلم

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۳۰	گزیده دایره المعارف تهاویل الربیع جلد ۳
۳۰	مشخصات کتاب
۳۰	اشاره
۳۳	مقدمه گزیده تهاویل الربیع جلد سوم
۳۷	پیشگفتار
۳۸	خوب است نگاهی به کتاب غلط ننویسیم، بکنیم
۴۱	تاریخ اختصاص روحانیت به این لباس از کی است
۴۲	مروری به بعضی از مجلدات کتاب جواهر الکلام
۴۲	مقدمه جواهر الکلام جلد اول
۴۲	و اما اصل کتاب:
۴۲	اتی رأیت کتاب الشرایع، قراناً فی الاحکام الشرعیه
۴۳	جواهر جلد چهارم
۴۳	چرا این حدیث سلسله الذهب نامیده شد؟
۴۳	در اصطلاح فقهاء بیت المال چه معنی دارد؟
۴۴	جواهر جلد پنجم
۴۴	تقویت صاحب جواهر عید نوروز را
۴۴	فتوی به استحباب غسل نهم ربیع داده
۴۴	جواهر جلد ششم
۴۵	جواهر جلد پانزدهم
۴۵	از مطایبه خالی نشود
۴۵	جواهر (جهاد) جلد بیست و یکم
۴۶	جواهر جلد چهل و یکم
۴۶	دقت کنید

- مسئله: ۴۶
- مسئله: ۴۶
- در بحر موج وسائل الشیعه (در دریای پرخروش یا در اقیانوس خروشان) ۴۷
- وسائل الشیعه جلد اول ۴۷
- در عین آیت الله العظمی بودن مهندس هم بودند ۴۷
- سنّ بلوغ دختر با تمام کردن ۹ سال قمری است و بس ۴۷
- گشتی بشه و اون بشه: ۴۸
- چه توجیه وجیهی! ۴۸
- فاصله بین حق و باطل ۴۹
- در انتخاب استاد ۴۹
- هشدار بر محققین ۴۹
- با وضو بخواب ۴۹
- اسلام دین نظافت است ۴۹
- می خواهی قلبت قوی شود؟ ۴۹
- تعجب نکن ۴۹
- وسائل الشیعه جلد دوم ۵۰
- ضعیف ترین حالات انسان ۵۰
- سزاوار نیست که غفلت شود ۵۰
- مؤمن محکم کار می شود ۵۰
- وصیت استاد ۵۰
- منع با شدت ۵۱
- ثواب صبر کردن در فوت فرزند ۵۱
- امام حسین تشنه و گرسنه کشته شد ۵۱
- معنی یتیم در اصطلاح شرع ۵۲
- دست به شطرنج زدی آب بکش ۵۲
- وسائل الشیعه جلد سوم ۵۳

- ۵۳ چه می دانی از نماز - - - - -
- ۵۳ کعبه قبله حضرت آدم(علیه السلام) و آخرین ذریه او - - - - -
- ۵۳ کاشتن دندان در زمان امامان(علیه السلام) - - - - -
- ۵۳ عمل جراحی در زمان پیغمبر(صلی الله علیه و آله) - - - - -
- ۵۳ ثواب نماز زن در خانه اش ۲۵ مرتبه از نماز جماعت بیشتر است - - - - -
- ۵۵ وسائل الشیعه جلد چهارم - - - - -
- ۵۵ مؤده ای بر فقهاء - - - - -
- ۵۵ هشدار - - - - -
- ۵۶ سجده های طولانی گذرنامه ورودی بهشت - - - - -
- ۵۶ حضرت آدم و یوسف(علیه السلام) حکم قبله را داشتند - - - - -
- ۵۶ تعجب کن از شیوائی بیان - - - - -
- ۵۶ غفلت نشود - - - - -
- ۵۷ المؤمن کتیس - - - - -
- ۵۷ سؤال می شود رو به قبله خوابیدن که مستحب است یعنی چه؟ - - - - -
- ۵۷ نتیجه خوبی می گیریم - - - - -
- ۵۷ از شمشیر برنده تر است - - - - -
- ۵۷ امان از غفلت های بی موقع - - - - -
- ۵۷ خدا کر نیست - - - - -
- ۵۸ ما و شیعیان ما - - - - -
- ۵۸ سخن نگارنده - - - - -
- ۵۸ در اینجا مناسبت بیشتری دارد - - - - -
- ۵۹ وسائل الشیعه جلد پنجم - - - - -
- ۵۹ در مجالس دینی هیئتی بنشینید - - - - -
- ۶۰ وسائل الشیعه جلد ششم - - - - -
- ۶۰ نه قسمت از میوه باغ امام صادق(علیه السلام) به دیگران می رسید - - - - -
- ۶۰ به شرط اینکه از مردم چیزی نخواهید - - - - -

- ۶۱ صفت شیعیان ما
- ۶۱ اگر می خواهی هم خدا تو را دوست دارد، و هم مردم
- ۶۱ کوچک ترین چیزی که انسان را داخل جهنم می کند
- ۶۱ سخن نگارنده
- ۶۲ وسائل الشیعه جلد هفتم
- ۶۲ ثواب افطاری دادن و سحری خوردن
- ۶۲ مسئله
- ۶۳ کلام الملوک
- ۶۴ وسائل الشیعه جلد هشتم
- ۶۴ اگر چیزی را گم کرده باشی
- ۶۴ انسان در وقت مرگ دوستان خود را می بیند
- ۶۴ توجه ۱:
- ۶۵ توجه ۲:
- ۶۶ وسائل الشیعه جلد نهم
- ۶۶ تذکر لازم
- ۶۶ از صدای خر هم بدتر است
- ۶۶ جلد دهم وسائل الشیعه
- ۶۶ امام حسین(علیه السلام) فقط احرام عمره بسته بود
- ۶۶ اشتباه نشود
- ۶۸ وسائل الشیعه جلد یازدهم
- ۶۸ حقیقت چقدر شیرین است؟
- ۷۰ کاری نکن زنده باد گویانت، مرده باد گویند
- ۷۱ وسائل الشیعه جلد دوازدهم
- ۷۱ خدایا نان را بر ما مبارک گردان
- ۷۱ سخن نگارنده
- ۷۲ اگر گرفتار کمی روزی هستی

- ۷۲ زمین فروختی زمین دیگر بخر
- ۷۲ هدیه باید چیز خوب و درد بخور باشد
- ۷۲ روی داد خطرناک
- ۷۳ زیاده نویسی نکنید
- ۷۴ بلی که رباخوار فقیر است
- ۷۶ وسائل الشیعه جلد سیزدهم
- ۷۶ وسائل الشیعه جلد چهاردهم
- ۷۶ هدیه ای بر فقها
- ۷۸ وسائل الشیعه جلد پانزدهم
- ۷۸ می خواهید رسول خدا(صلی الله علیه و آله) سر بلند باشد؟
- ۷۸ اگر می خواهی فرزندت پسر شود؟
- ۷۹ امام اجازه نمی دهد قیمت عقیقه صدقه شود
- ۸۰ اگر چیزی به پدر و مادر خواستی بدهی دستت را پائین قرار بده
- ۸۰ از دو قلوها کدام بزرگ تر است؟
- ۸۱ وسائل الشیعه جلد شانزدهم
- ۸۱ سخن نگارنده
- ۸۱ قاعده مستفاد است یا روایت
- ۸۱ چقدر پر رو بودند
- ۸۲ اگر می خواهی احتیاج به دکتر نداشته باشی
- ۸۲ جدی باش نه تعارفی
- ۸۲ سخن نگارنده
- ۸۳ وسائل الشیعه جلد هفدهم
- ۸۳ دواى ضعف اعصاب و ایجاد حُسن خلق
- ۸۳ در دوا خوردن حریص نباش
- ۸۳ سرکه عقل را محکم و قلب را زنده می کند
- ۸۳ سخن نگارنده

- ۸۴ سخن نگارنده
- ۸۴ بر این مطلب بیشتر دقت کنید
- ۸۴ چرا با داشتن این همه سرمایه این همه غفلت
- ۸۵ سؤر المؤمن شفاء
- ۸۵ سخن نگارنده
- ۸۷ وسائل الشیعه جلد هیجدهم
- ۸۷ محققین دقت کنند
- ۸۷ سخن نگارنده
- ۸۷ سخن نگارنده
- ۸۷ با این همه سرمایه این همه احتیاج
- ۸۸ شتم الفقاهه
- ۸۸ مسئله
- ۸۹ وسائل الشیعه جلد نوزدهم
- ۸۹ سخن نگارنده
- ۹۰ وسائل الشیعه جلد بیستم
- ۹۱ کامل الزیارات
- ۹۲ کتاب آداب الطلاب
- ۹۲ خدا نکند دقت زیادی در روز حساب پیش بیاید
- ۹۲ بترسیم از متولی اوقاف شدن
- ۹۲ احترام علماء و ارزش علم دین
- ۹۲ حتی در سنین بالا نماز مستحبی را ایستاده می خواند
- ۹۳ سخن نگارنده
- ۹۳ سخن نگارنده
- ۹۴ نمی خواهیم حساب جاری ام قطع شود
- ۹۴ وارث بدتر از حارث
- ۹۴ اثبات کردند که پدر در وقت وصیت دیوانه بود

۹۴	مسئله
۹۶	مجلدات ششگانه کتاب الانتصار
۹۷	کتاب الانتصار جلد اول
۹۷	کتاب الانتصار جلد دوم
۹۸	سخن نگارنده
۹۸	سخن نگارنده
۹۸	خدائی را که اهل سنت عقیده دارند
۱۰۰	کتاب الانتصار جلد سوم
۱۰۰	ابن تیمیه را در ایام حیاتش رسوا کردند
۱۰۰	بیش از پنج هزار تفسیر قرآن از علمای شیعه
۱۰۱	کتاب الانتصار جلد چهارم
۱۰۱	سخن نگارنده
۱۰۱	چرا عقلشان را به کار نمی گیرند
۱۰۲	چرا و چرا
۱۰۲	سخن نگارنده
۱۰۴	کتاب الانتصار جلد پنجم
۱۰۴	توسل احمد بن حنبل
۱۰۴	توسل عمر به عموی پیغمبر(صلی الله علیه و آله)
۱۰۴	تصرفات زیادی در صیغه صلوات
۱۰۵	محدوده صلوات
۱۰۶	کتاب الانتصار جلد ششم
۱۰۶	از ترس جانشان کشف عورت کردند
۱۰۷	مگر هر دامادی فضیلت است
۱۰۷	سخن نگارنده
۱۰۸	سخن نگارنده
۱۱۰	غیبت نعمانی

- سخن نگارنده ۱۱۰
- سخن نگارنده ۱۱۰
- سخن نگارنده ۱۱۱
- کتاب ولایت فقیه آقای جوادی آملی ۱۱۲
- اول توضیح المسائل آقای وحیدی ۱۱۴
- دو جزوه ۱۱۶
- و اما جزوه دومی ۱۱۶
- مرأه الحرمین ۱۱۸
- سه نفر از قرمطیان، که برای کندن ناودان طلا، به بام کعبه رفتند هر سه هلاک شدند ۱۱۸
- برکت نام فاطمه (علیها السلام) ۱۱۸
- سخن نگارنده ۱۱۹
- یازدهمین ساختمان کعبه ۱۱۹
- سخن نگارنده ۱۱۹
- سخن نگارنده ۱۲۰
- نمرود گفت، هر کس دوست انتخاب می کند، مثل دوست ابراهیم (علیه السلام) برگزیند ۱۲۰
- بت پرستی از راه مجسمه سازی وارد عالم بشریت شد. ۱۲۰
- بارک الله به اصفهان ۱۲۰
- مجموعه ورام ۱۲۱
- در عظمت بسم الله الرحمن الرحیم ۱۲۱
- شرار خلق ۱۲۱
- تا می توانی از صدقه مردم استفاده نکن ۱۲۱
- اهمیت اطعام بر برادران دینی ۱۲۲
- بر هر عالمی نگاه کردن عبادت نیست ۱۲۲
- سخن نگارنده ۱۲۲
- البرایا اهداف البلیا ۱۲۲
- مغرورها خودشان را بیش از انبیاء (علیهم السلام) حساب می کنند ۱۲۲

- ۱۲۳ قرآن علمای فجره را به خر و سگ تشبیه کرده است
- ۱۲۳ کرم های قبر اول حدقه چشم راست را می خورند
- ۱۲۳ مراتب چهارگانه علم
- ۱۲۳ وای بر شما ای عالمان بد که مزد می گیرید و کار نمی کنید
- ۱۲۴ دو رکعت نماز بر این صاحب قبر از همه دنیا بهتر است
- ۱۲۴ چرا مفید لقب یافت
- ۱۲۵ کتاب نور الامیر فی تثبت خطبه الغدیر
- ۱۲۵ سخن نگارنده
- ۱۲۵ سخن نگارنده
- ۱۲۵ حدیث منزله با پنج هزار سند
- ۱۲۶ رسول خدا(صلی الله علیه و آله) وقتی سوره برائت به علی(علیه السلام) داد او را کوچک حساب نکرد
- ۱۲۷ کتاب روضه کافی
- ۱۲۷ اگر کجروی ها خلفاء را اصلاح کنم، پادگان لشگرم خالی، یا مثل خالی می ماند
- ۱۲۷ سخن نگارنده
- ۱۲۷ آرزوی امام صادق(علیه السلام) مجالس شیعیه خالص را
- ۱۲۸ سخن نگارنده
- ۱۲۸ سخن نگارنده
- ۱۲۸ بنی امیه برای از بین بردن معجزه علوی باب ثعبان را باب فیل کردند
- ۱۲۸ خداوند با عجله بندگانش عجله نمی کند
- ۱۲۹ کامل بهائی
- ۱۲۹ خَرَّت هم اندازه داشته باشد بهتر است
- ۱۲۹ همه انبیاء(علیهم السلام) وصی را از فامیل گرفته اند
- ۱۲۹ سخن نگارنده
- ۱۲۹ ابوبکر پس از عزل خود با اقیلونی، کی نصب شد
- ۱۳۰ قیام صفورا بر علیه وصی حضرت موسی(علیه السلام)
- ۱۳۰ پس سهم بنی امیه چه شد؟

- سخن نگارنده ۱۳۰
- پنجاه سال در شام علیه امیرالمؤمنین (علیه السلام) تبلیغ شده بود که امام سجاد (علیه السلام) منبر رفت ۱۳۰
- هجرت الی الله و الی الرسول (صلی الله علیه و آله) اعتبار دارد نه مع الرسول (صلی الله علیه و آله) ۱۳۱
- نبوت ارثی نیست ۱۳۱
- اجتماع ابوبکر و عمر با ابن عباس و آمدن حضرت خضر ۱۳۲
- سخن نگارنده ۱۳۲
- علل برنگرداندن فدک در زمان حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۱۳۲
- چرا به این کنیه مکتبی شد ۱۳۳
- در سقیفه چه گذشت ۱۳۳
- اسامی آن چهارده نفر ۱۳۳
- زد و خورد شدید بین امیرالمؤمنین، و کفار قریش، در لیلۃ المبیت ۱۳۳
- کشتن ۷۰ صحابی در یک روز ۱۳۴
- به علی (علیه السلام) گفتند اگر قبول بیعت نکنی، تو را هم مثل عثمان می کشیم ۱۳۴
- سخن نگارنده ۱۳۴
- سخن نگارنده ۱۳۵
- تحقیق در روز رفتن ابوبکر ۱۳۵
- عمداً سهو کرده است ۱۳۵
- خالد سر مالک بن نویره را به جای هیزم زیر دیگ گذاشت ۱۳۵
- سخن نگارنده ۱۳۶
- ابن جرموز از آنهایی بود که هر روز خطّ عوض می کنند ۱۳۶
- سرّ فرمایش نبوی (صلی الله علیه و آله) معلوم شد ۱۳۶
- قبر چراغ دیگر بیار ۱۳۶
- پوشش شتر عایشه پوست پلنگ بود ۱۳۶
- تا اسرا به خانه یزید نیامده بودند بچه ها از شهادت پدرانشان خبر نداشتند ۱۳۷
- سخن نگارنده ۱۳۷
- تحقیق در اینکه اسم دختری که در خرابه شام ماند رقیه است ۱۳۷

- ۱۳۸ بلی شب قدر را می شناسیم
- ۱۳۸ یزید با حيله معاويه از عمرو عاص بيعت گرفت
- ۱۳۸ نقشه مروان و معاويه در تحريك جعده به قتل امام حسن(عليه السلام)
- ۱۳۹ دشمن زاده مرا از خانه من بيرون كنيد
- ۱۳۹ امام حسين(عليه السلام) صندلي آهنی به طرف مروان پرت كرد
- ۱۴۰ حجاب حضرت زهرا(عليها السلام) سرايت به دخترش كرده است
- ۱۴۱ كتاب الايقاظ من الهجعه بالبرهان على الرجعه
- ۱۴۱ برگشت روح به كل بدن عجيب و تنها به سر اعجب است
- ۱۴۱ قبل از ظهور حضرت مهدی(عجل الله تعالى فرجه الشريف) عده ای زنده می شوند
- ۱۴۲ قسمتی از فتوحات زمان امام زمان(عجل الله تعالى فرجه الشريف) با دست امام حسين(عليه السلام) انجام می گيرد
- ۱۴۲ سخن نگارنده
- ۱۴۲ اميرالمؤمنين(عليه السلام) رجعتی هم قبل از ظهور حضرت مهدی خواهد داشت
- ۱۴۲ امامان بودندشان در زمان حضرت مهدی(عجل الله تعالى فرجه الشريف) عظمت است
- ۱۴۳ غوصی در بحر زاخر مجلدات بيست گانه تفسير الميزان
- ۱۴۳ الميزان جلد اول
- ۱۴۳ از تفسير آيات همدیگر را كاملاً عصمت حضرت آدم(عليه السلام) ثابت می شود
- ۱۴۳ سخن نگارنده
- ۱۴۳ انبياء(عليهم السلام) در جميع حالات معصوم اند به اجماع شيعه
- ۱۴۵ الميزان جلد دوم
- ۱۴۵ سخن نگارنده
- ۱۴۵ توجيه وجيهی می كند
- ۱۴۶ ارزش زن ها در پيش امت های وحشی
- ۱۴۶ سخن نگارنده
- ۱۴۶ اسلام چقدر مقام زن را بالا برد ولی زنان كفران نعمت كردند
- ۱۴۶ طلاق از مفاخر شريعت اسلامي است
- ۱۴۷ الميزان جلد سوم

- قرآن با مفرد آوردن کلمه انجیل تحریف آن را ثابت کرد ۱۴۷
- احترام به همه زبان ها ۱۴۷
- سخن نگارنده ۱۴۷
- استاد فرمود قرآن به همه زبان ها احترام کرد ۱۴۷
- عذاب خداوندی مخصوص آخرت نیست و این از حقایق قرآنی است ۱۴۷
- در ترک هر چیزی که رکنی از ارکان دین منهدم می شود اسلام شدت به خرج می دهد ۱۴۸
- خدا را حرام روزی نمی دهد حرام خور خودش جلو روزی حلال را می گیرد ۱۴۸
- الحمدلله گمشده ام پیدا شد ۱۴۸
- تاریخ تولد تورات فعلی و انجیل ۱۴۹
- سخن نگارنده ۱۴۹
- و اما انجیل ۱۵۰
- سخن نگارنده ۱۵۰
- المیزان جلد چهارم ۱۵۱
- مقاومت از انصار و فرار کردن از مهاجرین ۱۵۱
- مشاوره برای امت رحمت است ۱۵۱
- سخن نگارنده ۱۵۱
- چرا خداوند زبان عربی را برای کتابش انتخاب کرد ۱۵۲
- سخن نگارنده ۱۵۲
- جنگ های اسلامی همیشه دفاعی بوده است ۱۵۲
- ولی باید خرجی یتیم را از درآمد مالش تهیه کند ۱۵۲
- ارث زن در مص-رف دو مقابل ارث مرد می شود ۱۵۲
- اشتباه بزرگ تمدن روز ۱۵۳
- سخن نگارنده ۱۵۳
- خدا باید کسی را تزکیه کند، و بشر حق تزکیه ندارد ۱۵۴
- سخن نگارنده ۱۵۴
- مقصود از آل ابی طالب(علیه السلام) دوازده امام می باشد ۱۵۴

- ۱۵۴ ----- تعبیر اعتماد به نفس خلاف منطق قرآن است -----
- ۱۵۵ ----- اصحاب پیغمبر(صلی الله علیه و آله) مثل سایر مردم همه شان خوب نبودند -----
- ۱۵۶ ----- المیزان جلد پنجم -----
- ۱۵۶ ----- پیغمبر(صلی الله علیه و آله) نشد بدی کسی را با بدی جواب دهد -----
- ۱۵۶ ----- اعتراف زمخشری به رجعت -----
- ۱۵۶ ----- نکاتی که علامه درباره آیات ولایت تذکر داده است -----
- ۱۵۷ ----- سخن نگارنده -----
- ۱۵۷ ----- همه آیات وارده در شأن اهل بیت در ضمن آیات دیگر ذکر شده است -----
- ۱۵۷ ----- بیان آیه الله حاج شیخ باقر مرندی -----
- ۱۵۸ ----- خداوند کارهایش با منوال های عادی انجام می گیرد و همین طور کارهای اهل بیت(علیه السلام) -----
- ۱۵۸ ----- نقطه جالبی در براءة استهلال اول سوره مائده -----
- ۱۵۸ ----- صحابه از اهل بیت روایات تفسیر نقل نکردند اما از دیگران هفده هزار -----
- ۱۵۹ ----- این همه گناه در قتل برای چیست؟ -----
- ۱۶۰ ----- المیزان جلد ششم -----
- ۱۶۰ ----- ترس پیغمبر فقط از منافقین بود -----
- ۱۶۱ ----- این همه کرامت در مقابل آن اذیت -----
- ۱۶۱ ----- بعد از هزار سال فهمیدند -----
- ۱۶۲ ----- عرق خورد که سر عبدالرحمن بن عوف را شکست -----
- ۱۶۲ ----- وای به حال مسلمانان اگر از حقیقت حج غافل شوند -----
- ۱۶۳ ----- بین تفاوت ره از کجاست به کجا -----
- ۱۶۴ ----- المیزان جلد هفتم -----
- ۱۶۴ ----- طلوع آفتاب از مغرب یعنی چه؟ -----
- ۱۶۵ ----- سخن نگارنده -----
- ۱۶۵ ----- دعوت حضرت رسول(صلی الله علیه و آله) پیغمبران را بر بندگی خدا در عالم ارواح -----
- ۱۶۶ ----- المیزان جلد هشتم -----
- ۱۶۶ ----- امیرالمؤمنین میزان الاعمال است -----

- ۱۶۶ مسجود ملائکه نوع انسان است و حضرت آدم (علیه السلام) نمونه است
- ۱۶۷ اینکه ابلیس بر بنی آدم از چهار طرف می آید یعنی چه؟
- ۱۶۷ سخن نگارنده
- ۱۶۸ المیزان جلد نهم
- ۱۶۸ سخن نگارنده
- ۱۶۹ المیزان جلد دهم
- ۱۶۹ سخن نگارنده
- ۱۶۹ سخن نگارنده
- ۱۷۰ حتی در چلوکبابی لازم است وزن برنج و گوشت آن معلوم شود
- ۱۷۱ المیزان جلد یازدهم
- ۱۷۱ سخن نگارنده
- ۱۷۲ سخن نگارنده
- ۱۷۳ سخن نگارنده
- ۱۷۳ سخن نگارنده
- ۱۷۵ المیزان جلد دوازدهم
- ۱۷۵ سخن نگارنده
- ۱۷۶ سخن نگارنده
- ۱۷۷ سخن نگارنده
- ۱۷۸ المیزان جلد سیزدهم
- ۱۷۸ معراج روایات زیادی حتی روایت مسند دارد
- ۱۷۸ در روز قیامت انسان خود عملش را می بیند
- ۱۷۹ توجیه نگارنده
- ۱۷۹ سخن نگارنده:
- ۱۸۰ چطور شیطان شریک مال و اولاد انسان می شود
- ۱۸۰ سخن نگارنده
- ۱۸۱ سخن نگارنده

- ۱۸۲ سخن نگارنده
- ۱۸۳ المیزان فی تفسیر القرآن جلد چهاردهم
- ۱۸۳ سخن نگارنده
- ۱۸۴ سخن نگارنده
- ۱۸۴ فخر رازی و اشتباهش
- ۱۸۵ تنها طنابی سوخت که دست و پای حضرت ابراهیم را با آن بسته بودند
- ۱۸۵ سخن نگارنده
- ۱۸۷ المیزان جلد پانزدهم
- ۱۸۷ سخن نگارنده
- ۱۸۷ حتی برای سادات بدون عمل نسب شان نافع نخواهد شد
- ۱۸۷ آیه (الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً...) (الی آخر، نسخ نشده است)
- ۱۸۹ سخن نگارنده
- ۱۸۹ تفسیر بیدل الله سیئاتهم حسنات
- ۱۹۰ سخن نگارنده
- ۱۹۱ سخن نگارنده
- ۱۹۱ سخن نگارنده
- ۱۹۲ المیزان جلد شانزدهم
- ۱۹۳ قرآن زن پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بودن را به تنهایی ملاک فضیلت قرار نداده است
- ۱۹۴ سخن نگارنده
- ۱۹۴ معنی حجاب در زمان نزول آیه آن
- ۱۹۵ شیطان را ما دعوت نکنیم بر ما مسلط نمی شود
- ۱۹۶ المیزان جلد هفدهم
- ۱۹۶ انسانیت انسان چون به روح است پس خود انسان محشور می شود
- ۱۹۷ توره بر انبیاء (علیهم السلام) جایز نیست
- ۱۹۸ سخن نگارنده
- ۱۹۸ در درخواست حضرت سلیمان بخل نیست

- المیزان جلد هیجدهم ----- ۲۰۰
- در آسمان هم مثل زمین جنبندگانی است ۲۰۰
- بهشت و جهنم شعور دارند ----- ۲۰۱
- ذنب معانی متعدده دارد و منحصر به گناه نیست ----- ۲۰۲
- عمل کردن بر طبق خبر موثق از اصول عقلائییه است ۲۰۳
- سخن نگارنده ----- ۲۰۴
- المیزان جلد نوزدهم ----- ۲۰۵
- چرا حرف باء در این آیه داخل شده با اینکه زوج متعددی بنفسه است ۲۰۵
- سخن نگارنده ----- ۲۰۵
- مضمون روایت کافی: ۲۰۵
- حتی شفاعت شافعین نتیجه سعی انسان است در وقتی که زنده بود ----- ۲۰۵
- کفار از قبرهایشان بیرون می آیند، در حالی که به همدیگر فشار می آورند. ۲۰۶
- انتظار اهل مکه تا آمدن مسافرین (بعد از شق القمر) ۲۰۶
- اسم پدر بزرگ جنّ شومان است ۲۰۷
- طغیان با غیر مال هم حاصل می شود ----- ۲۰۸
- سخن نگارنده ----- ۲۰۸
- بوی گمشده می آید ----- ۲۰۸
- نسیان نفس از نسیان الله است ----- ۲۰۹
- آفرین بر رادمردان ایرانی ۲۰۹
- سخن نگارنده ----- ۲۱۰
- المیزان جلد بیستم ----- ۲۱۱
- سخن نگارنده ----- ۲۱۱
- سخن نگارنده ----- ۲۱۲
- مژده بزرگ ۲۱۳
- سخن نگارنده ----- ۲۱۴
- سخن نگارنده ----- ۲۱۴

- جامع السعادات جلد اول ۲۱۵
- سخن نگارنده ۲۱۵
- سخن نگارنده ۲۱۶
- هیچ کس نمی تواند به عمل خود تکیه کند ۲۱۷
- سخن نگارنده ۲۱۷
- در مقابل متکبر تکبر لازم است ۲۱۷
- جامع السعادات جلد دوم ۲۱۸
- شما دنیا را ترک نکنید او شما را ترک می کند ۲۱۸
- برای فقرا دولتی است سعی کنید حق بر آنها داشته باشید ۲۱۸
- دوری دوستی ۲۱۹
- برادر بزرگ در حکم پدر است ۲۱۹
- سخن نگارنده ۲۱۹
- جامع السعادات جلد سوم ۲۲۰
- چرا شب قدر و اسم اعظم و معاصی کبیره را روشن نکرده اند ۲۲۰
- بدون نیت رضای خدا بزرگ ترین عمل ها بی محتوا خواهند بود ۲۲۰
- خدایا آدم گناهکار بر من حقی نداشته باشد ۲۲۰
- خداوند از جاهل ها برایش دوست نگرفته ۲۲۰
- سه تا پدر داری ۲۲۰
- سخن نگارنده ۲۲۱
- سخن نگارنده ۲۲۱
- نعمت لباس از خصوصیات انسان است ۲۲۲
- نماز ما مرکب و نماز ملائکه بسیط ۲۲۲
- سالانه دوم مکتب تشیع ۲۲۳
- مقدمه ۲۲۳
- سخن نگارنده ۲۲۳
- دوازده هزار صحابی و چند صد حدیث!! ۲۲۵

- ۲۲۵ سخن نگارنده
- ۲۲۶ سخن نگارنده
- ۲۲۷ منشور عقاید امامیه به قلم آقای سبحانی
- ۲۲۹ تفسیر نمونه جلد اول
- ۲۲۹ قرآن نور و نقاب بر عقل هاست
- ۲۲۹ ابن عباس گفت مرور زمان قرآن را تفسیر می کند
- ۲۳۲ تفسیر نمونه جلد دوم
- ۲۳۳ سخن نگارنده
- ۲۳۴ تفسیر نمونه جلد سوم
- ۲۳۴ ابوذر فرمود بر مهمان شتر چاق را سر ببر روز مبادای من وقت مرگ است
- ۲۳۴ تأثیر عجیب آیات قرآنی
- ۲۳۵ تعدد زوجات را اسلام اصلاح کرد
- ۲۳۵ فلسفه وجوب اعطاء صدق
- ۲۳۶ چرا اسلام تعدد زوجات امضاء فرمود
- ۲۳۶ کلیسای اجازه نداد بعد از جنگ دوّم در آلمان از قانون تعدد زوجات استفاده شود به فحشاء کشیده شد
- ۲۳۶ بر خلاف آنچه مشهور است میل جنسی در مردها بیشتر است
- ۲۳۷ شخصیت یتیم ها را با تعبیرات قشنگ بالا ببرید
- ۲۳۷ نعمت اجتماع در بهشت از بالاترین نعمت هاست
- ۲۳۸ عباس از نفوذ سیاسی پسر برادر می خواست استفاده کند؛ لکن پیغمبر راضی نشد
- ۲۳۹ تفسیر نمونه جلد چهارم
- ۲۳۹ در مقابل شعار ابوسفیان اعل هیل، مسلمانان شعار الله اعلی و اجل دادند
- ۲۴۰ نثار به معنی خون نیامده، خداوند مالک خون بهای حسین(علیه السلام) است، نه وارث او
- ۲۴۰ از منضم شدن دو آیه، معلوم می شود دین مرضی خدا، با ولایت علی(علیه السلام) است
- ۲۴۰ قال(صلی الله علیه و آله) بالعدل قامت السموات و الارض
- ۲۴۰ روایت توسل حضرت آدم(علیه السلام) را بر محمد(صلی الله علیه و آله) عمر نقل کرده است
- ۲۴۱ سه تعبیر مختلف برای سه منظور

- ۲۴۱ نادانی هم حدّ داشته باشد خوب است
- ۲۴۲ تفسیر نمونه جلد پنجم
- ۲۴۲ یکی از ساکنان جزایر خلیج فارس گفت، اثر حیات بخش باران در دریا، بیش از خشکی
- ۲۴۳ قریش معتقد بودند، خدا با اجته از دواج کرد، ملائکه زائیده شدند.
- ۲۴۴ تفسیر نمونه جلد ششم
- ۲۴۴ جبری هم آزادی قائل است
- ۲۴۴ یک روز، در مقابل یک روز، و شصت روز به احترام ماه رمضان است
- ۲۴۴ به ابلیس بگو آتش هم موادش، از خاک است، مثل درخت
- ۲۴۵ در مکه ۱۷ مرد، و یک زن سواد داشتند
- ۲۴۶ تفسیر نمونه جلد هفتم
- ۲۴۷ یکی از دانشمندان اهل سنت گفت، شیعه می تواند تمامی اصول و فروعش را، از کتاب های ما اثبات کند
- ۲۴۷ جزیه مالیاتی است که، کافر ذمی با دادن آن، تحت حمایت حکومت اسلامی می شود
- ۲۴۷ اهل کتاب با دادن جزیه، از حضور در جهاد واجب بر مسلمانان معاف می شوند
- ۲۴۷ روایات ظهور، از نظر ابن تیمیّه هم، از متواترات است
- ۲۴۸ اثرات سازنده انتظار ظهور
- ۲۴۸ اسلام با صلح طلبی اش، سالی چهار ماه آتش بس اعلان می کند، در ویتنام، به یک روز راضی نشدند
- ۲۴۹ تفسیر نمونه جلد هشتم
- ۲۴۹ مشهور وجوب زکوة در سال دوم هجری است، لکن از چند سوره مکی، وجوب آن استفاده می شود
- ۲۴۹ همه حرکت ها از آفتاب است
- ۲۴۹ آیات نازل در مکه کوتاه، و آیات مدنی بلند هستند
- ۲۴۹ سید قطب و نماز جمعه اش در قلب اقیانوس اطلس
- ۲۵۱ تفسیر نمونه جلد نهم
- ۲۵۱ ربا و زنا
- ۲۵۱ حاضر نشد قدم روی خود بگذارد
- ۲۵۱ کم را میزان قرار نده، کیف ملحوظ است
- ۲۵۱ حضرت یوسف(علیه السلام) وقتی برادرانش او را می زدند، خنده اش گرفت

- ۲۵۳ تفسیر نمونه جلد دهم
- ۲۵۳ برکات رعد و برق
- ۲۵۳ بقاء در خدا به معنی ابداء است
- ۲۵۳ در زمستان درخت هم میوه داشت، و هم برای میوه جدید گل کرده بود
- ۲۵۴ تفسیر نمونه جلد یازدهم
- ۲۵۵ علت خشونت اسلام درباره مرتد فطری
- ۲۵۶ تفسیر نمونه جلد دوازدهم
- ۲۵۶ حتی بر روی نهر آب، برای وضوء زیاد آب بریزی، اسراف می شود
- ۲۵۶ لباس هم تسبیح می گوید
- ۲۵۶ اگر انشاء الله را در اول فراموش کردی بعد از یک سال هم بگو
- ۲۵۷ جدائی از استاد برای حضرت موسی(علیه السلام) دردناکتر بود
- ۲۵۸ تفسیر نمونه جلد سیزدهم
- ۲۵۸ مشرکان لجوج، درباره حروف مقطعه، استهزاء نکردند، پس می فهمیدند
- ۲۵۹ خروج از وطن ردیف مردن قرار گرفته است
- ۲۵۹ به تصدیق زبان شناسان جهان، زبان عربی، یکی از رساترین لغات است
- ۲۶۰ تفسیر نمونه جلد چهاردهم
- ۲۶۰ در نجف ارواح مؤمنین همدیگر را زیارت می کنند
- ۲۶۰ شقاوت و سعادت نتیجه اعمال است، و گرنه دعوت انبیاء(علیه السلام)، بی فایده می شود
- ۲۶۰ سوره مؤمنون با فلاح مؤمنون شروع و با عدم فلاح کافرون ختم می شود
- ۲۶۱ به عقیده کسانی که وجه کفین را استثناء می کنند، یک نوع تسهیل است، نه اینکه دیگران حق نگاه کردن دارند
- ۲۶۱ ابرها از طرف پائین صاف و از طرف بالا مثل کوه هابند
- ۲۶۱ پیغمبر(صلی الله علیه و آله) اگر کسی را دعوت کرد جدی است مسامحه نکنید
- ۲۶۲ تفسیر نمونه جلد پانزدهم
- ۲۶۲ آتش جهنم، در انتظار گناهکار، مثل حیوان درنده گرسنه است
- ۲۶۲ گیاهان در شب، نوعی از خواب را دارند
- ۲۶۲ حضرت موسی(علیه السلام): بودن من در خانه تو، نتیجه ظلم تو بود، من هم می خواستم با پدر و مادرم باشم

- ۲۶۳ اعترافی از فخر رازی
- ۲۶۳ شهادت مورچه به عدالت حضرت سلیمان(علیه السلام) و هدهد به آزادی بیان
- ۲۶۴ تفسیر نمونه جلد شانزدهم
- ۲۶۴ باید در صندوق حضرت موسی(علیه السلام) با دست فرعون باز شود
- ۲۶۵ تفسیر نمونه جلد هفدهم
- ۲۶۵ تمایل زنان پیغمبر(صلی الله علیه و آله)، به زرق و برق دنیا، و عکس العمل آن حضرت
- ۲۶۶ قرآن با ذکر جاهلیت اولی پیش گوئی از جاهلیت ثانیه می کند
- ۲۶۸ تفسیر نمونه جلد هیجدهم
- ۲۶۸ تفرق اجزاء انسانی به مخصوص بعد از مرگ نیست جلوتر هم بود
- ۲۶۸ سرمایه را خودش داده خریدار می شود
- ۲۶۹ علت آتش سوزی در جنگل ها
- ۲۶۹ معاد امری فطری است
- ۲۷۰ تفسیر نمونه جلد نوزدهم
- ۲۷۰ لطف الهی به حضرت یونس(علیه السلام)
- ۲۷۱ حضرت سلیمان(علیه السلام) خیلی ناموس دوست بود
- ۲۷۱ اشاره آیه شریفه به اهمیت آب سرد
- ۲۷۱ شیطان نه تنها به بندگان خدا زبانی نمی رساند، بلکه نردبان ترقی هم می شود
- ۲۷۳ تفسیر نمونه جلد بیستم
- ۲۷۳ زمخشری، و قرطبی، و فخر رازی، حدیث من مات علی حب آل محمد(صلی الله علیه و آله) را، نقل می کنند
- ۲۷۴ قرآن با صراحت، وجود موجودات زنده را، در آسمان، بیان می کند
- ۲۷۵ تفسیر نمونه جلد بیست و یکم
- ۲۷۶ خدا دستور شفاعت می دهد، و خودش هم شفاعت می کنند
- ۲۷۷ تفسیر نمونه جلد بیست و دوم
- ۲۷۷ تنها بت پرست است که غیر از جنگ چاره دیگری نیست
- ۲۷۸ مدرک لعن الله من تخلف عن جیش اسامه، و کفانا کتاب الله.
- ۲۷۸ شیعیان ما بعد از مردن هم، عبادت می کنند

- ۲۷۸ رقیب و عتید نام دارند -
- ۲۷۸ استفهام در هل من مزید، انکاری است -
- ۲۷۸ از کمال لطف خدا جنت بر متقین نزدیک می شود نه بالعکس -
- ۲۷۹ تفسیر نمونه جلد بیست و سوم -
- ۲۷۹ صبر زیاد حضرت نوح -
- ۲۷۹ دعاء مستجاب -
- ۲۷۹ درخت سدر، و سدر بهشتی -
- ۲۸۰ تفسیر نمونه جلد بیست و چهارم -
- ۲۸۰ اولین نماز جمعه در مدینه قبل از تشریف آوردن پیغمبر (صلی الله علیه و آله) -
- ۲۸۰ هر کدام از سنگ ها، میلیاردها اتم دارد -
- ۲۸۰ کپکشان ماه، راه شیری نام دارد -
- ۲۸۱ مغول ها، در فرهنگ ایران حل شدند -
- ۲۸۱ علت تعلیم امیرالمؤمنین (علیه السلام) علم نحو را -
- ۲۸۱ رنگ ها، بیش از ۷ تا می باشند -
- ۲۸۲ تفسیر نمونه جلد بیست و پنجم -
- ۲۸۲ در میان طوفان نوح (علیه السلام) آتشی پیدا شد قوم آن حضرت را سوزانید -
- ۲۸۲ از ۲۲ روز، تا ۴۰ روز، فقط با خوردن آب، زنده ماندند -
- ۲۸۲ در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، زندان نبود، اسیرها تقسیم می شدند -
- ۲۸۳ تفسیر نمونه جلد بیست و ششم -
- ۲۸۳ بر ظلمت شب، هفت بار قسم خورده است -
- ۲۸۳ چه نکته لطیفی دارد، واللیل اذا یسری -
- ۲۸۳ مزده بسیار بزرگ -
- ۲۸۴ تفسیر نمونه جلد بیست و هفتم -
- ۲۸۴ آمار نشان می دهد هنگام تعطیلات مؤسسات آموزشی، فساد گاهی تا ۷ برابر، بالا می رود -
- ۲۸۴ تعصب غیر عاقلانه زمخشری، و قضاوت عجولانه او -
- ۲۸۴ دوی زخم معده -

- ۲۸۵ الاسلام یعلو، و خنده جبرئیل (علیه السلام) -----
- ۲۸۶ غفلت نشود از تعبیر زلزال ها، در کل زمین خواهد شد، مقطعی نیست -----
- ۲۸۶ چرا ابرهه به فکر تخریب کعبه افتاد -----
- ۲۸۷ مژده آمدن لشکر خدا، (ابابیل) را پدر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) آورد -----
- ۲۸۷ به فیل ها، عوض چوب با تبر می زدند -----
- ۲۸۷ ابابیل، اسم آن مرغ نیست، معنی گروه گروه دارد -----
- ۲۸۸ هاء هو، برای توجه دادن است واو آن، ضمیر است -----
- ۲۸۹ از جمله خصایص نبوی (صلی الله علیه و آله) -----
- ۲۹۱ جلد اول حدیقه الشیعه -----
- ۲۹۱ ۱۹ قرینه در کتاب، هست که کتاب تألیف مقدس اردبیلی است -----
- ۲۹۱ اگر قرآن به تنهایی کافی بود، نمی بایست مذاهب اسلامی، بیش از ۷۰۰ مذهب باشد -----
- ۲۹۱ تا پیغمبر (صلی الله علیه و آله) زنده بود، حسن و حسین (علیهما السلام) او را پدر می گفتند -----
- ۲۹۲ در را باز کنید، وگر نه آتش می زدم، و زدند -----
- ۲۹۲ تمام اوصیای، انبیاء (علیه السلام) از فامیل خودشان بود -----
- ۲۹۳ اولین سجده شکر در اسلام -----
- ۲۹۳ شیخ طوسی صلوات را در نماز، از ارکان حساب می کند -----
- ۲۹۳ چه عجب غزالی اقرار می کند که، پس از بخ بخ گفتن، قبول نکردن جز هوای نفس، چیز دیگری نیست -----
- ۲۹۴ امام صادق: موالی بودن من بر علی (علیه السلام)، بهتر از فرزندیم است -----
- ۲۹۴ برای پائین انداختن بت ها از بالای کعبه (علیه السلام) پا بر دوش پیغمبر (صلی الله علیه و آله) گذاشت و بالا رفت -----
- ۲۹۴ کفار وقت دیدن علی بن ابی طالب (علیه السلام) وصیت می کردند -----
- ۲۹۵ ادعای دوستی علی بن ابی طالب (علیه السلام) و جواب حضرت -----
- ۲۹۵ اگر آیه (و سیجئبها الاتقی) در باره ابو بکر آمده، چرا خودش در سقیفه ادعا نکرد -----
- ۲۹۵ ابوبکر اگر مال داشت چرا به پدر کورش و به دخترش نداد که مزدوری نکنند -----
- ۲۹۵ خلفاء که خودشان به جنگ نرفتند، تا فتوحات به آنها مستند شود -----
- ۲۹۶ ابلیس حاضر شد توبه کند، او (دومی) نگذاشت -----
- ۲۹۶ فدک را خالصانه هم کردند -----

- ۲۹۶ ----- علل عدم قبض فدک، در زمان حکومت علوی(علیه السلام)
- ۲۹۶ ----- احیاء سنت یهود، و ترک سنت رسول(صلی الله علیه و آله)
- ۲۹۸ ----- مطاعن شیخین، حذف تشهد از نماز، و داخل کردن آمین است و چیزهای دیگر زیاد است
- ۲۹۹ ----- حرف معروف عمرو عاص
- ۳۰۰ ----- حضرت ابراهیم(علیه السلام) ۷ سال هم در کوهستان فارس تبلیغ می کرد
- ۳۰۰ ----- زمخشری در تفسیر (و هموا بما لم ینالوا) رم دهندگان شتر پیغمبر(صلی الله علیه و آله) را، پانزده نفر نوشته است
- ۳۰۰ ----- عمر در زمان خلافت، حدیفه را منع از بدگوئی منافقین کرد او با صراحت لهجه جواب داد
- ۳۰۱ ----- ابوبکره گوید، از خروج عایشه من به تردید افتادم، فرمایش نبوی که در زمان حیات شنیده بودم، مرا نجات داد
- ۳۰۱ ----- عایشه بر ابوبهریره، در سوار شدن، بر استر قیمتی ایراد گرفت، گفت این مزد چند حدیث است که، بر پدرت ساختم
- ۳۰۱ ----- بنی عباس از شیعه بی حدّ، و از اولاد امیرالمؤمنین(علیه السلام)، ۱۲۰ هزار نفر کشتند
- ۳۰۱ ----- عایشه لقب زیاد بن ابیه را، بر او داد
- ۳۰۱ ----- معاویه، از تاریخ ازدواج هند با ابوسفیان، سه ماه می گذشت، به دنیا آمد
- ۳۰۲ ----- امام صادق(علیه السلام) فرمود، چطور شب قدر را نشناسیم که، در آن، ما را به کرسی کرامت می نشانند
- ۳۰۲ ----- تفتازانی گوید یزید ملعون است، علماء که از لعن او نهی می کنند، برای اینکه بالائی ها، سرایت نکند
- ۳۰۲ ----- معاویه بعد از انداختن عایشه به چاه، در وقتی که مانع از بیعت یزد شد، گفت هنوز خامی، باشی تا پخته شوی
- ۳۰۳ ----- پای بر سر بی جان معاویه، زد و گفت، این حرامزاده این را بلد نبود، تو یادش دادی
- ۳۰۳ ----- اسامی پدران چهارگانه معاویه
- ۳۰۴ ----- حدیقه الشیعه جلد دوم
- ۳۰۴ ----- هام، بن هیم، بن لاقیس، بن ابلیس در صفین شهید می شود، و امیرالمؤمنین(علیه السلام) دعایش می کند
- ۳۰۴ ----- دعائی که، امیرالمؤمنین(علیه السلام) آن را، به مرد آذربایجانی یاد داد
- ۳۰۵ ----- علی بن ابی طالب(علیه السلام) به دومی گفت: گردنت را می زنیم
- ۳۰۶ ----- امام حسین(علیه السلام) ۶ پسر، و ۴ دختر داشت، علی اکبر، و اوسط، اصغر، محمد، عبدالله، جعفر
- ۳۰۶ ----- سر امام حسین(علیه السلام) را حرمه به شام برد، و در راه بسیار بی ادبی، و شماتت، به خرج می داد
- ۳۰۶ ----- در حدیث آمده تربت امام حسین(علیه السلام) همراه داشتن، راه خوفناک را امن می کند
- ۳۰۶ ----- محمّد حنفیه برای اثبات امامت امام سجاد پیش حجرالاسود رفتند بعد از شهادت حجر پای امام را بوسید
- ۳۰۷ ----- روایت صریح است که، هدیه رسول خدا، نام و کنیه اش را بر محمد حنفیه است

- ۳۰۷ ----- هدیه اجته، دو طبق انگور و انار، بر امام سجاد(علیه السلام) و همراهان
- ۳۰۸ ----- خوش طبعی گفت: کشف صوفی ها، از قبیل کشف عمرو عاص است
- ۳۰۸ ----- در پاورقی، از مثنوی، لوظهرت الحقایق بطلت الشرایع
- ۳۰۸ ----- عشق نام مرضی است
- ۳۰۸ ----- ابوالفتوح رازی طبق وصیت اش در کنار حضرت عبدالعظیم دفن شد
- ۳۰۸ ----- برای رفع مشکلات دنیا و آخرت روزی صد بار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ»
- ۳۰۸ ----- خنده ام برای این بود که عمو بهتر خواهد شد و به پسر برادر گریه خواهد کرد
- ۳۰۹ ----- از معجزه امام رضا مأمون غش کرد
- ۳۰۹ ----- احتجاج دزد بر مأمون
- ۳۱۰ ----- امام حسن عسکری(علیه السلام) هیچ منقبتی نداشته باشد جز پدر بقیه الله عجل الله فرجه کافی است
- ۳۱۱ ----- در وقت ظهور حضرت مهدی علیه السلام، اکثر عرب در بیت المقدس خواهند بود، و در مدینه کمتر کسی خواهد بود
- ۳۱۲ ----- چهار تن از انبیاء، با حضرت مهدی، خواهند بود
- ۳۱۲ ----- حضرت مهدی سه علم خواهد داشت، بر یکی از آنها (اليوم اكملت لكم دينكم) نوشته است
- ۳۱۲ ----- سفیانی، از اولاد عقبه بن ابی سفیان است، حتی خود حضرت مهدی، از وقت ظهورش خبر ندارد
- ۳۱۲ ----- اکثر تابعین دجال، یهود، و زنان و اعراب است
- ۳۱۳ ----- خیلی ها که به آرزوی ظهور از دنیا رفته اند، زنده شده، و فرزندان به هم می رسانند
- ۳۱۳ ----- مراتب سه، یا چهارگانه، ائمه معصومین(علیه السلام)
- ۳۱۴ ----- فهرست
- ۳۵۹ ----- درباره مرکز

گزیده دایره المعارف تهاویل الربیع جلد 3

مشخصات کتاب

سرشناسه: محقق مرندی، محمد

عنوان قراردادی: تهاویل الربیع. فارسی. برگزیده

عنوان و نام پدیدآور: گزیده دایره المعارف تهاویل الربیع / مولف محمد محقق مرندی (دامت برکاته)؛ تنظیم کننده جواد وفادار.

مشخصات نشر: تهران: سیرت قلم، 1396.

مشخصات ظاهری: 3 ج

شابک: 140000 ریال 978-600-95849-2-5

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: اسلام -- مطالب گونه گون

موضوع: Islam -- Miscellanea

رده بندی کنگره: BP11/م3155ت3155 904218 1396

رده بندی دیویی: 297/02

شماره کتابشناسی ملی: 4895945

وضعیت رکورد: فاپا

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

نام کتاب ... گزیده تهاویل الربیع جلد سوم

مؤلف . آیت الله حاج شیخ محمد محقق مرندی (دامت برکاته)

تصحیح و تنظیم نهائی جواد وفادار

حروف نگاری و صفحه آرایی جواد وفادار

ص: 3

مقدمه گزیده تهاوایل الربیع جلد سوم

الحمد لله رب العالمین و صلّ اللهم علی محمد و اله الطاهرین و العن منکری فضائلهم.

لازم به ذکر است که استفاده از الفاظ مترادف خلاف سلیقه و تزییع عمر نیست به حکم ضرب المثل «ما قلّ و دلّ» سعی کردیم مطلب را با عبارت ساده و به ایجاز در اختیار خواننده قرار دهیم و کسانی که جلد اول و دوم گزیده تهاوایل الربیع را مطالعه نموده اند، به این روش پی برده اند. اینک به حول الله و قوته به نوشتن جلد سوم آن - با نام گزیده تهاوایل الربیع (جلد سوم) - شروع می کنیم و ما توفیقی الا بالله.

محمد محقق مرندی

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم.

این چند جلد کتاب موسوم به [گزیده] تهاویل الربیع که از نظرتان می‌گذرد یادداشت‌هایی است که مؤلف آن‌ها را به رسم اجمال نویسی تحریر کرده، نتیجه گلچینی از صدها کتاب است، چطوری که در مقدمه مؤلف آمده اگر توضیحی برای مطالب داده شود شاید عدد مجلدات به بیش از بیست جلد هم برسد، دلیل بر صدق این ادعا این است که در عرض هیجده سال در ایام تعطیلی (حدود دو ماه تابستان‌ها، و شب‌های ماه رمضان‌ها، و صبح پنج‌شنبه‌ها بعد از زیارت عاشورا در داخل سال)، فقط صد جلد از بحار الانوار، و یک دوره روضات الجنات، و یازده جلد از وسائل الشیعه توضیح داده شده است، مؤلف برای این که هی به عدد دفترها اضافه نکند، سعی کرده مطالب را به هر عبارتی از فارسی و عربی که کم لفظ باشد به قلم بیاورد و اهمیت به مهار کردن مطلب داده و به تحسین عبارت نپرداخته است، کم‌گوی و گزیده‌گوی چون در رفقای پای بحث مؤلف ملاحظه کردند که اگر منتظر شوند که کتاب با توضیحات لازم در اختیار عموم قرار گیرد شاید فرصت از دست برود، و به هیچ یک از اجمال و تفضیل نرسند، و کم‌له من نظیر، و تصمیم گرفتند بحکم فرصت تمرّ مرّ السحاب، و ما لا یدرک کله لا یتدرک کله، اقلاً این اجمال را به صورت کتاب و گرنه سی‌دی، در معرض مطالعه تشنگان از اهل تحقیق، و جویندگان دانش قرار بدهند، انشاء الله در فرصت مناسب برای کامل بلکه اکمل کردن بحث اقدام خواهد شد، این خام نویسی در عین اجمالی که دارد اکثراً برای عموم قابل استفاده است، بلی استفاده اکمل با فضائلی است رمز و اشاره حالی می‌شوند، چون بعضی از مطالب بر غیر محققین حکم نسخه پزشکی را دارد که فقط با راهنمایی دارو خانه چی ماهر قابل فهم می‌شود، لذا تقاضا از ناظرین محترم این است که اگر اهل خبره نیستند نظر نداده، و ایراد نگیرند، شاید در اقدام دوستان تقدیر از جانب ربّ و دود بود که، زحمات حدود چهل ساله مؤلف اگر کامل ترش در معرض قرار نمی‌گیرد اجمالش به دست دانش پژوهان برسد، که خودشان در فرصت‌های مناسب به صورت کتاب یا خطابه یا به عناوین دیگر در اختیار دوست‌داران اهل بیت قرار بدهند.

از آنجا که به منابع و مآخذ هر مطلب نیز ارجاع داده شده است، در صورت ابهام و مشکلی دوستان می‌توانند به اصل مطلب مراجعه فرمایند. این پژوهش در واقع پلی است که شما را به وادی علوم بیکران معصومین (علیهم السلام) می‌رساند، اگر تکراری در بعضی از مطالب دیده شود، برای استناد بیشتر دادن بوده، که این

خود برای اهل علم مطلوب است، شماره و ترتیب مجلّات سلیقه رفقا شده و الاّ از نظر مؤلّف جلد اول همان است که با استطراف سفینه البحار شروع شده است، و تاریخ ختم مطالب کتب، بر این گفته بهترین گواه است، در صورت همراهی توفیق، در آینده مشخصات کتب مورد استفاده، داده خواهد شد انشاءالله.

زبان حال مؤلّف و لجنه بررسی

این بضاعت مزجاه را به پیشگاه رفیع خاتم اوصیاء مهدی موعود امام عصر (عجل الله فرجه الشریف) تقدیم نموده، و عرض می کنیم: «یا ایها العزیز! مسنّا و اهلنا الصرّ و جننا ببضاعه مزجاه فاوف، لنا الکیل و تصدق علینا».

لجنه بررسی نشر تهاویل الربیع

ص: 6

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صَلَّى الله على مُحَمَّدٍ و آله الطَّاهرين و اللَّعن الدائم الابد و العذاب السَّرمذ على اعدائهم و منكري فضائلهم من الان الى يوم الدين.

مباحث این کتاب، مطالبی است که حاصل مطالعه صدها کتاب در علوم مختلف، گلچین و استخراج لطایف آنها در صور عمر بنده است. اگر الطاف خفیه رب العالمین شامل حال شود، ممکن است در ده ها جلد قطور به رشته تحریر و نگارش درآید و به ملاحظه اینکه بحث های مختلف آن گل های رنگارنگ بهاری و یا پژوهش و تحقیق در انواع دانش است، اسم آن را گزیده تهاوایل الربیع نام گذاری نمودیم. امید است مورد قبول خدای بزرگ و قابل توجه ولی الله الاعظم امام زمان عجل الله فرجه الشریف قرار بگیرد.

در پایان از دوستان فاضل و دانشمندی، لجنه نشر تهاوایل الربیع که در مقدمات نشر یاریم کردند؛ مخصوصاً از برادر فاضل و دانشمند، (آقای حاج شیخ جواد وفادار) که در احیاء این مهم با تمام وجود وفاداری کرد، صمیمانه تشکر می کنم جزاهم الله خیر الجزاء.

«يا ايها العزيز، مس-نا و اهلنا الصّرّ و جننا ببضاعه مزجاء، فاوف لنا الكيل و تصدّق علينا ان الله يجزي المتصدقين».

مؤلف

ص: 7

الحمد لله رب العالمین و الصلوه و السلام علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم.

به دنبال انتشار جلد اول کتاب «گزیده تهاویل الربیع» و «فرنودسار» و استقبال فراوان و شایسته شما خوانندگان محترم و تقاضای مکرر از عزیزان خواننده، مبنی بر انتشار جلد سوم این کتاب، از میان تقاضاهای فراوان و بسیاری از دانشجویان و طلب کنندگان علم، که از تهران و شهرستان ها به ما می رسید، حضرت آیت الله محقق مرندی (دام ظلّه العالی) با صبر و حوصله قسمت های مهمی از اصل کتاب «تهاویل الربیع» که تا کنون پنج جلد شده؛ که در صورت توضیح و تنقیح به حدود 25 جلد می رسد را انتخاب کرده و به صورت کنونی «گزیده تهاویل الربیع جلد 3» در اختیار شما عزیزان قرار خواهد گرفت. و چه بسیار زحمت ها که برده می شود تا موضوعی علمی منقح و تمیز شود، و سپس سامان یابد، دست نوشته هایی فراهم آید و سرانجام کتابی موجز و مفید فایده پدیدار شود؛ اما کتاب که نتیجه نهایی آن همه زحمت است، نمی تواند بازتاباننده همه دریافت ها در آن موضوع باشد. لکن لازم به توضیح است که حضرت استاد (دام ظلّه العالی) اسم کتاب را در اول هر بحث آورده و صفحات آن کتاب را در پایان هر مطلب ذکر کرده است. امید است که این کتاب راهگشای مشکلات بسیاری از مؤمنین و مؤمنات، به ویژه فضلاء و دانشمندان، و ذخیره ای برای عالم قبر و قیامت ما باشد، و مورد قبول خداوند متعال و حضرت زهرا (سلام الله علیها) و مولی الموحدین امام علی بن ابی طالب (سلام الله علیه) و حضرت ولی عصر، عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

رَبَّنَا - تَقَبَّلْ لَنَا مِنْ - اِنْ - كَاَنْتَ السَّمِیْعُ - عَالِمُ - م

قم المقدسه

جواد وفادار

آذر م- اه 1395 مطاب- ق با 17 ربی- ع الاول 1438 ه- ق.

ص: 8

خوب است نگاهی به کتاب غلط ننویسیم، بکنیم

12. اتاق لغت ترکی است، نوشتن آن با حرف طاء خوب نیست، زیرا که در ترکی حرف طاء نیست .
13. اتواز قرن دهم به بعد بوجود آمده، کلمه فارسی یا روسی است، هر کدام باشد با طاء نوشتن اش خوب نیست .
32. بر اهل افغانستان، افغان گفتن صحیح است، نه افغانی، چطوری که بر اهل ترکیه، ترک، و بر اهل کردستان کرد، گفته می شود .
28. اطوشوئی غلط است، زیرا که در آنجا لباس می شویند نه اتو .
39. امپراتور صحیح است، نه امپراطور، چون واژه فرنگی است، نه عربی .
40. امریکا به کسر همزه بهتر است .
52. کلمه این جانب در زن و مرد درست است، لازم نیست در زن این جانبه گفته شود .
54. باتری لغت فرانسوی است، پس با حرف ت باید نوشت .
- باسمه تعالی صحیح است، نه بسمه(1)
57. باغ چون واژه فارسی است، جمع آن را باغات نوشتن درست نیست، باغ ها صحیح است .
106. تشت لغت فارسی است، با طاء نوشتن آن خوب نیست .
221. زغال صحیح است نه ذغال .
227. سبزی ها، صحیح است نه سبزیجات .
281. غلتک صحیح است، نه غلطک .
294. فرمایش ها صحیح است، نه فرمایشات .
299. سابق الذکر صحیح است، نه فوق الذکر زیرا که جزء اول باید صفت باشد .
302. پذیراندن، بهتر از قبولاندن است، زیرا که در فارسی قبولیدن نداریم که، متعدی آن به صورت قبولاندن باشد .
310. کاندید، به معنی معصوم، و کاندیدا به معنی نامزد، یا داوطلب، هر دو کلمه فرانسوی است، به همدیگر قاطی نشود .
314. کفشدوز، یا کفشگیر، صحیح است نه کفّاش، زیرا که در زبان فارسی به این وزن، مبالغه نداریم .
325. گلایه، لفظ عامیانه است، صحیح آن گله، یا گله گزاری است .

1- . زیرا که، بدرج افتادن الف کلمه اسم، از خصوصیات کلمه مبارکه، بسم الله الرحمن الرحيم است و بس.

کلمه زیلو، در سفرنامه ناصر خسرو آمده است 327 .

جمع میدان، میدان هاست، نه میادین چون لغت فارسی است 376 .

میعادگاه، و میقات گاه، احتیاج به پساوند (گاه) ندارد، چون خودشان اسم محل هستند 378 .

میلیون، و میلیارد، کلمه فرانسوی است، با دو یاء صحیح است، نه با یک یاء 379 .

ناهار به معنی غذای ظهر درست است، نه نهار 382 .

شمّ الفقاهه یکی از اساتیدمان که، فعلاً هم الحمدلله در قید حیات است، وقتی در مقام بحث، دستش از دلیل لفظی خالی می شد، نفس عمیقی می کشید، و می فرمود شمّ الفقاهه تقاضا می کند که مطلب چه باشد ما هم در مقام جواب از یک سؤالی، با استفاده از شمّ الفقاهه، می خواهیم جواب بدهیم، سؤال این است، اینکه رسم شده است برای کسی که، تازه از دنیا رفته است، سوّم، و هفتم، و چهلمین می گیرند، آیا دلیلی هم در کار هست یا نه؟ و رسم حلوا دادن در مجالس فاتحه از کجا پیدا شده است در جواب سؤال اول می شود گفت که، در بیان امام صادق (علیه السلام) آمده برای افراد معمولی، (غیر معصومین (علیهم السلام)) بیش از سه روز ماتم داری خوب نیست (1).

و مخفی نماند که بحث سیاه پوشی برای معصومین (علیهم السلام) و فضیلت آن در جلد دوم گزیده ص 132 گذشت. شاید قدیمی ها که رسم مجلس روز سوم مرسوم کرده اند، می خواستند با مجلس روز سوم اعلان کنند که، ما با انقضای روز سوم دیگر عزادار نیستیم.

اما علت روز هفتم گرفتن شاید این باشد که، در بعضی از روایات آمده که روح روز هفتم می آید، بر بدنی که یک عمر با او مأنوس بوده، سری بزند، وقتی وضع بدن را متغیّر می بیند، با آه و زاری از قبر بیرون می رود، این حدیث را در اصل تهویل الربیع آورده ام فعلاً جایش را حافظ نیستیم شاید عزاداری روز هفتم برای همدردی روح میت باشد.

و اما دلیل عزاداری در روز چهلمین، چطوری که مرحوم آشیخ حسین نوری تذکر داده، چهلمین روز آخرین روز علاقه روح با بدن است (2).

عزاداری در آن هم، باز بوی همدردی با روح میت را می دهد.

اما رسم حلوا دادن در مجالس فاتحه، چطوری که در کتاب مستطرفات، از قول محدث نهاوندی آورده، برای ملاحظه روایتی است که، از قول رسول خدا آمده که فرمود، هر کس برادر دینی خود را شیرین کام کند، و شیرینی برایش بدهد، خداوند تلخی دم مرگ را از او برمی دارد.

ص: 2

1- . وسائل الشیعه، ج 2، ص 914.

2- . کتاب مستطرفات، ص 233.

تاریخ اختصاص روحانیت به این لباس از کی است

شکی نیست که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امامان (علیه السلام)، معمم بوده اند، و در مواقع مختلف، رنگ عمامه هایشان فرق می کرد، مثلاً رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در روز فتح مکه، عمامه سیاه به سر مبارک داشت، و امام رضا (علیه السلام) که، در زمان مأمون که مجبور به خواندن نماز عید شد، با عمامه سفید تشریف برد،⁽¹⁾ و در جلد دوم گزیده ص 96 از تفسیر برهان نقل کردیم که، حضرت بقیه الله با عمامه سفید ظهور می کند، و در جلد ششم وسائل الشیعه ص 378، حدیث 8، آمده حضرت مهدی با عمامه سبز متعمم بودند.

و اما قبا در جلد 43 بحار، ص 171، آمده که، فضول های سقیفه، وقتی اراده کردند که صورت آن چهل قبری را که، برای اخفاء قبر حضرت زهراء، امیرالمؤمنین (علیه السلام) ترتیب داده بود، بهم بزنند، و بدن حضرت زهرا (سلام الله علیها) را پیدا کنند، و خودشان دفن کنند، علی (علیه السلام) با قبای زرد ظاهر شد، موش های سقیفه، در سوراخ هایشان قرار گرفتند، این قضیه می رساند که امیر مؤمنان (علیه السلام) قبا می پوشید، ولو در بعضی از مواقع.

و اما ثباده در جلد 50 بحار، در جزء معجزات امام هادی (علیه السلام)، ص 143، از قول مأمور متوکل برای جلب امام هادی (علیه السلام)، آورده که، امام (علیه السلام) برای خود و اصحابش از جمله لباس ها که، به خیاطش دستور دوختن لباده هم داده بود که، منشاء ثبوت یک معجزه برای آن امام همام شد. این مطلب در جلد ششم گزیده ناسخ التواریخ، ص 573، هم آمده است.

و اما عبا در قدمت وجودی آن، شکی نیست که، در زمان معصومین (علیهم السلام) بوده است، مخفی نماند که بعضی ها از حدیث شریف کساء، تعبیر به حدیث عبا هم کرده اند، بحث در مسلم بودن حدیث شریف کساء در جلد دوم گزیده تهاویل الربیع ص 27، گذشت قابل توجه است.

ص: 3

1- . بحار الأنوار، ج 49، ص 171.

صاحب جواهر، در 25 سالگی شروع به نوشتن آن کرد.²

برای جلوگیری از حمله وهابی ها به نجف و کربلا مرحوم کاشف الغطاء دستور داد که، طلبه تیراندازی یاد بگیرد، یکی از تیرها، در راه مسجد سهله به برادر بزرگ صاحب جواهر (شیخ محمد حسین) اصابت کرد، و از دنیا رفت چون نبوغ داشت، مادرش می گفت ای کاش عوض او، پسر کوچکم می مرد، الحمدلله مادر زنده ماند، تا دوران مرجعیت پسر کوچکش را دید 5.

و اما اصل کتاب:

صاحب جواهر از کتاب شرایع محقق حلّی، به این عبارت تعبیر می آورد:

انّی رأیت کتاب الشرایع، قراناً فی الاحکام الشرعیه

انّی رأیت کتاب الشرایع، قراناً فی الاحکام الشرعیه.⁽¹⁾

مستحب است که مسافر، با وضو وارد وطن شود، و گرنه در صورت رخ دادن نازاحتی، خودش را ملامت کند 21.

برای اثبات نجاست آب قلیلی که، نجس بر آن رسیده باشد، بعضی از علماء سیصد حدیث پیدا کرده اند 126.

صاحب جواهر از علامه حلّی تعبیر می آورد، به جمله ای که تمام خضوع او را می رساند: آیه الله، المؤید بتأییداته، المسدد بتسدیده، رزقنا الله رشحاً من رشحات فضله⁽²⁾ 329.

ص: 4

1- کتاب شرایع را در احکام شرعیه در حکم قرآن یافتیم.

2- آیه الله به حقّی که، با تأییدات خداوندی مؤید گشته، و با عنایات خاصه او به کمالات رسیده، رب العالمین از فضائل عالیّه او گمّکی هم، روزی ما گرداند.

چرا این حدیث سلسله الذهب نامیده شد؟

یکی از امراء سامانی، حدیثی را که امام رضا(علیه السلام) بر اهل نیشابور روایت کرد، دستور داد آن را، با او در قبر بگذارند، پس از مردن در خواب دیدند، گفت خداوند مرا بخشید، برای چند چیز؛ 1. برای لاله الا الله گفتم؛ 2. بر تصدیق رسالت محمد(صلی الله علیه و آله) را؛ 3. برای این که نوشتم این حدیث را از روی احترام و تعظیم، صاحب جواهر، در حاشیه مرقوم فرموده، شاید روی این حساب، (برای نوشتن آن امیر سامانی حدیث را با آب طلا) حدیث را به سلسله الذهب نامگذاری کردند، و من صاحب جواهر، خیلی از اوقات آن را در کاغذی می نویسم با آبی آن را می شویم، و قدری از تربت امام حسین(علیه السلام) بر آن اضافه می کنم، بحمدالله اثرش را به سرعت مشاهده می کنم، تصدیق می کند این اثر را خوابی که در آن امیرالمؤمنین(علیه السلام) را رؤیا کرده ام، و شرط اثرگذاری، پنج قروش صدقه دادن است 226.

وصیت می کنم که این حدیث را در چیزی بنویسند، و در قبرم جایی بگذارند که نجاست به آن نرسد 228.

در اصطلاح فقهاء بیت المال چه معنی دارد؟

بنابر فرمایش جامع المقاصد مراد از بیت المال درآمد زمین های مفتوحه عنوه به علاوه یک هشتم زکاة است به شرط اینکه، کسی کلمه سبیل الله را در آیه زکات، مخصوص جهاد نکند 261.

استحباب گذاردن دست به روی قبر، مخصوص وقت دفن نیست، بلکه هر وقت به زیارت میتی رفت، این کار را انجام دهد، و دلیلش هم روایت محمد بن اسماعیل بن بزیع است، زن ها اگر خودشان را از نامحرم بیوشانند، استحباب زیارة قبور برایشان هست، تعجب دارم از مرحوم محقق حلی، چطور زیارت قبور را بر زن ها مکروه داشته، حتی در زیارة ائمه المؤمنین(علیه السلام) 321 .

امام صادق(علیه السلام) می فرماید، به غیر خاک قبر، هر چیزی به روی میت باشد، وسیله سنگینی بر او می شود 335 .

جمله و سلام علی المرسلین در دعاء فرج هست یا نه 17.

جواهر جلد پنجم

تقویت صاحب جواهر عید نوروز را

مرحوم صاحب جواهر تقویت می کند روایت معلی بن خیس را در فضیلت نوروز، و می گوید نشستن امام موسی کاظم (علیه السلام) بر سلام عید به دستور منصور، ثابت نیست و شاید آن روزی که منصور دستور جلوس داد، اول حمل نبود، 42 سخن نگارنده، در تعیین روز نوروز، سیزده قول است، و صاحب جواهر اول حمل را انتخاب کرده است.

فتوی به استحباب غسل نهم ربیع داده

می فرماید روایت مسندی طولانی در فضیلت آن رسیده که عقل از درک آن در حیرت است، 43 سخن نگارنده، مقصود مرحوم مؤلف، روایت حذیفه است که، در جلد 98 بحار، ص 351، و در جلد 31، ص 120 موجود است.

تقدیم غسل شب های قدر بر غروب مضمون حدیث است و تنها بیان علماء نیست و وجه آن خواندن نماز مغرب با طهارت غسلی است .67

فلعلّ ذلك شهادة من الصدوق بكون فقه الرضا(عليه السلام) من كتب الصدوق 200 .

جواهر جلد ششم

مدرک الطواف فی البیت صلوة 92 .

و بانعقاد الاجماع، علی منع الکفار من دخولهم المساجد، و لا باعث له سوی النجاسة 94.

گذاشتن دندان میت، به جای دندان حیّ که، امام تجویز می کند 131 و 138 .

ص: 6

تذکره: اگر طاعت غالب بشود، عادل است، و ان ندرت منه المعصية 238 .

وجوب الفحص من تعلق الخمس و الزکات و الحج و النذر يعلم من مذاق الشرع 196 .

از مطایبه خالی نشود

یکی از بزرگان حوزه قم، حفظها الله عن التهادم و التصادم که، فعلاً مرحوم شده است، می فرمود در زمان سابق که، حمله دارها خودشان حاجی ها را گیر می آوردند، من هم آماده سفر حج شدم، وقتی که به جمع حجاج ملحق شدم، اظهار خوشوقتی کردند، و گفتند الحمد لله در قافله ما روحانی هم هست، در مواقع لازم از ترجمه حرف ها بین ما، و اهل مکه و مدینه، استفاده می کنیم، ایشان که آدم با مزه ای بود، فرمود گفتم نه اشتباه نکنید، من اهل عربی حرف زدن نیستم، بالاخره روزی در مابین مکه و مدینه، در حالی که ماشین به سرعت در حرکت بود، باربند ماشین پاره شد، و ساک ها یکی پس از دیگری، طول جاده را رنگین کردند، و متأسفانه راننده از این موضوع خبر نداشت، رفقا خطاب به من کردند که، حاج آقا به راننده موضوع را اطلاع بدهید، من گفتم من چه بدانم که اینها به ساک چه لغتی دارند، و باربند را به چه عبارتی ادا می کنند، و همینطور از باز شدن و ریختن، چه تعبیری آورند، یکی از حاجی ها گفت من بلدم، گفتم خدا پدرت را بیامرزد شما بفرمایید، ایشان با بیان این کلمات، مشکل مسافری را حلّ کرد و گفت، «آقائی آقائی، الاثائیة التی کانت فی السماء، الان فی الارضین» . راننده وقتی متوجه شد، پس از جمع کردن اثاثیه، داشت تا مگه از شنیدن این عربی می خندید.

جواهر (جهاد) جلد بیست و یکم

شعار امام حسین(علیه السلام)، و شعارهای مسلمین در جنگ های زمان رسول خدا(صلی الله علیه و آله) 55 .

مشرکین درید بن الصمّه پیر خریف را، در قفس آهنین می بردند، چون در قتال مهارت داشت 75 .

کیفیت جنگ امیر(علیه السلام)، با عمرو بن عبدودّ 79 .

و شبیه این در تفسیر نمونه، ج 17، ص 256 .

مسیر امام حسن(علیه السلام)، در جنگ با یزدگرد 161 .

مراد از انقطاع وحی بعد از النبی، ما يتعلق بالنبوة، لا مطلقاً، و الا ملکی اعظم از جبرئیل به نام روح با ائمه هست 300 .

اگر ثبوت حق منحصر بر تحمّل کسی باشد، تحمّل واجب می شود، ولو اینکه تقاضا نکنند 101

توبه عبادت است، در آن نیت و اخلاص لازم است 109

بر قاتل واجب است خودش را معرفی کند، خواستند بکشند یا عفو کنند، غیبت کسی کردی، عفو و ارث او، اثر ندارد، اگر می خواهی روز قیامت از حسنات تو کم نشود بر او استغفار، یا اعمال صالحه به جای بیاور، اگر مالی کسی را تصرف کردی، و پس از مرگ او، به وارث دادی نسبت به حق مالی، توبه شد و از اینکه به صاحب اصلی ندادی باید برای او از خداوند طلب مغفرت کنی تا خدا او را از شما راضی کند 115

مسئله:

مرد اگر از طرف زنش وکیل شود که، عقد او را برای خود بخواند، یعنی که ایجاب و قبول را خودش بخواند، اختلاف است بعضی از فقهاء اجازه نمی دهند، و اشکال بیشتر در عقد متعه است، توضیح المسائل مسئله 2376 و در غیر این صورت نیز، مستحب است عقد را دو نفر جاری کنند.

مرتد ملّی تا نمرده یا کشته نشده اموالش مال خودش است، لکن بر حاکم شرع است که، او را در تصرف مالی ممنوع کند، تا به وراثت مسلمانش ضرر نرسد. 620

مسئله:

اذان برای نمازی است که، در وقت آن اذان می گوئی، اگر در اول وقت نماز می خوانی، اذان می گوئی به نیت نماز اول، بعد اقامه می گوئی برای همان نماز، نماز اول را که خواندی، برای نماز دوم اقامه فقط می گوئی، و اگر در وقت نماز دوم می خواهی نماز بخوانی، اذن را برای نماز دوم می گوئی، بعد اقامه به نیت نماز اول، پس از تمام کردن نماز اول، فقط اقامه می گوئی برای نماز دوم.

در بحر مواج وسائل الشیعه (در دریای پرخروشی یا در اقیانوس خروشان)

وسائل الشیعه جلد اول

در عین آیت الله العظمی بودن مهندس هم بودند

صاحب وسائل (رضوان الله علیه)، کتابش را از صد و هشتاد و اندی کتاب، جمع کرده است، و در اول فهرست اسامی آنها را مرقوم فرموده است، و اسم کتاب فهرست اش را، من لایحضره الامام نامیده است، ایشان در شهر مشهد مقدس، به لقب قاضی القضاة و شیخ الاسلامی ملقب گشته است، از جمله کتب 27 گانه او، دیوان شعری است که، حدود بیست هزار بیت شعر دارد، و منظومه ای در علم هندسه، و کتاب الايقاظ من الهجۀ بالبرهان علی الرجعة می باشد.

سنّ بلوغ دختر با تمام کردن 9 سال قمری است و بس

وسائل در باب بلوغ پسر و دختر، دوازده حدیث نقل کرده است، فقط حدیث دوازدهم، سنّ بلوغ را در هر دو از پسر و دختر، سیزده سالگی قرار داده است، با مرور جزئی که به سند روایت کردم، ظاهراً اشکال سندی ندارد، لکن خلاف اجماعی است که در لمعه در کتاب حجر، از ابن ادریس نقل کرده است که، دختر با کامل کردن نه سال، بالغ می شود، و در جلد 14 وسائل الشیعه ص 460، امام صادق (علیه السلام) بلوغ دختر را، با اكمال نه سال، به اجماع علماء جهان نسبت داده است، توجه کنید که روایت با اینکه معرض عنه اجماع است، بین پسر و دختر فرق قائل نشده است، پس کسی که سیزده سالگی را مخصوص دختر کرده است، یا قلمش طغیان کرده، و یا عمداً سهو کرده است، تازه اعتبار هم تأیید بلوغ دختر، در نه سالگی را می کند، به این مطلب روزنامه اطلاعات دقت کنید: در ماه ژوئن گذشته، یک دختر فقیر نه ساله، اهل لیما، کودک سالمی به دنیا آورد، زایمان وی کاملاً عادی بوده است، وزن نوزاد در لحظه متولد شدن از مادر نه ساله، سه (3) کیلو و دو بیست گرم بوده است، صفحه 3 روزنامه اطلاعات، به شماره مسلسل 13642. باز توجه کنید شهناز محمدی مادر یازده ساله، یک دختری زانید، وزن نوزاد سه (3) کیلو و هفتصد گرم است، و زایمان به طور طبیعی، انجام گرفت، شهناز در سنّ ده سالگی، با جوان 16 ساله به اسم مشهد مراد، ازدواج کرد، او و همسرش از اهل شریف آباد ملایر هستند، و اسم دخترش را مهناز گذاشت، ص 1 و 4، روزنامه اطلاعات به شماره مسلسل 13650، سخن نگارنده اگر سنّ بلوغ در دختر، سیزده سال باشد، پس این دو خانم چگونه قبل از بلوغ بار برداشته، و بچه آورده اند.

این کلام، یکی

از امثال زبان ترکی است، و معنی آن، اگر به پنج رسید، به پانزده برسان می باشد، به مناسبت این دو حرفی که از روزنامه اطلاعات آوردم، مطالب دیگری از لطایف روزنامه ها که، در دوران جوانی، در یادداشت هایم نگارش یافته، چون فایده علمی و دینی دارند می آورم: هفته گذشته گاوهای مقدس هندی، یک ساعت فرودگاه بین المللی را، قرق کرده بودند، و کسی جرأت نداشته حتی محترمانه، از آنها بخواهد که، آنجا را ترک کنند، و این گاوها به ریش هوایماهای غول آسا می خندیدند، - آمریکا برای امور دفاعی خود در جنگ ویتنام، سالی از 73 تا 77 بلیون دلار، در نظر گرفته است، در حالی که جمیع بودجه آمریکا در جنگ دوم جهانی، 81 بلیون دلار شد، به شماره 103 مجله مکتب اسلام، به نقل از روزنامه کیهان 17/1/45، و در صفحه 34 آمده صد و پنجاه میلیون از اهلی هندوستان از کثرت قحطی در آستانه مرگ قرار گرفتند دولت تصمیم گرفت برای حفظ مردم از صد و پنجاه میلیون گاو مظهر خدایان استفاده کند، تشنج در مملکت ایجاد شد، آخر الامر با برکناری وزیر کشور، و منصرف شدن دولت از قصد، تظاهرات خاتمه یافت.

در روزنامه اطلاعات به شماره 12748: ص 7، شاهنامه تاریخ روزه گرفتن ایران را مربوط به زمان تهمورث می داند، گوید در زمان او خشکسالی شد، دستور داد که اغنیاء روزی یک دفعه غذا بخورند، - محمد علی شاه وقتی که در سفارت روس متحصن بود، از مجلس یک ماه روزه را مهلت خواست که، روزه بگیرد مجلس به شرط اینکه از سفارت بیرون نرود قبول کرد، شاه سحرها پس از سحری خوردن، به اتفاق وزیر جنگ خود امیر بهادر، از پشت بام سفارتخانه اذان می گفتند. در اطلاعات شماره 13060 ص 4 نوشته: زن انگلیسی که یک سال باردار بود، نوزاد پسری به دنیا آورد، در اطلاعات 14824 ص 3 آمده: اخیراً ثابت شده است، همسران مردان مسلمان (ختنه شده) کمتر از دیگر همسران گرفتار سرطان دهانه زهدان می شوند، به همین جهت امروزه در اروپا و آمریکا، ختنه متداول شده است، و هکذا زنانی که بعد از وضع حمل بچه را شیر نمی دهند، (جلوگیری از جریان طبیعی آن می کنند) این کار از عوامل سرطان پستان، شناخته شده است، در آمریکا هم اعلان شده است.

چه توجیه وجیهی!

امام صادق (علیه السلام)، در توجیه اینکه چرا نیت مؤمن از عملش بهتر است، می فرماید، گاهی عمل ریائی لکن نیت مخصوص رب العالمین می شود، خداوند برای نیتی که برای اوست، اجر می دهد، و عملی که برای غیر خدا است چرا خدا به آن اجر دهد. 38

ص: 10

فاصله بین حق و باطل

امام باقر(علیه السلام)، می فرماید فاصله بین این دو، کمی عقل است، یعنی شخص عاقل مرد، حق را از باطل تشخیص می دهد، آدم کم عقل است که، باطل را بر حق ترجیح می دهد. 45

در انتخاب استاد

امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرماید، از کسی که علم را مقدمه عملش قرار داده، درس بخوانید. 84

هشدار بر محققین

دوستان عزیز، نکته ای را عرض می کنم که از آن غفلت فرمائید، و آن اینکه احادیث باب 4، از ابواب الماء المطلق، را می شود بر اصل تأخر حادث دلیل گرفت، و از اینکه در رسائل، اصل تأخر حادث را از اصول مشته گرفته، نترسید، چطوری که مرحوم شیخ حسین پدر شیخ بهائی در باب استصحاب نترسید. 106

با وضو بخواب

سلمان از رسول خدا(ص) روایت می کند کسی که، با وضو می خوابد، مثل کسی می ماند که تا صبح عبادت کند 266.

اسلام دین نظافت است

امام باقر(علیه السلام) حمامی برای عموم ساخته بود، و خودشان هم در آنجا استحمام می کردند. 361 و امام صادق(علیه السلام) می فرماید، اگر ممکن شد از آب گرم حمام بخور که، مثانه را پاک می کند (آب گرم این قدر تمیز باشد که، بتوانی از آن بخوری) 372

می خواهی قلبت قوی شود؟

ایستاده شان زدن فقر، و ضعف قلب، آورده و انسان را بدهکار می کند. 428

تعجب نکن

مردی به امام صادق(علیه السلام)، از ترکیدن پوست دست و پایش شکایت می کند، امام(علیه السلام) می فرماید پنبه را با روغن بان تر کن، و به نافت بگذار، ارتباط بین روغن مالی ناف، و برطرف شدن ترکیدن دست و پا را، امام می فهمد، و شاهدش نتیجه گرفتن راوی حدیث است. 458

فرزند امام باقر (علیه السلام) در حال جان دادن بود، کسی که به طرف او می رفت امام (علیه السلام) می فرمود خود را به او نمالی، زیرا که انسان در این حال از همه حالاتش ضعیف تر است، و مس کردن بر او، به ضعف او اضافه کردن است. 672 مستحب است در کفن، میت لباسی که با آن نماز خوانده باشد، و همانطور لباس احرام میت، کفن او قرار گیرد. 732 و صفحه بعد آن.

سزاوار نیست که غفلت شود

مخفی نماند چطوری که در توضیح المسائل، در مسئله 599 آمده، از گذاشتن دو چوب تر و تازه، که هر کدام اندازه یک وجب یا ذراع باشد، در کفن میت غفلت نشود که، به درد میت خیلی می خورد، و اکثر مردم از این سنت نبوی (ص)، در غفلت هستند، و کیفیت گذاشتن آن دو در کتاب های مفصل فقه بیان شده، اگر در کفن هم نشد بگذارند، در قبر هم بگذارند، کفایت می کند، حتی اگر بعد از دفن هم، یکی را در طرف سر میت و دیگری را پائین پای میت، فرو ببرند باز نافع خواهد شد، رسول خدا از کنار قبر میتی رد می شد، او را در حال عذاب دید، یک چوبی خواست آن را از وسط دو تکه کرد، یکی را از طرف سر و دیگری را از طرف پا بر قبر داخل کرد. 741.

مؤمن محکم کار می شود

رسول خدا (ص)، سعد بن معاذ را با دست مبارک خویش داخل قبر گذاشت، و دقت در محکم کردن قبر کرد، پس از بیرون آمدن از قبر، فرمود: می دانم که به زودی قبر خراب می شود، لکن خداوند دوست دارد که، بنده اش کار خود را محکم کند 884 سخن نگارنده این همه احترامات که، بر جنازه سعد بن معاذ از تشیع و تدفین شد، به جهت مداومت او بر خواندن (قل هو الله احد)، در جمیع حالاتش بوده است، جلد 4 وسائل الشیعه، 867.

وصیت استاد

امام کاظم (علیه السلام) می فرماید در قبرستان روی قبرها راه برو، اگر آنکه زیر پایت قرار گرفته، مؤمن باشد، به استراحت، و منافق باشد به ناراحتی می رسد 885 سخن نگارنده پس خوب است که، قبر انسان

زیر پای

ص: 12

مؤمنین قرار بگیرد، اللهم ارزقنا بحق محمد و اله، و لذا استاد ما آیه الله حاج شیخ باقر مرندی، وصیت کرد که قبرش در جایی باشد که آفتاب بر آن بتابد.

منع با شدت

پیغمبر (ص) بیرون آمد، و زنانی را دید در جایی نشسته اند، پرسید برای چه اینجا نشسته اید، گفتند منتظر جنازه ای هستیم، فرمود آیا حمل جنازه خواهید کرد، با حمل کنندگان آن، گفتند نه، فرمود جنازه را غسل خواهید داد با غسل دهندگان آن، گفتند نه، آیا آن به راهنمایی و نزدیک شدن شما احتیاج دارد، گفتند نه، فرمود بر گردید با وزر و بال، و با اجر مزد برنگردید. 891

سخن نگارنده تأیید می کند این را، روایتی که در مستدرک الوسائل جلد اول، ص 132، از کتاب دعائم الاسلام از امیرالمؤمنین (علیه السلام)، که پیغمبر (ص) تشیع جنازه ای می فرمود، دید زنی پشت سر جنازه می آید حرکت نفرمود، و دستور داد آن زن را به مدینه بفرستند، تا نگفتند که به پشت دیوارهای مدینه رسید، حرکت نفرمود.

ثواب صبر کردن در فوت فرزند

یازده حدیث، در ثواب صبر در مرگ فرزند، تا جایی که حتی صبر نکند هم، جزای گرفتن فرزند، بهشت است، و از آن جمله خداوند اگر بنده ای را دوست داشته باشد، محبوب ترین فرزندانش را، از او می گیرد 893.

امام حسین تشنه و گرسنه گشته شد

امام زین العابدین (علیه السلام) می فرماید: پسر پیغمبر گرسنه گشته شد، و پسر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) تشنه گشته شد. 923.

سخن نگارنده، چطوری که در گزیده دوم ص 36 نوشتم امام حسین (علیه السلام) با دستگاه شاهی حرکت کرده بود، تا جایی که 202 شتر حامل وسائل آن حضرت بود، و از صد و پنجاه خیمه شاهی ایشان، دو تا را آتش زدند، و بقیه به غارت رفت، این همه عزت برای این بود که، نگویند امام حسین (علیه السلام) چون مال دنیا نداشت، با یزید طرف شد، پس علت گرسنه مردن محاصره شدید بود که، در داخل هر چه بود تمام شد، و از بیرون چیزی نیامد، مگر شوخی است حدود هزار نفر که، شب عاشورا رفتند، هر چه در داخل بود خوردند و رفتند، پس شهداء کربلا هم تشنه، و هم گرسنه خدا را ملاقات کردند.

معنی یتیم در اصطلاح شرع

بر خلاف آنچه در شعر نصاب الصبیان آمده، یتیم بی پدر است و لطیم بی ابوین. امام صادق(علیه السلام)، کسی را یتیم می نامد که، نه پدر داشته باشد و نه مادر 927 .

دست به شطرنج زدی آب بکش

امام صادق(علیه السلام) می فرماید: کسی که با دست شطرنج را جابجا می کند، مثل کسی می ماند که گوشت خوک را جابجا کند، راوی پرسید حکم گوشت خوک جابجا کردن چیست، فرمود آب کشیدن دست است 1018 و جلد 12 ص 241.

ص: 14

امام صادق(علیه السلام) می فرماید، نماز واجبی بالاتر از بیست حج و عمره، و هر حج و عمره ای، بالاتر از خانه ای پر از طلا باشد، که در راه خدا آن را صدقه کنی 26

چه می دانی از نماز

در یکی از روزهای جنگ صفین، که جنگ به شدت انجام می گرفت، امیرالمؤمنین(علیه السلام) به آسمان نگاه می کرد، ابن عباس پرسید نگاه به آسمان برای چیست؟ فرمود، می خواهم بدانم وقت نماز ظهر شده نماز بخوانم، ابن عباس عرض کرد حالا که جنگ، این اندازه آتشش شعله ور است، چه ملاحظه اول وقت کردن است، فرمود پس برای چه با دشمنان نبرد می دهیم، جنگ ما با دشمن صرف برای بقاء نماز است، اضافه کرد نماز شب امیرمؤمنان ترک نشد، حتی در لیلۃ الهزیر. 179 (یکی از شب های جنگ صفین که، قتال باعلی درجه آن رسیده بود)

کعبه قبله حضرت آدم(علیه السلام) و آخرین ذریه او

مستفاد از دو حدیث، قبله بودن کعبه حتی برای حضرت آدم است، که جبرئیل با سایه انداختن ابری، جای کعبه را بر آن حضرت مشخص کرد، و گفت اینجا قبله تو، و قبله آخرین فرزندان توست 217.

کاشتن دندان در زمان امامان(علیه السلام)

از روایات این باب معلوم می شود که، در زمان صادقین(علیه السلام) کاشتن دندان، به جای دندان اصلی، رایج بوده است 302

عمل جراحی در زمان پیغمبر(صلی الله علیه و آله)

سخن نگارنده، چنانچه از روایت مستدرک الوسائل، جلد 3، ص 125؛ به دست می آید که، یک نفر یهودی در زمان پیغمبر(ص) در مدینه عمل جراحی انجام می داد.

ثواب نماز زن در خانه اش 25 مرتبه از نماز جماعت بیشتر است

چطوری که در عروه الوثقی، در مسئله چهارم از فصل فی الامکنه المکروهه، بیان فرموده، بهترین جای برای نماز خانم ها، خانه هایشان است، و بهترین جای خانه هایشان، اتاق انبار خانه است،(1)

حتی از نماز

جماعتی که قصد کرده برود، در خانه در اتاق مخدع نماز بخواند 25 مرتبه، ثوابش بیشتر می باشد، توجه

ص: 15

کنید به روایتی که در کتاب وسائل، از مکارم الاخلاق طبرسی، از قول رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل کرده که، آن حضرت فرمود نماز زن به تنهایی در اتاقش، 25 مرتبه مثل نمازی است که، در جماعت بخواند. 510

امام سجاد (علیه السلام) می فرماید، کسانی که بین مشرق و مغرب هستند، اگر بمیرند من وحشت نمی کنم اگر قرآن با من باشد 582 مخفی نماند که، این حدیث را مرحوم صاحب وسائل، در باب کراهت تنها خوابیدن نقل کرده است.

ص: 16

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید، هر کس بین اذان و اقامه سجده کند، و بگوید «سَجَدْتُ لَكَ خَاضِعاً خَاشِعاً ذَلِيلاً» خداوند محبت او را در دل مؤمنین، و هیبت او در دل منافقین می اندازد 633.

در فرمایش نبوی (صلی الله علیه و آله) آمده، اگر مریض نمی تواند حمد و سوره را در سر نماز بخواند، شما پیش او بخوانید، و به او بشنوانید 692.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وقتی کسل می شد، یا چشم زخم به او می رسید، یا سر درد می گرفت، دستش را باز می کرد، و سوره حمد و هر دو قل اعوذ را می خواند، پس دستش را به صورت می کشید، هر چه بود برطرف می شد 874.

امام هادی (علیه السلام) نهی می کند از گفتن کلمه، و سلام علی المرسلین در قنوت نماز جمعه 907 سخن نگارنده، مخفی نماند که طبق فرمایش نبوی: «أُولَها التَّكْبِيرُ وَ آخِرُها التَّسْلِيمُ»، یعنی نماز با الله اکبر شروع، و با سلام تمام می شود، گفتن سلام علی المرسلین چون کلمه سلام دارد، مشکل می شود، چطوری که در شرایع اشکال کرده است.

مژده ای بر فقهاء

فرمایش امام صادق (علیه السلام): لا ترفع يديك بالدعاء في المكتوبة تجاوز بهما رأسك، 912 را ممکن است، دلیل ابطال فعل کثیر، در نماز گرفت که، این حدیث دلیل لفظی باشد بر ابطال، مضافاً بر دلیل ابطال ما حی صوره، و گفته نشود که دلیل لفظی نداریم، برای وسعت روزی؛ امام باقر (علیه السلام) می فرماید، برای طلب روزی در نماز واجب، در حال سجده به این دعاء: «یا خیر المسؤلین، و یا خیر المعطین، ارزقنی و ارزق عیالی من فضلک، فانک ذو الفضل العظیم» خدا را بخوان 974 و 1157.

هشدار

به دو نکته توجه کنید، 1. این دعاء مخصوص سجده آخر نیست، 2. کلمه عیالی، با کسر عین است، عیال جمع عیال، کجیاد جمع عیال می باشد، در لغت عرب کلمه عیال، به فتح عین به این معنی نیامده است، غفلت نشود که، با فتح عین خواندن، مشکل در صحت قرائت ایجاد می کند. اینکه عرض شد طبق نظر مشهور است لکن در مجمع البحرین کلمه عیال را با هر دو از فتح و کسر آورده است.

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) بعضی از حجره های خویش را اصلاح می کرد، مردی به حضرتش مرور کرد، و عرض نمود، اجازه بدهید عوض شما من این کار را انجام دهم، پیغمبر(صلی الله علیه و آله) اجازه داد، وقتی کار را تمام کرد، نبی اکرم(صلی الله علیه و آله) فرمود اگر حاجتی داری بطلب، عرض کرد بلی از خدا بهشت برایم بطلب، پیغمبر(صلی الله علیه و آله) سرش را پائین انداخت، بعد فرمود باشد، بنده خدا حرکت کرد که برود، پیغمبر(صلی الله علیه و آله) فرمود برای رسیدن به مراد خود، ما را با سجده های طولانی کمک بده.

978

حضرت آدم و یوسف(علیه السلام) حکم قبله را داشتند

در این باب (باب عدم جواز السجود لغير الله) هفت حدیث آمده است، در آنها از سجود ملائکه به حضرت آدم، و از سجود اولاد حضرت یعقوب، در مقابل حضرت یوسف(علیه السلام)، سخن به میان آمده، و فرموده اند که حضرت آدم و یوسف(علیه السلام)، حکم قبله را داشتند، چون سجده بامر الله بوده، پس برای خدا می شود.

تعجب کن از شیوائی بیان

و از قول رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نقل شده، اگر سجده برای غیر خدا جایز بود، زنها را امر می کردم که به شوهرهایشان سجده کنند، و در روایت هفتم باب آمده، امر می کردم شیعیان مان را، بر کسانی که در رسانیدن علوم علی(علیه السلام) وصی رسول خدا(صلی الله علیه و آله) بر آنها واسطه شده اند، سجده کنند 984.

سخن نگارنده، مخفی نماند در تفسیر المیزان به روایت علی ابن ابراهیم، حضرت یوسف هم خودش، جزء سجده کنندگان بوده است برای رسیدن به نعمت وصال، و طبق این روایت حضرت یوسف(علیه السلام) (رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ... (1) الخ، در حال سجده گفته است، جلد 11، ص 278.

غلط نشود

صد مرتبه لا اله الا الله، و صد مرتبه استغفار، و صد مرتبه قل هو الله احد، به علاوه سوره اَلْهٰكُمُ التَّكْوِيْنُ، در وقت خواب را فراموش نکنی که، خاصیت زیادی دارد 1028 و 1030

ص: 18

40 مرتبه تسبیحات اربعه بعد از نماز بگو بعد حاجت خود را بخواه 1032 استغفار که می کنی، اگر با تربت امام حسین(علیه السلام) بشمری، یکی بر هفتاد می شود 1033 .

المؤمن کیسی

خاصیت زیادی دارد گفتن بسم الله الرحمن الرحيم، لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظيم 1050 مخفی نماند در روایات و سائل الشیعه، حرف واو، بین بسم الله و لاحول و لا قوة نیست، و آوردن حرف واو در تعقیب نماز مغرب در مفاتیح الجنان، به روایت مصباح المتهدجین است.

سؤال می شود رو به قبله خوابیدن که مستحب است یعنی چه؟

جواب مثل حالت دفن خوابیدن است حدیث 11 1069 امیرالمؤمنین زیاد دعا می کرد 1085.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید در وقت گرفتاری، اگر توفیق دعا کردن پیدا کردی، بدانکه بلا نزدیک برطرف شدن است. 1099

نتیجه خوبی می گیریم

امام رضا(علیه السلام) فرمود ما اهل بیت(علیه السلام)، از صله کردن بر رحیمی که با ما قطع کرده، و از نیکی کردن بر کسی که بر ما بدی کرده است، نتیجه خوبی می گیریم 1129.

در غیاب برادر دینی دعا کردنت، روزیت را زیاد کرده، و گرفتاریت را برطرف می کند. 1145

از شمشیر برنده تر است

پیغمبر(صلی الله علیه و آله) فرمود پرهیز از نفرین پدر که، از شمشیر برنده تر است. 1162

امان از غفلت های بی موقع

امام باقر(علیه السلام) می فرماید گاهی در وقت رسیدن استجابت دعاء، بنده خدا گناه می کند، دستور عدم اجابت، از طرف خدا به ملک می رسد. 1175

خدا کر نیست

پیغمبر(صلی الله علیه و آله) به کسانی که در صحرا، با صدای بلند تکبیر، و تهلیل، می گفتند، فرمود خدای کر و غایب را که صدا نمی زنید، همانا خدای شنونده، و نزدیک، را می خوانید 1189 امام حسن(علیه السلام) دواى فراموش کردن چیزی را، صلوات بر محمد و آل محمد(علیهم السلام) می داند 1215.

مردی در خدمت امام صادق (علیه السلام) عرض کرد، اللهم صل علی محمد و اهل بیت محمد، (صلی الله علیه و آله) امام (علیه السلام) فرمود تنگ گزفتی، مگر نمی دانی که اهل بیت محمد (صلی الله علیه و آله) پنج تن آل عباس است، عرض کرد پس چطور بگویم، فرمود بگو: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» که، ما و شیعیان ما در این دعا داخل بشویم 1221.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید، وقتی اسم یکی از انبیاء (علیه السلام) ذکر شد، اول صلوات بر محمد و اله بگو، بعد به آن پیغمبر صلوات بگو، صلی الله علی محمد و اله، و علی جمیع الانبیاء 1222.

سخن نگارنده

در بحار الأنوار، جلد 33، ص 139؛ آورده که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در وقت بردن اسم حضرت ابراهیم (علیه السلام)، اول به آن حضرت، بعد صلوات بر محمد و اله گفته است، این از خصوصیات حضرت ابراهیم (علیه السلام) است چطوری که حدیث ص 356 جلد چهارم کتاب مجمع البحرین به صراحت این مطلب را می رساند که، آن حضرت خصوصیات دیگری هم دارد، مثلاً در بهشت همه به سنّ جوان نارس، مگر حضرت ابراهیم (علیه السلام) با محاسن سفید، به ملاحظه احترام ایشان که، فرزندی مثل حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، به علاوه پرچم دار توحید بودن، در وقتی که خبر از توحید نبوده است، مدرک این حرف پیش کسی که، در کتاب تهاویل الربیع غور کند. (1)

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) هم در تشهد نماز، «و اشهد أنّ محمداً عبده و رسوله» می گفت. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در اولین نماز جمعه در خطبه آن «و اشهد أنّ محمداً عبده و رسوله» تعبیر آورده است. (2)

در اینجا مناسب است بیشتری دارد

سؤال می شود، آیا آیه شریفه «ان الله و ملائکته» بعد از هر نماز رسیده؟، بلی که آیه ان الله و ملائکته (در تعقیب همه نمازها رسیده است جواب بلی شیخ طوسی در مصباح المتهدجین، در باب تعقیبات مشترکه، آورده ص 46.

ص: 20

1- . چنانچه در کتاب مستدرک الوسائل، ج 2، ص 365؛ نقل شده در بهشت همه به اسم خوانده می شوند، جز حضرت آدم (علیه السلام) که، او را به خطاب ابو محمد (صلی الله علیه و آله)، خطاب می کنند برای احترام.

2- . مستدرک الوسائل، ج 1، ص 412.

عن امیرالمؤمنین (علیه السلام)، «لا جمعه الا فی مصر تقام فیہ الحدود»، شیخ حدیث را حمل بر تقیّه کرده که، با مذهب اکثر عامه مطابق است 10 چطوری که مرحوم شیخ حرّ مصرّح است: مراد در احادیث جمعه از امام، من یحسن الخطبتین است 12 هر مسافری برای دوست داشتن جمعه، آن را بخواند، ثواب صد جمعه مقیم را خواهد داشت 36 زن نماز جمعه بخواند، یا در مسجد روز جمعه ظهر را چهار رکعت بخواند، ثواب نمازش را ناقص کرده است، در خانه اش چهار رکعت ظهر را بخواند افضل خواهد بود 37 نگاه جلد 3 ص، 510، در باب 33، سه حدیث آمده، در روز جمعه ناخن گرفتن، و کوتاه کردن شارب، در جلب روزی از تعقیب خواند بین الطلوعین هم نافع تر است 48.

امام باقر (علیه السلام): کسی که عارف به حقّ اهل بیت (علیهم السلام) است، در روز جمعه بمیرد، برائت از آتش جهنم، و از عذاب قبر، خداوند برایش روزی می کند، و اگر در شب جمعه هم بمیرد برائت از آتش برایش خواهد بود 64. نگارنده گوید حدیث مصرّح است که، در روز و شب جمعه مردن، این خاصیت را دارد، و مربوط به دفن در آن وقت نیست، و تأخیر دفن تا ممکن است مکروه است، بنابراین نباید برای چیزهای واهی مرده را اذیت کرد.

در فرمایش نبوی (صلی الله علیه و آله)، وقت استجابت دعاء در روز جمعه، موقعی است که نصف قرص آفتاب، غروب کرده باشد 69 و فرمود (صلی الله علیه و آله) واعظ و متعظ هر کدام قبله دیگری است، یعنی در نماز جمعه و عیدین و در نماز برای باران آمدن 86.

در مجالس دینی هیئتی بنشینید

سخن نگارنده، در مستدرک الوسائل، جلد دوم، ص 75، از نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) روایت می کند: در پیش معلّم، و در مجالس علمی، هر کدام در پشت سر دیگری (هیئتی) بنشینید، و مثل اهل جاهلیت متفرق نشینید.

از سؤال حضرت موسی، و جواب رب العالمین، معلوم می شود که در زمان آن حضرت هم، شب قدر، شب عبادت بود 173.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید، خلفای جلوی عمداً خلاف دستور رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کردند، حتی وقتی که از جماعت در نماز نافله، نهی کردم، بعضی از لشگریانم، ندای یا اهل الاسلام غیرت سنّه عمر، سر داد 193.

امام صادق(علیه السلام)، زکات مال را به دو قسمت، تقسیم می کند، ظاهری همان زکات معمولی، و زکات باطنی: اگر برادر دینی ات، بر چیزی که تو داری، محتاج تر است، خودت را بر او مقدم نکنی 30.

نه قسمت از میوه باغ امام صادق(علیه السلام) به دیگران می رسد

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) و امام صادق(علیه السلام)، در موقع رسیدن میوه باغ دستور می دادند چند جای از دیوارهای باغ را خراب کنند، تا مردم بیشتر بتوانند، بیابند از میوه باغ بخورند، امام صادق(علیه السلام) به علاوه این کار، انفاقات زیادی از میوه باغ داشت، به حدی که از میوه چهار هزار دیناری باغ، چهارصد دینار به امام می رسید 140.

امام صادق(علیه السلام): احسانی که به محتاج یا به غیر آن می رسد، اگر هفتاد نفر آن را دست به دست کنند، همه آنها احسان کننده محسوب شده و از ثواب اولی چیزی کم نخواهد شد صدقه دادن قرض را اداء، و برکت می آورد، هفتاد نوع مرگ بد را، دور کرده، و رسیدن خیر را به انسان آسان می کند 255 و روزی با صدقه نازل می شود، مریض ها را با صدقه دادن معالجه کنید، اگر نادار هم هستی، با دادن صدقه با خدا تجارت کن 258.

امام سجّاد(علیه السلام) در صحرا با همراهان غذا میل می فرمود، آهوئی آمد، امام فرمود ای آهو من علی بن الحسین(علیه السلام) هستم، و مادرم فاطمه سلام الله علیهاست، بیا نزدیک آهو آمد و غذا خورد 285 حضرت ابراهیم(علیه السلام) از کسی چیزی نخواست، و اگر کسی از او چیزی خواست نه نگفت، پس خلیل الرحمن لقب گرفت 291.

به شرط اینکه از مردم چیزی نخواهید

عده ای از انصار خدمت رسول خدا(صلی الله علیه و آله) مشرف شده، و از حضرتش تقاضای تضمین بهشت رفتن شان کردند، پیغمبر(صلی الله علیه و آله) سرش را پایین انداخت، بعد بلند کرد و فرمود بلی، به شرط اینکه از مردم چیزی را نخواهید، یکی از آنان اگر در سفر، تازیانه از دستش می افتاد، به رفیق اش نمی گفت آن را به دست من بده، بلکه پیاده می شد بر می داشت دوباره سوار می شد، یا در سر سفره غذا، اگر دوستش بر آب نزدیک بود، به او نمی گفت قدری آب به من بده، 307.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید، از برادران دینی چیزی نخواهید، نکند مشکل شما را حلّ نکند، عصبانی بشوید، غضب کنید، و کافر بشوید، و فرمود شیعیان ما از مردم چیزی نمی خواهند، ولو از گرسنگی بمیرند 309 سخن نگارنده، به احتمال قوی نظر مبارک امام(علیه السلام)، بر درس عفت، در درجه عالیّه آن است، و الاّ از نظر فقهی، کسی از گرسنگی بمیرد، و ممکن باشد با خواستن از کسی، خودش را نجات بدهد، معلوم نیست که مسؤل نباشد.

اگر می خواهی هم خدا تو را دوست دارد، و هم مردم

به بیان رسول خدا(صلی الله علیه و آله) گوش بده، اعرابی عرض کرد مرا راهنمایی کن به عملی که، با بجا آوردن آن، خداوند دوستم داشته باشد، فرمود در دنیا زاهد باش، خدا دوستت بدارد، و بر آنچه در دست مردم است طمع نداشته باش آن وقت مردم هم تو را دوست خواهند داشت 315.

کوچک ترین چیزی که انسان را داخل جهنم می کند

در فرمایش امام باقر(علیه السلام) یک درهم مال یتیم خوردن است، بعد فرمود ما هم یتیم هستیم، یعنی کسی از خمس ما حتی یک درهم را بما نرساند حکم مال یتیم خوردن را خواهد داشت، امام صادق(علیه السلام) می فرماید، من از ثروتمندان مردم مدینه هستم، در عین حال حتی یک درهم را هم، از شما می گیرم برای اینکه پاکیزه شوید.

سخن نگارنده

خداوند در سوره توبه به پیغمبر(صلی الله علیه و آله) دستور می دهد که وجوهات را از مردم بگیرد، تا آنان طاهر و پاکیزه شوند، از امام زین العابدین پرسیدند، شما چرا بیشتر صدقاتتان را شکر و بادام قرار می دهید، فرمود من این دو چیز را دوست دارم، خداوند هم می فرماید به آنچه پیش خداست نمی رسید، مگر اینکه آنچه را که دوست دارید در راه خدا بدهید، روی این حساب کسی که خمس را به مجتهد اعلم می رساند، با گرفتن او، به یک واسطه به دست امام زمان می رسد، و طبق دستور قرآن امام زمان او را دعا خواهد فرمود، و یقیناً دعای آن حضرت ردّ ندارد، در نتیجه مال شخص خمس بده برکت خواهد داشت، مخفی نماند که در ص 35، جلد اول گزیده، روایتی نقل کردیم که انضمام آن به این مطلب، هر دو را پر آب می کند.

امام صادق(علیه السلام) فرمود خمس را نمی دهد، مگر کسی که قلبش با ایمان امتحان شود 338.

امام کاظم (علیه السلام) بر روزه داران می فرماید، خواب قیلوله کنید، زیرا که خداوند بر آدم روزه دار، در حال خواب غذا و آب می دهد 98 سخن نگارنده، تجربه هم نشان داده، آدم روزه دار پس از آنچه قدری خوابید، احساس سبکی می کند.

ثواب افطاری دادن و سحری خوردن

امام باقر (علیه السلام) می فرماید، اگر روزه داری را در خانه ام، افطار بدهم، برایم بهتر است از اینکه، چقدر غلامان از آل اسماعیل، (علیه السلام) را آزاد کنم 102 پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید سحری تناول کنید، ولو با یک جرعه از آب، آگاه باشید صلوات خدا، باد بر کسانی که سحری می خورند، 104 امام صادق (علیه السلام) می فرماید کسی که روزه مستحبی گرفته، وارد خانه برادر دینی بشود، بدون اینکه با او بگوید روزه ام، افطار کند، (و منت بر او نگذارد، که با خواهش تو افطار کردم) خداوند ثواب یک سال روزه بر او می دهد 110 سخن نگارنده: این همه احترام برای ایمان مؤمن است، خداوند چه احسانی بر شیعه امیرالمؤمنین (علیه السلام) می کند، از برکت انتساب ما بر آن حضرت، خداوند به حق سیدالموحیدین علی (علیه السلام)، این لطف را از ما نگیرد.

دوازده خاصیت برای افطار با آب ملول، البته مطلق شیرینی، مخصوصاً رطب، و خرما، در درجه اول است 113.

مسئله

خانمی که می تواند برای بچه اش دایه بگیرد، حق افطار روزه ندارد غفلت نشود 154 امام صادق (علیه السلام) می فرماید، در امت های گذشته، روزه ماه رمضان، فقط بر پیغمبران آنها واجب بود، از برکت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) امت محمدی برتری گرفت، در وجوب روزه رمضان بر آنان مثل پیغمبرشان. 172

امام صادق (علیه السلام) می فرماید، وقتی خواستند سر امام حسین (علیه السلام) را ببرند، ملکی ندا داد: و فرمود، ای امتی که بعد از پیغمبرتان گمراه شدید، توفیق درک عید فطر و اضحی، از شما سلب شود، امام صادق اضافه کرد، و فرمود، تا انتقام حسین (علیه السلام) گرفته نشود، به عید فطر و اضحی نایل نخواهند شد.

سخن نگارنده، این نفرین ملک بر اهل خلاف بود، نکند خدا ناکرده ما هم در سایه مسامحه، در افطار روز عید فطر، گرفتار نفرین ملک شویم.

در خطبه معروفه که، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در پیش از آمدن ماه رمضان، سخنرانی فرموده است، در آخر آن از قول امیرالمؤمنین آمده، سؤال کردم بهترین اعمال در این ماه کدام است، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود «الورع عن محارم الله» 227.

سخن نگارنده، این سؤال اگر از انسان معمولی شود، هر کس یک نوع جواب می دهد، یکی گوید افطار دادن، و دیگری گوید قرآن خواندن، و و، لکن اشرف کائنات نبی مکرم، دست روی جنبه منفی قضیه گذاشت، و فرمود بهترین اعمال در ماه رمضان ترک گناه است.

زراره به امام صادق (علیه السلام) عرض می کند، فدایت شوم چهل سال است از مسائل حج سؤال می کنم، هنوز جواب می دهید، امام فرمود ای زراره، بیستی که دو هزار سال قبل از خلقت حضرت آدم، بر آن طواف می شد، می خواهی در عرض چهل سال، مسائل آن تمام شود در دو حدیث: حج کنید ثروتمند شوید. حج جهاد هر ضعیفی است 7.

اگر چیزی را گم کرده باشی

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید، دو رکعت نماز می خوانی در هر رکعت بعد از حمد، سوره یس می خوانی، وقتی نماز را تمام کردی، بگو «یا هادی الضالّه رُدَّ عَلَيَّ ضَالَّتِي»، انشاء الله پیدا می شود 308.

مفضل بن عمر گوید به خدمت امام صادق (علیه السلام) مشرف شدم، امام سؤال کرد با که آمدی، عرض کردم با یکی از برادران ایمانی، فرمود پس او کجا رفت، گفتم از آن وقتی که وارد این شهر شدم، از او خبری ندارم، امام (علیه السلام) فرمود مگر نمی دانی کسی که، با یک مؤمنی چهل قدم راه برود، خداوند روز قیامت، از او سؤال خواهد فرمود 104.

امام صادق (علیه السلام) فرمود، از شیعیان ما نیست کسی که، در وقت غضب کردن، خودش را کنترل نکند.

انسان در وقت مرگ دوستان خود را می بیند

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید در وقت مرگ دوستان آدمی بر او مجسم می شوند، ببینید با که دوست می شوید، (که در آن وقت حساس، از دیدن آنها لذت ببرید، یا خدا ناکرده دیدن آنان وسیله ذلت شما شود) 411

امام صادق (علیه السلام) می فرماید، بهترین دوستان من کسی است که، عیب هایم را بر من تذکر بدهد. 413

امام صادق (علیه السلام) می فرماید بنده خدا تا ساکت است، برای او حسنه می نویسد، وقتی شروع به حرف زدن کرد، نگاه می کنند به حرفش اگر خوب بود حسنه، و اگر حرف خلافی زده باشد، سیئه می نویسند. 529

سخن نگارنده این حدیث، مؤید بیان مقدمه نویس بر جلد 29 بحار الأنوار است، که مرقوم کرده، مؤمن برای اصل ایمانش هر دقیقه ثواب می برد.

توجه 1:

اگر پیش تو غیبت کسی می شود، و تو هم قادر بر رد آن هستی نکردی، و با خنده ات، یا با عجب عجب گفتنت، طرف را تشویق بر غیبت کردی، طبق بعضی از روایات گناه تو هفتار مرتبه از گناه گوینده بیشتر خواهد شد. 600

توجه 2:

گاهی ممکن است بر یک حرف زدن، گناهان کبیره زیادی، بار شود، مثل غیبت، و افتراء، و تولید عداوت، و خیانت، و دروغ، اهانت مؤمن، و و، شمردم 25 گناه شد. اصل تهاویل الربیع، جلد 4، ص 100.

ص: 27

جناب حاج آقا انشاء الله در مسجده شجره لباس احرام پوشیدی، و تکبیر گفتی، فراموش نکن که خلاف احتیاط است، بیدار را که در دو کیلومتری آن واقع شده است، بدون لبیک گفتن بگذرانی. 46

از صدای خر هم بدتر است

متمتع با دیدن بیوت مکه، باید تلبیه را قطع کند، و کسی که برای عمره مفرده بعد از حج احرام بسته، لازم است با دیدن مسجد الحرام، یا کعبه، قطع تلبیه کند، بالا-خره در مطاف تلبیه نیست، پس جای دارد وقتی امام باقر(علیه السلام)، بشنود که اهل خلاف در اطراف کعبه، تلبیه می گویند، بفرماید و الله صداهای اینها، پیش خدا از صدای خرها بدتر است. 57

در حجر اسماعیل، قبر آن حضرت، و مادرش حضرت هاجر، و دخترانش، و قبور انبیاء(علیهم السلام) واقع شده است. 430

جلد دهم وسائل الشیعه

امام حسین(علیه السلام) فقط احرام عمره بسته بود

دو حدیث دلالت دارد بر اینکه، امام حسین(علیه السلام) در سال حرکت به کربلا، مستقیماً احرام برای عمره مفرده بسته بود، و در حدیث صحبت از تبدیل عمره تمتع به عمره مفرده خبری نیست. 246

کسی که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را در زمان حیات، و یا پس از شهادتش، زیارت کند، و یا امیرالمؤمنین(علیه السلام)، و امام حسن و حسین(علیهما السلام)، را زیارت کند، پیغمبر(صلی الله علیه و آله) بر خودش لازم می داند که، او را در روز قیامت زیارت کرده، و شفاعتش بکند. 256

نبی اکرم(صلی الله علیه و آله) می فرماید، اگر از نزدیک مرا نتوانستید زیارت کنید، از دور سلام بدهید که، به من خواهد رسید. 263

اشتباه نشود

امام رضا(علیه السلام) می فرماید: به اندازه بالا-بودن مقام امیرالمؤمنین(علیه السلام) بر امام حسین، زیارتش هم، بر زیارت امام حسین(علیه السلام)، بافضیلت تر می شود. 297

سخن نگارنده، چطوری که در جلد دوم گزیده تهاویل الربیع، ص 44، از کتاب مدینه العلم، روایت کردم که، یک شب را در نجف صبح کردن، از عبادت هفتصد سال، و در کربلا از عبادت هفتاد سال، بالاتر است، معلوم می شود که ثواب زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) از زیارت امام حسین (علیه السلام) بیشتر است، پس زهی کم ادبی است شیعه ای که اول به نجف مشرف شده عجله کند و از زیارت امیرالمؤمنین حظ کامل خود را نگیرد، پس روی این حساب افضل زیارات زیارت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می شود که، به اندازه بالا بودن مقام رسالت، بر مقام ولایت، زیارت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بر زیارت امیرالمؤمنین با فضیلت تر می شود.

بیان رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، ثواب زیارت امام حسین (علیه السلام) را، و تعجب عایشه از زیادی ثواب آن، تا رسید به اینکه ثواب زیارت آن حضرت، مساوی است با ثواب هفتاد حج، و عمره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) 351 ثواب زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه، مساوی است با یک میلیون حج و عمره با امام زمان، عجل الله فرجه الشریف، و با یک میلیون عمره با رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، به علاوه ثواب هزار غلام آزاد کردن، و هزار اسب در جهاد راه انداختن، و خداوند این زائر را صدیق نامیده، و در زمین کزوبی خوانده می شود، 359 امام صادق (علیه السلام) اگر دسترسی به زیارت امام حسین (علیه السلام) از نزدیک نداری، برو پشت بام خانه به طرف راست و چپ نگاه کن، بعد سرت را بالا بیاور، و به طرف کربلا نگاه کن، و این زیارت را بخوان: «السلام علیک یا ابا عبدالله، السلام علیک و رحمة الله و برکاته»، بر تو ثواب حجة و عمره خواهد بود. 386

امام باقر(علیه السلام)، در آن نامه ای که به یکی از خلفای بنی امیه نوشت، در آن مرقوم فرمود، جهاد برای تقویت دین است، نه اینکه از اطاعت بنده خدائی، به اطاعت دیگری دعوت کردن باشد 7؛ جهاد با آن اهمیت و ثوابی که دارد، پیغمبر(صلی الله علیه و آله) به جوانی که پدر و مادر پیر داشت، فرمود قسم به آن خدائی که جان من در قبضه قدرت اوست، اگر پدر و مادرت یک شبانه روز با تو انس بگیرند، از جهاد یک سال بر تو بالاتر است. 13

حقیقت چقدر شیرین است؟

سخن نگارنده، اسلام به مجرد ناراحتی پدر و مادر، به جوان اجازه می دهد که، در برنامه جهاد شرکت نکند، و میدان جهاد رفتن او را، با اجازه پدر و مادر ارزشمند می داند، با این همه در سایه تربیت رسول خدا(صلی الله علیه و آله)، هم جوانان، و هم پدر و مادرهایشان، با عشق خاصی شرکت می کردند، در جهان فعلی، اگر یک دقیقه سرباز بودن جوان، مشروط به رضایت پدر و مادرش باشد، پادگان ها همه تعطیل می شود، حقیقت چقدر شیرین است، عرب جاهلی که، با دست خود دخترش را زنده به خاک می کرد، و چنان عاطفه که، از غرائز رسمی انسانی است از دست رفته بود، از این کار خود ناراحت نمی شد، پیغمبر(صلی الله علیه و آله) از همان ها، طوری انسان هائی تربیت کرد در فتح مصر، بعد از تمام شدن جنگ متوجه شدند که، بالای یکی از خیمه ها، مرغی تخم گذاشته است، در وقت جمع آوری چادرها، آن یکی را جمع نکردند که، مرغ بیچه اش را بزرگ کند، و می گویند شهری که در جای آن خیمه برپا شده است، فعلاً هم اسمش فسطاط است.

جهاد زنان، از نظر امیرالمؤمنین، بهتر کردن شوهرداری، و صبر بر زحمت، و احیاناً اذیت آنان است. 10

روایت شش صفحه ای از امام صادق(علیه السلام) در شرایط جهاد 23؛ امیرالمؤمنین(علیه السلام) وقتی که می خواست به جنگ شروع کند، از جمله موعظه هایش: سفارش به نماز، و زیاد کردن آن، و تقرب جستن به خدا به واسطه آن بود 70؛ رسول خدا(صلی الله علیه و آله) غیبت نکردن را، از جمله وسائل رسیدن به خیر دنیا و آخرت قرار داده است 181 امام باقر(علیه السلام) می فرماید، کسی که از شما معصیت خدا می کند، ولایت ما، به حال او نفع نخواهد داشت، وای بر شما مغرور نشوید، وای بر شما مغرور نشوید. 185

سخن نگارنده: خوشم می آید، از بیان کتاب چهل حدیث که، در ص 363 می فرماید: ائمه ما(علیهم السلام)، با اینکه رحمت واسعه خداوندی را قائل بودند، از رسم بندگی شان، هیچ دریغ نداشتند، پس

تفویضی بودن ما در امور دینی، که خیال کنیم که، غیر از اسباب ظاهری، مؤثر دیگری در کار نیست، و

جبری شدن ما در امر آخرت، از غ-رور ما بوده، و تسوی-ل شیطان است، عملاً ما ائمه مان را تکذبی-ب می کنیم، و خیال می کنیم که آنان به رحمت خدا عقیده نداشتند که، این همه بندگی می کردند.

در دو حدیث، امام صادق(علیه السلام) می فرماید از شیعیان ما نیست کسی که، در شهر صد هزار نفری، دیگری باتقوا تر از او باشد 194 در وصیت پیغمبر(صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین آمده: یا علی(علیه السلام) در وقتی که اشرار قدرتمند باشند، آدم پست در ته چاهی هم باشد، بادی او را بیرون می اندازد که بیاید بر نیکان مسلط باشد 217 امام رضا(علیه السلام) می فرماید، بندگان خدا وقتی گناهان تازه ای را مرتکب شدند، گرفتار بلاهای تازه ای می شوند؛ پیغمبر(صلی الله علیه و آله) فرمود کسی در وقت گناه کردن خندان باشد، در حال گریه وارد آتش می شود. 240

امام صادق(علیه السلام)، به مفضل بن عمر فرمود، شیعیان ما را از گناه کردن بترسان، زیرا هر مصیبتی و ناراحتی بر ایشان می رسد، نتیجه گناهان است، حتی امکان دارد در موقع جان دادن، به سختی جان بدهند که، هر نگاه کننده ای بگوید سخت جان داد، همه اینها برای این است که، نتیجه گناه را در دنیا ببینند، و برای آخرت چیزی نماند. 241

امام صادق(علیه السلام) می فرماید، عاق والدین را خداوند در قرآن، جبار و شقی خوانده است، (سوره مریم، آیه 32) 252 امام رضا(علیه السلام) استفاده کردن از آلات موسیقی، و کمک کردن بر ظالمین، و ارتباط با آنها داشتن را، از جمله گناهان بزرگ خوانده است 261 در مذمت شدید ریاست دوستی، و انجام دادن آن بر غیر اهلش، تا جائی که از امام می پرسد عزّیف (سابق قوم ما) از دنیا رفته است، و فامیل می خواهند مرا جایگزین آن کنند، بپذیرم یا نه؟ امام می فرماید اگر از بهشت رفتن بدت می آید بپذیر 280 کسی از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) موعظه خواست، و این خواستن را سه دفعه انجام داد، در جواب هر سه سؤال، فرمود برو غضب نکن 288

در حدیث قدسی، خداوند به حضرت داود وحی فرمود، اگر بنده مؤمنم، پس از انجام گناه توبه کرده، و هر وقت آن گناه را یاد کند از من خجالت بکشد، گناهش را بخشیده، و از یاد ملائکه حافظ اعمال، می برم، و تبدیل به حسنه هم می کنم، و باکی هم ندارم، زیرا که من ارحم الراحمین هستم. 359

پیغمبر(صلی الله علیه و آله) فرمود، خداوند دشمن می دارد مؤمن ضعیف بی دین را، عرض کردند آن کیست؟ فرمود کسی که نهی از منکر نکند. 397

امام کاظم(علیه السلام) بر هارون الرشید وارد شد، دید خیلی غضب کرده بر کسی که گناهکار است، و دستور داد عوض یک حدّ، سه حدّ بر او بزنند، امام فرمود غضب تو برای خداست، بیش از آنچه خدا غضب کرده غضب نکن. 417

سخن نگارنده، امام(علیه السلام) می خواهد بفرماید که، هوا و هوس خودتان را به حساب شرع نگذارید، و مردم را بر دین بدبین نکنید، همین هارون ملعون در نزدیکی مرگش، کسی را که، از او ناراحت بود گرفتند و آوردند، دستور داد قصاب آمد او را زنده زنده، مثل گوشت گوسفند ریزه ریزه کرد، بعد به درک رفت، همین هارون ها بودند که، خودشان را امیرالمؤمنین می نامیدند، و هر غلطی را می کردند، به حساب دین می گذاشتند.

پیغمبر(صلی الله علیه و آله) در شب معراج دید، لب های عده ای را، با قیچی های آهنی می برند، از جبرئیل پرسید، اینها کیان اند، عرض کرد واعظ های امت تو هستند، که مردم را به خیر دعوت می کنند لکن خودشان عامل آن نیستند، پیغمبر(صلی الله علیه و آله) در وصیت بر ابوذر فرمود، جماعتی از اهل بهشت، بر قومی از اهل آتش نگاه می کنند، و می گویند چرا شما در جهنم هستید، در حالی که ما با موعظه شما وارد بهشت شده ایم، آنان در جواب می گویند ما به گفته خود عمل نکردیم گرفتار شدیم. 420

کاری نکن زنده باد گویانت، مرده باد گویند

پیغمبر(صلی الله علیه و آله) فرمود کسی که، رضایت مردم را به معصیت خدا طلب کند، تعریف کنندگان او، مذمت کنندگان می شوند (زنده باد گویانش، مرده باد گو می شوند) 422

از عبارت یعقوب فرزند میثم التمار، استفاده می شود که، مرحوم پدرش کتاب ها، یادداشت هائی، از بیانات امیرالمؤمنین(علیه السلام)، تألیف کرده بود. 444

امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرماید، بهترین کارها، حفظ آبرو با مال است. 451

امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرماید، کسی از تو چیزی خواست احترام روی خود را پیش تو نگرفت، تو احترام روی خویش را، بار دگر کردن بگیری. 536

پیغمبر(صلی الله علیه و آله) فرمود ذکر علی(علیه السلام) عبادت، یعنی یادآوری امیرالمؤمنین، و نقل فضائل و مناقب حضرتش، عبادت است، امام(علیه السلام) می فرماید سخت ترین چیزی، بر ابلیس و لشگر او، زیارت مؤمنین همدیگر را برای رضای خداست. 568

خدایا نان را بر ما مبارک گردان

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) دعا می کند، و می فرماید خدایا نان را بر ما مبارک بگردان، و بین ما و آن جدائی نینداز، زیرا که اگر نان نباشد، نه می توانیم نماز بخوانیم، و نه می توانیم روزه ای بگیریم، و هیچکدام از واجبات خدایمان را، نمی توانیم به جای بیاوریم. 17

سخن نگارنده

پناه می بریم بر خدای، انسان بدون نعمت نان، و چیزهای دیگری که جانشین آن می شوند، از آوردن هر کار نیکی کاملاً عاجز بوده، و برای هر گونه فساد آمادگی دارد، مثلاً در فتنه افغان، مردم اصفهان هر چه را داخل شهر داشتند تمام کردند، و چون از بیرون چیزی نرسید، به حدی گرفتار شدند که، مردهائی که تازه دفن شده اند، از قبرها در آورده و خوردند و در فتنه زنج (سال 72 و 73 هجری قمری) در بصره، راوی می گوید بر زنی مرور کردم که داشت با های های می گریست، از علت آن پرسیدم، گفت گریه ام برای این نیست که، خواهر مهربانی را از دست داده ام، بلکه برای این است که، در تقسیم گوشت آن، سهم من فقط سر او شده است، می گویم سر استخوان خالی است، من گوشتی ندارم که، از آن استفاده کنم، حالا که انسان مثل سایر حیوانات، داخلش خالی است، و احتیاج به پر کردن آن دارد، چرا این همه کفران برای وسائل خوراکی می شود، و نهی از منکری در این مورد اتفاق نمی افتد، مدرک این دو موضوع را، از کسی پرسید که، در مطالعه مجلدات اصل تهاویل الربیع، غور کرده است، خداوند تأیید کند کسی را که، تهاویل را مثل سایر کتب راهنما دار کند، به حق آنانی که در پیش او مقربند، مخصوصاً محمد و آل او (صلی الله علیه و آله).

راوی می گوید، امام صادق را دیدم بیل در دست گرفته، و در باغ خودش مشغول کار است، و عرق از پشت مبارکش می ریزد، عرض کردم فدایت شوم، اجازه بدهید من عوض شما کار کنم، فرمود نه، دوست دارم که در طلب روزی، از کسانی که حرارت آفتاب آنان را اذیت می کند، باشم. 23

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در وصیتنامه خویش به فرزندش محمد حنیفه فرمود، روزی دو روزی است، یکی روزی است که تو باید به سراغ آن بروی، و روزی دیگری است که آن تو را می باید، پس زحمت یک ساعت را، بر یک روزت بار نکن، تا آخر وصیت. 31

اگر گرفتار کمی روزی هستی

به امام صادق از کمی روزیش شکایت می کند، امام(علیه السلام) دستور می دهد یک چیزی از وسائل خانه را که، به ده درهم بفروشد، و عده ای از برادران دینی اش برای طعام دعوت کند، وقتی که غذا نوش جان کردند، از آنان خواهش کند برای وسعت روزی او دعا کنند، راوی طبق دستور امام رفتار کرد، به وسعت عجیبی رسید. 32

زمین فروختی زمین دیگر بخر

در این باب (24) 9 حدیث آمده، در استحباب خریدن زمین، و کراهت فروش آن، مگر اینکه پول آن را در خریدن زمین دیگر مصرف کند، و در اینکه زمین های انسان، نزدیک هم نباشند زیرا که اگر آفتی رسید همه را در بر می گیرد، و در صورت تفرق، یکی اگر رفت دیگری جایگزین آن می شود. 44

نگارنده گوید به چشم خود دیدم که، یکی از فامیل ها، مغازه های متعددی در کنار هم داشت، وقتی در مسیر خیابان قرار گرفتند، فقط حدود یک متر زمین برایش ماند، خداوند برکت بدهد بر ائمه مان، چه راهنمایی های لطیفی کرده اند که، جامع سعادت دنیا و آخرت عالم بشریت است، اگر فرمانبری داشته باشیم.

روایات باب (66) دلالت بر مدح تجارت، و بر کراهت اجیر شدن انسان دارد، چون اجیر شدن، سر روزی بستن دارد. 175

هدیه باید چیز خوب و درد بخور باشد

امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرماید، اگر بر برادر دینیم هدیه ای بدهم که، به دردش بخورد، بهتر است از این که، اندازه آن را به فقیر صدقه بدهم، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود به همدیگر هدیه بدهند، بر محبت ها بیفزایند. 213

سخن نگارنده، کلام الملوک الملوک الکلام، دقت بفرمائید امیرالمؤمنین اهمیت می دهد، به هدیه ای که به درد طرف بخورد، بر خلاف آنچه فعلاً مرسوم شده که، اگر چیزی را به دیگری بدهند، به وسائل درد نخور خانه اضافه می کنند.

روی داد خطرناک

امام صادق(علیه السلام) می فرماید، خانه ای که در آن آواز خوانی می شود، از روی دادهای خطرناک محفوظ نبوده، و دعا در آن مستجاب نیست، و ملائکه رحمت داخل آن نمی شوند. 225

سخن نگارنده، فرمایش امام مربوط به خانه ای است که، فقط از صدای گلو استفاده شود، و اگر به علاوه وسائل موسیقی باشد، خطرش بیشتر خواهد شد، کسانی که از چنین مجالسی بهره مند هستند، دیگر آرزوی صالح بودن فرزندان را نکنند، و اگر پسرهایشان، آمادگی برای ازدواج، از خود نشان ندادند، گله نکنند و اگر خدای نکرده اتفاق بدی رخ داد، خودشان را سرزنش بکنند اللهم بلغنا.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید، خداوند بر نیک و بد مردم منت گذاشت که، نوشتن و حساب کردن را به آنان تعلیم کرد، و گرنه گرفتار غلط درکارها می شدند. 298

زیاده نویسی نکنید

امیرالمؤمنین(علیه السلام)، به کارمندان اش دستور می داد سر قلم هایتان را نازک کنید، و در نامه ها بین سطور را خالی نگذارید، و از زیادنویسی دوری کرده، و فقط حرف های لازم را بنویسید، زیرا اموال مسلمانان طاقت تحمل ضرر را ندارد. 299

مضمون روایات این دو باب (31 و 32) این است در عین حالی که، ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین، آذوقه یک سال را یک دفعه تهیه می کردند، و می فرمودند نفس انسانی، از احساس خاطر جمعی، پشتش سبک می شود، حتی در روایت است که، به سلمان فارسی(رضوان الله علیه) گفتند، تو با داشتن این همه زهد، چرا آذوقه یک سال را یک دفعه تهیه می کنی، در حالی که نمی دانی کی خواهی مرد، فرمود چطوری که برای من فکر مردن می کنید، فکر زنده بودن هم در نظر بگیرید، نفس انسانی وقتی روزی خود را حاضر ببیند مطمئن می شود، با این همه در وقت گرفتاری مردم، ائمه(علیهم السلام) با آنان معشیت خودشان را تطبیق می کردند، وقتی مردم عادی گندم را با جوقاطی می کردند، آنان هم همین کار می کردند، و اگر مردم عادی غذای هر روز را در آن تهیه می کردند، امامان هم اضافی آذوقه را می فروختند، مثل مردم نان لازم هر روزی را، در آن روز می خریدند 320 و 321.

روایات باب 44، دلالت دارند بر مکروه بودن تقاضای کم کردن چیزی از فروشنده، بعد از تمام شدن گفتگو، و ماسیدن عقد معامله، 333

روایت باب 47، دلیل است بر استحباب کتمان منبع درآمد که، برادران دینی ندانند زندگی انسان از چه راهی تحصیل می شود. 336

به امام صادق(علیه السلام) عرض می کند، شخصی از پیش ما به مسافرت رفته، در برگشتی با پول زیادی می آید، نمی دانیم از حلال جمع کرده، یا از حرام، امام فرمود نگاه کن در چه مصرفی مصرف می کند، اگر در حرام خرج کرد از حرام است. 339

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود، زمانی می آید مردم از خدایشان شکایت می کنند، مرد می گوید والله از چه وقتی سود نکرده ام، و هرچه خرج می کنم از سرمایه است، باید گفت وای بر تو، آیا اصل سرمایه و منفعت آن را، غیر خدا به تو داده است. 340

امام رضا و رسول خدا(صلی الله علیه و آله) از راهی که می رفتند در برگشتنی از راه دیگر برمی گشتند، امام فرمود این کار در جلب روزی مؤثر است. 341

بلی که رباخوار فقیر است

از امام صادق(علیه السلام) می پرسد، قرآن می فرماید (يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا) (1) یعنی خدا سود ربا را نابود می کند، در حالی که می بینیم رباخوار خیلی ثروت به خود جلب می کند، امام فرمود، کدام نابودی بالاتر از نابودی دین است، و علاوه وقتی توبه کرد و هر چه از مردم گرفته بود رد کرد، فقیر می شود. 424

امام صادق(علیه السلام) می فرماید، خداوند اگر بخواهد قومی را هلاک کند، ربا بین آنها رایج می شود 427 سخن نگارنده، در کتابی می خواندم، هتلر برای حفظ اقتصاد آلمان، ربا را تحریم کرد، متأسفانه در مملکت اسلامی، مردم مسلمان هم می گویند، برو بالا، نزدیک است مثل جاهلیت قبل از بعثت پیغمبر(صلی الله علیه و آله)، ربا به صدی صد هم برسد، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود زمانی می آید مردم رباخوار می شوند، و هر کس از آن فرار کند، گرد ربا او را می گیرد(2)

حالا- کتک اینها را می خوریم، و در آینده چه خاکی بر سر خواهیم کرد، اکثر این رباخواری ها برای تکثیر ثروت است، امام صادق می فرماید ناله های مردم درباره درآمد، برای نبود ثروت بیشتر است، و الا روزی می رسد(3)

شما را به خدا در کدام اسلام آمده که، نرخ های ربا را در تابلوهای بزرگ بانک ها، و حتی سر راه های بزرگ، اعلان کنند پیغمبر(صلی الله علیه و آله) می فرماید وقتی امت من رباخوار شدند گرفتار زلزله و خسف (غرق و فرو رفتن در زمین) می شوند. (4)

علی بن جعفر از برادرش امام کاظم سؤال می کند، کسی به دیگری صد درهم می دهد که، با آن کار کند، و شرط می کند پنج درهم یا کمتر یا بیشتر، برایش بدهد، فرمود این ربای محض است. 437 سخن نگارنده متأسفانه، این همان است که، در زمان ما اسمش را مضاربه می گذارند.

ص: 36

1- . سوره بقره، آیه 276.

2- . مستدرک الوسائل، ج 2، ص 478.

3- . مستدرک الوسائل، ج 2، ص 637.

4- . مستدرک الوسائل، ج 2، ص 479.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید اگر در قرض بدون اینکه شرط کند، قرض گیرنده چیزی اضافه داد، بگیرد حرام نیست، ولكن ثواب قرض حسن را نخواهد گرفت، این است معنی فرمایش قرآن، (فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ) (1).

ص: 37

1- . سورة روم، آیه 39.

وسائل الشیعه جلد سیزدهم

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید از قرض گرفتن پرهیز کنید که آن دین شما را به خطر می اندازد و در روایت ششم باب می فرماید به خدا پناه می برم از کفر و قرض، عرض کردند مگر کفر و قرض برابرنه فرمود بلی 77 نگارنده گوید چطوری که روایات باب (1) می رساند بدون احتیاج قرض گرفتن مکروه است، متأسفانه در زمان ما مد شده است، همین که می گویند در فلان مؤسسه وام می دهند، مردم سراغ آن می روند با ملاحظه اینکه، اکثر وام ها، ربوی اند، و از خدا نمی ترسند، گویا که کتاب و سنت هیچ نهی از ربا نکرده اند.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید، بدهکار اگر مرد، و طلب کار نخواست حش را بگیرد و حلال کرد، برای هر درهمی، ثواب ده درهم را خواهد داشت 111

امام صادق (علیه السلام) می فرماید، بدهکار را اگر کسی کشت، قرضش را اگر مالی دارد از آن ادا می کنند، و اگر مالی نداشته باشد، باید از دیه اش قرض او را اداء کنند، اگر صاحب خون کسی که، قرض دارد و مال ندارد، خواست قاتل اش را قصاص کند، باید اول بدهی او را بدهد، بعد قصاص کند. 112

وسائل الشیعه جلد چهاردهم

امام صادق (علیه السلام) می فرماید غالب ترین دشمن مؤمن زن بد اوست. 12

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود بهترین زن های امت من، با داشتن صورت های زیبا، کم مهر بودن آنان است. 16

ابن امّ مکتوم اجازه وارد شدن به خانه پیغمبر (صلی الله علیه و آله) گرفت، و عایشه و حفصه در خدمت آن حضرت بودند فرمود بلند شوید و داخل اتاق گردید عرض کردند او که کور است فرمود شما که می بینید و در مثل این قضیه به ام سلمه و میمونه فرمود شما هم کورید؟ 171

هدیه ای بر فقها

مرحوم حرّ عاملی، باب 16 را به لفظ، باب «انه لایجوز ان ینکح ابو المریض فی اولاد صاحب اللبن، و لا فی اولاد المریضه و لاده»، عنوان کرده است 306 و سر زبان ها این عنوان را به لفظ روایت نسبت می دهند، و لذا گاه گفته می شود کلمه نکح با «فی» هم، متعدی می شود چطوری که، با «من» و «باء»

متعدی می شود (1).

لکن مخفی نماند در این باب دو حدیث داریم، و در هیچکدام حرف «فی» نیامده است،

ص: 38

1- انشاء الله در استطراف تفسیر المیزان جلد 19، ص 9، خواهد آمد که حرف من و باء در مثل انکحت و زوجت برای تعدیه نیست زیرا که خودشان متعدی به نفس هستند.

و لایخفی ایضاً حدیث 10، ص 296، مضمونش همین مضمون حدیثین این باب را دارد، پس این باب شامل سه حدیث می شود. و هکذا در مستدرک الوسائل، جلد 2، ص 574، عنوان باب را مثل وسائل عنوان کرده و یک حدیث هم نقل کرده لکن آنجا هم لفظ «فی» نیست.

ابوجعفر (علیه السلام)، با آیه (وَ حَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْدَابِكُمْ) (1)، استدال می کند به اینکه امام حسن و حسین (علیهما السلام)، فرزند صلبی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هستند، چون زن این دو امام همام، به رسول خدا محرم است یقیناً، و آیه هم، زن فرزند صلبی را بر پدر، محرم می کند. 316

روایات باب 6، دلالت دارند بر اینکه، اگر کسی با زنی زنا کند، حق ندارد با مادر و دختر آن زن ازدواج کند. 322

ص: 39

امام رضا(علیه السلام) می فرماید، افراد عادی چون از مدت عمر خودشان خبر ندارند، مثل مهری را که، حضرت موسی(علیه السلام) با دختر شعیب قرار گذاشت، اگر بگذارند، درست نخواهد شد 33

زن عمر با او هجرت نکرد، پس از هجرت شوهرش، با معاویه ازدواج کرد، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) مهری را که عمر به زنش داده بود، به عمر داد. 38

می خواهید رسول خدا(صلی الله علیه و آله) سر بلند باشد؟

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) می فرماید فرزند زیاد تولید کنید، من با زیادی شما امتم، در مقابل امت های دیگر، در روز قیامت افتخار خواهم کرد. 96

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) می فرماید فرزند صالح گلی است از گل های بهشت. 97

امام حسن عسکری به رفیق زندانی اش، از خدا فرزند طلب می کند که، در زندگی یار و یاور پدر باشد، پس امام(علیه السلام)، این شعر را انشاد می کند،

یعنی هر کس فرزند داشته باشد حق او را از دیگران می ستاند، دلیل کسی است که فرزند نداشته باشد. 99

اگر می خواهی فرزندت پسر شود؟

تصمیم بگیر اسمش را محمد، یا علی، بگذاری و پس از پسر شدن تصمیم خود را عوض نکن که، ازت نگیرند، و اگر علی نام گذاشتی، از عمر طولانی بهره مند می شود این مطلب مضمون سه حدیث از پیغمبر(صلی الله علیه و آله) و امام صادق و امام رضا(علیهم السلام) است 112 امام رضا(علیه السلام) می فرماید جبرئیل(علیه السلام) بر حضرت مریم تمر صرفان، که یک قسم خرما است، آورد، با خوردن آن بر حضرت عیسی(علیه السلام) حامل شد 135

پیغمبر(صلی الله علیه و آله) پس از نایل شدن به مقام نبوت، برای خودش عقیقه کرد 145 با اینکه حضرت ابوطالب در روز هفتم ولادتش، برایش عقیقه کرده بود، و اهل بیت خود را برای ولیمه آن، دعوت کرده بود، وقتی سؤال شد این چه غذائی است، فرمود عقیقه برای احمد(صلی الله علیه و آله) است، پرسیدند چرا اسمش را احمد کردی، فرمود برای اینکه محبوب و محمود اهل زمین و آسمان شود.

امام اجازه نمی دهد قیمت عقیقه صدقه شود

محمد بن مسلم می فرماید، امام باقر(علیه السلام) دو فرزند پسر، (دوقلو) داشت، دستور داد برای عقیقه دو قربانی فراهم کنند، چون دو تا پیدا نشد، مأمور خرید خواست پول یکی را صدقه کند، امام اجازه نداده، و دستور صبر تا وقت پیدایش داد، و فرمود خداوند ریختن خون قربانی، و اطعام طعام را دوست می دارد. 146

مضمون روایات: مستحب است که برای ولیمه عقیقه کمتر از ده نفر دعوت نکنند، و هر چه بیشتر باشد بهتر است، و بهترین راه برای پختن گوشت، با آب و نمک است، و امام(علیه السلام) اجازه می دهد شکستن استخوان و بریدن گوشت عقیقه را. 152

امام صادق(علیه السلام) می فرماید پسر بچه در هفت سال اول بازی کند، در هفت سال دوم نوشتن یاد گیرد، و در هفت سال سوم بر او مسائل حلال و حرام تعلیم کنند. 194

هارون بن خارجه به امام صادق(علیه السلام) عرض می کند، ما پیش مخالفین شما می رویم، و احادیثی که بر له ماست از زبان آنها می شنویم فرمود نه پیش آنها نروید، و حدیث آنان را نشنوید، خدا بر آنان، و بر ملل مشرکه آنان، لعنت کند 196 رسول خدا(صلی الله علیه و آله) دو رکعت سوم و چهارم نماز ظهر را به سرعت خواند، پس از اتمام نماز سؤال کردند، آیا دستور تازه ای در نماز رسیده است، فرمود مگر چه شده است، عرض کردند نماز را سبک کردی، فرمود مگر شما صدای گریه بچه را نشنیدید؛ امام کاظم(علیه السلام) فرمود برای اصلاح فرزند صد هزار چیزی نیست 198 رسول خدا(صلی الله علیه و آله) از جمله حقوق پسر بر پدرش، شنا یاد دادن بر او، و از جمله حقوق دختر زود عروس کردن او، و در بالا خانه جای ندادن بر او را شمرده است 199 سکونی گوید بر امام صادق(علیه السلام) محزون وارد شدم، امام(علیه السلام) از سبب غصه ام سؤال فرمود، عرض کردم خداوند دختری را بر ما داده است، فرمود سنگینی آن بر زمین، روزیش بر خدا، و از اجل تو استفاده نخواهد کرد، و روزی تو را نخواهد خورد، موعظه امام(علیه السلام) غصه مرا برطرف کرد، پس پرسید اسمش را چه گذاشتی؟ عرض کردم فاطمه نام کرده ام، فرمود آه آه آه، پس دست مبارک بر پیشانی گذاشت، فرمود حالا که فاطمه نام کردی فحشش نده، و بر او نزن. 200

امام صادق(علیه السلام) می فرماید پدر و مادر اگر به تو زدند، بگو خداوند بر شما رحم کند، و صدایت را بالای آنها قرار مده، و دستت را بالای دست ایشان نکن، 205

اگر چیزی به پدر و مادر خواستی بدهی دستت را پائین قرار بده

سخن نگارنده، معنی فرمایش امام و لاترفع یدک فوق ایدهما؛ از بیان بزرگان علماء بلکه صدی نود و نه منسوب به روایت است، و در جائی از تهاویل الربیع دارم، که اگر چیزی به پدر و مادر دادی، دستت را پائین قرار بده، آنان خواستند آن را بردارند، دستشان بالای دست تو قرار گیرد.

به رسول خدا خواهر و برادر شیری آن حضرت وارد شدند، اولی که خواهرش بود خیلی محبت فرمود، و بر دومی که برادر رضاعی بود، محبت معمولی را نشان داد، پس از رفتن آن دو نفر، سؤال کردند، فرمود چون خواهرم بیش از برادرم پدر و مادر را احترام می کرد. 205

از دو قلوها کدام بزرگ تر است؟

امام صادق (علیه السلام) از پدر دو قلوها، پس از تبریک گفتن، می پرسد کدام یک بزرگ تر است، گوید آنکه اول به دنیا آمد، امام می فرماید نه دومی، مگر نمی دانی که اولی به دومی راه را بسته بود، پس اولی بر دومی وارد شده است 213

سخن نگارنده این از نظر علمی، و الا در عروۃ الوثقی، در باب قضای پسر بزرگ نماز پدر و مادر را طبق عرف فتوی داده است، و اولی را که زود به دنیا آمده پسر بزرگ خوانده است و در حاشیه، مرحوم آقای سید محمود شاهرودی، پس از قبول فتوی صاحب عروه، اشاره بروایت بالائی کرده و فرمود علماء عمل نکرده اند، و مهجور و متروک است. امام صادق (علیه السلام) می فرماید اگر کسی مؤمنی را عمداً بکشد و کسان او ندانند که قاتل کیست وظیفه دارد خودش را معرفی کند اگر خواستند قصاص کنند و اگر عفو کردند دیه بدهد به علاوه کفاره قتل عمدی (یک غلام آزاد کردن و دو ماه روزه و سیر کردن شصت نفر فقیر) تا خدا توبه اش را قبول کند. 579

مرحوم مؤلف (شیخ حرّ عاملی) می فرماید، جماعتی از علمای ما، در کتب استدالیه، از قول پیغمبر (صلی الله علیه و آله) عبارتی را نقل کرده اند (اقرار العقلاء علی انفسهم جائز) 111 در پاورقی فرموده که، در کتاب های فقهاء سابق این عبارت را ندیدیم، و ظاهر حال نشان می دهد که، حدیث نباشد، زیرا که اگر روایت بود، شیخ طایفه در کتاب هایش به آن استدلال می کرد، با اینکه با احادیث دیگری که کمتر از این عبارت دلالت دارند، استدلال فرموده اند، بلی بعضی از متأخرین مثل محقق کرکی، صاحب جامع المقاصد آن را آورده است.

سخن نگارنده

قاعده مستفاد است یا روایت

بلی به این عبارت حدیثی که به معصوم (علیه السلام) نسبت بدهند نیست، ولکن روایت باب 5 و 6، این مضمون را به راحتی می رسانند، کما لایخفی پس عبارت بالائی قاعده مستفاده از حدیث می شود. بلی در مستدرک الوسائل، جلد 3، ص 48؛ همین متن را از کتاب عوالی اللیالی از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) روایت کرده است.

مضمون حدیث 2 و 3، کسی مالی پیش دیگری داشته باشد، و طرف انکار کند و قسم هم بخورد که، صاحب مال طلبی پیش او ندارد، و یا برای رضای خدا آن مال را بر او ببخشد، و او را برئ الذمه بکند، دیگر حق طلب آن مال را ندارد. 179

چقدر بر رو بودند

امام صادق (علیه السلام) وقتی که با جلب منصور در حیره بودند، یکی از درباریان منصور، برای ختنه فرزندش، ولیمه می داد، و امام (علیه السلام) از مدعوین بودند، یکی از حاضرین سر سفره آب خواست، شراب برایش آوردند، امام (علیه السلام) فوری از سر سفره بلند شد. 401

از حضرت بقیه الله عجل الله فرجه الشریف، نقل شده حالا که حلال نیست بر کسی در مال دیگری بدون اجازه صاحب آن تصرف کند، پس چطور در مال (خمس) بدون اجازه، تصرف می شود کرد. 402

امام صادق (علیه السلام) می فرماید، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نان گندم نخورد، و از نان جو هم، سیر نشد. 409

اگر می خواهی احتیاج به دکتر نداشته باشی

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) بشنو چهار چیز را، 1. تا گرسنه نشدی غذا نخور، 2. سیر نشده دست از غذا بکش، 3. غذا را خوب بجوی، 4. در وقت خواب خودت را به دستشویی نشان بده 409

جدی باش نه تعارفی

امام صادق (علیه السلام) با کسی با هم می آمدند، و اسماعیل فرزند امام در خدمتش بود، امام (علیه السلام) بدون تعارف وارد خانه شد، اسماعیل عرض کرد چرا تعارف نفرمودید، او که نمی خواست وارد شود، امام فرمود من چون حال پذیرایی نداشتم، نخواستم خدا مرا تعارفی حساب کند. 429

امام صادق (علیه السلام) می فرماید ناصبی کسی نیست که، ما اهل بیت را دشمن بدارد، زیرا که شما کسی را پیدا نمی کنید که، بگوید من محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله) دشمن می دارم، بلکه ناصبی کسی است که شیعیان را به جرم اینکه ما را دوست دارند، و از دشمنان ما بیزاری می کنند، دشمن بدارد. 430

امام صادق (علیه السلام) می فرماید هر کسی بر مؤمنی یک لقمه شیرینی بدهد، خداوند تلخی روز قیامت را از او برمی دارد. 499

سخن نگارنده

شاید روی این حساب است که، در مجالس فاتحه، حلوا و خرما، بر واردین به مجلس تعارف می کنند.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید، من در خوردن آنچه از سفره از خورده نان ها، و غذاها، ریخته، دقت می کنم کنیز خنده اش می گیرد. 503

ص: 44

امام رضا(علیه السلام) در فضیلت جو بر گندم فرمود مثل فضیلت اهل بیت(علیهم السلام) بر دیگران است، و تمام انبیاء بر خورنده نان جو، دعا کرده اند، و آن غذای انبیاء و نیکان است، و بر هر بدنی داخل شود، دردها را بیرون می کند. 4

دوای ضعف اعصاب و ایجاد حُسن خلق

در فرمایش نبوی(صلی الله علیه و آله) از جمله خواص روغن زیتون، محکم کردن اعصاب، و ایجاد حُسن خلق، و بردن غصه بیان شده است 12 پیغمبر(صلی الله علیه و آله) وقتی خرما میل می فرمود، هسته آن را پشت دست می گذاشت، و با آن می انداخت 15

در دوا خوردن حریص نباش

امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرماید مسلمان تا مرضش بر صحتش غلبه نکند، از دواء استفاده نمی کند 17

سرکه عقل را محکم و قلب را زنده می کند

در فرمایش امام صادق(علیه السلام): سرکه عقل را محکم می کند و در فرمایش امیرالمؤمنین(علیه السلام): قلب را زنده می کند 66 در فرمایش دیگر امام صادق قلب را نورانی می کند. 69

سخن نگارنده

دین اسلام قبل از دکتر معالج مرحوم آقای بروجردی خاصیت سرکه را نافع بودن آن برای قلب بیان کرده است، چطوری که در خاطرات آقای فلسفی آمده وقتی دکتر فرانسوی معالج آقای بروجردی گفت برای سالاد آقا سرکه بریزید نفس آقا باز شد و فرمود ما داشتیم در روایات می دیدیم خاصیت زیاد سرکه را، لکن طب روز به طرف آب لیمو مردم را سوق می داد دیدید که آقای دکتر هم سرکه را برای مرض من (مرض قلب) سفارش کرد امام صادق فرمود خوردن پنیر در صبحگاه ضاّر و خوردن آن در شامگاه نافع است 92 امام کاظم(علیه السلام) می فرماید برای شفا مریض هایتان از برگ چغندر استفاده کنید که همه اش شفاء است و دوری کنید از خود چغندر که سوداء را تحریک می کند 157 کلینی بسنده عن الصادق(علیه السلام)، أنّ أمير المؤمنين(علیه السلام) سئل عن القرع يذبح؟، فقال القرع ليس يذكي، فكلوه ولا تذبوه، ولا يستهويّنكم الشيطان یعنی: از حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) سؤال کردند: کدو (ظاهراً کدوی

پاییزی منظور است که، شبیه

حیوان است در داشتن گردن) سر بریدن لازم دارد، فرمود کدو سر بریدن ندارد، همانطور بخورید، و شیطان شما را به حیرت نیندازد. 160

سخن نگارنده

بر این مطلب بیشتر دقت کنید

در پاورقی آقای شعرانی می نویسد، ابن شهر آشوب روایت کرده است که معاویه وقتی قصد مخالفت امیرالمؤمنین (علیه السلام) کرد، خواست اهل شام را آزمایش کند که، اطاعت مطلقه از او می کنند یا نه، در این باره با عمروعاص مشاوره کرد، گفت امتحانش مجانی است، به اینها بگو که کدو سر بریدن لازم دارد، و الا حلال نمی شود، اگر دیدی که فرمانبری کردند بدان که به مراد می رسی، او هم امر کرد و مردم اطاعت کردند، این کار یک بدعت اموی شد، بعد آقای شعرانی اضافه می کند که، اگر محدثین این روایت امیرالمؤمنین بالائی را، در ذیل روایاتی که درباره سبزیجات آمده، نیاورده بودند، ذهن ما به طرف قرع با قاف منتقل نمی شد، که نوعی از کدو است و آن را فرع با فاء تلقی می کردیم، (بچه شتر یا گوسفندی که، پس از ذبح کردن مادر، بیرون بیاورند که، با مرگ مادر مرده است) چون آنچه با ذبح کردن مناسبت دارد همین حیوان است که، تذکیه مادر به جای تذکیه او حساب می شود که، در روایت آمده زکوة الجنین زکوة امه، یا نه و حیرت انداختن شیطان هم، در مثل این حیوان تصور دارد که، دستور اسلام در حلال بودن جنین حیوان، سر بریدن خودش را لازم بدانند، و ذبح مادر را برای آن ذبح حساب نکنند، لکن پس از نقل این حدیث در این باب و در ردیف روایات سبزیجات، به فکر افتادیم، خدا رحمت کند ابن شهر آشوب را که، با روایت کردنش مشکل را بر ما حل کرد، معلوم شد بیان امیرالمؤمنین، رد بدعت معاویه است که، برای گول زدن مردم خر شام، در حلال بودن کدوی پاییزی، سر بریدن آن را واجب کرده بود.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید، در شب خواستی آب بخوری ظرف آب را تکان بده و بگو ای آب، آب زمزم و فرات تو را سلام می رسانند. 199

چرا با داشتن این همه سرمایه این همه غفلت

سخن نگارنده چندی پیش مشهور شد که، یکی از دانشمندان در آزمایش هائی که، درباره آب انجام داده، به این رسیده است که، اگر پیش آب کلمات خوب گفته شود مولکول های آن شارژ می شود، و این مطلب با آب تاب در اجتماع منتشر شد، وقتی حقیر این مطلب را از واعظی در مجلسی شنیدم، از حسن اتفاق

چند روز دیگر، در آن مجلس بنده منبر رفتم، پس از بیان مطلب بالائی، عرض کردم حقایق اسلام با کشفیات جدید، الحمدلله روز به روز روشن تر می شود، بعد فرمایش بالائی امام صادق (علیه السلام) را گفتم، در توضیح آن عرض کردم آب لیوانی را که از شیر باز کرده ای، و در دست داری اگر به او بگوئی، آب زمزم و فرات تو را سلام می رسانند، آیا این شارژ کردن مولکول های آن نیست، خیلی از این حقایق را ما داریم، به بعضی از اینها در وقتی که، مجلدات بحار الأنوار را در مدرسه بحث می کردیم، مخصوصاً درباره روایاتی که درباره مطالب طبّی آمده، اشاره کرده ام، توجه به این نکته هم لازم است دیدی که، امام صادق در حدیث بالائی قید، در شب خواستی آب بخوری را آورده بود خدا کند این خبر، به آن دانشمند برسد، درباره خوردن آب در شب هم یک فکری بکند، خدا کند دانشمندان اسلام خودشان هم، در این باره فکری بکنند، تا نکات علمی امامان را، خودمان بیش از دیگران حالی بشویم، یادم نمی رود در مجلس درس استاد در خانه اش بودیم، مرحوم سرتیپ رزم آرا، مخترع قبله نمای رزم آرا، آمدند و درباره اختراع خودشان شرح دادند، و فرمود که می خواست به کجا برود، من به او گفتم، در آنجا مسئله ساختن یک قبله نمای دقیقی را عنوان کن، بلکه چنین دستگاهی ساخته بشود، بعد خجالت کشیدم از گفته خود که، چرا ما خودمان اقدام نکنیم و ساخت قبله نمای نمازمان را، از نماز نخوان ها بخواهیم، لذا خودم اقدام کردم بحمدالله یک چیز دقیق به عمل آمد، مورد تصدیق اکثر مراجع آن روز هم قرار گرفت.

سُورَةُ الْمُؤْمِنِينَ شَاءَ

روایت معروف سُورَةُ الْمُؤْمِنِينَ شَاءَ 208 امام صادق ثواب زیادی بیان می کند برای کسی که، وقتی آب خورد امام حسین (علیه السلام) و اصحاب آن حضرت را یاد کند، و بر قاتلانش لعنت کند. 216

امام رضا (علیه السلام) می فرماید، هر غذائی و آبی وارد معده می شود، تا چهل روز در بدن انسان تأثیر دارد، و فرمایش نبوی (صلی الله علیه و آله) (که هر کس عرق بخورد تا چهل روز نمازش قبول نمی شود) طبق این قاعده کلی، وارد شده است. 239

سخن نگارنده

معنی فرمایش امام رضا (علیه السلام) نه این است که، عرق خور استفاده سوء کند، تا چهل روز نماز نخواند، بلکه به این معنی است که، در عین اینکه وظیفه دارد هر روز نمازش را بخواند خوردن آن ماده خبیثه، نمازش را کم رنگ می کند، چطورری که شخص روزه دار، اگر غیبت کند، روزه اش کم رنگ می شود، با اینکه لازم است روزه را بگیرد.

در پاورقی از تفسیر عیاشی، از امام باقر(علیه السلام) نقل می کند که، به مؤمن به علاوه ثواب اعمالش، حسنات دیگری به اندازه صحت ایمانش، عطاء می شود، و الله یضاعف لمن یشاء. 339

ص: 48

امام صادق (علیه السلام) می فرماید مردم سه قسم هستند، علماء ما هستیم، و متعلمون شیعیان ما هستند، و سایر مردم بی خودها هستند.

46 و 48

محققین دقت کنند

سخن نگارنده

مرحوم آقای شهیدی در حاشیه مکاسب، به این روایت تمسک کرده، و روایاتی را که در مدح علماء (مثل مجاری الامور بید العلماء) و غیره را مخصوص بخود علماء اهل البیت (علیهم السلام) کرده است.

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید هر کس قاضی شود، بدون کارت سرش بریده می شود 8 باز می فرماید علم ولو در چین هم باشد، برای پیدا کردنش، رهسپار شوید. 14

سخن نگارنده

با این همه سرمایه این همه احتیاج

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) با سخن خویش، طلب دانش را ولو در دورترین نقطه عالم هم باشد، واجب می کند، (چین از نظر اطلاعات مردم آن روز، دورترین نقطه زمین حساب می شد)، آقای شهرستانی در اوائل انقلاب مشروطه، در عراق مجله ای به نام العلم، منتشر می کرد، روزی یک مستشرق آلمانی، به دفتر مجله می آید و رو جلد مجله را که، مزین به چهار حدیث بود، می بیند، و متوجه معنی آنها می شود، 1. طلب العلم فریضه علی کل مسلم، 2. اطلبوا العلم من المهد الی اللحد، 3. اطلبوا العلم ولو بالصین، 4. الحکمه ضاله المؤمن يأخذها اینما وجدها، می گوید حالا که اسلام با حدیث چهارم قید استاد را زده، (مرد باشد یا زن) و با حدیث سوم قید مکان، و با حدیث دوم قید زمان، را برداشته و با حدیث اول همه را مسئول فراگرفتن علم کرده، پس این همه جهالت در مسلمانان از کجاست صفحه 50 از کتاب مردان علم در میدان عمل.

مخفی نماند با توجه به حدیث دیگری که، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) درباره ایرانیان فرموده که، علم اگر در ستاره ثریا باشد، مردانی از ایران به آن دست یابی می کنند، اشاره به طول سفر علم، و با حدیث اطلبوا العلم ولو بالصین، اشاره به عرض سفر نموده و امام صادق با فرمایش خود طلب علم لازم است، در هر حالی، 14 قید سنّ و سال را زده است، معروف است که ابوریحان بیرونی، در بستر مرگ بود، یکی از

فقهاء زمان، او را عیادت کرد، ابوریحان از فرصت وجود فقیه استفاده کرد، و از او مسئله ارث اجداد ثمانیه را که یکی از

مشکلات مسائل ارث است، سؤال کرد، فقیه گفت حالا که شما در این حال هستید، چرا به خود، زحمت یاد گرفتن چنین مسئله بغرنج را می دهید، گفت یاد بگیرم بمیرم، بهتر است که یاد نگرفته از دنیا بروم. در جلد بیستم و سائل ص 230 آورده است که مرحوم عبدالکریم بن احد الطاووسی، مولف فرحة الغری در یازده سالگی در مدت کم، قرآن را حفظ کرده، و فراموش ننمود، و در چهار سالگی در چهل روز، نوشتن را فرا گرفت و از معلّم غنی شد.

در ذیل روایت امالی طوسی که، در پاورقی آورده، از قول امیرالمؤمنین نقل کرده است که، می فرماید علم دین را خوشبختان مرزوق می شوند، و اشقیاء از یاد گرفتن آن محروم می مانند، خوشا به حال کسانی که، خداوند آنان را از این فضل و احسان، بی نصیب نکرده است 15 فضل بن شاذان گوید، در اسلام فقیهی مثل سلمان فارسی بوجود نیامده است، 106 و استاد فرمود پس از سلمان زراره اولین فقیه است، از امام صادق(علیه السلام) سؤال کردند آیا قرآن و فرقان یک چیز هستند؟ فرمود نه، قرآن کل کلام الله است، و فرقان محکّمات واجب العمل از قرآن هستند 135 امام صادق(علیه السلام) می فرماید فرزند حق دارد به قاضی از پدر شکایت کند ولی حق ندارد صدایش را از صدای پدر بلندتر بگیرد. 224

شمّ الفقاهه

معمول شده که در تابلوهای کتابخانه های بزرگ مثل کتابخانه مدرسه فیضیه فرمایش امام صادق: احتفظوا بکتابکم فانکم سوف تحتاجون الیها 236 را می نویسند.

سخن نگارنده معلوم نیست که مراد امام صادق(علیه السلام)، از کتب کتاب های معمولی که، کتابخانه را مزین کرده اند باشد، به احتمال قوی، به قرینه روایات این باب (8) مخصوصاً حدیث 6 آن، مراد امام(علیه السلام) دستخط ها است که، انسان با دیدن دستخط خود، به یاد مطلبی می افتد، و پس از حصول یقین و به یاد آوردن جریان گذشته، شهادت می تواند بدهد.

مسئله

از جمله قضاوت های امیرالمؤمنین(علیه السلام) است که، اگر زنی بی پروا زنا می دهد، بر حاکم شرع است از باب نهی از منکر، او را بر مردی که، می تواند جلوزنای او را بگیرد، تزویج کند. 412

عبیدالله بن عمر شراب خورد، و عمر امر کرد تازیانه اش بزنند، کسی جرأت نکرد که او را حدّ بزند مگر امیرالمؤمنین(علیه السلام). 466

امام صادق(علیه السلام) می فرماید، هر کس شک کند در کفر دشمنان ما، و در کفر ظلم کنندگان بر ما، همانا او کافر است. 561

محمد بن مسلم، سؤال می کند از امام باقر (علیه السلام) از معنی آیه (مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا)، امام (علیه السلام) می فرماید در جهنم جایگاهی است، اگر کسی همه انسان های روی زمین را می کشت، آنجا جایش می دادند قاتل یک نفر را هم در آنجا مسکن می دهند. 2

سخن نگارنده

در المیزان توجیه می کند، و می فرماید این همه گناه، برای مبارزه کردن قاتل با اراده خداست، زیرا که خدا اراده کرد بقاء نسل انسان را تا روز قیامت، قاتل به عمل خود می گوید من این اراده را قبول ندارم.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) وقتی ضربت خورد در، وصیت خود به فامیل ها فرمود، ای فرزندان عبدالمطلب حق ندارید، به بهانه اینکه امیرالمؤمنین کشته شده، خونریزی راه اندازید، و فقط حق کشتن قاتل را دارید، و نباید از اعضاء و جوارح قاتل چیزی ببرید، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که فرمود مُثْلَهُ نَكْنِيهِ حَتَّى سَكَّ كَاذِبًا رَا. 96

قنبر وقتی به کسی حدّ می زد، اشتباهاً سه تا اضافه زد، امیرالمؤمنین (علیه السلام) قصاصش کرد، و سه تازیانه بر او زد. 137

احادیث در اینکه مؤمن زنده و مرده اش احترام دار، بریدن اعضاء میت مثل بریدن اعضاء زنده است در حرام بودن، و در دو روایت (باب 25، حدیث یک و پنج آن) مُثْلَهُ مِيت رَا، از مُثْلَهُ زنده شدیدتر گرفته است. 248 - 251 نگارنده گوید پس نباید به بهانه های واهی میت مسلمان کالبد شکافی شود اللّهُمَّ بَلِّغْنَا.

حدیثی از کافی در بیان موقعیت عایشه، پیش خدا و رسول و امام حسن و حسین 5، و اینکه عایشه اولین زنی بود در اسلام سوار زین شده است. 250

پاورقی: جابر انصاری در کوچه های مدینه راه می رفت، و می گفت عَلِيٌّ خَيْرُ الْبَشَرِ فَمَنْ ابَى فَقَدْ كَفَرَ، و می فرمود مردم انصار، اولادتان را با محبت عَلِيٍّ (علیه السلام) ادب کنید، اگر کسی قبول نکرد، درباره مادرش دقیق باشید. 338

مرحوم شیخ حرّ در آخر فائده هفتم، از فوائد خاتمه کتاب، فرموده در زمان غیبت وضع حدیث نشده، و ساختنی ها همه در زمان ائمه (علیهم السلام) بود که، بحمدالله با رجوع به امام وقت، و یا با رجوع به کتاب های معتمده، غش از صحیح، معلوم می گشت 92 اعتراض شدید شیخ حرّ بر علامه حلّی، در تقسیم اخبار به چهار قسمت، و شرح آن 101 شخصی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، سه دفعه موعظه خواست، در هر سه دفعه فرمود، مواظب زبانت باش 301 امام باقر (علیه السلام) پس از آنچه تمام گناهان را به گردن شیخین می گذارد، می فرماید ما بنی هاشم بزرگ و کوچک مان امر می کنیم، بر دشنام دادن بر آن دو، و بر برائت جستن از آنها. 304

امام صادق(علیه السلام) می فرماید، حضرت بقیه الله وقتی در نجف پرچم رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را به حرکت آورد، از همه جای عالم امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) را می بینند، و آن حضرت را در شهرشان، پیش خود می پندارند، و قلوب مؤمنین مثل پاره های آهن محکم می شود، و بر مؤمنین مرده خوشحالی در قبورشان می رسد 120 امام هادی مریض می شود، و می خواهد کسی را به کربلا بفرستد، امام(علیه السلام) را دعا کند، یک نفر حاضر شد که به کربلا برود، ولکن گفت خود امام حجّه خداست، و دعای او بدون شک مستجاب است، و دعای من در حائر حسینی،(علیه السلام) معلوم نیست مستجاب شود، این حرف به خدمت امام هادی(علیه السلام) وقتی رسید، فرمود رسول خدا، و حتی مؤمن، از کعبه مقامش بالاترست با این همه، پیغمبر به دور کعبه طواف می فرمود، و حجر الاسود را می بوسید، و وقوف در عرفات می کرد، خداوند دوست دارد در موآطینی یاد شود، و حائر حسینی(علیه السلام) از این مکان هاست.

خدا نکند دقت زیادی در روز حساب پیش بیاید

خیاطی در عالم خواب، می بیند روز قیامت است، یک مشت چیز سوخته پیش او آوردند، و گفتند جواب اینها را هم بده، آنها یک مشت سرنخ هائی بوده که، طبق رسم سابق، مردم نخ را هم با پارچه به خیاط تحویل می دادند او موقع سوزن داخل کردن، روی چراغ می گرفت.

61

بترسیم از متولی اوقاف شدن

پرنده ای به ماده خویش گوید، مرا کم حساب نکن، اگر خواستم بساط حضرت سلیمان را به هم می ریزم، باد این حرف را، به گوش آن حضرت رسانید، و پرسید چطور؟ عرض کرد می روم در ملک وقتی پر و بالم را آلوده به خاک می کنم، و بر بساط شما می ریزم. 62

احترام علماء و ارزش علم دین

آقای بروجردی، و کاشانی، در عین اینکه به افراد عادی به یک یا الله اکتفاء می کردند، وقتی طلبه ای وارد مجلس آنها می شد، برای اهمیت علم دینی، با تمام قد برایش بلند می شدند 70 وقتی شیطان گفت از چهار طرف بر بنی آدم حمله می کنم، ملائکه رقت به حال فرزند آدم (علیه السلام) کردند، خداوند فرمود طرف بالا و پائین را، برای خود باقی گذاشته ام، اگر با دست به دعا بلند کرده، یا با پیشانی به زمین گذاردن، خشوع کند گناه هفتاد سالش را خواستم می بخشم 85 بحار، ج 63، ص 155.

حتی در سنین بالا نماز مستحبی را ایستاده می خواند

آقای سید احمد خوانساری، حتی در سنین بالائی، نافله ها را ایستاده می خواند 114

در روزهای شهادت درس تعطیل نیست، و درس آن روزها به صورت سینه زنی، و گریه، و گوش دادن به مواعظ است. 126

سند از کنز العمال است، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود، وای به حال امت من، از عالمان بد که، علم را وسیله تجارت قرار می دهند 144 فقیه بزرگوار، مؤلف العروة الوثقی فرمودند کاری نکنید که، گناه مرتدین در نامه عمل شما نوشته شود، یعنی کاری نکنید که مردم از دین زده شوند 156 به نقل از مواعظ عددیه شماره 36، از قول رسول خدا (صلی الله علیه و آله): در مقابل متکبرین تکبر کنید زیرا که تکبر در مقابل

متکبر عبادت است 223 نگارنده گوید در مجموعه ورام، ص 209؛ قال (صلی الله علیه و آله) اذا رایتم المتکبرین، فتکبروا علیهم، فان ذلک لهم مذله و صغار.

ص: 54

کسی از آقای گلپایگانی پرسید، در زمستان ها کوچه ها برف و گل است، و از گل کوچه و خیابان بر لباس انسان ترشح می کند، آیا می شود با آن لباس ها نماز خواند، فرمودند بلی زیرا که، شما یقین به نجاست آن گل ها ندارید، طرف را در حال اضطراب دید، فرمود اگر خداوند شما را امر کند که، دو رکعت نماز با لباس نجس بخوانید، آیا می توانید آن دو رکعت را با آن لباس بخوانید، یا می روید قدری بول یا نجس دیگر بر آن می زنید، گفت بلی، برای خاطر جمعی قدری نجس بر آن می زنیم، فرمود پس جواب خود را دادی 237 علامه امینی در حالی که اشک می ریخت، می گفت، اینها (غاصبین خلاف) قطار سریع السیر اسلام را از حرکت انداختند. 268

سخن نگارنده

بلی اگر مردم آن روز، به انتخاب خدا و رسول راضی می شدند، و مسئله غدیر را قبول می کردند، همان مدینه فاضله که، روزی تأسیس آن از مخیله افلاطون گذشته بود، علی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، آن را برای مردم جهان کاملاً فراهم می کرد.

از آقای میرزا جواد آقای تبریزی سؤال کردند، آیا شما شهادت به ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را جزء اذان و اقامه می دانید؟ فرمود ما نماز را جزء می دانیم، و اصل ولایت است. 269

سخن نگارنده

از آقائی که در شب عاشورا، با علامه امینی، در کربلا پشت بام حسینیه آقای بروجردی، با هم بود، نقل می کنند، در حدود ساعت 2 بعد از نصف شب، صدای یا حسین یا حسین، آسمان کربلا را پر کرده بود، من گفتم بین اینها هنوز عزاداری می کنند، خدا نکند که، فردا نماز صبح شان قضا شود، علامه به من فرمود ساکت شو آقای حائری، نماز مشروط به ولایت است، ولایت مشروط به نماز نیست، یعنی اگر کسی موالی اهل بیت نباشد، هر قدر نماز عمر دنیا را بخواند، بی فایده خواهد بود، پس شرط قبول نماز، ولایت اهل بیت (علیهم السلام) است و بس.

مگر اینکه خدا نکرده بی اهمیتی به نماز، انسان را بی ولایت کند، در تفسیر البرهان، جلد 1، ص 205، از قول رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمده، لایبث علی ولایه علی (علیه السلام) الا الممتقون، یعنی در ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، به غیر اهل تقوی نمی توانند ثابت قدم شوند، بلی که می دهند به شیخ جعفر شوشتری عرض کردند چرا گاهی خداوند برای یک عمل کوچک، مثل یک نماز و یا دعا، این قدر

ثواب زیاد می دهد، فرمود رحمت و اسعه رب کریم بالاتر از این است، لکن بعضی از گناهان است، از انسان ولایت را می برد، شما قول بدهید با

ولایت از دنیا بروید، نگران نباشید رب کریم این همه ثواب را می دهد، اگر بی ولایت رفتی جزء بی دین ها هستی، و خداوند در قرآن قسم می خورد، که جهنم را از کفره جنّ انس پر خواهد کرد.

نمی خواهیم حساب جاری ام قطع شود

در گردنه اسدآباد دزدها به قافله ای حمله می کنند از جمله اموالی که به غارت می رود کتاب های طلبه ای بوده است او برای استخلاص کتاب ها خودش را در سر کوه به رئیس دزدان می رساند در وقت ورود به چادر او می بیند مشغول نماز است پس از گرفتن کتاب ها می گوید من از این تناقض در حیرتم (دزدی و نماز خواندن) رئیس دزدان می گوید هر کسی شغلی دارد ما هم دزدیم اما خواندن نماز برای این است که حساب جاری ام با خدا قطع نشود بالاخره طلبه پس از گرفتن کتاب هایش به نجف مشرف می شود پس از مدتی در حرم امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) کسی را مشاهده می کند معلوم می شود رئیس دزدان است وقتی با او به صحبت می نشیند گوید در نتیجه عدم قطع ارتباط با خالق به توبه و ردّ اموال مردم موفق شدم. 285

وارث بدتر از حارث

1. کسی یازده نفر فرزند داشت فرزندان به وصیتنامه پدر عمل نکردند به آنان گفته شد به سفارشات پدران عمل کنید او در آن عالم می سوزد گفتند عوض اینکه ما یازده نفر بسوزیم یک نفر بسوزد بهتر است.

اثبات کردند که پدر در وقت وصیت دیوانه بود

2. کسی حمام عمومی داشت وصیت کرد که پس از او آن را وقف کنند فرزندان به وصیت عمل که نکردند هیچ. در اداره اوقاف اثبات کردند که پدرشان در وقت وصیت دیوانه بوده است.

کسی از دیگری اجیر شد نماز پدرش را بخواند و اجیر در همان روز از دنیا رفت صاحب پول پیش زن او رفت که پول را پس بگیرد گفت شوهر تو پول از ما گرفته که نماز پدر ما را بخواند حالا که نخوانده پول ما را پس بدهید گفت برو بابا شوهر من نماز خودش را با زور ما می خواند. 309

مسئله

نگارنده گوید وقتی در قم بودم یکی از دوستان از من خواهش کرد به منزل استاد برویم و برای هم روستایی ایشان نماز استیجاری بگیریم من چون طرف را می شناختم که حاج غلام آدم خوبی است قبول کردم وقتی منزل استاد رفتیم آدم آقا بنده را کنار کشید گفت آقای محقق شما یقین دارید که حاجی غلام این نماز را خواهد خواند من گفتم بنده یقین ندارم که نماز خودم را امروز موفق می شوم که بخوانم یا نه

گفت شما اگر یقین ندارید بکشید عقب، پول نماز استیجاری باید به کسی داده شود که یقین کنند حتماً آن نماز را خواهد خواند.

ص: 57

این شش جلد کتاب، هدیه حوزه علمیه قم است به حوزه های شهرستان ها، روزی مدیر محترم مدرسه خطاب به حقیر فرمودند، بیائید این چند جلد کتاب را، حوزه قم به حوزه ما فرستاده ببرید، حقیر به حساب اینکه این کتاب ها هم، از قماش کتاب های هدیه ای دیگر است، تعلق می کردم بالاخره پس از چند دفعه خطاب و جواب، آنها را برداشته به خانه بردم، و الحمدلله معلوم شد که نعمت فوق العاده ای بود که، خدای سبحان اراده کرده بود در دست حقیر باشد، پس از مطالعه همه مجلدات، آرزو کردم که ای کاش مجلدات بعدی هم به دست بیاید، بالاخره از سال 1998 میلادی بحث های اینترنتی از طرف وهابی ها باز می شود، و دیگران را دعوت به شرکت می کنند، وقتی رجال شیعه در بحث ها آنان را رسوا می کنند، دست شیعه را کوتاه می کنند، در نتیجه یک جوان ثروتمند کویتی، مبادرت بر تأسیس شبکه انا العربی نموده، و از این طریق اولین شبکه حوار الشیعه، متولد می شود، خلاصه، بحث ها روز به روز عوج می گیرد، و در انترنت وهابی ها دستشان باز می شود، از کثرت نقل حقایق تاریخی (1) که، سبب رسوائی بزرگان قدیمی، و حدیثی شان می شود که، هیچ آبرویی برای دشمنان اهل بیت نمی ماند، یکی از طریق انترنت اعلان می کند، آقایان در خانه خاله تان بحث نمی کنید، در انترنت هستید عالم دارد می بیند، احترام بزرگان (بزرگان خیالی) را نگاه دارید، معطل تان نکنم، اگر اشتباه نکنم حدود صد و چهل نفر از فضلالی شیعه، گاهی به نام های فعلی، و گاهی به نام های مستعار، امثال مالک اشتر و حذیفه و و تمام حقایق شیعه را اثبات، و دشمنان اهل بیت را مباحوث می کنند نتیجه بحث ها را آقای عاملی، حفظه الله فعلا در شش جلد، در اختیار اهل تحقیق قرار داده است، از خدای منان می خواهیم که، با فضل و کرم خویش سایر مجلدات را هم، در اختیار اهل دانش و بیش قرار بدهد، پروردگار را از تو می خواهیم، یک عالم فاضل، و جوان پاکدلی را که به زبان عربی کاملاً وارد باشد، برای ترجمه این کتاب ها به زبان فارسی، موفق بداری، مخفی نماند بعضی از بحث های کتاب الانتصار علمی است کسانی که با معلومات سطحی مطالعه می کنند اگر در خور فهمشان نشد گله نکنند اهل کمال به این بحث ها احتیاج دارند که در مقابل دشمنان مسلح باشند و ما التوفیق الا بالله محقق مرندي.

ص: 58

1- . انشاء الله، در بحث استطراف تفسیر نمونه می آید، در بحثی که آقای مکارم با یکی از علمای بزرگ اهل سنت داشته، طرف اقرار کرد به اینکه، شیعه می تواند مدارک تمام بحث های اصولی و فروعی خود را، از کتاب هایمان بگیرد.

احمد بن حنبل گوید اگر سند لا اله الا الله حصنی که، امام رضا نقل می کند، پیش دیوانه ای هم خوانده شود، به هوش می آید 413 آقای عاملی می فرماید، فعلاً در لبنان پنج طایفه از مسیحی ها هستند، اصلشان از بنی هاشم است (آل نخله، آل شهاب، آل زوین، آل هاشم، و ال الحسین (علیه السلام)) اگر بنا باشد، آل محمدی (صلی الله علیه و آله) که، در نماز به آنها صلوات می فرستیم، تمام ذریه پیغمبر (صلی الله علیه و آله) باشد، می بایست به این پنج طایفه از مسیحی ها که، کافرند در سر نماز صلوات بگوئیم، چطور می توانید این کفره را با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شریک قرار بدهید، پس آل منحصر به چهارده معصوم (علیهم السلام) است، 447 آقای عاملی تشکر می کند از البانی که بر خلاف هم کیش خود ابن تیمیّه، اقلأً بعضی از روایات مخالف میلش را تصحیح می کند، و همه احادیث را، مثل ابن تیمیّه ضعیف نمی شمارد مثلاً او حدیث (من كنت مولاه فعلى مولاه) را تصحیح کرده، و می گوید ابن تیمیّه عجله می کند در ردّ احادیث شیعه، و هکذا او بخاری را، مثل ابن تیمیّه معصوم نمی داند، و گوید او هم یک محدث است، علماء حق دارند طبق قواعد علمی، احادیث او را در موقع ردّ، و در وقت تصحیح، تصحیح کنند، باز او تصحیح کرده است فرمایش پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را که فرمود اول کسی که سنت مرا تغییر می دهد، مردی از بنی امیه است، و اعتراف کرده است که او معاویه است. 435

کتاب الانتصار جلد دوم

ابن تیمیّه از یهود فقط یک فرقه را باطل می داند، و آن کسانی هستند گفتند عزیز بن الله، و بقیه حتی آنهایی که خدا را جسم می دانند، و او را روی صندلی می نشاندند، تصحیح می کند و می گوید کتابشان (تورات) صحیح و درست است 27 اگر حرف ابن تیمیّه که گوید، در قرآن استعمال مجازی نیست، درست باشد، باید بگوئیم از خدا هم همه چیزش فانی می شود، جز صورتش (كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ) و این را هیچ عاقلی نمی تواند بگوید، و بنابر وجود استعمال مجازی در قرآن، معنی این آیه همه چیز هلاک، جز ذات اقدس الهی، خواهد شد 43 شما وهابی ها، وقتی آیه شریفه (استوى على العرش) را، به معنی موجود و جالس على العرش، معنی می کنید با آیه (وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ) که می فرماید در هر کجا باشید خدا با شماست، چه خواهیم کرد این نیست مگر تناقض، چون آیه اول جای معینی را بر خدا معلوم کرد، و آن بالای عرش، و آیه دوم فرمود در همه جا هست 58

معنی صحیح استوی علی العرش، استولی علی العرش، کنایه از احاطه کامله بما سوی الله است، چطورری که شاعر گفته، (1) یعنی پس مردی بر خاک عراق مسلط شد، بدون اینکه شمشیری به کار بیندازد، یا خونی را بریزد.

آقای عاملی با شجاعت تمام، عایشه را مسئول خون بیست هزار مسلمان می داند، و می گوید امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، طبق روایات شیعه می توانست لقب ام المؤمنین را، با وصیت پیغمبر از او سلب کند 91 امام رضا (علیه السلام)، آیه (وَلَقَدْ رَأَوْا نَزْلَهُ أُخْرَى) را، با چند آیه بعدی، (لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى) معنی می کند، یعنی پس پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در شب معراج آیات خدا را دید، نه اینکه نعوذ بالله، خدا را ببیند که، او جسم نیست که با چشم معمولی دیده شود. 100

چون وجود خداوندی، از قماش وجود بشر نیست، پس در همه جا بودن خدا، موجب حلول در مخلوقاتش نمی شود، و کیفیت وجود خدا، بر انسان قابل درک نیست، زیرا مفهوم کلمه وجود، در ذهن بشری، همان است که، در خود تصور می کند. و قماش دیگری از وجود، بر انسان قابل تصور نیست. 286

سخن نگارنده

از امام صادق (علیه السلام) حدیثی است، می فرماید ای بشر، مغز تو آن قدر کوچک است که، اگر یک گنجشک بخورد، سیر نمی شود، تو می خواهی با این مغز محدود، عوالم ماوراء طبیعت را کنجکاوی کنی، نمی شود از بوعلی سینا نقل می کنند، زکاوت من به قدری زیاد بود، در علم هندسه 3 روز پیش استاد رفتم، در روز چهارم، بحثی هائی در آن علم، بر استاد ارائه دادم، استاد تعجب کرد، یعنی روز چهارم بر استاد، استاد شدم، با این همه نبوغ که دارم، بعضی وقت ها، در بحث های مربوط به عالم غیر ظاهر، روزها، و ماه ها، فکر می کنم به جایی نمی رسم سید جزائری در زهرالربیع، صفحه 189، از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که، مگس خیال می کند خدا هم شاخ دارد، چون کمال خویش را با شاخ هایش می داند.

خدائی را که اهل سنت عقیده دارند

از نظر معنی، با مخلوقاتش هیچ فرقی ندارد، و توضیح این: صورتش مو ندارد، و موی سرش پیچیده است، گاهی کند، و گاهی تند راه می رود، روز جمعه از آسمان پائین می آید، در نماز جمعه، روبروی مردم

ص: 60

وا می ایستد، امام جمعه وقتی سلام نماز گفت، دوباره به آسمان می رود، دست ها و چشم های متعدد دارد، و هر چه انسان دارد او دارد، مگر اعضاء تناسلی در عرفات در حالی که سوار شتر قرمز بود، راوی حدیث دیده است، می خندد، و خنده اش را طولانی می کند، در آخر حدیث، راوی آن می گوید از خیر خدای خنده رو، بهره مند خواهیم بود. 349 - 351

ص: 61

برخلاف آنچه، شیعه را نعوذ بالله، متهم به قول تحریف قرآن کرده اند، از بزرگان اهل سنت، 25 نفر را اسم می برد که، قائل به تحریف قرآن هستند، از جمله عمر خطاب، 27 - 63 مسلم در صحیح، روایت می کند که، خداوند در روز قیامت مجسم می شود، و همه او را خواهند دید. عمر روایت می کند که، حتی ظالمین قریش، ولو هر خلافتی کرده باشند، داخل بهشت می شوند 121 چطور می سازد این روایت، با نص آیه (إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ) 122 فتوی عایشه به اینکه در شیر خوردن سنّ مطرح نیست، حتی اگر مردی هم، از زنی شیر خورد، فرزند شیری او می شود، طبق این فتوی از زن برادرها، و از خواهر زن ها، شیر خوردند و محرم شدند، (سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ) 179

ابن تیمیه را در ایام حیاتش رسوا کردند

دو کتاب را دو نفر، در زمان ابن تیمیه نوشتند، حرف های غلط او را بر ملاء کردند یکی را برادرش نوشت، (شیخ سلیمان بن عبدالوهاب) و اسم کتابش فصل الخطاب فی الردّ علی بدع محمد بن عبدالوهاب گذاشت، و دومی را تقی الدین علی السبکی، شافعی مذهب، نوشت، و اسم کتابش را شفاء السقام فی زیارة خیر الانام علیه السلام گذاشت، و نوکران سرسخت ابن تیمیه برای هر دو به عقیده خود، ردّ نوشتند 207 فخر رازی گوید، چون رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره علی (علیه السلام) دعا کرد و گفت «اللهم ادر الحق معه حیث دار» یعنی خدایا حق را با علی (علیه السلام) قرار بده، هر کجا باشد، پس از برکت این دعاء مستجاب شده، هر کس در دین خود، علی (علیه السلام) را مقتدای خویش قرار دهد، هدایت می شود 221

بیش از پنج هزار تفسیر قرآن از علمای شیعه

مؤلفات شیعه در تفسیر قرآن، طبق تحقیق دارالقرآن آقای گلپایگانی، به بیش از پنج هزار تفسیر رسیده است. 364 آقای عاملی کتف را که بر آن چیزهای مهم را می نوشتند، چرم معنی کرده است. 466

امام رضا(علیه السلام) در مجلس مأمون فرمود، خداوند حضرت آدم(علیه السلام) را برای حجت زمین بودن، خلق فرمود، و صدور آن ترک اولی از ایشان، در بهشت شد که، تقدیر خداوند صورت گیرد، وقتی که به زمین تشریف آورد و حجت شد، از هر جهت معصوم شد، به دلیل ان الله اصطفی آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین 15.

مرحوم مجلسی در بحار الانوار، جلد 11، ص 74، می فرماید صدور معصیت به هر معنی باشد، خلاف ما اجمعت علیه الامامیه، من وجوب عصمتهم (علیهم السلام) علی جمیع الاحوال خواهد شد.

سخن نگارنده

چطوری که در تفسیر المیزان فرموده، بهشت جای تکلیف نبود، (وَ لَا تَقْرَبُ هَذِهِ الشَّجَرَةَ) نهی ارشادی بود، نه نهی مولوی، یکی از عمامه به سرها اشتباه می کرد، و می گفت حضرت آدم قبل از نبوت خورده بود، و گناه قبل از نبوت مشکل تولید نمی کند، لکن او درست فکر نکرده بود، زیرا اجماع شیعه منعقد است، چطوری که مرحوم سید مرتضی، در کتاب پر اهمیت خویش، (تنزیه الانبیاء) فرموده، بر اینکه انبیاء عالم (علیهم السلام)، در هر حالی، حتی در زمان طفولیت، باید معصوم باشند، و الاّ اعتماد به اقوال، و احوال ایشان، سلب می شود، اجماع کرده اند حقیر برای اینکه او را قانع کنم، و بفهمد که، با فهم های عادی عمل انبیاء(علیهم السلام) را نمی شود توجیه کرد، کتاب المیزان را به دست یکی از طلبه های جوان دادم، و آن قسمت بحث را نشان کردم، رفت به ایشان گفت، این عبارت را برای من معنی کن، بدین وسیله پی به اشتباه خویش برد.

اشتباه بزرگ کتاب آداب الطلاب درباره حضرت آدم(علیه السلام) ص 370

گناه از هر پیغمبری به هر عنوانی سر بزند، عیب به خدا حساب می شود که، خداوند کسی را پیدا نکرد حجت قرار بدهد که، گناه نکند که، از مردم اطمینان سلب نشود. 43

چرا عقلشان را به کار نمی گیرند

افترات اهل سنت بر پیغمبر(صلی الله علیه و آله)، در اخلاقیات آن حضرت، تا جائی که ایستاده بول کردن به حضرتش نسبت داده اند.

351 - 363

ص: 63

از ص 485، - 499، بحث درباره این است که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را زهرخور کردند، و در این فصل خیلی حرف ها زده شده، در ص 493، عاملی حفظه الله فرموده بعضی از موضوعاتی که، در حیات پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اتفاق افتاده، درباره آنها بحث کافی نشده است، زیرا که به صلاح آنهایی که، بعد از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) قدرت را دست گرفتند، نبود، که حقیقت آن بحث ها کشف شود 1 چرا پیغمبر (صلی الله علیه و آله) یک ماه از همه زن هایش دوری کرد، فقط در اتاق ماریه قبطیه آن زن مؤمنه و طاهره، قرار گرفت 2 سبب نزول سوره تحریم چه بود، چرا در آن سوره عایشه و حفصه را تهدید می کند به اینکه، اگر بر خلاف رسول من قدم بردارید، خدا و صالح المؤمنین، و ملائکه، کمک اویند، و چرا عایشه و حفصه را قیاس می کند به دوزن دو پیغمبر (نوح و لوط علیهما السلام)) که آن دو زن، آن دو پیغمبر را خیانت کردند 3 وقتی پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از سفر تبوک برمی گشت، هفده نفر از بزرگان صحابه، تصمیم قتل پیغمبر را گرفتند، و خواستند شتر آن حضرت را رم بدهند، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) این مسئله را به غیر از افراد خاص از صحابه، (علی، و عمار، و حذیفه) کشف نکرد 4 چرا پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نهی کرد که در مرض او حضرتش را دواء ندهند، و حاضرین از نبودن بنی هاشم استفاده کردند، و دوایش دادند، وقتی به هوش آمد آنان را مذمت کردند، و فرمودند از آن دواء که به من دادید باید به اهل مجلس، غیر عمویم عباس که، بعد آمده است، بدهید، آقای عاملی بعد از نقل روایات «لَدَّ»، و تفسیر کلمه «لَدَّ» از قول اهل لغت الالدود: به فتح اللام، (دوا را به دهن مریض، از یک طرف بریزند، یا با انگشت و مثل آن فشار دهند.) فرموده: با دقت در معنی لَدَّ، و توجه به موقعیت روز دوا خورانی، و یأس از مسئله رم دادن شتر در برگشت از سفر جنگ تبوک، موضوع خیلی واضح می شود حتی بر کسانی که فهم شان ضعیف است از قول عایشه نقل می کند که، ما به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) دارو می دادیم، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اشاره می کرد که ندهید، ما قبول نکردیم، و گفتیم مریض دارو را دوست ندارد، پرستار باید بدهد، روایات را از بخاری و حاکم و نووی، نقل کرده، و حاکم روایت دیگری هم نقل کرده و گفته این روایت را که من نقل کردم، صحیح السنند، از نظر مسلم و بخاری، است چرا نقل نکرده اند، در ص 496 آقای عاملی گوید حالا که عایشه خانم اقرار می کند که، ما با نهی پیغمبر (صلی الله علیه و آله) او را دوا دادیم، معنی اش چه می شود، عاقلان دانند.

سخن نگارنده

آدرس روایات از طریق اهل سنت، در این بحث موجود است، (در صفحه 495) و اهل تحقیق می توانند ببینند، لکن آقای عاملی همه آدرس ها را نداده، یکی از باحثین در شهادت پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، جزوه ای تألیف کرده بود، او از طریق انترنت این آدرس ها را داده بود، برای تکمیل بحث، وارد می کنم و ما التوفیق الا بالله:

بخاری جلد 8 ص 40، و جلد 5 ص 143، و جلد 7، ص 17، صحیح مسلم جلد 7 ص 24، مسند احمد جلد 6 ص 53، طبری جلد 2 ص 437، مخفی نماند که آقای عاملی، در ص 496، از قول محدثین نقل می کند که، مسئله دوا خوراندن بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، در روز یکشنبه، پس از تأکید زیادی بر انفاذ جیش اسامه، و لعن بر متخلفین از آن، اتفاق افتاده است. و آخر دعویهم ان الحمد لله رب العالمین.

ص: 65

احمد بن حنبل که، امام وهابی هاست، از او پرسیدند از بوسیدن قبر و منبر پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، گفت اشکال ندارد، و اجازه دادن احمد را به ابن تیمیّه نشان دادند، تعجب کرد، و گفت احمد پیش من بزرگوار است، این کلام اوست؟ آقای عاملی گوید چه جای تعجب است، مگر احمد پیراهن شافعی را نشست، و آب آن را هم خورد. 9

توسل عمر به عموی پیغمبر (صلی الله علیه و آله)

عمر خطاب، در سال قحطی، به عباس عموی پیغمبر، خدا را قسم داد، باران آمد، و در خطبه اش مردم را امر کرد که، عباس را پیش خدا وسیله کنند 42 از طریق اهل سنت هفده روایت آورده، بر استحباب زیارت قبر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) 73 مضافاً بر آیه (وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ) به علاوه سیره مستمره مسلمین، تا زمان ابن تیمیّه (هشت قرن). 77

منصور دوانیقی، وقتی از مالک می پرسد، رو به قبر رسول خدا باشم دعا کنم، یا رو به قبله، مالک گفت رو به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که، هم وسیله توست، و هم وسیله پدرت آدم (علیه السلام) بود، و تا روز قیامت وسیله است، 80 به عقیده شما که، نماز عند القبور جایز نیست، پس عایشه در سی سال، نزد سه قبر، چطور نماز خواند، و به عقیده شما لازم می آید، احمد بن حنبل هم مشرک باشد، با آن توسلات که، داشت. 93 و 94

آقای عاملی گوید مذهب وهابیت در فقه، روی دو قاعده قرار گرفته است، 1. واجب است که ظاهر الفاظ را گرفتن، حتی در مثل وجه الله، و ید الله، و حرام است تفسیر به معنی مجازی 2. وجوب اتباع، و حرمة الابتداع، یعنی هر عمل دینی که، درباره آن نصّی نیامده، حرام است انجام دادن آن، حتی در، مثل جشن تولد پیغمبر (صلی الله علیه و آله) گرفتن، و عزاداری امام حسین (علیه السلام)، کردن، اگر کسی کرد خارج از دین است 418

تصرفات زیادی در صیغه صلوات

آقای وهابی شما که عقیده دارید، به وجوب اتباع و حرمة ابتداع، چرا پس این قدر تصرف، در صیغه مرویه صلوات کرده اید، (در نماز صیغه صلوات فرق نکرده است صلوات بر آل را دارند، ولی در خارج نماز فرق کرده، تا زمان حکومت عثمانی، آل را داشتند، شاهد نصوص تاریخ، و مخطوطات مؤلفین است.

در حکومت عثمانی آل حذف شد، و کلمه سلّم جای آن نشست، در حالی که معنی و سلّموا تسلیماً، تسلیم شدن است، سلّموا سلاماً نیست، بعدها صلوات بر اصحاب و ازواج، بر آن اضافه شد 420 و 419

در بیان آقای عاملی آمده، ملکه الیزابت، از مادر به بنی هاشم می رسد هی، من بنات الادریسیّه زوجه هنری الثامن، اگر بنی هاشم را توسعه دهید، به کفار هم می رسد 453

محدوده صلوات

آقای عاملی گوید، در صیغه صلوات، صلوات بر ابراهیم و آل ابراهیم (علیه السلام)، جزء نیست، بلکه اشاره به نعمت خدا بر آنان، و فهماندن بر ما که، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و آل او، مثل آنها ذریّه بعضهم من بعض هستند. 463

ص: 67

علت مخالفت قریش با پیغمبر (صلی الله علیه و آله) تنها بت پرستی آنان نبود

قبائل قریش که، برگشت همه شان، به حضرت اسماعیل (علیه السلام) است، 23 تا بود، و بنو هاشم در جاهلیت، و اسلام، اشرف آنها بود، و علت مخالفت آنان با پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، تنها بت پرستی نبود، بلکه هر رئیسی می خواست، پیغمبر از قبیله او باشد 8 ابوطالب (علیه السلام) با شخصیت خاصی که، داشت (در گزیده دوم گذشت که، ایشان از اوصیاء حضرت ابراهیم و اسماعیل (علیه السلام) بود، و ودایع نبوت را، او تحویل خاتم انبیاء (صلی الله علیه و آله) داد ص 15) در مقابل پسر برادر، مثل یک شاعر معمولی، در مقابل شخصیت بسیار بزرگ، شعر می گفت، و از نبوت آن حضرت کاملاً دفاع می کرد، و ابوجهل را احمق بنی مخزوم، می خواند 9 اهل سنت از ابن عباس روایت می کنند، که مقصود قرآن از سلام علی آل یاسین، سلام آل محمد (صلی الله علیه و آله) است، حاکم در مستدرک، ادعا تواتر اخبار، به تولد امیرالمؤمنین (علیه السلام)، در داخل کعبه کرده است. 40

از ترس جانشان کشف عورت کردند

از ترس شمشیر امیرالمؤمنین، سه نفر از دشمنان اسلام، برای حفظ جانشان کشف عورت کرده اند، ابوسعید بن ابوظلحه پرچم دار مشرکین در جنگ احد، او چون کشف کرد امیرالمؤمنین (علیه السلام) سرش جدا نکرد دومی بسر بن ارطاة، سومی عمر و عاص، این دو نفر را کشف عورت نجات داد، و قبل از ضربت خوردن، این کار را کردند. 21

امیرالمؤمنین (علیه السلام) چون حامل لواء حمد، طبق فرمایش پیغمبر قبل از او وارد بهشت می شود 135 از طریق عبدالله بن عمر، روایتی در حبّ امیرالمؤمنین خیلی لطیف، بیش از دو صفحه است، 169 در روز (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (1))، تنصیب بر خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام) کرد، به قدر عقل حاضرین 184 اهل سنت از ابن عباس نقل می کنند که گفت، علم من، و علم اصحاب پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، در مقابل علم علی (علیه السلام)، مثل یک قطره، در مقابل هفت دریاست 205 از خلیل بن احمد سؤال شد، چرا علی (علیه السلام) افضل از دیگران شد، گفت به دلیل اینکه او به هیچ کسی، احتیاج نداشت، و دیگران همه به او احتیاج داشتند 210 حضرت خدیجه، با آن همه ثروت، در وقت رحلت، فقط مالک

حصیری بود 235 ابن تیمیّه علی (علیه السلام) را مسلمان نمی داند، لعنه الله و الملائکه و الناس اجمعین، علی ابن تیمیّه و اتباعه. 333

ص: 68

آقای عاملی گوید فرض کن که امیرالمؤمنین دخترش را به عمر داد، چرا مثل قول حضرت لوط نشود، (هُؤْلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (1))، و حواله بیحسب آقای میلانی، داده است 460 عمر با اصرار زیادی دختر ابوبکر که، اسم آن هم ام کلثوم بود، خواستار شد، و عایشه هیچگونه راضی نبود، گفت اگر دست از ما برداری، می روم کنار قبر پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، سرم را باز می کنم، و صیحه می کشم، چون دید که طرف، از او پروترست، دست برداشت، از کجا چنین کاری را، درباره دختر امیرالمؤمنین، نکند. 462

سخن نگارنده

در تکمیل فرمایش آقای عاملی، نگارش دو مطلب لازم به نظر می رسد در باب 17 نکاح وافی روایت می کند از کتاب الخرائج و الجرائح ، بر امام صادق (علیه السلام) عرض کردند، اهل سنت به ما می گویند، عمر اگر خوب نبود، چرا امیرالمؤمنین (علیه السلام) دخترش ام کلثوم را، به او تزوج کرد، امام (علیه السلام) تکیه کرده بود، با شنیدن این حرف نشست، و فرمود سبحان الله، امیرالمؤمنین (علیه السلام) مگر قادر نبود که، بین عمر، و دخترش حائل بشود، دروغ می گویند، امیر (علیه السلام) تزویج نفرمود، لکن وقتی عمر در خواستگاری، اصرار کرد، و به عباس گفت، اگر علی (علیه السلام) دخترش را بر من تزویج نکند، سقایت حاج را از تو می گیرم، و بین تو و زمزم، فاصله می اندازم، مخفی نماند که سقایت حاج، و رسانیدن آب بر حجاج در منی و عرفات، در حکم وزارت آب امروزی، بلکه بالاتر بود، و عباس این سمت را داشت و لذا سعی می کرد، این ازدواج صورت گیرد، و آن مقام از دست او بیرون نرود، علی (علیه السلام) برای حفظ این سمت، دستور داد به زن جنیه یهودیه، از اهل نجران، به نام سخیفه، دختر جریره، به صورت ام کلثوم تمثل کند، و او را پیش عمر فرستاد، پسر خطاب از آن زن، ناراحتی ها دید، و گفت در روی زمین، کسی سحرتر از بنی هاشم نیست، خلیفه می خواست درد دلش را بر مردم اظهار کند، خدا مهلت ندارد، و عمر کشته شد، آن زن سهم ارث خود را، از مال عمر گرفت، در بیان مرحوم فیض آمده،

مقصود امام صادق (علیه السلام) از فرمایش خویش، (ام کلثوم فرجی بود از ما غصب شد) اشاره به این صورت ازدواج ظاهری است.

و اما دومین فرمایشی که، در جلد اول حدیقه الشیعه، ص 378 فرموده است:

عمر به عباس گفت، روز جمعه به مسجد بیا، بین چطور می توانم وسیله کشتن علی (علیه السلام) را، در صورت مخالفت با این ازدواج، فراهم کنم، روز جمعه گفت، مردم اگر امیرالمؤمنین، مقصود خودش است، به

ص: 69

تنهایی، شاهد زنای یکی از اصحاب رسول خدا(صلی الله علیه و آله) باشد، و شاهد دیگری نباشد، چه می کنید، گفتند شهادت تو، به تنهایی بر ما کافی است، جمع می شویم و او را می کشیم، نمی دانم در این جور دامادی ها، چه کمالی است که، پسر خطاب عاشق اش بود، (و من لم يجعل الله له نوراً فما له من نور(1)).

از جلد 8 طبقات ابن سعد، نقل می کند، عایشه قبل از ازدواج با پیغمبر(صلی الله علیه و آله)، با مردی جبیر نام، ازدواج کرده بود، و از او فرزندی داشت، به نام عبدالله، او چون مسلمان نشد، عایشه از او جدا شد، عایشه به پیغمبر(صلی الله علیه و آله) گفت، زن ها به خود کنیه گرفته اند، مرا به چه مکتباً می کنی، فرمود کنیه، از نام فرزندان عبدالله، انتخاب کن، این فرمایش صریح است که، او فرزندی هم داشت، آقایان اهل سنت، برای اثبات دختر بودن عایشه، توجیه کرده اند فرمایش نبوی را به اینکه، تو هم به نام فرزند خواهرت عبدالله بن زبیر، کنیه بگیر 464 طبقات ابن سعد، از ابوداود، از ام سلمه، نقل می کند که رسول خدا(صلی الله علیه و آله)، در ازدواج با عایشه، او را به سه روز مخصوص کرد با ملاحظه اینکه در ازدواج با دختر، رسم هفت روز بود 465

سخن نگارنده

در جلد 16 المیزان، ص 334، از خصال صدوق، امام صادق(علیه السلام) در شمارش زن های پیغمبر(صلی الله علیه و آله)، فرموده ثم ام عبدالله عایشه، مؤلف کتاب صاحب الغار ابوبکر ام رجل آخر، در ص 35 می فرماید عایشه و حفصه را، پیغمبر(صلی الله علیه و آله) برای بد اخلاقی شان، طلاق داد، و بعد رجوع کرد، و در ص 145 می گوید عایشه و حفصه هر دو هم بد اخلاق، و هم بد گل بودند، با تقاضای پدران، پیغمبر(صلی الله علیه و آله) گرفت، و ام حبیبه دختر ابوسفیان، خودش را به پیغمبر(صلی الله علیه و آله) عرض کرد، و از این راه، خانه پیغمبر تحت کنترل این سه نفر معلوم الحال قرار گرفت، از این حرف شریعتی خوشم آمد که، در کتاب فاطمه فاطمه است، گوید پیغمبر(صلی الله علیه و آله) در اول

بعثت، بت ها را با صراحت لهجه، موجودات بی ارزش می خواند، و بت پرستان را لقب بی عقل می داد، لکن با دخول افراد معلوم الحال، به دستگاه پیغمبر(صلی الله علیه و آله)، در آخر عمر کاغذ و قلم خواست، نگذاشتند بنویسد، مخفی نماند با ملاحظه این بحث، متوجه می شوی که قلم مرحوم نراقی، در جلد دوم جامع السعادات ص 11، چون حرف غزالی را بدون بیان، نقل کرده است، یقیناً طغیان کرده است که، عبارت کلمتی و اشغلی یا حمیر، در مقام خطاب به عایشه، از قول رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نقل کرده است.

و ما التوفيق الا بالله.

آقای عاملی گوید، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) از جریانات بعدی، و از حيله و كينه های امت، درباره علی(علیه السلام) خبر کرد، امیرالمؤمنین(علیه السلام) عرض کرد آیا آنان را مرتد حساب کنیم، یا گمراه، فرمود گمراه حساب کن، و لذا

ص: 70

امیرالمؤمنین (علیه السلام) آنان را مسلمان حساب کرد، پس تزویج امیرالمؤمنین دختر خود را به عمر، روی این حساب اگر ثابت باشد به ظاهر اسلام داده است، (نگارنده گوید کما اینکه آنانی که، زهر را با انگشت، از یک طرف دهان پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، به حلق او وارد کردند، به ظاهر اسلام بود) و اگر کفر او ثابت شود، از باب تقاضای حضرت لوط، تزویج دختران خود به پست ترین کسانی که خانه او را، محاصره کرده، و چند ساعت بعد می خواستند درک بروند، می شود. 470

آقای عاملی گوید، مسئله گرفتن عثمان، دو دختر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را، بر علیه شما وهابی هاست، زیرا که عثمان را عایشه تکفیر کرد، و اصحاب عدول حکم بر خیانت او کردند، و او را کشتند، دامادی پیغمبر (صلی الله علیه و آله) با این وصف، چه فایده ای دارد، تزویج پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، مثل تزویج حضرت لوط می شود، 474 و باز گوید تازه آنچه پیش ما صحیح است، این است که، به غیر از فاطمه (علیها السلام)، دختران دیگر خدیجه، دختران خواهر او بودند. 475

یکی از بحث کنندگان به نام عمر، از صحیح مسلم روایتی را نقل می کند، مضمونش این است که، علی (علیه السلام) در وقت مردن عمر خطاب، آرزو کند که، ای کاش عمل من علی (علیه السلام)، مثل عمل تو عمر باشد، باحث دیگری به نام ذوالشهادتین، گوید عمل عمر کدام است، فرار کردن او در جنگ احد، و در جنگ حنین، یا جاهل بودن او به روشن ترین مسئله فقهی، یا تغییر او سنت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را، یا آتش زدن او به در خانه فاطمه (علیها السلام)، برو این حرف را در اجتماع نواصب بگو که، از چهارپایان هم کمترند، و هر حرف سخیف را قبول می کنند، نه در اینترنتی که، شجاعان شیعه حضور دارند. 478

باحثی به نام عمر اشاره می کند، به عبارت متشابهی و مجملی در نهج البلاغه، ظاهراً این کلمه مقصودش باشد، (لله بلاء فلان) و آن را مدح عمر خطاب گرفته است، آقای عاملی گوید، از کجا این عبارت درباره عمر باشد، چرا شما خطبه شقشقیه را که نصّی در مذمت خلفای سه گانه است، ترک می کنید، و می چسبید به عبارت مجمل.

مخالفین اهل بیت اگر بگویند، ما این مطلب را در قرآن پیدا نمی‌کنیم، بعید نیست، زیرا که قرآن در خانه آنها نازل نشده است 22 سلمان فارسی در روز غدیر، از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) سؤال کرد، مرادتان از مولا، در من کنت مولاہ فعلی مولاہ چیست، جواب داد، مقصودم اولی به تصرف است. 32

سخن نگارنده

خدا رحمت کند سلمان را که، با چشم خدا بینی اش می دید که در آینده امثال ابن ابی الحدیدها، پیدا خواهد شد، در سند حدیث غدیر، چون خودشان بیش از ما سند دارند، نخواهند توانست تشکیک کنند، و هر چه زهر دارند، به دلالت خواهند ریخت، لذا خواست در متن غدیر، عذر امثال آنها را قطع کند، و حجت را از قول رسول خدا(صلی الله علیه و آله) بر آنها تمام کند لیهلک من هلک عن بیته مخفی نماند سؤال سلمان و جواب رسول خدا را، هر دو طایفه از شیعه و سنی نقل کرده اند.

از جمله علائم ظهور طلوع ستاره قرمز رنگ، و خراب زوراء (ری)، و زیر آب رفتن مزوره (بغداد) و خروج سفیانی، و جنگ بنی عباس با جوانان ارمنیه، و آذربایجان که، در این جنگ هزاران هزاران انسان ها کشته می شوند. 74

سخن نگارنده

امثال این حدیث زیاد است، در روایات ظهور حضرت مهدی، (عجل الله فرجه الشریف) که صحبت از آل ابوسفیان، و از بنی عباس می شود، در حالی که فعلاً کسی را پیدا نمی‌کنیم بگوید، من از بنی امیه، یا بنی عباسم، لکن این پیشگوئی ها را نمی‌توانیم، انکار صدی صدی، بکنیم زیرا که تا آن وقت نرسید، فهمیدن این معانی دشوار است، سفارش بزرگان است که، چیزی به شما رسید فوری انکار نکنید، رسیدن زمان، خودش مفسر عبارات است، چطور می‌تواند که با پیشرفت علوم، خیلی از حقایق فرمایشات اهل بیت(علیه السلام) روشن می شود، مثل روایت حزقه حزقه ترق عین بقیه که در جلد اول گزیده صفحه 66 شرحش گذشت، و مثل حدیثی که می فرماید، در شب آب می خوری ظرف آب را در دست بگیر، و بگو ای آب، آب زمزم و فرات تو را سلام می رسانند که، شرحش در استطرف، جلد 17 وسائل الشیعه، ص 199، گذشت. از کجا پیدایش داعش ها نعوذ بالله، مفسر انواع بلاهای وعید داده شده نشود، باش تا صبح دولتت بدمد، که این هنوز از نتایج سحر است.

از جمله بلاهای وعید داده شده، خوف شدید، و زلزله های زیاد، و بلاهای عمومی، و پیدایش مرض طاعون 123 و از جمله علائم مسخ شدنهاست که، سر صدائی از خانه ای بیرون بیاید، بررسی چه چیز است، بگویند فلانی مسخ شد (قالب انسانی را ترک کرد و به قالب یکی از حیوانات در آمد و خانه را ترک کرد 143 و از جمله علائم گرمای شدید می باشد 144 قبل از ظهور امام زمان(عجل الله فرجه)، همه اصناف مردم به حکومت می رسند، تا نگویند ما اگر به حکومت می رسیدیم، عدالت می کردیم 146.

از جمله کسانی که با امام زمان(عجل الله فرجه) جنگ می کنند، اهل ری است. 160.

سخن نگارنده

مقصود از ری، تنها شهر ری فعلی نیست، بلکه بنابر آنچه یادم است، منطقه تهران تا نزدیکی های همدان را شامل می شود، رجوع شود به جغرافیای قدیمی، اصحاب 313 نفری امام زمان، همه عجم هستند، و همه جوان، و پیر داخل آنها خیلی کم است 170 اصبع بن نباته از امیرالمؤمنین نقل می کند که، عجم ها در مسجد کوفه خیمه ها می زنند، و به مردم قرآن را آن طوری که نازل شده، درس می دهند 171 امام باقر(علیه السلام) می فرماید امام زمان وقتی ظاهر شد، به همه جای زمین نماینده می فرستد، و می فرماید اگر حکم چیزی را ندانستی، نگاه کن به کف دستت، و هر چه در آن دیدی عمل کن، و لشگری به طرف قسطنطنیه می فرستد، وقتی به خلیج رسیدند، چیزی به زیر پایشان می نویسند، و روی آب راه می روند، وقتی مردم روم این را دیدند، می گویند تازه اینها اصحاب امام زمانند که، می توانند روی آب راه بروند، خود آن حضرت حساب دیگر دارد، پس درهای شهر را به روی اصحاب آن حضرت باز می کنند، آنها وارد شده و طبق دستور، امام فعالیت خویش را شروع می کنند. 172

غرب فکر می کند که دموکراسی و آزادی و حقوق بشر را آن بر ملت ها آورده است، و حال این که اسلام هزار و چهارصد سال پیش کعبه را بیت عتیق خوانده (به فرمایش امام باقر(علیه السلام) آنجا را کسی از جباران مالک نشده است)، کعبه سمبل آزادی است اسلام مردم را وا داشته که بطرف آن سمبل نماز بخوانند و طواف بدور آن کنند، و در مثل قرائت قرآن رو به طرف کعبه مستحب، و برخی از کارهای زشت را حتماً به طرف آن نباید بکنند، و بعضی دیگر را مکروه فرموده، پس تمام انسانها حتی در آخرین دقایق عمر ارتباط تنگاتنگ با این بیت لازم داشته باشند، پس انسان مسلمان همواره باید از حیات آزاد خود پاسداری کند، و هرگز آزادی آسمانی خویش را فدای افسون های اسارت آور طبیعت و خاک نسازد، پس اولین آزادی خواهان انبیاء(علیه السلام) هستند، و وجود رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در حلقه آنان چون خاتم می درخشد، این مطلب مضمون فرمایش نیم قرن پیش علامه طباطبائی(ره) که، اسلام با قوانین حیات بخش خویش آزادی آورده و غرب می خواهد بخود بچسباند 40 و 41 قرآن اسراء و انزال قرآن را نتیجه عبد بودن رسول(صلی الله علیه و آله) می داند، (سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ (1)، (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ (2)) (فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِ مَا أَوْحَىٰ (3))، و هم ولایت علم باطن داشتن حضرت خضر را(علیه السلام)، عبودیت او قرار داده است (فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا (4) 48 و 49 امیرالمؤمنین(علیه السلام) عزت خویش را در عبودیت خدا می داند، کفی بی عزاً ان اکون لک عبداً 49 لوکان الناس رجلین لکان احدهما الامام(علیه السلام) ان آخر من يموت الامام لئلا يحتج احدهم على الله عزوجل ترکه بغیر حجّه 58، در مواردی که بعقل احتجاج شده برای آن است که، عقل بقصور خود و ضرورت وحی آگاه است، و لزوم پیروی آن را تثبیت می کند 62 قرآن خود را برای همه جهانیان (ذُكِرَى لِلْعَالَمِينَ (5))، (نَذِيرًا لِلْبَشَرِ (6)) معرفی می کند 64 زندگی که هیچ نقص ندارد زندگی بهشت است، چرا که همه اهل آن معصومند، (لَا لَغُوفِيهَا وَلَا تَأْتِيْمٌ (7))، اسلام مردم را ناظر حسن اجرای قانون قرار داده و

امر به معروف را واجب، حتی به عقیده بعضی ها (مثل محقق حلّی) واجب عینی است

ص: 74

- 1- . سوره اسراء، آیه 1.
- 2- . سوره كهف، آیه 1.
- 3- . سوره النجم، آیه 10.
- 4- . سوره كهف، آیه 65.
- 5- . سوره انعام، آیه 90.
- 6- . سوره مدثر، آیه 36.
- 7- . سوره طور، آیه 23.

89 شعار اسلام پیروی از حق، و شعار حکومت های بشری پیروی از اکثریت است، احیاناً اکثریت احترام داشته باشد برای تشخیص حق است 90 صاحب جواهر در باب امر به معروف و ولایت فقیه را لازم، بل لولا عموم الولایت لبقی کثیر من الامور المتعلقة بشیعتهم مطلقه، فمن الغریب وسوسه بعضی الناس فی ذلک، بل کأنه ما ذاق من طعم الفقه شیئاً، و بعید می داند که فقیه جامع شرایط حق جهاد ابتدائی را نداشته باشد، محقق گوید رجوع شود به تهاویل در قسمت جهاد جواهر که لازم است، 126 و 127 به شیخ انصاری نسبت داده در باب قضاء ولایت فقیه را، کلمه حاکم را در مقبوله عمر بن حنظله بمعنی متسلط مطلق گرفته 127 چون مقبوله مصدر است به لفظ فتحاكما الی السلطان او الی القضاء می رساند جامع بودن ولایت فقیه به سیمت سلطنت و منصب قضاء، و در مشهوره چون لفظ الی السلطان الجائر آمده می رساند که فقیه سلطان عادل است 222 و 223 لفظ روایت کافی حلال محمد (صلی الله علیه و آله) حلال ابداً الی یوم القیمه و حرامه حرام ابداً الی یوم القیمه 246 آیاتی مثل (لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ (1)، (لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُسَيِّرٍ (2) مربوط به تکوین است زیرا که در محدوده شرع امر بمعروف و حدود مطرح است 335

ص: 75

1- . سوره بقره، آیه 256.

2- . سوره غاشیه، آیه 22.

احتمال وجود مبدء و معادهم، لازم گرفته است جستجو و لزوم تحصیل معرفت دینی را، احتمال بدهی که سیم برق اتصالی پیدا کرده تا یقین به زوال خطر نکند آرام نمی گیرد 21 و 22 فطرت انسان عاشق علم است، چون کمال انسان با عقل و میوه عقل علم است، حتی به جاهل بگوئی عالم هستی مسرور می شود، انما هو (علم) نور یقع فی قلب من یرید الله ان یهدیه؛ بحار 1، 225، به اندازه نسبت شرف خدا بر مخلوق، علم اصول دین بر سایر علوم شرف دارد 25 اعتقاد به نبود مبدء و معاد، ممکن نیست مگر انسان احاطه به تمام هستی داشته باشد، و علم به سلسله علل و معلولات داشته باشد، تا این طور نباشد یقین کردن به نبود مبدء و معاد محال می شود، و آنچه ممکن است ندانستن مبدء و معاد، 26 برای اهل الله وسیله رسیدن به معرفت خدا، خود خداست بک عرفتک و انت دللتی علیک 27 چهارده نوع توحید شرح پاورقی 42 و 43 طبق فرمایش امیرالمؤمنین (علیه السلام)، توحید را به معنی یکی است و دو تا نیست معنی کردن غلط است 1، و صحیح از معنی آن، واحدی است که چیزی شبیه او نیست، و احدیت عین ذات اوست، احدی است که در وجود، و عقل، و وهم، قسمت پذیر نیست، واحدیت عین ذات اوست 42 خداوندی که بدی ظلم و خوبی عدل را در فطرت انسانها نهاده، چطور ممکن است خودش ظالم باشد 49 دلیل دیگر بر اثبات عدل، منشاء ظلم یا جهل به قبح آن است، یا عجز از رسیدن به هدف، یا لغو و عبث انجام دادن، خداوند از جهل و عجز و سفاهت متزه است، دلیل سوم ظلم نقص است، اگر خداوند ظالم باشد ترکب او لازم می آید، (ترکب از کمال و نقص) و این خاصیت مخلوق است نه خالق، امام صادق (علیه السلام) اما التوحید فان لاتجوز علی ربک ما جاز علیک، و اما العدل فان لاتنسب الی خالقک ما لامک علیه 50 پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از آدم های انسان زنده بگور کن، چنان افرادی با عاطفه درست کرد که، در فتح مصر در یکی از خیمه های مجاهدین مرغی لانه گذاشته بود در وقت کوچ آن خیمه سر جای خود گذاشتند که مرغ اذیت نشود، بعدها در همان جا شهری بنا شد اسمش را فسطاط نامیدند 80 ابن زبیر به امیرالمؤمنین (علیه السلام) عرض می کند در حساب پدرم دیدم که از پدر تو هشتاد هزار طلب کار است، حضرت پرداخت کرد بعد آمد عرض کرد نه پدر تو از پدر من طلب کار بوده است، فرمود آن بر پدر تو حلال، و آنچه به تو دادم مال تو 84 داخل غنیمت گرده نانی بود و کوفه 7 محله داشت آنرا 7 قسمت کرد روی هر سهمی یکی گذاشت 85 رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مسجد الحرام نماز می خواند دو نفر در طرف راست صفیر و دو نفر در طرف چپ کف می زدند که نماز را برای حضرتش خراب کنند 89 منکرین معاد غیر از استعباد محض دلیلی ندارند، غافلند از این که موجودات زنده از اجزای مرده پراکنده

شده، ساخته شده اند، خدای قادری که بدون سابقه اجزای مختلفه

را برای پذیرفتن حیات آماده کرد (بدون مثال)، قادر است دوباره با مثال خلق کند، دومی که راحت تر از اولی است 102 قدرتی که هر شب مشعل ادراک انسان را به وسیله خواب خاموش می کند و علم و اختیار از آدمی می گیرد، قادر است بعد از خاموشی مرگ دوباره آن را روشن کرده و معلومات از دست رفته را به او برگرداند 103 طبری مورخ، در کتاب خود المسمی بالولایه حدیث غدیر را با 75 سند و ابن عقده در کتاب المولاه خود با 105 سند و استاد غزالی (امام الحرمین) جلد 28 حدیث من کنت مولاه فعلى (علیه السلام) مولاه در دست صحاف در بغداد دیده، در آخر نوشته تتمه در جلد 29 119 و 120 در حدیث ابن عباس آمده در ليله المبيت تا صبح مشرکین به گمان این که خود پیغمبر (صلی الله علیه و آله) خوابیده علی (علیه السلام) را سنگ باران کردند 126 امام زمان همچون آفتابی است که، ابر غیبت نمی تواند مانع تأثیر اشعه وجود او در قلوب پاکیزه شود، مانند اشعه خورشید که در اعماق زمین جواهر نفسیه را می پروراند، و حجاب ضخیم سنگ و خاک مانع استفاده آن گوهر از آفتاب نمی شود 165

مورد تأیید آقای وحیدی، اولی به یاد اول مظلوم روزگار، خلیل الرحمن امامت را برای عموم ذرّیه اش نخواست، بلکه برای عدول آنها، جواب آمد که از عدول ذریه هم بر کسی که در گذشته از او ظلم سر زده، داده نمی شود (امامت طهارت مطلقه می خواهد) 14 خداوند خود را معلّم قرآن معرفی می کند (الرحمن علّم القرآن) 87 خداوند خود را برای انزال قرآن حمد می کند، (الحمد لله الذی انزل علی عبده الكتاب) 89 چه بسیار بزرگ است منزلت کسی که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) او را با قرآن، و قرآن را با او قرار می دهد 90 تنها به عبارت علیّ مع القرآن اکتفاء نفرمود و القرآن مع علیّ (علیه السلام) هم فرمود، اولوالالباب متوجه این نکته می شوند 93 فاطمه (علیها السلام) که خداوند به رضای مطلق و بدون قید و شرط او راضی می شود، عصمت کبری است 110 تاریخ مانند علی (علیه السلام) دلاوری نشان نمی دهد که در میدان جنگ زرهش پشت نداشته باشد 112 مرحب را به یک شمشیر دو نیم کرد 113 با حضور وقت نماز رخسار امیرالمؤمنین (علیه السلام) دگرگون، و لرزه به اندامش می افتد، و در مقابل سؤال کننده می فرماید: وقت امانتی رسیده است که آسمان و زمین و کوه ها از تحمّل او اباء کردند 114 قال (صلی الله علیه و آله) انا ادیب الله و علی (علیه السلام) ادیبی 124 نزول قرآن شب 21 رمضان 134 بنطق علی (علیه السلام) درب شهر علم باز، به سکوت او این در بسته می شد، انا مدینه العلم و علی (علیه السلام) بابها 154 خدا لعنت کند بر کسانی که علی (علیه السلام) را 25 سال تعطیل وجود کردند، و وسائل عدم پیشرفت او را در پنج سال بعدی فراهم کردند، لعن علی عدوک یا علی، آنچه موجب حیرت اهل نظر است این است که، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به لحاظ مصلحت، همه فضائل علی (علیه السلام) را نفرمود، و نگفته ها بیشتر، اگر نمی ترسیدم از آنچه نصاری درباره عیسی (علیه السلام) الخ 173 عزرائیل (علیه السلام) در شب معراج از پیغمبر از علی (علیه السلام) سؤال می کند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید پسرعمویم را می شناسی؟ عرض می کند چه طور شناسم خداوند قبض روح خلاق را بر من، و قبض روح تو و علی را به مشیت خویش انجام می دهد 176 به روایت عایشه پیغمبر (صلی الله علیه و آله) امیرالمؤمنین (علیه السلام) را می بوسد و می فرماید بایی الوحید الشهید

و اما جزوه دومی

به یاد آنکه مذهب حق یادگار اوست، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) وصیت کرد وقتی که جعفر بن محمد (علیه السلام) متولد شد اسم او را صادق (علیه السلام) نامگذاری کنند 8 بفرموده صاحب حدائق،

بعضی حکام بغداد برای محکوم کردن شیعه خواست قبر امام کاظم (علیه السلام) را بشکافد گفتند امتحان را با قبر کلینی بکن، وقتی شکافتند بدن کلینی را تازه یافتند پاورقی 11 ابن ابی عمیر برای قبول نکردن قضاوت از طرف هارون و مأمون، چهار سال زندان

می رود 16 اگر زندگی محدود به حیات دنیوی بود، ادراک حیوانی و شهوت و غضب حیوانی کافی بود، و عقلی که عاشق علم نامحدود، و فطرتی که هر مقام و منزلی را پیدا کرد عاشق بالاتر می شود، لازم نبود، و بود این دو تا در انسان علامت این است که، برای زندگی نامحدودی خلق شده است خلقتم للبقاء لا للفناء و انما تتقلون من دار الی دار 72 امام صادق(علیه السلام): عثمان دو غلام خود را با دویست دینار پیش ابی ذر می فرستد، سؤال می کند آیا به سایر مسلمان ها هم اینقدر داده است؟ گفتند: نه، فرمود: پس من نمی خواهم، گفتند مال شخصی عثمان است، فرمود به مال شخصی او احتیاج ندارم، گفتند به ما گفته است اگر قبول کرد شما دو نفر آزادید، فرمود آن وقت من غلام می شوم، 107 امام صادق(علیه السلام): از جمله و دایع امامت، اسمی را بیان می کند که، پیغمبر(صلی الله علیه و آله) آن را بین مشرکین و مؤمنین می گذاشت تیرهای مشرکین به مسلمین نمی رسید، و از آنهاست مصحف فاطمه(علیها السلام) 136

تألیف ایوب صبری پاشا ترجمه عبدالرسول منشی که، از ترکی استامبولی، به فارسی ترجمه شده است اسامی چهل و پنجگانه مکه مکرمه.

سه نفر از قرمطیان، که برای کندن ناودان طلا، به بام کعبه رفتند هر سه هلاک شدند

ابو طاهر قرمطی پس از کشتن 20 هزار حاجی، در مکه و بردن اشیاء قیمتی کعبه، و تقسیم آنها بین لشگریان خویش، چند نفر از قرمطیان را، برای کندن ناودان طلا، پشت بام فرستاد، الحمد لله همه افتادند و هلاک شدند، ابوطاهر ملعون، جریان جسارتش را به عبدالله المهتدی که، از ملوک فاطمیّه (1) [1](#)

بود گفت و فکر کرد که تشویق خواهد شد، و به او گفت در آینده به اسم تو می خواهم خطبه بخوانم، (حکومت و سلطنت تو را به رسمیت بشناسانم، و در خطبه نماز جمعه که اسم بزرگان را می بردند، اسم تو را ببرم) او در جواب گفت خیلی عجیب است تو با این همه جسارت به بیت الله، می خواهی به نام من خطبه بخوانی، من اجازه نمی دهم 79

برکت نام فاطمه (علیها السلام)

وادی فاطمه (علیها السلام) در پنج و شش ساعتی مکه، در طرف مدینه واقع است، با داشتن 30 چشمه آب، منطقه محصول داری است 93 در صحرای منی گیاه سنا زیاد است، حیوانی که در آن صحرا بچرد، گوشتش اسهال آور است، گوشت را باید از عرفات یا مکه تهیه کنند 108 در زمان سابق، رسم اهل مکه بر عدم ارتفاع منازل از ارتفاع کعبه، جاری شده بود 109 در سال 950، حکومت مکه به دست سلاطین عثمانی افتاد 111 وقتی که ملائکه (أَتَجَعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدَّمَاءَ (2) [2](#)) الایه، گفتند ترسیدند که مغضوب درگاه رب العالمین شوند، سه (3) ساعت گرد عرش طواف کردند، تضرع شان مقبول شد، مأمور شدند طواف بر دور بیت المعمور که، زیر عرش است کنند، بعد مأمور شدند، قبله ای در زمین، بر اهل زمین بسازند. 147

ص: 80

1- . سلاطین فاطمیّه شیعه بودند و به نام مادرشان فاطمه (علیها السلام) منسوب شده اند.

2- . سوره بقره، آیه 30.

این کعبه که فعلاً داریم می بینیم، یازدهمین بنای کعبه است به این ترتیب که، اول آن را ملائکه ساختند، روایت بحار الأنوار، در جلد 99 ص 47، دلالت دارد که بیت ملائکه در طوفان نوح(علیه السلام)، به آسمان چهارم رفت.

حضرت آدم(علیه السلام) در زمین، علاوه بر تنهائی از نشنیدن صدای تسبیح ملائکه، رنج می برد، به خدا شکایت کرد، فرمود در زمین بیتی دارم، آن را پیدا کن، و روی آن را بساز، با رهنمائی ملائکه جای بیت را پیدا کرد، و با سنگ هائی که ملائکه از پنج کوه زمین می آوردند، آن را ساخت، و از این طریق بنای دوم کعبه صورت گرفت 151 به مرور زمان، و پیدایش حوادث، ساختمان سوم به دست حضرت شیث پیغمبر، و چهارم به دست حضرت ابراهیم خلیل الرحمن، پنجم به دست عمالقه، ششم به سعی قوم جرهم، هفتم با اقدام قصی بن کلاب، هشتم آن را قریش، قبل از بعثت پیغمبر(صلی الله علیه و آله) نهم به وسیله عبدالله زبیر، و دهم به وسیله حجاج بن یوسف، یازدهم آن، در سال 1040 هجری قمری، بسعی سلطان مراد خان، چهارمین سلطان، از سلاطین عثمانی به عمل آمد. 145

روضات الجنات در جلد 4، ص 280، بانی های کعبه را در طول تاریخ ذکر کرده است، و همانطور مرحوم حاجی نوری در جلد سوم مستدرک الوسائل، و صاحب منتخب التواریخ، به نقل از حاجی نوری در کتابش آورده که، مهندس آخرین بنای آن آقای سید زین العابدین کاشانی، که در عین آیه الله بودن، مهندس هم بود، و در مکه اقامت داشت، از خدا می خواست که، او هم در ساختمان کعبه سهمی داشته باشد، دعایش مستجاب شد، او اولین سنگ کعبه فعلی را که، از سه طرف دیوارهای آن، به وسیله سیل معروف آن روز، (غیر دیوار حامل حجر الاسود) ریخته بود، روی سنگ هائی که ملائکه گذاشته بودند، گذاشت هر که طالب است به آدرس این سه کتاب (روضات، و مستدرک، و منتخب التواریخ) در اصل تهاویل الربیع (جلد چهارم) رجوع کند.

در گلستان وسط آتش ابراهیم،(علیه السلام) آب خوشگوار هم جاری شد. 181

نمرود گفت، هر کس دوست انتخاب می کند، مثل دوست ابراهیم (علیه السلام) برگزیند

در جائی از تهاوایل الربیع آورده ام که، نمرود از دور ناظر آتش افتادن ابراهیم (علیه السلام) بود، وقتی جریان این آب را دید، گفت هر کس می خواهد دوستی برای خودش بگیرد، مثل دوست ابراهیم دوست پیدا کند که، ما هر چه سعی می کردیم کار او را یکسره کنیم، و برای این تصمیم چهار ماه هیزم جمع کردیم، و آتش زدیم، دوست ابراهیم طرفداری از او کرد، آتش بر خلاف طبعش گلستان، و در وسط آتش آب خلق کرد.

بت پرستی از راه مجسمه سازی وارد عالم بشریت شد.

پس از رفع حضرت ادریس به آسمان، به یکی از علاقه مندان آن حضرت که، در فقدان او ناراحتی زیادی داشت، ابلیس مجسمه آن حضرت را تحفه آورد، و او را آرام کرد 321 او آن مجسمه را داشت و مخفی می کرد، پس از مدت زیادی او فوت کرد، و در ترکه آن این مجسمه پیدا شد، نشناختند، ابلیس به صورت مرد صوفی آمد، و گفت این مجسمه خالق زمین و آسمان است، از این طریق بت پرستی، بر بشریت راه یافت 322 جمشید در زمان حضرت ادریس به تخت سلطنت نشست، و هشت صد سال بدون هیچ رنجی، به عالم حکومت کرد، دوستان او روز جلوس او را نوروز خواندند، و هر سال همان روز را عید گرفتند 339 با اغوای ابلیس، جمشید به خدائی خویش اذعان کرد، و هر کس که او را سجده نمی کرد، تهدید به سوزاندن می کرد 340 او به دست ضحاک پسر برادر شداد بن عاد، از وسط دو تکه شد 340 در جریان قصد تخریب کعبه مکرمه، ابرهه با لشکر سیصد یا شش صد هزاری، وقتی در اطراف کعبه قرار گرفت، فیل ها به اشاره حضرت عبدالمطلب، وقتی که فهمیدند که می خواهند کعبه را خراب کنند، هر چه به آنها فشار آوردند، حتی به جای تازیانه کلنگ زدند، حرکت نکردند 376 با آمدن بالای آسمانی، وزن هر کشته ای اندازه یک تخم مرغ شده بود، باد به آسانی آنها را این طرف و آن طرف می چرخانید، سپس سیلی پیدا شده، اجساد آنان را برد به دریا ریخت، و اهل مکه غنیمت زیادی را به دست آوردند 379

بارک الله به اصفهان

آلب ارسلان رومانوس سلطان روم را که، به قصد تخریب کعبه آمده بود، با کمک لشکر اصفهان اسیر کرد. 388

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود، کسی گناه را خندان بکند، گریان وارد جهنم می شود. 26 عبدالملک مروان در حالی که تنها بود، با عربی روبرو شد، پرسید عبدالملک را می شناسی، عرب گفت بلی هر چه بگویی آدم بدی است، گفت من عبدالملکم، گفت مال خدا را خوردی و حق او را ضایع کردی، بعد لشگرش به او رسیدند گفت یا امیرالمؤمنین، آنچه بین من و تو گذشت کتمان کن، که امانت مجالس لازم است حفظ شود 39

در عظمت بسم الله الرحمن الرحیم

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود دعائی که با بسم الله شروع شود، رد ندارد، و فرموده است امت من روز قیامت بسم الله گویان به محشر می آیند، کفّه حسناتشان سنگین می شود، دیگران می گویند چه چیزی حسنات امت محمدی (صلی الله علیه و آله) را سنگین کرده است، انبیاء (علیهم السلام) گویند، آنان در ابتداء حرفشان سه اسم، از اسماء خدا را آورده اند، که اگر آنها را در یک کفّه ترازو بگذارند، و سیئات دیگران را در کفّه دیگر، حسنات اینها بالاتر از سیئات دیگران خواهد شد. 40

شرار خلق

در دعائی که، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) تعلیم کرد، (خدایا مرا بر شرار خلق محتاج نکن) علی (علیه السلام) عرض کرد، شرار خلق کیان اند؟، فرمود کسانی هستند که، اگر چیزی دادند منت گذاشته، و اگر ندهند عیب تراشی می کنند 47

تا می توانی از صدقه مردم استفاده نکن

مردی از انصار، به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اظهار گرفتاری کرد، فرمود هر چه گمانت می رسد از وسائل خانه ات، ولو کم هم باشد بیاور، آنچه را که توانست بیاورد، یک چول حیوان، و یک ظرف آب خوری بود، فرمود کیست کسی که، این دو تا را بخرد، یکی گفت من به یک درهم حاضرم بخرم، فرمود کسی هست که بیشتر بخرد، دیگری گفت من به دو درهم خریدارم، به او فروخت، و به انصاری فرمود به یکی از دو درهم، برای اهل خانه ات خوردنی بخر، و درهم دیگر را داد، و فرمود برو با این پول تیشه ای بخر، وقتی حاضر شد، فرمود چه کسی دسته تیشه دارد، به این مرد احسان کند، کسی حاضر شد هدیه کند، تیشه را با دست مبارک دسته دار کرد، و به انصاری فرمود، برو به صحرا هر تر و خشکی را، ولو کم هم باشد بکن بیاور، پانزده روز آن مرد به صحرا رفت، الحمدلله وضعش خوب شد، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و

آله) فرمود این طور خودکفائی بهتر است از اینکه، از مردم صدقه قبول کنی، و در روز قیامت، به صورت مخدوش به خدشه صدقه، محشور شوی 53

منصور دوانیقی به کسی زنزاده گفت، طرف معطل نکرد، و گفت می دانی که مادر من، از مادر تو (سلامت) بهتر است، باز منصور گفت ای احمق، گفت احمق کسی است که دینش را به دنیایش بفروشد، دستور داد از پشت بام انداختند. 52

اهمیت اطعام بر برادران دینی

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود اگر برادران دینی ام را، به سر سفره ای که، حدود سه کیلو گندم، بر نان آن صرف کرده ام جمع کنم، بر من بهتر است از اینکه، یک غلامی را آزاد کنم. 56 حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود اگر توانستی حتی به لباس زنی که محرمت نیست، نگاه نکن. 70

بر هر عالمی نگاه کردن عبادت نیست

از امام صادق (علیه السلام) سؤال کردند، از فرمایش نبوی (صلی الله علیه و آله): (نگاه کردن به صورت علماء عبادت است) فرمود مقصود پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، آن عالمانی است که وقتی هر کدام آنها را دیدی آخرت را به تو تذکر دهد، و اگر دیدن آن دنیا را در نظر تو جلوه دهد، چنین نگاه کردنی خلاف عبادت است 92 عایشه در وقت مردن می نالید، گفتند چرا می نالی، گفت، جریان جنگ جمل اذیتم می کند. 93

سخن نگارنده

در کتاب زهر الریبع آورده، زنی پیش عایشه آمد، و از او سؤال کرد، خانم مادری بچه اش را بکشد، چه باید کرد، گفت قصاص می شود، گفت پس چطور می شود حال مادری که، بیست هزار نفر از فرزندان او را بکشد، گفت این زن را دور کنید که، او رافضی است، هر که با آل علی در افتاد ور افتاد.

البرایا اهداف البلیا

در حدیث قدسی: البرایا اهداف البلیا، یعنی بندگان خالص خدا، نشانه گاه، تیرهای بلاها هستند، 94 کسی اموال زیادی را، در راه خدا احسان کرد، گفتند برای فرزندت هم چیزی نگاه دار، گفت اموال را در پیش خدا برای خودم ذخیره کردم، و خدا را هم برای فرزندم 165

مغورها خودشان را بیش از انبیاء (علیهم السلام) حساب می کنند

در بیان مرحوم مؤلف آمده، آنانی که مغرور به اعمال خودشان هستند و عبادات و مواسات ها و ترس از خدا و دوری از شهوات را ندارند، به حکم فرمایش نبوی که فرمود، غرور بر آخرین امت غلبه خواهد کرد، فکر می کنند که کرم و فضل خدا را بیش از انبیاء (علیهم السلام) و اولیاء شناخته اند 225

قرآن علمای فجره را به خر و سگ تشبیه کرده است

آنانی که به علم خود مغرور می شوند و روایات وارده در فضل علم را مدّ نظر قرار می دهند، نصوص وارده در مذمت علمای فجره را دقت نمی کنند، چقدر در غفلت هستند و کدام بدبختی بالاتر از این می شود که، نصّ قرآن عالمان فجره را تشبیه به سگ، (فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ) (و یا به خر، کرده است) (كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا) (228 رسول خدا(صلی الله علیه و آله) کسانی را که، با هوای نفس رفتار می کنند و آرزوی بخشش خداوندی دارند، احمق می خواند، الاحمق من اتبع نفسه هواها و تمّی علی الله، برای زمستان کوتاه که در پیش است، هیزم آماده می کنی، و توکل به خدا نمی کنی، خیال می کنی زمهریر جهنم کمتر از زمستان است 251

کرم های قبر اول حدقه چشم راست را می خورند

در قبر اولین عضوی که، نصیب کرم های آن می شود، حدقه راست، بعد حدقه چپ چشم است 286

مراتب چهارگانه علم

از نظر رسول خدا(صلی الله علیه و آله) مراتب علم چهار تاست، 1. گوش دادن، 2. جمع کردن، 3. عمل کردن بر آن، 4. انتقال دادن آن به دیگران 336 کسی به رسول خدا(صلی الله علیه و آله) عرض کرد، به فامیل صله می کنم، آنان قطع می کنند، بدی شان را عفو می کنم، آنها ظلم می کنند، اجازه هست که من هم مثل آنها باشم، فرمود اگر این کار بکنی، همه تان از رحمت خدا دور می شوید، لازم است وقتی بدی کردند خوبی کنی که، خداوند تو را محفوظ بدارد، و پشت و پناه تو باشد. 351

از جمله مواعظ رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به ابودر: یا اباذر هیچ سخنرانی نیست، مگر اینکه روز قیامت سخنرانی او را به او نشان می دهند که، به چه ستنّی ایراد سخن کرده است، یا اباذر بنده خدا نمی تواند به رحمت خدایش نزدیک بشود، به مثل سجده ای که در خلوت انجام دهد 374

وای بر شما ای عالمان بد که مزد می گیرید و کار نمی کنید

حضرت عیسی(علیه السلام) خطاب به عالمان بد می کند، و می فرماید، وای بر شما اجرت را می گیرید، و به وظیفه عمل نمی کنید 488 رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در شب معراج دید، عدّه ای لب های آنان را، با قیچی های آهنین می برند، از جبرئیل پرسید اینها کیان اند، عرض کرد واعظ های امت تواند که به گفته خود عمل نمی کنند 534

دو رکعت نماز بر این صاحب قبر از همه دنیا بهتر است

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) مرور کرد به قبری که، دیروز کسی را در آن دفن کرده اند، و فامیل او بر او گریه می کنند، فرمود دو رکعت نماز، هر چه کم وقت بخواهد، برای صاحب این قبر از همه دنیا بهتر است 544 پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود، کسی که گناهی را که، دیگری کرده است، افشاء کند، مثل آورنده گناه است. 581

دو نفر پیش پیغمبر (صلی الله علیه و آله) عطسه کردند، یکی پس از عطسه کردن الحمد لله گفت، و دیگری نگفت، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به آن که حمد کرده بود یرحمک گفت، و به دیگری نفرمود، وقتی عرض کرد چرا یا رسول الله، برای او دعا کردی، و برای من نفرمودی، فرمود، او چون حمد خدا را کرد، من هم برای او، دعاء عطسه را انجام دادم. 610

چرا مفید لقب یافت

استاد مرحوم شیخ مفید برایش گفت، چرا در علم کلام از علی بن عیسی رمانی نمی خواهی تعلّم کنی، گفت نمی شناسم، استاد راهنمایی کرد پیش علی بن عیسی در بغداد، رفت دید مجلس پر از دانشجو است، شیخ مفید در آخر مجلس نشست یواش یواش که شاگردان کم می شدند، شیخ پیش می رفت، تا نزدیک به علی بن عیسی شد، از قضا شنید مردی که از اهل بصره آمده بود، از خبر غار و غدیر، سؤال کرد، او در جواب گفت مسئله یار غار بودن ابوبکر، درایت است، و مسئله غدیر خم روایت است، و روایت تاب مقاومت درایت را ندارد، پس غار مسلم و غدیر مشکوک می شود، مرد بصری رفت، شیخ مفید می فرماید من سؤال کردم، کسی بر امام عادل مخالفت کند، چه حکمی را دارد، گفت کافر می شود بعد استدراک کرد، و گفت فاسق می شود پرسیدم علی (علیه السلام) چطور امامی بود، گفت امام عادل، گفتم پس مخالفت

طلحه و زبیر چه می شود گفت آن دو توبه کرده اند، گفتم مخالفتشان با امام عادل مسلم، و توبه شان محل کلام است، چون اولی درایت، و دومی روایت است، علی بن عیسی با شنیدن حرف من گفت، وقت سؤال مرد بصری تو اینجا بودی، گفتم بلی، پس از مشخصات من و استاد سؤال کرد، و گفت اینجا باش تا من برگردم، وارد منزلش شد، پس از دقایقی نامه ای با خود آورد که، به استادم نوشته بود، وقتی استاد نامه را خوانده خنده اش گرفت، گفت چه بحثی را با علی بن عیسی کرده ای، جریان گفتم گفت به تو لقب مفید داده است. 621

بر اهل علم روشن است که، سخنرانی تاریخی رسول خدا(صلی الله علیه و آله)، در دشت غدیر خم، چنانچه از طریق بیان امام پنجم، باقر علوم النبیین منتشر شده است، و اهل سنت به جهت نهی عمر از نوشتن احادیث النبی (صلی الله علیه و آله) از نقل مفصل آن محروم اند معروف به خطبه غدیر است، در کتاب های رحلی بزرگ، مثل تفسیر البرهان، حدود هفت صفحه است، متأسفانه علمای اهل سنت، اکثرشان فقط یک خط آن را نقل کرده اند، (من کنت مولاه فهذا علی مولاه) و حال اینکه، به یک خط کلام خطبه، یا خطبه عظیمه، یا فیها امور هامه یا چطور می شود، بلی بعضی از آنها در دو صفحه آورده اند، مؤلف کتاب نورالامیر دامت برکاته، سعی کرده است یقه علمای عامه را بگیرد، و بگوید شما حدیث غدیر را تقطیع کرده اید، و در کتاب های تان تقریق نموده اید، پس شیعه و سنی هر دو خطبه مفصله غدیره را، روایت کرده اند لکن فرقیشان، در جمع و تقریق و عین عبارت و مضمون است.

حدیث غدیر در عبارت زید بن ارقم به لفظ من کنت اولی به من نفسه فعلی (علیه السلام) ولیه. 38

سخن نگارنده

سند حدیث غدیر، از بس که زیاد است که، امام الحرمین استاد غزالی، جلد 28 کتاب سند حدیث غدیر را دیده، و در آخر آن آمده، بقیه در جلد 29، و ابوعلی العطار الهمدانی با 250 سند نقل کرده، متن روایت زید بن ارقم بر کسانی که در سند نتوانستند تشکیک کند در دلالت کردند حجت را تمام می کند، و روشن می کند که، معنی کلمه مولا اولی بتصرف است، پناه می بریم به خدا از کوری چشم بصیرت فخر رازی ها که، بگویند حدیث غدیر خبر واحد است، الحمدلله که فخر، و هم مسلک هایش، مثل بخاری، و مسلم، و تفتازانی، همه مرده اند و خدای علی (علیه السلام)، بین آن حضرت، و ایشان محاکمه کرده است،

حدیث منزله با پنج هزار سند

ابن حازم حدیث منزله را، با پنج هزار سند نقل کرده است 111 امیرالمؤمنین (علیه السلام) وقتی در مجلس عمومی فرمود، سلونی قبل ان تفقدونی، مردی سؤال کرد جبرئیل کجاست، قدری سرش را پائین

انداخت، و فکر

کرد، فرمود هفت آسمان را نظر کردم، جبرئیل را ندیدم، گمانم این است که، تو خودت جبرئیلی، جبرئیل گفت بَخِّ بَخِّ من مثلك یابن ابی طالب، و ربِّک یباهی بک الملائکه در پاورقی از کتاب نزهة المجالس نقل می کند که، بَخِّ بَخِّ لغۀ ملائکه است به لغت سریانی، و معنی عربی اش سبحان الله می باشد 181

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) وقتی سوره براءت به علی(علیه السلام) داد او را کوچک حساب نکرد

عمر گفت چون علی(علیه السلام) کم سنّ بود، ترسیدم که عرب او را قبول نکند، لذا خلافت را به او واگذار نکردم، ابن عباس در جواب گفت، خداوند وقتی دستور داد، سوره براءت را از ابوبکر بگیرد، و به علی(علیه السلام) بدهد، او را کوچک حساب نکرد، و رسول خدا(صلی الله علیه و آله) وقتی او را به جنگ پهلوانان فرستاد، او را کوچک حساب نکرد 307 عید غدیر آن روز از ایام هفته پنجشنبه بود 344 زمخشری نفرین شدید می کند بر کسانی که، لعن بر امیرالمؤمنین را، در خطبه نماز جمعه بدعت کردند، به دلیل فرمایش نبوی(صلی الله علیه و آله) و عاد من عاداه، یعنی خدایا دشمن بدار کسی را که، علی(علیه السلام) را دشمن می دارد 452.

اگر کجروی ها خلفاء را اصلاح کنم، پادگان لشگرم خالی، یا مثل خالی می ماند

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید، کسی که دوست ندارد دوستی تو را، تو اظهار رغبت دوستی، نشان نده 24 امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود اگر بخواهم کجروی های گذشتگان را، عمداً و عامداً، بر خلاف سنت رسول الله، و برخلاف عهد او رفتار کردند، اصلاح کنم، و مردم را بر ترک بدعت ها الزام کنم، لشگرم دور مرا خالی کرده تنها می مانم، یا با عده کمی از شیعیانم که، به امامت من عقیده راسخ دارند. 59

سخن نگارنده

بعد امیرالمؤمنین 27 بدعت از بدعت های خلفای گذشته را را ذکر کرده، در پاورقی از کتاب وافی، و مرآة العقول، و دیگران شرح داده است، اگر نبود آن حکومت ظاهری، چهار سال و اندی مولی الموحدین، بدون اغراق دوباره بت پرستی، بهتر از زمان جاهلیت، به نام اسلام، یا بدون بردن اسم اسلام، دین می شد، امیر (علیه السلام) چه صدمه ها دید، و چه خونابه ها خورد، که از گلوها، یک قسمت اسلام را که، خورده بودند در آورد، به امید روزی که انشاء الله فرزند عزیزش، حضرت بقیه الله، دین ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) را کاملاً، در اختیار انسان ها قرار بدهد خدا کند ما هم بهره مند شویم انشاء الله.

عمر به امیرالمؤمنین عرض می کند، دروغ می گویی، بنی امیه از تو بهتر صله رحم می کنند 103 عمر گفت حق ال محمد (صلی الله علیه و آله) در زمان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بود، و فعلاً نیست، ام سلمه گفت عمر دروغ می گوید، تا روز قیامت این حق ثابت است 156

آرزوی امام صادق (علیه السلام) مجالس شیعه خالص را

امام صادق (علیه السلام) می فرماید، پرهیزید از بردن اسم علی و فاطمه (علیها السلام)، در پیش دشمنانشان، زیرا چیزی مبعوض تر از بردن این دو اسم، پیش آنها نیست 159 امام صادق (علیه السلام) خطاب به بعضی از شیعیانش می کند، و می فرماید آیا جمع می شوید در محلی، و با هم درد دل می کنید؟ و از هر که خواستید تبری کرده، به هر که خواستید تولی می کنید؟ راوی می گوید بلی، ما چنین مجالسی داریم، امام می فرماید زندگی و عیش همین است که دارید. 229

امام(علیه السلام) با این بیان شریفش، گونیا شیعه را تشویق می کند، به داشتن مجالس خصوصی، برای تولی و تبری آزادانه.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید ولد زنا در گرو عمل خویش است، اگر عمل خیر انجام دهد یا عمل بد، نتیجه عمل خویش را می برد.

238

یعنی خلاف پدر و مادرش، در صورتی که، بعد از بلوغ عقاید حقه را بپذیرد و عمل صالح به جای آورد، در او کارگر نخواهد شد، و طبق قواعد عدلیه، محرومیت او از چند سمت در دنیا، محنتی است به او رسیده، خدای مهربان در قیامت جبران می کند.

بنی امیه برای از بین بردن معجزه علوی باب ثعبان را فیل کردند

در پاورقی از مرآت العقول، نقل می کند که باب فیل مسجد کوفه، اسم اولی اش باب ثعبان بود، چون اژدها در قصه مشهوره، بین شیعه و سنی، از این در وارد شد، و به خدمت امیرالمؤمنین عرض حاجت کرد، از آنجائی که جریان آمدن اژدها، معجزه عجیبی برای مولی الموحدین بود، بنی امیه مدتی در این درب مسجد، فیلی را نگاه داشته بودند که، معروف به باب فیل باشد. 255

خداوند با عجله بندگانش عجله نمی کند

نامه سردمداران انقلاب بنی عباس، وقتی به خدمت امام صادق(علیه السلام) می رسد، و حضرتش را برای رهبریت حکومت جدید، دعوت می کنند، امام نامه را به زمین می زند و می فرماید، من امام اینها نیستم، و امام قیام، قاتل سفیانی است 331 و در جواب نامه ابومسلم، به آورنده کاغذ فرمود، نامه تو جواب ندارد، از خانه ما برو بیرون، بعد از کلامی فرمود، خداوند با عجله بندگانش، عجله نمی کند 274 وقتی آمنه خاتون، و فاطمه بنت اسد، از دیدن نور نبوی(صلی الله علیه و آله)، در وقت تولد رسول خدا(صلی الله علیه و آله)، تعجب کردند، حضرت ابوطالب به فاطمه مژده داد که، پس از سی سال، (طبق تعبیر مرآت العقول) تو وصی این مولود را به دنیا می آوری. 302

ص: 90

مؤلف کتاب، معاصر خواجه نصیر الدین طوسی، و علامه و محقق حلی است، اهل آمل مازندران است، شهید ثانی و سبزواری در بحث صلوة جمعه نظر او را نقل کرده اند، و اسم اصلی کتاب کامل سقیفه است که، جریانات بعد شهادت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) تا شهادت امام حسین (علیه السلام)، را شرح کرده است، و چون به امر وزیر بهاء الدین محمد، وزیر هلاکوخان نوشته مشهور به کامل بهائی شده است، مؤلف در سال 697 قمری حیات داشته، سال وفاتش معلوم نیست.

خَرِیت هم اندازه داشته باشد بهتر است

مؤلف کتاب گوید، روزی در مسجد جامع یزد حاضر بودم، واعظی در فضائل معاویه سخنران بود، گفت روز قیامت به امر خدا، برای معاویه بالای عرش تختی می گذارند دارای چه مساحتی، و چه زیبایی، معاویه به روی آن می نشیند و خداوند در زیر آن تخت قرار می گیرد 42

همه انبیاء (علیهم السلام) وصی را از فامیل گرفته اند

(سنه من قد ارسلنا قبلک من رسلنا و لاتجد لستتنا تحویلاً⁽¹⁾)، سیره انبیاء (علیهم السلام) بر گرفتن وصی از فامیل جاری شده بود، حضرت آدم (علیه السلام) شیث را، و نوح (علیه السلام) سام را، و ابراهیم (علیه السلام) اسماعیل و اسحاق را، و موسی (علیه السلام) هارون را در حال حیات، و یوشع بن نون عموی خویش را بعد از مرگ، و داود (علیه السلام) سلیمان (علیه السلام) را وصی خود قرار داد 76

سخن نگارنده

بنا بر این که یوشع بن نون، عموی حضرت موسی باشد، چطوری که مرحوم مؤلف فرمود، پس تعبیر به کلمه فتی از او در سوره کهف، مثل تعبیر به عنوان فتی از اصحاب کهف، است با اینکه شیوخ بودند به حساب ایمانشان فتیه اطلاق شده است، روضه کافی 395.

ابوبکر پس از عزل خود با اقیلونی، کی نصب شد

ابوبکر با گفتن اقیلونی، خودش را از منصوب بودن مردم عزل کرد، و دیواره منصوب نگشته است، اقیلونی خطاب کردن او، می رساند که مردم او را خلیفه کرده اند، خداوند هم، نصب کردن مردم را، با فرمایش

ص: 91

خویش) مَا كَانَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ (1) باطل اعلام می کند 81 اگر بیعت ابوبکر به امر خدا و رسول باشد، چطوری که یک عده عامه عمیاء، خیال کرده اند، پس اقیلونی گفتن او کفر می شود، چون ردّ قول خدا و رسول می شود. 91

قیام صفورا بر علیه وصی حضرت موسی (علیه السلام)

صفورا زن حضرت موسی، با دو نفر طاغی، بر علیه یوشع بن نون قیام کرد، یوشع آن دو نفر یاغی را کشت، و صفورا را اسیر گرفت 103 عثمان با یک نفر یهودی، سر زرهی دعوی داشتند، یهودی گفت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را قاضی کنیم، عثمان گفت پیش قاضی یهود برویم، چون می دانست که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را، نمی تواند به رشوه دادن، تطمیع کند، (آیه فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ (2) نازل شد، و عثمان را رسوا کرد 112 رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطاب می کند، و می فرماید، من و تو از زمان حضرت آدم، تا عبدالمطلب، از نکاح حلال به عمل آمده ایم، و در نسب ما زنا نیست،

سه تایشان در یک خلاف شریک اند

از جمله خلافاکاری های سه خلیفه، یکی در شعب ایطالب، شرکت نکردن آنهاست، و حتی هجرتشان برای رضای خدا نبود، به طمع ازدواج با حضرت زهرا (سلام الله علیها) بود 119

پس سهم بنی امیه چه شد؟

وقتی ابوبکر بر اریکه سلطنت نشست ابوسفیان نق نق می زد، و مضمون حرفش این بود که، از تیم تو به خلافت، و از عدی عمر به وزارت رسید، پس سهم بنی امیه چه شد، گفتند حرف نزن اسامه را از ولایت شام معزول می کنیم، ما که بادمجان نیستیم و پسر تو یزید را، حاکم آنجا قرار می دهیم، پس از چهل روز اسامه معزول، و یزید منصوب گردید، پس از درک روی یزید، برادرش معاویه، والی شام گردید. 300

سخن نگارنده

پنجاه سال در شام علیه امیرالمؤمنین (علیه السلام) تبلیغ شده بود که امام سجاد (علیه السلام) منبر رفت

معلوم باد که از چهلمین روز جلوس ابوبکر، یزید پسر ابوسفیان در ملک شام بود، تا سال هیجدهم هجری که، در آن سال درک رفت، و پس از شهادت امیرالمؤمنین، با بی وفائی اصحاب امام حسن (علیه السلام)، معاویه با هزاران کلک، چنانچه شرح آن را، در فلسفه صلح امام حسن (علیه السلام) در جلد اول گزیده می خوانید، و بیست

ص: 92

1- . سوره قصص، آیه 68.

2- . سوره نساء، آیه 65.

سال دیگر معاویه، به عنوان خلیفه غاصب ملک شام گردید، پس تا عاشورا حدود پنجاه سال، بر علیه امیرالمؤمنین (علیه السلام) در شام، تبلیغات شده است، لذا امام سجاد (علیه السلام) در مسجد شام وقتی منبر تشریف برد، اهمیت زیادی، به مسئله معرفی امیرالمؤمنین (علیه السلام) داد.

هجرت الی الله و الی الرسول (صلی الله علیه و آله) اعتبار دارد نه مع الرسول (صلی الله علیه و آله)

از جمله ادله ای که، مرحوم مؤلف می آورد به اینکه، هجرت ابوبکر، هجرت حساب نمی شود، یکی هم این است که، قرآن در سوره نساء، (وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ (1) فرموده، و هجرت

ابی بکر مع رسوله بود، نه الی رسوله، و تازه چطوری که در ص 119 همین کتاب (کامل بهائی) گذشت هجرت آن سه نفر، به طمع ازدواج با فاطمه (سلام الله علیها) بوده است، و شاید حدیث مسلم (حدیث 1907) اشاره بر این مطلب باشد که، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود هر کس هجرتش برای رسیدن به متاع دنیوی، و یا به طمع ازدواج با زنی، باشد، هجرتش برای الله و به طرف رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نشده است، به علاوه ابوبکر قبل از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به مدینه رفت، و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در قبا به انتظار امیرالمؤمنین نشست، پس هجرت الی الرسول نشد، و از آن حضرت اجازه گرفت که، برود در مدینه دوستانش را ببیند، 324 عمر در دیوان بدعتی خود، نام امیرالمؤمنین و حسن و حسین (علیهم السلام) را، نوشته بود که سالی پنج هزار درهم بهر یکی بدهد، بعد پشیمان شد، امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود تو را به خدا وقتی که، نام ما سه نفر را نوشتی، از حسنات حساب کردی؟ گفت بلی، فرمود الحمدلله حسنات خود را با دست خود پاک کردی 332 رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دل های اوس و خزرج را تألیف کرده بود، با شهادت آن حضرت، کینه ها دوباره سبز شد 335

ابوبکر شهادت حضرت علی (علیه السلام) را، درباره فدک، به حساب بر نفع بودن، رد کرد، اما حدیث جعلی لا نُورث را، چون بر له او بود قبول کرد 345

نبوت ارثی نیست

سلیمان (علیه السلام) آنچه را که ارث از پدرش برد، مال بود، و الا نبوت ارثی نیست، و علاوه او در زمان پدرش، حضرت داود، پیغمبر بود 346 ابوبکر و عمر، هر کدام برای دخترانشان، (عایشه و حفصه) سالی دوازده هزار درهم دادند، نوبت به عثمان که رسید قطع کرد، و گفت پدرانتان بی خود داده اند، پس آن دو به عنوان ارث رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، طلب کار شدند، عثمان گفت مگر شما دو نفر، با معیت عربی که با بول خود طهارت

ص: 93

می گرفت (مالک بن اوس) شهادت ندادید که، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود، ما ارث نمی گذاریم، از من چه می خواهید. 350

اجتماع ابوبکر و عمر با ابن عباس و آمدن حضرت خضر

روزی عبدالله بن عباس، و ابوبکر، و عمر، با هم بودند، ابوبکر به دربانان دستور داد، کسی را به مجلس شان راه ندهند، از قضا بر خلاف انتظار، پیرمردی ردای سرخ پوشی، با عصائی که در دست داشت وارد شد، و فرمود من مردی از حجاج هستم، زنی زمینی دارد، حاکم شهر آن را از دست او گرفته است، آن زن از من خواسته که، مظلومیّت او را برای خلیفه معلوم کنم، ابوبکر گفت آن غدار هیچ کرامتی ندارد، عمر گفت دستور جلب صادر کن، آن پیرمرد خواست برود، فرمود چه کسی بالاتر از ظالم دختر پیغمبر(صلی الله علیه و آله)، ابوبکر دستور داد آن پیرمرد را بگیرند، کسی تعقیب کرد و او را ندید، و دربانان هم گفتند، به کسی اجازه ورود نداده اند، از این جریان ابوبکر خائف شد و به عمر گفت، دیدی آن پیرمرد را، و شنیدی که چه گفت، عمر گفت شیطان می خواهد مؤمن، و حاکم را گمراه کند، پس هاتقی ندا داد، و هفت بیت شعر خواند، و در شعر دّومش گفت خضر(علیه السلام) را ابلیس می گوئید، شما خودتان از گمراهان هستید، ابوبکر و عمر، هر دو از شعرهای هاتقی ترسیدند، در این حال بود که فرستاده امیرالمؤمنین(علیه السلام)، پیش عبدالله عباس رسید، و گفت اجب ابن عمّک، ابوبکر عبدالله را قسم داد که، این سرّ را فاش نکند، وقتی خدمت علی(علیه السلام) رسید، آن حضرت را در حال تبسم دید که نواجش ظاهر بود، فرمود یابن عمّ بالرحم و القرابه، شعرهای پیرمرد را یاد داری گفتم بلی مگر دو بیت، امیرالمؤمنین قصه را بیان کرد و همه شعرهایش را هم خواند فرمود او برادرم حضرت خضر بود، جریان را بر من تعریف کرد و رفت 352 از جمله عللی که باعث شد که، امیرالمؤمنین(علیه السلام) فدک را در

حکومت خود تحویل نگیرد، یکی هم این باشد که، شهادت آن حضرت بر له فاطمه(علیها السلام)، برای نفع خویش نبوده است. 357

سخن نگارنده

علل برنگرداندن فدک در زمان حکومت امیرالمؤمنین(علیه السلام)

و از آن جمله یکی هم این است که، ما اهل بیت چیزی را از دست دادیم برنمی گردانیم، چطوری که در استطرف صفحه 84، توضیح المسائل آقای وحید، جریان عبدالله زبیر گذشت، و چطوری که وقتی عقیل، بعد از هجرت رسول خدا(صلی الله علیه و آله)، خانه او را فروخت، در فتح مکه برنگردانید؛ حدیقه الشیعه، جلد اول، ص 331، و از آن علل فدک که رفتن آن، سبب ناراحتی فاطمه(علیها السلام) شده، برگرداندن آن سبب خوشحالی

فرزندانش نشود، حدیقه، جلد اول، ص 330، و از آن جمله ما از حقوق دیگران دفاع می کنیم، خداوند هم از حقوق ما دفاع می کند و از آن جمله ظالم مظلوم بها (ابوبکر و فاطمه (علیها السلام)) هر دو خدا را ملاقات کرده بودند و خدا بین آن دو حکم کرده بود لازم نیست ما در ظاهر حکم کنیم اینها عللی است که از لابلای فرمایشات اهل بیت (علیه السلام) استفاده شده و شاید هم علل دیگری باشد که، ما نرسیده ایم آنها لطف از اینها باشد.

قبیله ابوبکر (تیم) از پست ترین قبائل بود، و شغل خود ابوبکر در ایام عمر، جارچی بازار - معلم کودکان به قانون بت پرستان - کرباس فروش بود، و در آخر عمر خلیفه قلابی، با تعیین چند نفر شد، و به دیگران هم قبولانند 368

چرا به این کنیه مکتی شد

ابوقحافه، پدر ابوبکر، اسمش عثمان بن عامر بود، و در قریش مشهور به عمل زشت بود، وجه کنیه یافتن او به ابوقحافه این است که، با رفیق خود که با هم صید می کردند، روزی رفیقش سهم صید او را تصرف کرد، و چیزی به او نداد، او در پی فرصت بود، روزی خانه رفیق را تارمار کرد، و هرچه داشت از بیخ کند، لذا به این کنیه مکتی گشت و روزی به یک درهم، اجیر عبدالله جذعان بود که، مردم را به مهمانی او دعوت می کرد 372 ابوبکر تا روز جنگ خندق، با کسی وارد جنگ نشده بود، آن روز به بهانه مبارزه با فرزندش عبدالرحمن، از او حال اموالش را پرسید، گفت گمکی باقی مانده است 374

در سقیفه چه گذشت

در سقیفه چه کفش هائی بر سر روی هم زدند، و چه سیلی ها به هم نثار کردند، و فحش ها دادند، و منّا الامیر و منکم الامیر گفتند 376

اسامی آن چهارده نفر

اسامی آن چهارده نفری که، در عقبه شتر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را می خواستند رم بدهند، طلحه، و زبیر، ابوسفیان، عتبۀ بن ابی سفیان، ابوالاعور، مغیره، و سعد بن ابی وقاص، و ابوقتاده، و عمرو بن عاصف و ابوموسی الاشعری، و عبدالرحمن بن عوف، به علاوه آن سه خلیفه 378

زد و خورد شدید بین امیرالمؤمنین، و کفار قریش، در لیلۀ المبیّت

سید مرتضی می فرماید، در شب مبیّت علی (علیه السلام) با کفار درگیر شد، می زد و می خورد، تا از دست آنها خلاصی یافت. 391

* ابوبکر چون به عمر وعده وصی بودن داده بود، به حرف مردمی که می گفتند، او خشن است نایب قرار نده، گوش نداد

ابوبکر که می خواست عمر را به جای خود نصب کند، مردم داد می زدند که، او را نایب خود قرار نده که بد اخلاق، و خشن است، لکن چون به عمر قول داده بود، کار خود را کرد 409 و 449 معاویه در روز فتح

مکه به یمن فرار کرد، ابوسفیان نامه نوشت که بیاید، و اسلام بیاورد، قبول نکرد، و در جواب نامه، توهین به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) کرد، پنج یا شش ماه قبل از شهادت پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، تظاهر به اسلام کرد 418

کشتن 70 صحابی در یک روز

معاویه در جنگ صفین، در یک روز هفتاد صحابی کشت 419

به علی (علیه السلام) گفتند اگر قبول بیعت نکنی، تو را هم مثل عثمان می کشیم

بعد از کشته شدن عثمان، مردم به زور امیرالمؤمنین را، برای بیعت آماده کردند، حتی برایش گفتند اگر حاضر به بیعت نشوی، تو را مثل عثمان می کشیم 422 و 463 کسی به امیرالمؤمنین عرض کرد، هم تو را دوست دارم، و هم عثمان را، فرمود یک چشمی هستی، یا کور باش که، محبت ما از دل بیرون ببری، و یا دو چشمی باش که با دو چشم حقیقت بینی، یعنی جمع بین دو ضد نمی شود کرد، نام مقدس امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) را، با الف و لام تزیین می آوردند، برای تحقیر امام حسن (علیه السلام)، الف و لام را از اسم مقدس او حذف می کنند، الف و لام را به نام حسن بصری وصل می کنند، و الحسن از او تعبیر می آوردند، در صورتی که او با امیرالمؤمنین و حسن و حسین (علیهم السلام) مخالف بوده است، وقتی دید جریان عاشورا سر می گیرد با قتیبه بن مسلم، و لشکر حجاج، به خراسان رفت 432 رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

مروان را، به دهی که با مدینه بیست فرسخ فاصله داشت، برای هجوی که به رسول می کرد، تبعید فرموده بود، و ابوبکر بیست فرسخ دیگر بر آن اضافه کرد، وقتی عثمان به خلافت رسید، او را به مدینه آورد و وزیر خویش قرار داد. 458

سخن نگارنده

مشهور این حرف را درباره حکم پدر مروان قائلند نه خود مروان، با اینکه هر دو خبیث بودند، به علاوه از شجره ملعونه بوده اند خداوند بر جمیع ظالمین آل محمد (صلی الله علیه و آله) لعنت کند. ریزه که عثمان ابوذر را به آنجا تبعید کرد، محلی است وحشتناک بین شام و روم. 460 ابوبکر در 27 جمادی الثانیه از دنیا رفت. 472

تحقیق در روز رفتن ابوبکر

بزرگان روز مرگ او را چطوری که مرحوم مؤلف نوشته، همان 27 جمادی الثانیه رقم زده اند مثل شیخ مفید در کتاب مسار الشیعه ص 68، که در عداد کتب چاپ شده، در مجموعه مرعشیه آمده، و مثل برادر علامه حلی، در کتاب العُدَد القویّه، بنا بر نقل بحار الأنوار، در جلد 98 ص 200، و مثل آقای حاج شیخ عباس در سفینه البحار در ماده بکر، پس از اشتباهات تاریخ است که، روز انتقال او را 22 جمادی الثانیه ضبط کرده است، و چون حاج شیخ عباس تتمه المنتهی هایش را، به جنبه مورخ بودن نوشته، در آن 22 جمادی الثانیه آورده، و در سفینه البحار به جنبه محدث بودنش 27 جمادی الثانیه آورده است تبصره هارون الرشید هم طبق نقل گزیده ناسخ التواریخ، جلد 6 ص 292، در 27 جمادی الثانیه، به درکات حجیم انتقال یافته است، پس ان روز از اعیاد اهل بیت (علیهم السلام) است.

عمداً سهو کرده است

مخفی نماند که این عمداً سهو کردن تاریخ، در روز مرگ عمر هم تحقق یافته است که، با وجود روایت مفصله حدیفه رضوان الله علیه، جلد 98 بحار ص 351 - 356 و سایر روایات که، روز فوت او را نهم ربیع الاول رقم کرده اند، تاریخ مساوی با تاریخ، روز انتقال او را، روز 26 ذیحجه بیان کرده است، حتماً مصلحت مورخین در این بوده است، و الاً مطلب پرواضح است. در بحث استطرف مجلدات جواهر گذشت اهمیت زیاد دادن ایشان به حدیث حدیفه، و حکم به استحباب غسل نهم ربیع.

به مؤمن زاده نمی گویند ایمان آورد، چون بر ایمان زائیده شده است، و لذا گفتن اینکه علی (علیه السلام) ایمان آورد، درست نیست زیرا که ولادت او در خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود 481 گویند عایشه کمان از مروان گرفت، و تیر به جنازه امام حسن (علیه السلام) انداخت، (ولاتحسبنّ الله غافلاً عما یعمل الظالمون (1)) 491 و 612.

خالد سر مالک بن نویره را به جای هیزم زیر دیگ گذاشت

طایفه مالک بن نویره گفتند، ما زکات مال مان را، مثل زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تقسیم بر فقراء مان می کنیم، اگر بنا باشد به کسی بدهیم، به وصی و خلیفه رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

می پردازیم، و آن علی بن ابیطالب (علیه السلام) است، و

ص: 97

ابوبکر خلافت را، به زور دست گرفته است، خلیفه نایب، خالد بن ولید را بر آنها مسلط کرد، بیرون آمدند ببینند لشکر کشتی برای چیست، در همان حال وقت نماز رسید، مؤذن اذن گفت، فامیل مالک بن نویره مشغول نماز شدند، خالد به لشکر خویش دستور حمله داد، در حالی که آنان راکع و ساجد بودند، به قتل رسیدند، خالد سر مالک را زیر دیگ، به جای هیزم سوزانید، و در همان شب با زن او زنا کرد.

سخن نگارنده

شرح مظلومیت قوم مالک بن نویره، مبسوط تر از این، در استطرف کتاب شریف حدیقه الشیعه، خواهد آمد انشاء الله.

ابن جرموز از آنهایی بود که هر روز خطّ عوض می کنند

ابن جرموز به نهی امیرالمؤمنین گوش نداد که، فرمود کسی که پشت به جنگ کرد، تعقیب نکنید، زیرا که، از میدان جنگ بیرون رفته بود کشت 503 ابن جرموز جزء لشکر عایشه بود، چند نفر از لشکر امیرالمؤمنین (علیه السلام) را هم شهید کرده بود، وقتی اوضاع را بد دید، برای اینکه در دولت امیرالمؤمنین (علیه السلام) جای باز کند، رفت زیر را گیر آورد و به حيله کشت 501

سرّ فرمایش نبوی (صلی الله علیه و آله) معلوم شد

قرمان نامی، در عین اینکه از لشکر مشرکین چند نفر را کشت، و 6 یا 7 زخم هم دید، در حالی که جراحت سنگین داشت، مسلمانان از او تشکر کردند، گفت جنگ من برای تعصّب قومی بوده است، در اینجا معلوم شد، سرّ فرمایش نبوی (صلی الله علیه و آله) آن قرمان من اهل النار 502 زن حضرت نوح والعه و زن حضرت لوط والهه نام داشتند و هر دو کافر بودند. 504

قبر چراغ دیگر بیار

وقتی طلحه و زبیر، به طمع رسیدن به حکومت شهرها، خدمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) رسیدند، امام (علیه السلام) به قبر دستور داد که، این چراغ را بردار، و چراغ دیگر بیاور، وقتی پرسیدند برای چه؟ فرمود، با چراغ بیت المال حساب آن را می کردم، الان موضوع عوض شد، چراغ شخصی لازم است. 505

پوشش شتر عایشه پوست پلنگ بود

عایشه دستور داد شترش را، با پوست پلنگ پوشانیدند، و بر بالای آن زره نصب کردند 515 از اهل بصره فقط سه هزار نفر، به امیرالمؤمنین (علیه السلام) و بقیّه با عایشه بودند. 516

تا سرا به خانه یزید نیامده بودند بچه ها از شهادت پدرانشان خبر نداشتند

مرحوم مؤلف، از کتاب حاویه نقل می کند که، زنان خاندان نبوت، شهادت مردانشان را، از بچه های آنان مخفی می کردند، تا وقتی که، آنان را به خانه یزید آوردند، دخترکی بود چهار ساله، شبی از خواب بیدار شد، گفت پدرم حسین کجاست، این ساعت او در خواب، سخت پریشان دیدم، زنان و کودکان همه به گریه افتادند، و از ناله آنها یزید از خواب پرید، و با شنیدن جریان دستور داد که، سر پدرش را برایش ببرند، وقتی دختر سر را دید، از مأمورین پرسید که، این کیست، گفتند سر پدر تو، آن دختر بترسید، و فریاد برآورد، و رنجور شد، در آن چند روز جان به حق تسلیم کرد. 523

سخن نگارنده

تحقیق در اینکه اسم دختری که در خرابه شام ماند رقیه است

مرحوم مؤلف از قدیم ترین مورخینی است که، جریان شهادت دختر امام حسین (علیه السلام) را، در شام نقل می کند، و آن را از کتاب حاویه نقل کرده است، به احتمال قوی حاویه همان کتابی است که، یکی از علمای اهل سنت، در قبایح کارهای معاویه، علیه اللعنه و الهاویه، نوشته است، ولکن اسم دخترک را نیاورده، و آن را بر خلاف مشهور که سه ساله معروف است، چهار ساله ضبط کرده است، و مؤلف کتاب ریحانه کربلا، از کتاب های متعددی آورده که، اسم آن دختر رقیه (علیه السلام) بوده است، و مشهور در زبان مؤمنین در این عصر هم، رقیه است، بالاخره مؤلف ریحانه کربلا حفظه الله، خیلی سعی کرده است در اثبات اینکه، اسم آن دختری که، در خرابه شام مدفون است، رقیه بوده است، لکن از متن عاشورا، این مطلب را به صراحت پیدا نکرده است، الحمدلله حقیر، روزی که، به نوشته های سابقم نظاره بودم، به چشمم مطلبی خورد که، مشکل این بحث را به راحتی حل می کند، و آن عبارتی که، ناسخ التواریخ حضرت زینب در ص 216، از قول حمید بن مسلم مخبر دولت یزید، می آورد، عین عبادت این است: حمید بن مسلم گوید، در لشکر ابن زیاد علیه اللعنه بودم، و آن کودک را که، بر دست حسین (علیه السلام) به قتل رسانیدند، نظر همی کردم، ناگاه زنی از خیمه بیرون تاخت، چنانچه آفتاب از دیدارش تیره، و خیره ماندی، و جامه کشان بیامدی، گاهی بیفتادی و گاهی بر پا ایستادی، و همی ندا برکشیدی، و والده، و

قتیلا، و امهجه قلباه، و از این ناله و شور، بنی امیه بگریستند، تا گاهی که آن زن به آن طفل ذبیح رسید، و خود را به روی افکند، و مدتی ناله و ندبه نمود، و از دنبالش، دخترها چون گوهرهای پراکنده، بیرون شدند، حسین (علیه السلام) در آن حال آن مردم را موعظت می کرد، چون این حالت مشاهدت فرمود، به سوی آن زن بیامد، و او را پوشید، و

مستور بداشت، و ملاطفت همی فرمود، تا به خیمه اش بازگردانید، و من با آن جماعت که حاضر بودند، گفتم این زن کیست؟ گفتند ام کلثوم است، و آن دخترها فاطمه صغری، و سکینه، و رقیه، و زینب هستند، از این حال پر ملال شدم، و چندان بگریستم که، همی خواستم از خویش بشوم مخفی نماند که، مقصود از کلمه زینب خواهر امام نیست، و زینب صغری است که، بعضی ها از ضیق خناق، آن را با رقیه یکی می کنند، باز معلوم باد چنانچه، خود ناسخ التواریخ در صدر صفحه آورده، ام کلثوم کنیه حضرت زینب (علیه السلام) است، و به احتمال قوی، ام کلثومی که، امیرالمؤمنین در افطار شب نوزدهم، مهمان او بود همان حضرت زینب است، نه دختر دیگر امیرالمؤمنین که معروف به ام کلثوم است.

بلی شب قدر را می شناسیم

از امام صادق (علیه السلام) سؤال کردند، یابن رسول الله شب قدر را می شناسید، فرمود چطور شناسیم در حالی که، حق تعالی آن شب را مخصوص ما کرد، در آن شب تخت کرامت برای ما آماده می شود، ما را بر آن تخت می نشانند، و ارواح انبیاء، و جمله ملانکه بر ما تهنیت و سلام گویند 525 عبدالملک مروان اقرار کرد به اینکه، امیرالمؤمنین از هر بدی که، بنی امیه بر او نسبت می دادند، بری بود، راوی گفت پس چرا بالای منبرها او را لعنت می کنند، گفت چون حکومت به غیر این قرار ندارد 526 هند مادر معاویه در بزرگی پستان، و درشتی هیکل، ضرب المثل بوده است 537 از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت می کند کسی که صدقه دادن برایش ممکن نباشد، یهود را لعنت کند، (لعن یهود ثواب صدقه دادن را دارد). 564

یزید با حيله معاويه از عمرو عاص بیعت گرفت

معاویه به یزید گفت، از عمرو عاص نتوانستم برای بیعت بگیرم، وقتی من مردم، بگو پدرم وصیت کرده است که، تو او را بر قبر بگذاری، با او وارد قبر باش، و شمشیر بکش و بیعت بگیر، یزید اطاعت امر کرد، و گفت اگر بیعت نکنی، تو را به پدرم ملحق می کنم، و با هم دفن می کنیم، عمرو عاص چند لگد بر بدن معاویه زد، و گفت این حرام زاده این را بلد نبود، تو یادش دادی. 606

نقشه مروان و معاویه در تحریک جعده به قتل امام حسن (علیه السلام)

وقتی امام حسن (علیه السلام) در سایه بی کفایتی اصحابش، مجبور شد برای حفظ خون شیعه، صلح کند، و به مدینه تشریف ببرد، پس از ورود ایشان به مدینه، مروان معاویه را، اغواء بر قتل آن امام مظلوم کرد، او هم موافق شد، مروان کنیز عبیداله بن عمر بن خطاب را که، الیسونه نام داشت، تحریک کرد، و او هم جعده را تحریک کرد، و گفت معاویه پس از قتل امام حسن (علیه السلام)، تو را می خواهد زن یزید قرار بدهد، و ملک

عرب را در اختیار شما بگذارد، پس از گول خوردن جعده، عبدالملک فرزند مروان، به دستور پدر، به شام رفت، و زهر را، با هدایای زیادی، برای جعده آورد 609

دشمن زاده مرا از خانه من بیرون کنید

عایشه کمان از مروان گرفت، و تیر بر جنازه امام حسن (علیه السلام) زد، و گفت دشمن زاده مرا، از خانه من بیرون کنید 612 جعده پس از زهر خور کردن امام حسن (علیه السلام) به معاویه گفت به وعده هایت عمل کن گفت از خدا و رسول شرم نکردی که پسر پیغمبر را زهر دادی بعد دستور داد او را در لجن فرو بردند تا درک رفت. (1)

613 مرحوم مؤلف کیفیت کشتن معاویه عایشه را در اینجا وارد کرده است لکن ما انشاء... در استطرف حدیقه الشیعه می آوریم. (جلد اول ص 477 که جزء پنجم تهاویل الربیع است)

امام حسین (علیه السلام) صندلی آهنی به طرف مروان پرت کرد

پس از دعوت ولید بن عقبه، عبدالله زبیر، و امام حسین (علیه السلام) را، برای بیعت یزید، عبدالله بدون اینکه پیش ولید برود، شبانه با برادرش ابراهیم، از بیراهه به مکه رفت، فردا ولید هشتاد نفر را فرستاد که، او را گیر بیاورند، موفق نشدند، لکن امام حسین (علیه السلام) با پنجاه نفر از اقربای خویش مسلحانه رفت، و آنان در درب خانه ولید ایستادند، وقتی نامه یزید را به حضرتش دادند، خواند فرمود امشب فکر کنم، فردا جواب دهم، مروان بر ولید گفت حسین (علیه السلام) را ول نکن، امام حسین صندلی آهنی را برداشت، به طرف مروان پرت کرد، چون به اتاق دیگر فرار کرد، آسیب ندید، ولی صندلی شکست، این جریان در 27 رجب بوده است، امام حسین 250 شتر با اقرباء خویش، به طرف مکه حرکت کرد، و به قیس بن عباده فرمود، با دویست نفر پشت سر امام (علیه السلام) حرکت کردند، که اگر چیزی باشد دشمن

را در وسط قرار دهند، به امام عرض کردند که از بیراهه برود، مثل عبدالله زبیر فرمود نغوذ بالله که، من این ذلت را بپذیرم 614 عدد لشگر عمر سعد را، در عاشورا هفتاد هزار ضبط کرده است 622 اقربای حرّ، او را در جانی که شهید شده بود دفن کردند، و قبر حضرت علی اصغر، نزدیک پائین پای، است. 631

ص: 101

1- . نگارنده گوید در جلد اول معالی السبطين ص 32 (جزء جلد سوم اصل تهاویل الربیع)، جعده خواست او را زن یزید، (طبق وعده خود) قرار دهد، معاویه گفت، به اقرار خودت امام حسن (علیه السلام) را که دارای جمیع کمالات بود کشتی، چطور یزید را که، کاملاً در نقطه مقابل امام حسن (علیه السلام) است نکشی. دستور داد در لجن فرو بردند تا درک رفت.

حجاب حضرت زهرا (علیها السلام) سرایت به دخترش کرده است

عمر بن منذر همدانی گوید، ام کلثوم را دیدم، چنانچه پنداری فاطمه زهرا (علیها السلام) است، چادر کهنه بر سر گرفته، رویندی به روی بسته 640.

ص: 102

مؤلف مرحوم، (شیخ حرّ عاملی) این کتاب را برای اثبات رجعت که، یکی مسلمیات شیعه است، و طبق فرمایش امام رضا(علیه السلام)، یکی از چند چیز است که، منکر آن از شیعه نیست، تألیف کرده است، و روایات زیادی هم نقل فرموده است که، در طول تاریخ، اشخاصی پس از مردن زنده شده اند، و اکثرشان به دلیل اینکه، چون دوباره مردنی است، و هنوز تلخی مرگ، از کام آنها در نرفته، نخواستند بمانند و بعضی ها هم، مانده اند و مدتی زندگی کرده اند، ما به ذکر چند روایت اکتفا می کنیم.

برگشت روح به کلّ بدن عجیب و تنها به سر اعجب است

روایت قرآن خواندن سر مطهر امام حسین(علیه السلام) در کوفه را، پس از نقل می فرماید این عجیب تر، و دقیق تر، از رجعت هم است، زیر چطوری که در روایات گذشته مشاهده کردید که، برگشتن روح به همه بدن، الی ما شاء الله زیاد اتفاق افتاده است، و اما عود کردن روح تنها به سر انسان فقط، از غرایبی است که نظیر ندارد 214 میّت در حال احتضار در عین اینکه رسول خدا(صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین را می بیند، حضرت جبرئیل را هم می بیند، و با آنها گفتگو می کنند 224 امام باقر(علیه السلام) می فرماید ایام الله سه روز است روز قیام امام زمان و روز رجعت امامان(علیه السلام) و روز قیامت 235 امام باقر(علیه السلام): عایشه در وقت ظهور امام زمان زنده می شود، برای مجازات دو کارش، یکی برای اذیت هائی که به فاطمه(علیها السلام) کرد، دومی برای خوردن هشتاد تا تازیانه که، مادر ابراهیم فرزند رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را، به زنا نسبت داد، راوی از امام باقر(علیه السلام) سؤال می کند، چرا حدّ افتراء گفتن، در زمان رسول خدا(صلی الله علیه و آله) انجام نگرفت، و به زمان حضرت بقیه الله تأخیر افتاد، فرمود خداوند رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را، برای رحمت، و امام عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) را برای انتقام می فرستد. 244

قبل از ظهور حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) عده ای زنده می شوند

شیخ مفید با استفاده از روایات معصومین(علیهم السلام) می فرماید قبل از ظهور حضرت بقیه الله(عجل الله تعالی فرجه الشریف)، عده ای زنده می شوند، وقتی خبر ظهور حضرتش را شنیدند، به طرف آن امام همام رهسپار می شوند، 248 ابان بن تغلب گوید در خدمت امام باقر(علیه السلام) بودم، عده ای از بچه ها، این شعر معروف (العجب کلّ العجب، بین جمادی و رجب) را می خواندند، از امام(علیه السلام) سؤال کردم از معنی این شعر، فرمود لقاء الاحیاء بالاموات، پس معنی شعر این می شود که مطلب عجیب، ملاقات مردها با زنده هاست 263 کافی از امام صادق(علیه السلام)، نقل می کند وقتی مؤمن در قبر گذاشته شد، دری از ابواب بهشت برایش باز می شود، در جبال رضوی، آل

محمد(صلی الله علیه و آله) را زیارت می کند، از غذا و آب آنها می خورد، و با آنها هم صحبت می شود، تا حضرت مهدی(علیه السلام) ظهور کند، در آن زمان مؤمنین دسته دسته، به حضور حضرتش مشرف می شوند. 291

قسمتی از فتوحات زمان امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) با دست امام حسین(علیه السلام) انجام می گیرد

روایت حاکی است که قسمتی از فتوحات، در زمان قائم(علیه السلام)، با دست امام حسین(علیه السلام) انجام خواهد شد، و آن حضرت فتح هندوست-ان کند، این مطلب را در کرب-لا به اصحاب-ش تذکر داد 353 امام ص-ادق(علیه السلام) می فرماید اولین کسی که رجعت می کند در زمان امام مهدی(علیه السلام)، امام حسین(علیه السلام) است، به قدری در دنیا بماند که، ابروهایش روی چشمانش را بگیرد 358 امیرالمؤمنین(علیه السلام)، بفرموده، امام باقر(علیه السلام)، رجعتی در دوران حکومت امام حسین(علیه السلام) است، به قدری در دنیا بماند که، ابروهایش روی چشمانش را بگیرد 358 امیرالمؤمنین، بفرموده امام باقر(علیه السلام)، رجعتی در دوران حکومت امام حسین(علیه السلام)، و رجعتی در حکومت رسول خدا(صلی الله علیه و آله)، خواهد داشت. 363

سخن نگارنده

امیرالمؤمنین(علیه السلام) رجعتی هم قبل از ظهور حضرت مهدی خواهد داشت

در جلد بیست و پنجم بحار، ص 355، در بیان مرحوم مجلسی آمده، کما روی انّ له(علیه السلام)، رجعتی قبل قیام القائم، و معه، و بعده، یعنی روایت شده که برای امیرالمؤمنین(علیه السلام)، رجعتی قبل از ظهور امام مهدی، و رجعت دیگر با حضرت مهدی، و رجعت سوم، بعد از قیام بقیه الله(عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود.

امام صادق(علیه السلام): رسول خدا پنجاه هزار سال، و امیرالمؤمنین چهل و چهار هزار سال، حکومت خواهد کرد 368 امام صادق(علیه السلام): لکل اناس دولة یرقبونها، و دولتنا فی آخر الدهر تظهر، یعنی هر ملتی دولتی دارند، و دولت ما آل محمد(صلی الله علیه و آله)، در آخر زمان ظاهر خواهد شد، انشاء الله، خدایا ما را به دولت حق، اهل قرار بده، به حق بندگانی که، تو راحتی یک دقیقه گناه نکردند.

امامان بودندشان در زمان حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) عظمت است

مؤلف مرحوم گوید، بودن ائمه(علیهم السلام) در زمان حضرت مهدی، عجل الله فرجه، لازم نگرفته رعیت بودن آنها را، زیرا که آنان احتیاج به امام ندارد، چون خودشان معصوم هستند 416

تذکر لازم حقیر سعی می کنم که، مطالب را هر چه بیشتر، در فراخور همه مطالعه کنندگان قرار بدهم، لکن بحث های المیزان، چون اکثرشان علمی است، اگر قابل فهم بعضی ها نشد، عذر خواهم. مرندی.

بهتر است بآء بسم الله را، ابتدائی بگیرم نه برای استعانت که، بعضی ها گفته اند، چون در خود سوره، استعانت، بالصراحه آمده است، (إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) یعنی بنده، در مقام مخاطب با رب العالمین، به نام نامی الله کلامش را شروع می کند 150

از تفسیر آیات همدیگر را کاملاً عصمت حضرت آدم(علیه السلام) ثابت می شود

ظاهر آیات قرآنی در ابتدای نظر، صدور معصیت از حضرت آدم(علیه السلام) را می رساند، لکن تدبر در آیات قصه، در سوره های مختلف، موجب قطع و یقین است که، نهی از خوردن آن میوه، نهی ارشادی است، و نهی مولوی نیست که، حرام آور، باشد و شاهد بر صدق این حرف این است که، در سوره اعراف می فرماید بر این درخت نزدیک نشوید که از ظالم ها باشید، و در سوره طه می فرماید، گفتیم بر آدم(علیه السلام) که ابلیس دشمن تو و دشمن زنت است، نکند شما را از بهشت بیرون کند، که گرفتار باشید، و معنی فتشقی به معنی گرفتاری و زحمت است، بعد شقاء را خود قرآن تفسیر می کند به اینکه، در بهشت که باشید گرسنگی و برهنه بودن، برایتان راه پیدا نمی کند، و همینطور تشنگی و آفتاب سوزان، اذیت تان نمی کند، تفسیر کردن آیات سوره ها همدیگر را روشن فرمود که مراد از ظلم و شقاء، گرفتاری های دنیوی است و بس. 137

سخن نگارنده

انبیاء(علیهم السلام) در جمیع حالات معصوم اند به اجماع شیعه

در کتاب بحار الانوار، جلد 11، ص 72، به نقل از امالی صدوق از امام رضا(علیه السلام) که، آن حضرت در مجلس مأمون، وقتی از میل فرمودن حضرت آدم از شجره منیه سؤال کردند، فرمودند خداوند متعال حضرت آدم را برای حجت بودن در زمین خلق کرده بود، نه برای بهشت، آن ترک اولی مقدمه شد که، تقدیر خداوندی (حجت بر اهل زمین بودن) محقق شود، وقتی حجت و خلیفه الله شد، معصوم بودنش اعلام شد: با فرمایش قرآنی: (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ)

و در تأیید این مطلب، خود المیزان در ص 120، از تفسیر عیاشی روایت کرد که، ملکی با حضرت آدم در بهشت دوست بود، پس از نزول آن حضرت به زمین، خدمتش رسید، برای تسلی دلش عرض کرد، قبل از

خلقت تو خداوند، بر ما ملائکه خطاب فرمود، من می خواهم در زمین خلیفه خلق کنم، تو را برای زمین خلق فرموده است، امام صادق (علیه السلام) بعد از نقل حدیث سه (3) دفعه فرمود، و الله ملک با این حرفش، آن حجت خدا را تسلی داد، انصافاً امام رضا، و امام صادق (علیهما السلام)، با این بیانشان اجماع شیعه (انبیاء علیهم السلام، در جمیع حالات قبل از نبوت، و بعد آن معصوم هستند) را، تأیید فرمودند، از جمله کسانی که این اجماع را نقل کرده اند، مرحوم سید مرتضی در اول کتاب شریف تنزیه الانبیاء (علیهم السلام)، و مرحوم مجلسی در جلد 11 بحار، ص 74 است.

امیر المؤمنین (علیه السلام) هر وقت ناراحتی پیدا می کرد نماز می خواند، و آیه (وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ) را قرائت می فرمود 154 تفسیر عیاشی، در تفسیر و (يَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ) (عن الصادق (علیه السلام)، قسم به خدا آنان را، با دستشان نزدند و با شمشیرهایشان نکشتند، لکن احادیث انبیاء (علیهم السلام) را می شنیدند، و ضایع می کردند و عمل نمی نمودند. 193

(لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ)، می فرماید لعل برای امید گرفتن آمده، و در آن نوعی از جهل خوابیده است، و صحت آن از خدا به حساب متکلم نیست، چون ذات اقدسش بری از هر گونه جهل می باشد، یا به حساب مخاطب است، و گاهی هم مقام مقتضی ترجی است، با اینکه متکلم و مخاطب رجا ندارند 200 اگر پیغمبری در مقام ادعای نبوت، یک چیز فوق العاده بیاورد، اسم آن معجزه است، و در غیر آن مقام، اگر یک چیز فوق العاده از نبی صادر شود، نام کرامت را خواهد داشت. 246

امام باقر(علیه السلام) می فرماید، خداوند هیچ دستی را که برای دعا بلند شد، خالی برنمی گرداند پس از دعا کردن، دست تان را، بر سر و صورت بکشید 36 قرآن با فرمایش خویش، (هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ)، زن و شوهر را، برای همدیگر لباس قرار داده که، هر کدام دیگری را از فجور حفظ کند، این استعاره لطیفه است بر اینکه، انسان همه چیز را به وسیله لباس از دیگران محفوظ می دارد، و نمی شود عورت را از خود لباس مستور کند، بر لطافت کلام اضافه می کند، جمله (الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ)، چون که رفت عبارت است، از آشکار کردن چیز، قبیحی که، با کنایه گفته می شود. 43

سخن نگارنده

قرآن پس از آنچه انسان را از تمامی اقسام فجور نهی می کند، در محیط زن و شوهری، آزادی های زیادی می دهد که، غرایز ایشان کاملاً اشباع شود، وقتی ممنوعیت های بیرونی، با آزادی های داخل خانه با هم باشند، جامعه اسلامی، از همه گونه زشتی ها سالم می ماند.

توجه و جیهی می کند

بر امثال (وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا)، به اینکه آنچه بر خداوند از آمدن محال است، آمدن با پاست، اما نتیجه آمدن که حصول قرب است، اثبات آن بر خداوند بعدی که ندارد، لازم هم هست، ماها وقتی لفظ آمدن را می شنویم، روی آنسی که، با آمدن با پا داریم، فوری قدم برداشتن به ذهن ما می آید، لکن پس از حذف آنچه، بر خدا محال است (قدم برداشتن) بقیه آن که حصول قرب بین خدا و بنده اش باشد، که قضا و تقدیرش محقق شود، هیچ بعدی ندارد، و این از حقایق قرآنی است که، اباحت برهانی بعد از خیلی زحمات متوجه آن شده است 106 در تفسیر بعضی از آیات قرآنی، از طریق اهل البیت(علیهم السلام)، گاهی آیه ای تفسیر به روز قیامت، و گاهی به رجعت که، از عقاید خاصه شیعه است، تفسیر شده است، و بعضی وقت ها همان آیه، تفسیر به ظهور حضرت مهدی، (عجل الله فرجه الشریف) می شود، و این سه تفسیر به ظاهر مختلف، اختلافی واقعی را ندارد، زیرا که هر سه تفسیر، در اصل ظهور حق مشترکند. 108

امالی ابن الشیخ: پیغمبر(صلی الله علیه و آله) فرمود، خداوند قسم خورده است هیچ بنده ای نیست که، شراب بخورد، مگر اینکه اندازه آن، از حمیم جهنم برایش می خورانم، خواه بعد از آن بخشیده شود، یا معذب گردد. 209

ارزش زن ها در پیش امت های وحشی

زن در امت های وحشی، هیچگونه حقی برایش تصور نمی شد، مرد در مقابل زنش آزاد مطلق، و فعال مایشاء بود، حتی اگر می خواست سر او را می برید، و گوشتش را می خورد، مخصوصاً در قحط سالی ها، و زن هیچگونه حق دفاع نداشت، عجیب اینکه در بعضی از قبائل، وقتی زن وضع حمل می کرد، فوری برای انجام کارهای خانه بلند می شد، و مرد در رختخواب او می خوابید، و تمارض می کرد، و از خوردنی های لذیذ، چند روز بهره مند می شد. 275

در هندوستان اگر شوهر زنی می مرد، زن با جسد شوه-رش سوخته می شد، و یا عمری را با تمام ذل-ت می گذرانید، و حق ازدواج با دیگری نداشت، در کلده و آشور، اگر زنی در کار خانه گرفتار اشتباهی می شد، مرد حق داشت شکایت به قاضی کند، بعد از اثبات جرم، او را در آب غرق کند 276 در روم مرد در خانه نسبت به زن و اولاد فعال مایشاء بود حتی اگر مصلحت می دید آنها را می کشت و کسی حق اعتراض نداشت. 277

سخن نگارنده

اسلام چقدر مقام زن را بالا برد ولی زنان کفران نعمت کردند

قبل از طلوع نیر اسلام زن هیچگونه احترامی نداشت، و همیشه تابع بود، حتی در بعضی از وقت ها، در انسانیت زن شک می کردند، و اگر کسی مثلاً زن دیگری را می کشت، مثل اینکه یک حیوان او را کشته است، اسلام آمد زن را مثل مرد آدم قرار داد، و حقوق اجتماعی زیادی برایش قائل شد، متأسفانه زن ها کفران نعمت اسلام کردند، و با تمام وجود بر قوانین اسلام، پشت پا می زنند، نعم الحکم الله و الزعیم محمد(صلی الله علیه و آله) کسی طالب باشد در شناختن ماهیت زن، پیش امت های گذشته، اطلاعاتی دست بیاورد، و یا هرگونه جاهلیت های مختلف، قبل از ظهور اسلام در سطح جهان را بداند، کتاب اسلام و آراء و عقاید بشری را جاهلیت و اسلام را، مطالعه کند و حقیر هم در جلد دوم تهاویل الربیع آنها را استطرف کرده ام.

طلاق از مفاخر شریعت اسلامی است

طلاق از مفاخر شریعت اسلامی است، و تشریح آن بر فطره انسانی جعل شده است، و از فطرت دلیلی بر منع آن نیست، ملل بزرگ جهان در قانون نامه اساسی شان آن را نداشتند، و چون نبود آن خلاف فطرت بنی نوع بشری بود بعدها مجبور شدند بر تقنین و ادخال طلاق در قوانین اساسی شان. 291

قرآن با مفرد آوردن کلمه انجیل تحریف آن را ثابت کرد

تورات لغت عبری است به معنی شریعت، و انجیل لغت یونانی و بعضی گفته کلمه فارسی است، به معنی بشارت، با اینکه اناجیل زیاد است، و معروف آنها چهارتاست، (متی، مرقس، لوقا، یوحنا) و در زمان نزول قرآن هم زیاد بوده است، پس مفرد تعبیر آوردن قرآن (انجیل) کتاب آسمانی حضرت عیسی را، و اناجیل نفرمود، اشاره بر اینکه کتاب حضرت عیسی تحریف شده و اصل آن یکی بیشتر نیست، و آن انجیل مسیح (علیه السلام) است 6 نکاص 338.

احترام به همه زبان ها

سخن نگارنده

استاد فرمود قرآن به همه زبان ها احترام کرد

قرآن در عین اینکه، کلام قادر علی الاطلاق رب العالمین است، و می توانست به غیر لغت عرب، زبان دیگری را در آن دخالت ندهد، با این وصف از زبان های مختلف (پانزده زبان بنا بر اینکه سیوطی نقل کرده) در آن استفاده شده است، در توجیه این استاد خدایش در جاتش را متعالی قرار دهد، می فرمود برای احترام به همه زبان ها بوده است.

عذاب خداوندی مخصوص آخرت نیست و این از حقایق قرآنی است

از اینکه خداوند عذاب را مقیّد به روز قیامت نمی کند، معلوم می شود که خداوند در دنیا هم بر کسی خواست عذاب می کند، و عدم اختصاص عذاب به روز قیامت، از حقایقی است که قرآن از آن پرده برداری کرده است، و افرادی که با بحث های قرآنی سر و کار ندارند، از آن غافلند، این نیست مگر اینکه ما تصور می کنیم هر چیزی که، درد ندارد، عذاب نیست 7 رسم قرآن جاری است بر اینکه اگر وصف جماعتی را بکند که، رسول خدا هم آن وصف را دارد، اول به ملاحظه شرافت آن حضرت از او اسم می برد، بعد مؤمنین را ذکر می کند، مثل (أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ) و موارد دیگری 26

در ترک هر چیزی که رکنی از ارکان دین منهدم می شود اسلام شدت به خرج می دهد

از دأب قرآن شدت به خرج دادن در اموری است که، از ترک آنها رکنی از ارکان دین منهدم می شود، مثل نهی شدیدش از دوستی با کفار، و دستور قویش بر مودت اهل البیت (علیه السلام)، و منع زیادش از خروج زن های پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از خانه هایشان، 42 آیه کریمه، (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيحاً مِنَ الْكِتَابِ، اشاره به تحریف اهل کتاب تورات و انجیل است، یعنی آنچه از کتاب آسمانی را دارند بعض آن است و بقیه را از بین برده اند 131

خدا را حرام روزی نمی دهد حرام خور خودش جلو روزی حلال را می گیرد

رزق و کل خیر مال خداست، به همه بندگان مفت می دهد، (زیرا که کسی چیزی از خود ندارد که، در مقابل عطیه خدا به او بدهد) پس کسی هم از حرام می خورد، او هم از رزق مفت، خدا سهم دارد، خدائی که از حرام نهی کرده است، نمی آید آن را به حساب عطائی که، بر ذات اقدسش لازم کرده، حساب کند. 149

الحمد لله گمشده ام پیدا شد

مدتی بود در جمع بین اینکه حضرت عیسی (علیه السلام)، از انبیاء او العزم است (مبعوث به همه مردم دنیا) و بین اینکه خداوند در آیه 49، از سوره آل عمران، در مقام بیان شناسنامه حضرت عیسی (علیه السلام)، کلمه (وَرَسُولاً إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ) فرموده، فکر می کردم، و در این باره به چند تفسیر هم، مراجعه کرده بودم، مطلبی که حلّ مشکل کند، ندیده بودم، تا بحمدالله در مطالعه دوره تفسیر المیزان، به این آیه رسیدم، دیدم علامه طباطبائی، خدایش رضوانش را نصیصش کند، با بیانش دردم را دوا کرد، به اینکه شک نیست که حضرت عیسی مثل سایر او العزم، به همه مردم مأمور تبلیغ بوده است، و آیات قرآنی شاهد آن است، مثل آیه (يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أُنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ أُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ (1)) و مثل مبعوث شدن حضرت موسی بر فرعون که، از بنی اسرائیل نبود، و مثل ایمان سحره به موسی (علیه السلام) که، از بنی اسرائیل نبودند، و مثل ایمان آوردن روم به حضرت عیسی، قبل از بعثت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، و دیگران از غربیین و شرقیین، آن وقت معنی (وَرَسُولاً إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ) روشن می شود، به اینکه رسالت سفارت خاصه است، بر خلافت، نبوت، پس حضرت عیسی از اینکه نبی بود، به همه مردم مبلغ بود، و سفارت خاصه اش به جنبه رسول بودن، در بنی اسرائیل بود، به عبارت دیگر کَرّ، و فَرّ، و عَزْل،

و نصیصش در بنی اسرائیل بوده است

ص: 110

216 در آیه مباحله، (61 آل عمران) چون کلمه کاذبین را جمع آورده، نشان می دهد که، همه افراد یک طرف، (از دو طرف مباحله) کاذب هستند، و حیث اینکه این کاذبین در رسول (صلی الله علیه و آله) و خواصش (علی و فاطمه و الحسن و الحسين (علیهم السلام) نبود پس کل طرف مقابل محاجه، کاذبین خواهد بود، غفلت نشود که آیه از بهترین مناقب، برای اهل بیت (علیهم السلام) حساب می شود، چون آنان را در دعوت به حق، شریک رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قرار داده است، چطوری که آنها را از امت، به امتیاز انفس، و نساء، و ابناء، ممتاز کرده است 245 نامه ای که رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، به رئیس قبط (مقوقس) نوشت، به خط کوفی موجود است، و در این زمان با دستگاہ آن را تکثیر کرده اند، خیلی جاها پیدا می شود 293 موردی بلکه مواردی از حرف بولس دلالیت دارد بر اینکه انجیل دیگری است، اسم آن انجیل مسیح است، غیر آن چهار تا که در ص 6 همین جلد 3 گذشت. 338

تاریخ تولد تورات فعلی و انجیل

حدود ششصد سال، قبل از حضرت مسیح، بخت نصر بر بابل ملک شد، پس از مدتی یهود بر او یاغی شدند، بخت نصر غضبناک شد، و آثاری از بناها و امور دینی بر آنان باقی نگذاشت و جمعیت زیادی را هم کشت حدود پنجاه سال یهود در ذلت خواری زیادی عمر گذراندند، نه از تورات، و نه از مسجد اقصی، و نه از شهرشان، اثری نماند، تا کورش بابل را فتح کرد، اسرای بنی اسرائیل را آزاد کرد، و در بین آنان، شخصی به نام عزراء، از مقربین کورش شد، به او اجازه داد تورات را بنویسد، و مسجد اقصی را تجدید بنا کند، بعد از آن که، به تیره خاک مبدل شده بود، و یهود را به رسم قدیمی شان برگرداند، و ساکن بیت المقدس کرد به سال 457 قبل از میلاد، وقتی عزرا به آرامش رسید تورات را نوشت، بر شما مخفی نماند که، تورات فعلی ارتباطش با حضرت موسی، قطع است، و رابط شخصی مجهول الهویه ای به نام عزراست که، در جلد 13، ص 45 کاهن خواننده از ماهیت او هیچ اطلاعی نیست، و معلوم نیست که از کجا تورات را نوشت. 339

سخن نگارنده

مفخی نماند که، علامه در جلد 9 صفحه 253، اضافه فرموده: بنابر آنچه در کتب تاریخ آمده، توراتی را که عزراء، تقریباً 475 سال قبل از میلاد، از ظُهر قلب نوشت، در زمان حکومت ایستیکوس، صاحب سوریه، 161 سال قبل از میلاد، از بین رفت.

انجیل ها که در قرن اول و دوم نوشته شد، متجاوز از صد تا بود که، بعدها کلیسا همه را کنار گذاشت، (جز چهارتای معروف از آن ها تحریم شد،) از جمله انجیل هائی کلیسا کنار گذاشته بود انجیل برنابا بود که، در اکثر جریانانش با قرآن مطابق است، سال هائی است که پیدا شده، به خط ایتالیائی بود، در مصر خلیل سعاده به عربی، و در ایران سردار کابلی، به فارسی ترجمه کرده است 345 و 346 بهترین انجیل ها پیش نصاری، انجیل متی است، در تاریخ تألیف آن از 38، تا 60 سال، بعد از حضرت مسیح(علیه السلام) بحث است، اصل آن به زبان عبرانی بوده است، بعد به زبان یونانی ترجمه شده است، نسخه عبرانی مفقود شد، و ترجمه یونانی معلوم نیست که از چه کسی است، تازه این وضع بهترین آنهاست، آنجا که عقاب پر بریزد، از پشه ناچیز چه خیزد 342 اسرائیل لقب حضرت یعقوب(علیه السلام) است، به این نامیده شد برای اینکه، در راه خدا مجاهد بوده، و از طریق عنایات خداوندی پیروزی به دست آورده است، و اهل کتاب در وجه تسمیه آن می گویند، چطوری که در تورات است، نعوذ باللہ آن حضرت، در جائی به نام فیئیل، با خدا کشتی گرفت، و او را زمین زد، و بر او غالب شد، این تفسیر را قرآن تکذیب می کند، و عقل محال می داند. 380

سخن نگارنده

انسان که خر شود، در حدود حرف زدن هم، خیریت می کند، یهود که از تغییر قبله ناراحت شدند، گفتند شما مسلمانان ملت ابراهیم(علیه السلام) را تقدیس می کنید، چرا پس بیت المقدس را ترک کردید، جواب این است که کعبه برای عبادت وضع شده است، مثل بیت المقدس، کعبه را خود حضرت ابراهیم ساخته، و بیت المقدس را حضرت سلیمان، قرن ها بعد از حضرت ابراهیم ساخته است 385 از جمله خصایص پیغمبر(صلی الله علیه و آله)، احمد نامیده شدن آن حضرت است، در بین انبیاء(علیهم السلام). 421

کلمه شهداء، در قرآن به معنی شهداء اعمال است، و به معنی مقتولین در معرکه قتال، از مستحدثات است. 28

مقاومت از انصار و فرار کردن از مهاجرین

در جنگ احد از مهاجرین فقط چهار نفر شهید شدند، بقیه هفتاد نفر از انصار بودند، معلوم می شود که مقاومت از انصار، و فراری ها از مهاجرین بوده است 56 کریمه (فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ (1)) با اینکه اطلاق دارد، و مخصوص مورد نیست (جنگ احد) معلوم می کند که اگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از گناهی کسی بگذرد، اثر معصیت بر گناه او بار نمی شود، مخفی نماند این حرف شامل حدود نم-ی شود، زیرا که لازم می آید تقنین حدود لغو شود. 58

مشاوره برای امت رحمت است

روایت است از ابن عباس: وقتی آیه (وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ (2)) نازل شد پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: با اینکه الله و رسول او، غنی از مشاوره هستند، لکن خداوند مشاوره را، برای امت من وسیله رحمت قرار داده است، پس کسی از آنها در کارها مشاوره کند، پیروزی را درک می کند، و اگر بدون مصلحت مؤمنین کاری انجام گیرد، معلوم نیست که، رستکاری در پیش داشته باشد. 72

سخن نگارنده

در تأیید فرمایش نبوی (صلی الله علیه و آله) (که، الله و رسولش غنی از مشاوره هم فکر کنند) در ذیل آیه فرموده، (فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ (فرمود،) (کاری را تصمیم گرفتی توکل به خدا بکن و انجام بده) و فاذا استوصبت رأياً (فتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ) (نفرمود که،) (پس از رأی گیری به خدا توکل کن و انجام بده) بالاخره تصمیم از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است و بس، نظر کسی در آن دخیل نیست، نظرخواهی ایشان، یک نوع احترام است.

زن و مرد، زوج همدیگرند، و استعمال کلمه زوجه، در زن استعمال خوبی نیست، و در قرآن نیامده. 145

ص: 113

1- . سوره آل عمران، ص 159.

2- . سوره آل عمران، ص 159.

چرا خداوند زبان عربی را برای کتابش انتخاب کرد

چون زبان عربی، از جهت رسانیدن مطالب ذهنی انسان، خیلی دقیق است، لذا خداوند متعال آن را برای کتاب عزیزش، انتخاب کرده است و الاّ پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، برای عموم مردم پیغمبر بوده است، و مخصوص عرب تنها نبوده است 172 جنگ در اسلام همیشه برای دفع فتنه بوده است، چنانچه قرآن فرمود: (وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً). 176

سخن نگارنده

جنگ های اسلامی همیشه دفاعی بوده است

کسی بی غرض تاریخ جنگ های اسلام را مطالعه کند، می فهمد که تمامی جنگ های پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، دفاعی بوده است، حتی جنگ بدر اولین جنگ ها، وقتی مشرکین مکه می آمدند و چهارپایان مردم مسلمان مدینه را، از صحرای آن به غارت می بردند، آنان برای جلوگیری فضولی دشمن، مجبور شدند، بروند جلو قافله تجارتي اهل مکه را بگیرند، در نتیجه جنگ بدر پیش آمد.

ولی باید خرجی یتیم را از درآمد مالش تهیه کند

کریمه (وَ اَرْزُقُوهُمْ فِيهَا) (می رساند که خرجی ایتام را، از درآمد مالشان تهیه کنند، و اصل مال آنها را نگاه دارید چون حرف فی برای ظرفیت است 182 پس از جنگ بین المللی دوم، در آلمان غربی زن ها، به علت زیادی عددشان، از حکومت خواستند قانون تعدد زوجات اسلامی را به رسمیت بشناسد، لکن حکومت کلیساء مانع شد 200 در زمان جاهلیت زن ارث بر نبود، اسلام در ردّ این عقیده غلط، در تعبیر قرآنی (لِلذَكَرِ مِثْلَ حَظِّ الْاُنثَى) (1) فرمود، که معلوم کند ارث بردن زن، از بس مسلم است که، ارث مرد را به قیاس ارث او، معلوم کرده ام، و گفته ام ارث مرد، دو مقابل ارث زن است. 221

ارث زن در مص-رف دو مقابل ارث مرد می شود

با اینکه از نظر ظاهر، سهم ارث زن نصف سهم مرد است، لکن در مصرف سه-م زن دو مقابل سهم مرد می شود، چونکه سهم او بایگانی شده، و ارث مرد را با هم می خورند، اسلام با ملاحظه اینکه قوام امور بشری با مال است، سعی می کند که اکثر را، به دست قوه تعقلیه (مرد) بسپرد، تا حدّ امکان محفوظ از

ص: 114

پس علت تفضیل مرد در مال، ملاحظه جانب قوه تعقلیه است، و اما در کرامت، هر کدام از زن و مرد تقوایش بیشتر باشد، پیش خدا مقرب تر است، ان فی ذلک لآیات لاولی الالباب پس روشن شد، معنی آیه کریمه: (الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ) در اداره معاش، (بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ) در قوه تعلق 229.

اشتباه بزرگ تمدن روز

در تمدن روز وقتی بدون ملاحظه فطرت زن، چیزهایی را به او واگذار کردند، مثل قضاوت، و دخالت در اداره امور جنگ ها، چه نتایج سونی را نگرفتند که، یکی از آنها جنگ های بین المللی شد. باز در مقام عمل فطرتاً، سهم زن را در امور تعقلیه کم کرده اند، در مثل قضاوت و دخالت در امور جنگی، سهم زن را یکصدم سهم مرد، بلکه کمتر از آن هم، قرار داده اند (فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا).

244

سخن نگارنده

فراموش نمی کنم، در ایامی که انقلاب نزدیک شده بود، استاد خدایش در جاتش را متعالی کند، در مقابل حرف مستشرقی که گفت، شما چرا به زن ها، آنچه را تمدن روز داده، نمی دهید، فرمود تا حال این همه آمریکا رؤسای جمهور به خود گرفته، کدام یکی از آن ها زن بوده است، طرف سکوت کرد.

با استفاده از قانون ارثی اسلام، تمدن روز برای زن، ارث قائل شد لکن فرق جوهری است بین ارث اسلام، و ارث تمدن روز که، اولی توریث بر مبنای صلاحیت اجتماع، در دومی خواسته زن منظور شده است 247 چون خواستگاری از طرف مرد می شود، لذا در آیه ذکر محارم، (حُرِّمَ عَلَيْكُمْ) به خطاب جمع مذکر خطاب فرمود، و حُرِّمَ عَلَيْكُمْ، (یعنی به خطاب جمع مؤنث)، خطاب نفرمود 280 ظاهر کریمه (واهجروهنّ فی المضاجع(2) می رساند که، هجرت مع حفظ المضاجع است، مثل ترک ملاعبه، و پشت کردن، در رختخواب 367.

ص: 115

- 1- سخن نگارنده: برای نمونه اگر پول زیادی را، به دست زن بدهی، بدون فکر آینده با عوض کردن طلاهایش، همه را مصرف کرده قدری هم کم می آورد، و اگر کمتر از آن هم به دست مرد باشد، با کسر پول آب و برق و گاز و تلفن قدری هم ذخیره برای روز مبادا می کند.
- 2- سوره نساء، آیه 34.

خدا باید کسی را تزکیه کند، و بشر حق تزکیه ندارد

کریمه (بل الله یزکی من یشاء)⁽¹⁾، می رساند که تزکیه کردن، از خصوصیات حضرت حق تعالی است، نباید دیگری خودستائی کند، زیرا که انسان چیزی از خود ندارد، و هر چه هم از فضائل داشته باشد، مرحمتی رب العالمین است، خودستائی انسان، در معنی از خدا غنی شدن است، و در حدّ دعوی الوهیت است، عامل تزکیه که در انسان عجب است، و آن از بزرگ ترین رزائل اخلاقی است، و نتیجه اعجاب، رزیه تکبر، و حقیر شمردن دیگران است، خدا نکند که، این رزیه از فرد به اجتماع سرایت کند، و قومی خودشان را، آقا بالا سر بر اقوام دیگر خیال کنند، چطوری که یهود گفتند: (لیس علینا فی الامین سیل⁽²⁾)، در آن وقت هلاک اجتماع، و فساد در زمین پیدا شده، و بر آن هر گونه ظلم و تعدی، بار می شود، نعوذ باللّه. تزکیه را خدا کند، به عدل خواهد شد، و غیر او اگر کند تعدی و تقریط خواهد شد تزکیه خداوندی گاهی عملی است، با عطا کردن فضائل بر هر که خواست، و گاهی قولی است، مثل (ان الله اصطفی آدم و نوحاً آل ابراهیم و ال عمران علی العالمین)⁽³⁾ 396.

سخن نگارنده

مقصود از آل ابی طالب (علیه السلام) دوازده امام می باشد

مخفی نماند که چطوری که در گزیده دوم گذشت طبق روایتی که، در تفسیر منهج الصادقین، در تفسیر همین آیه آمده، مقصود از آل عمران، آل ابیطالب است، (دوازده امام علیهم السلام می شود) و تأیید می کند این روایت را که، اگر از آل عمران امثال حضرت موسی کلیم الله باشد، آنها در عین اینکه آل عمران هستند، آل ابراهیم (علیه السلام) هم می باشند، و اهل بیت با اینکه مثل آنان هم آل ابراهیم، و هم آل عمران (ابطالب (علیه السلام)) هستند، الا اینکه ذکر یک خصوصیت خاص، برای آل محمد (صلی الله علیه و آله)، مناسب تر است.

تعبیر اعتماد به نفس خلاف منطق قرآن است

متأسفانه، گاهی در بعضی از نوشته های مسلمانان، دیده می شود که، از جمله فضائل انسانی، اعتماد به نفس را می شمردند، لکن این بیان خلاف منطق قرآن است، قرآن اعتماد باللّه، و التعزز باللّه، را میزان کمال

ص: 116

1- . سوره نساء، آیه 49.

2- . سوره آل عمران، آیه 75.

3- . سوره آل عمران، آیه 33.

انسانی خوانده است، و تعبیر اعتماد به نفس، از جمله سوغات غرب است، خداوند همه فکر و ذکر ما را، با منطق قرآن آشنائی بدهد انشاء الله. 398

اصحاب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) مثل سایر مردم همه شان خوب نبودند

اصحاب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بعضی ها کامل الایمان، و بعضی هم ضعیف الایمان، و عده ای هم منافقین بودند (1)، متأسفانه عده ای از مفسیرین، روی حسن ظن های بی خود، همه اصحاب پیغمبر را، آدم های خوبی حساب کرده اند، لذا در تفسیر بعضی از آیات، دچار اشتباه شده اند، در طول تاریخ تنها اصحابی که، همه کامل الایمان بوده اند، شهدای کربلا، سلام الله علیهم اجمعین، هستند و بس 447 کریمه) ان کید الشیطان کان ضعیفاً (2)، حيله شیطان وقتی که ضعیف است که، در مقابل سبیل الله قرار بگیرد و اما کید شیطان در مقابل اولیاء اش قوی است. 450

ص: 117

1- . صد و بیست هزار معصوم! علامه مامقانی، در کتاب تنقیح المقال، جلد اول، در ص 215، از قول بعضی از علمای اهل سنت، مطلبی آورده، قابل توجه است، و آن این است: ما اهل سنت بر شیعه، به جهت اعتقادشان، بر عصمت دوازده امامشان، ایراد گرفتیم، آیا سزاوار است بعد از این اشکال، خودمان صد و بیست هزار نفر عالم، جاهل، چادر نشین، و شهری، وزن و مردشان را، معصوم بدانیم، و یا آنان را عادل، و بری از دروغ و فسق بدانیم.

2- . سوره نساء، آیه 76.

در جنگ احد، صورت رسول خدا(صلی الله علیه و آله) زخم برداشت، در حالی که معصوم بود، و این نتیجه گناه شخصی او نبود، مجتمع او چون خلاف دستور رفتار کردند، بر پیغمبر(صلی الله علیه و آله)، از جهت اینکه تابع مجتمع است، این گرفتاری رسید، این زخم محنت الهیه است، که در طریق دعوت بر او رسیده است پس برای حضرتش نعمت رافعه للدرجات شد. 8

پیغمبر(صلی الله علیه و آله) نشد بدی کسی را با بدی جواب دهد

امام صادق(علیه السلام) می فرماید، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نشد بدی کسی را، با بدی کردن جواب بدهد، یعنی این همه آزار، از کفار و منافقین بر حضرتش رسید، عفو می کرد، و اگر کسی چیزی از او می خواست ردّ نمی کرد، و اگر نداشت می فرمود انشاء الله خواهد رسید 25

محمد بن مسلم بر امام باقر(علیه السلام)، سر نماز وارد می شود، السلام عليك عرض می کند، امام هم می فرماید السلام عليك، محمد عرض می کند کیف اصحبت، امام(علیه السلام) ساکت می شود، پس از تمام کردن نماز، عرض می کند سر نماز سلام ردّ می شود؟ می فرماید بلی، مثل سلامی که طرف کرده است. 32

اعتراف زمخشری به رجعت

در کشاف، در تفسیر قوله تعالی، (وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ(1)) زمخشری گوید، ممکن است معنی آیه این باشد که، در وقت نزول حضرت عیسی(علیه السلام) از آسمان، خداوند اهل کتاب را در قبرهایشان زنده کند، ایمان به حضرت عیسی(علیه السلام) بیاورند، و لکن این ایمان، به حالشان فایده نخواهد داشت. 143

نکاتی که علامه درباره آیات ولایت تذکر داده است

درباره آیات ولایت، علامه طباطبائی نکاتی را بیان کرده، تذکر آنها لازم به نظر می رسد خداوند بندگان را از خودش نترسانیده، مگر درباره ترک ولایت اهل بیت(علیه السلام)، در این باره کراراً فرموده، (وَإِذْ نَذَرْنَا لَكُمْ نَفْسَهُ(2)) 190 در آیه (الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ(3)) کفار از راه های زیاد برای تعجیز پیغمبر(صلی الله علیه و آله) وارد شدند، و به مقصود نرسیدند، یک راه فقط در خیال آنها باقی بود که، از

آن طریق به مرامشان نایل

ص: 118

1- . سوره نساء، آیه 159.

2- . سوره آل عمران، آیه 30.

3- . سوره مائده، آیه 3.

شوند، و آن اینکه محمد(صلی الله علیه و آله) فرزند پسری ندارد، با مرگش فاتحه دین را می خوانیم آیه (إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ) اشاره به این مطلب است و دین آباء و اجدادمان را، (بت پرستی) زنده می کنیم، و راحت می شویم، در روز غدیر دیدند با تعیین وصی، حامی دین از شخصی به نوعی تبدیل شد، و پیغمبر(صلی الله علیه و آله) شخصیتی مثل امیرالمؤمنین(علیه السلام) را، جایگزین خود کرد، دیگر مایوس از رسیدن به مراسمشان شدند 187 در تقدیم کلمه الیوم، اشاره به عظمت یوم غدیر است که، در آن نایب پیغمبر(صلی الله علیه و آله) کسی شده که، مثل خودش از هر جهت قدرت کفایت دین را دارد، در کریمه (فلا تخشوهم و اخشونی) (1) امر و نهی ارشادی است، اشاره به اینکه بعد از نصب دومین شخصیت عالم وجود، به جای شخصیت اول آن، از زایل شدن اصل دین نترسید، بعد از این هر مصیبت دینی و دنیایی به شما مسلمانان برسد، در نتیجه کفران نعمت ولایت خواهد رسید 188 کسی که ذلت مسلمین فعلی را ببیند، و در جریانات تاریخی قهقهه برگرورد، و خواهد دید که (فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اَخْشَوْنَ) (با جدائی مسلمین از ولایت تامه اهل بیت اثر خود را گذاشته است 190 از جمله نکات، ذکر) (الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا)، (الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)، در وسط آیه تحریم محرمات از حیوانات، احتیاجی نداشت، ذکر این دو در وسط این آیه عجیب است. 178

سخن نگارنده

همه آیات وارده در شأن اهل بیت در ضمن آیات دیگر ذکر شده است

تنها این آیه نیست، و آیات دیگری هم که مربوط به اهل بیت(علیه السلام) اند، در وسط آیات دیگر ذکر شده اند، از جمله آیه (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ) که، در ذیل آیه نساء النبی(صلی الله علیه و آله) ذکر شده است، و آیه (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ)، در داخل آیات مربوط به اهل کتاب، و آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ)، در داخل آیات ناهیه از ولایت اهل کتاب، آمده است،

بیان آیه الله حاج شیخ باقر مرندی

از مرحوم استادمان آیه الله حاج شیخ باقر مرندی، در این باره سؤال شد، فرمودند خداوند متعال وعده حفظ قرآن داد، از جمله مصادیق آن ذکر این آیات، در ذیل آیات دیگر بود، با این روش قرآن از تحریف الحمدلله محفوظ ماند.

ص: 119

خداوند کارهایش با منوال های عادی انجام می گیرد و همین طور کارهای اهل بیت (علیه السلام)

خداوند بنا ندارد کارها را معجزه آسا انجام دهد، کارهای مربوط به اهل بیت (علیهم السلام) را هر کدامش را انسان مطالعه می کند، می بیند که همه آنها از این رسم خداوندی بهره مند هستند، مثلاً در جریان قیام عاشورا، مردم کوفه، همان نامه ها را که در سال شصتم هجری نوشتند، پس از شهادت امام حسن (علیه السلام) هم نوشته بودند، امام حسین (علیه السلام) آن روز وقت مناسب نبود، قبول نکرد، و پس از درک رفتن معاویه، چون خبیثی بدتر از خودش (یزید) رو کار آمد، نامه ها به طرف امام حسین (علیه السلام)، وقتی سرازیر شد، امام (علیه السلام) حضرت مسلم را فرستاد، او نوشت که چندین هزار نفر با دست من، به توییت کرده اند، هر چه زودتر حرکت کن، امام حرکت فرمود، در وسط راه خبر شهادت حضرت مسلم رسید، امام (علیه السلام) با فامیل های حضرت مسلم مشاوره نمود، گفتند ما حاضر به برگشتن نیستیم، باید برویم انتقام خون مسلم (علیه السلام) را بگیریم، و یا مثل او شهید شویم، کرم و آقائی امام حسین (علیه السلام) تقاضا نکرد که، از آنها جدا شود، در نتیجه قلق کار منجر به جریان عاشورا شد،

نقطه جالبی در براءة استهلال اول سوره مائده

نکته ای هم جای دارد که، حقیر عرض کنم و آن اینکه شروع سوره مائده، (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ)، براءة استهلالی است، به اینکه در آینده عهد شکنی هائی توکار است، در آیه (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ)، معلوم شد که آن عهدشکنی چه بوده است، بنا به نوشته علامه امینی در جلد اول الغدير، حاضرین در دشت غدیر، صد و بیست و چهار هزارش، از مدینه در رکاب همایونی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمده بودند، و مسلم عدد بیش از اینها بوده، به حیث اینکه بیعت را سستی و شیعه نوشته اند که، سه روز طول کشید، هفتاد روز بعد از عید غدیر، در سقیفه همه اینها، نادیده گرفته شد، چه پیمان شکنی بالاتر از این می تواند بشود بحث های دیگری راجع به جریان غدیر از علامه در جلد ششم المیزان در ص 42، به بعد منتظر باشید.

صحابه از اهل بیت روایات تفسیر نقل نکردند اما از دیگران هفده هزار

قرآن در بیش از سیصد آیه، مردم را بر تفکر و تأمل، دعوت می کند 274 صحابه برای اعراض شان از امیرالمؤمنین (علیه السلام)، در تفسیر قرآن، از آن حضرت، هیچ روایتی را نقل نکرده اند، و تابعین، روایت شان از آن امام همام، به صد روایت نمی رسد، و از امام

حسن(علیه السلام) کمتر از ده روایت نقل کرده اند، و از امام حسین(علیه السلام)، روایتی در تفسیر قرآن نیاورده اند، لکن از غیر اهل بیت علیهم السلام سیوطی، روایات منقوله را، به هفده هزار رسانیده است. 297

این همه گناه در قتل برای چیست؟

کریمه (كَانَ مَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا)، حکایت می کند از اینکه، خداوند اراده کرده است، بقاء نوع انسان را، با بقاء افرادش، هر فرد انسانی، حامل حقیقت انسانی است، روی این حساب کشتن یک انسان، کشتن حقیقت انسانیت و انسان هاست، پس قتل بدون سبب، منازعه با اراده خداوندی می باشد، از این رو است که کشتن یک نفر، از نظر جرم، مساوی با کشتن همه انسان هاست. 341

ص: 121

رکوع در شرع، در غیر نماز تشریح نشده، بر خلاف سجده 13 خوشا بحال ابورافع، وقتی که از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شنیده بود ثواب جهاد با امیرالمؤمنین(علیه السلام) را، برای اینکه از علی(علیه السلام) جدا نشود، خانه ای که در مدینه داشت، به علاوه زمینی در خیبر، فروخت، در برگشت امیرالمؤمنین(علیه السلام) از جنگ بصره، در کوفه خدمت آن امام همام رسید، در صفین و نهروان، در خدمت آن حضرت بود، پس از شهادت سیدالموحیدین وقتی به مدینه برگشت، نه خانه ای داشت و نه زمین، امام حسن(علیه السلام) علاوه بر اینکه، یک قسمت خانه امیرالمؤمنین(علیه السلام) را بر او داد، زمینی هم در ینبع به او مرحمت کرد. 16

ترس پیغمبر فقط از منافقین بود

در زمان نزول کریمه (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ)، یهود هیچ قدرتی در مقابل پیغمبر(صلی الله علیه و آله) که نداشتند، و تمام نقشه هائی که در جلو ترها می کشیدند نقش بر آب هم شده بود، جزیه هم به حکومت اسلام رسول الهی می دادند، پس ترسی که آقایان اهل سنت خیال کرده اند نسبت به یهود و اهل کتاب بوده، بی محتواست، این ترسی که، خداوند در آیه وعده مصونیت آن را می دهد، ترسی است تا حال مثل آن نشده، نه از مشرکین عرب، نه از یهود، و نه از کفار قریش، زیرا که تهدیدی که به این شدت، در این آیه آمده، در عدم تبلیغ در هیچ کدام از این سه تا نیامده است، این ترس ترسی است که، نسبت به رسول خدا(صلی الله علیه و آله) با داشتن آن همه شجاعت، طاقت فرسا بوده است 43 پیغمبر(صلی الله علیه و آله) اجلّ از این است که، درباره دین از جان خود بترسد، یا برای از بین رفتن اصل دینش، با شهادت خود، خوف داشته باشد زیرا که می داند خداوند قادر است که دین خود را، به هر وسیله ای که شد حفظ می کند، ترس پیغمبر برای این است که، او را متهم کنند (به چیزی که، دعوت تعطیل شود 44 دین بی روح شود، روی این حساب به فکر وقت مناسب بود که، با مخالفت ها روبرو نشود، و دین هم اوج بگیرد 47 خداوند با اعلان (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ)، می خواهد بفرماید وقت رسید، دیگر اعلان کن و نگران نباش 49 استعمال کلمه رسول می رساند که، این اعلان به جنبه رسول بودن است، و کار شخصی تو نیست، چون تو فرستاده منی، من دستور اعلان ولایت می کنم که، علی بعد از تو حافظ دین باشد، و هر چه به تو ایراد بگیرند برای این ابلاغ، بی خود است) ما علی الرسول الا البلاغ، مراد

از کافرین در آیه مخالفین ولایت است، زیرا که در آن وقت اکثر مردم مسلمان بودند، حتی منافقین به ظاهر مسلمان بودند. 50

این همه کرامت در مقابل آن اذیت

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در منی، در ایام حج، وقتی که دعوت به (لا اله الا الله و محمد رسول الله) می کند، هر که آنجا بود، از زن و مرد، بزرگ کوچک، خاک و سنگ، حتی آب دهان، به طرف حضرتش پرتاب می کنند، یکی می گوید یا محمد (صلی الله علیه و آله) اگر پیغمبری، وقت آن رسیده که نفرین کنی، چطوری نوح (علیه السلام)، نفرین کرد، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) عرض کرد: اللهم اهد قومی فانهم لایعلمون 62

یهود فعلی، مذهب عزیر بن الله را ندارند، لکن در وقت نزول قرآن داشتند ظاهراً این لقب تشریفی بود، در مقابل خدمت عزیر بر یهود (برگردانیدن آنها به بیت المقدس، و نوشتن او تورات را از پیش خود، بعد از آنچه در فتنه بخت التّصر، از بین رفته بود) 80 قسیس معرب کشش است. 84

بعد از هزار سال فهمیدند

از قدیم ترین مسائل، بین نوع انسانی، این است که عالم صانع و خالق دارد، و آن هم یکی است و بس، حتی مشرکین هم او را واحد می دانستند، و می گفتند ما این بت ها را ستایش می کنیم که، آنها ما را به خدا نزدیک کنند، فطرتی که دعوت به وحدت می کند، به خدائی دعوت می کند که، ذات و صفات او، عظمت و کبریائی غیر محدود دارد، لکن از آنجائی که انسان در ظرف حیات، با واحد عدی انس دارد، درباره خالق عالم، هم آن را منظور کرده است، و از دعوت فطرتش بر خدای احدی الذات و الصفات، غفلت کرده است، لذا بحث کنندگان مصر قدیم، و یونان، و اسکندریه، حتی شیخ الرئیس در کتاب شفاء، به وحدت عددی تصریح کرده اند، تا حدود هزار سال از اسلام گذشته، مسئله وحدت عددی، یگانه تاز میدان بود، و اهل کلام احتجاجاتشان غیر واحد عددی را نمی رساند، قرآن حقیقت وحدت را روشن کرد مثل سوره توحید و آیه (لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ) و و اما مفسرین از صحابی، و تابعی، به این حقیقت توجه نکردند، اوّل کسی که از این حقیقت پرده برداری کرده، امیرالمؤمنین (علیه السلام)، در فرمایشات نهج البلاغه ای اش، بوده است (نگاه به حدیث ص 96) فلاسفه اسلامی بعد از هزار سال، احدیت ذات و صرف الوجود را از بیانات آن حضرت تعلّم گرفتند، و به این مطلب اعتراف کردند، کوتاه نظرانی که، نهج البلاغه را ساخته سید

رضی می دانند، به چه جرعتی این حرف را به زبان می آورند، این همه بحث های علمی دقیق، بل ادقی که، نهج البلاغه حامل آنهاست، حتی پس از بیانات امیرالمؤمنین (علیه السلام)، هزار سال طول کشید، تا بشریت متوجه این نکته شود، مگر امکان دارد از غیر سیدالموحّدین سر بزند. 109

عرق خورد که سر عبدالرحمن بن عوف را شکست

زمخسری در کتاب ربیع الابرار آورده، که عُمَر عرق خورد، و سر عبدالرحمن عوف را، با استخوان شتر شکست، و با ترنم با شعار اسود بن یعفور که، شش سطرش در کتاب آمده، کسانی را که در بدر، از کفار درک رفته بودند، نوحه خوانی کرد، خبر به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) رسی - د، بلن - د شد در حالی که ردای - ش را از زمی - ن می کشید، حرکت کرد، و خواست با چیزی که در دست مبارک بود، به عمر بزند گفت، اعوذ بالله من غضب الله و غضب رسوله 140 کریمه، (جعل الله الکعبه البیت الحرام، قیاماً للناس، و الشهر الحرام و الهدی و القلائد(1))، خداوند کعبه را که بیت محترمی است، و ماه ذیحجه که، حج در آن واقع می شود، ماه محترم قرار داده که، جنگ ها در آن تعطیل شود، و بندگان مظلوم خدا، در آن، از شرّ جنگ ها در امان باشند، و هدایائی که، از قسمت قربانی، و غیر آن، در حج اتفاق می افتد، همه اینها را وسیله قوام امور مردم، از جهت دنیا و دین قرار داده، اگر انسان با فکری درباره برکات کعبه، مطالعه کند، و فوائد حج بیت را ملا-حظه کند که، چه رفع اختلاف هائی، و چه صله ارح-ام هائی، و چه رسیدن به دوستان ه-ائی، و چه انفاق هائی برای فقراء و چه راه افتادن بازار هائی، در موسم حج و چه رسیدن مسلمانان به همدیگر هائی، از برکت عمل حج، در نظر بگیرد، معنی آیه (قِيَاماً لِلنَّاسِ) را می فهمد.

وای به حال مسلمانان اگر از حقیقت حج غافل شوند

نگارنده گوید به قول آن دانشمند غیر مسلمان، وای بر احوال کافرها، اگر مسلمانان متوجه حقیقت حج بشوند، و وای بر احوال مسلمانان، اگر مسلمین متوجه نکات حج نشوید اگر مسلمانان، مخصوصاً آنانی که ادعای خادمی حرمین شریفین را می کنند، متوجه حقیقت حج می شدند، و در زیر لفافه خدمت، خیانت را حمل نمی کردند، این همه شهیدانی که در مثل امسال، در منی از دست دادیم، که روی تاریخ راه، شهادت آنها سیاه کرد، و حتی واقعه حج امسال، جنایت قرامطه را هم تحت الشعاع قرار داد، یقیناً اتفاق نمی افتاد،

خداوند با دست یداللهی حضرت بقیه الله، حرمین شریفین را، از شرّ اشرار نجات بدهد به حق محمد و آله الطاهرین آمین.

در خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) عرض شد که، بعضی از اصحاب حضرت عیسی (علیه السلام)، روی آب راه می رفت، فرمود اگر یقینش بیشتر بود، در هوا هم می توانست راه برود. 200

ص: 124

ببین تفاوت ره از کجاست به کجا

حواریون چه بی مبالا-تی، در سؤال به خرج دادند، و حضرت عیسی (علیه السلام)، چه ادبی را، در تغییر سؤال آنها اظهار کرد، 251 در کتاب مکارم الاخلاق روایت کرده است که، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در وقت سخن گفتن با کسی، تبسم می فرمود، باز در آن کتاب آمده، یونس شیبانی گفت، امام صادق (علیه السلام) از من پرسید با همدیگر چقدر شوخی، و مداعبه می کنید، عرض کردم کم، گاه بیگاهی، فرمود نه مداعبه از حسن خلق است، و خوشحالی وارد کردن به دل برادر دینی است، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شوخی می کرد، و خوشحالی به دل مؤمن وارد می کرد 332 رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هسته خرما را، به پشت دست می گذاشت و با آن می انداخت. 343

ص: 125

امام صادق (علیه السلام): سوره انعام، اسم خدا در آن، در هفتاد بار آمده است، اگر مردم می دانستند در خواندن آن چه فضیلتی است، ترک نمی کردند 9 وحدانیت رب العالمین را درست است که، عقل در اثبات آن کافی است، لکن وحی قطعی چون قرآن هم، آن را اثبات کند، مانعی ندارد، زیرا که مقصود حصول یقین است، در جای دیگر فرموده، اگر یقین از وحی بیشتر حاصل شود، اولی هم خواهد بود 35 کریمه، (وَ اللَّهُ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ. (1))

چون در دنیا به قسم دروغ عادت کرده اند در آخرت هم انجام می دهند.

قسم دروغ در دنیا، برای مشرکین ملکه شده، روی عادت در آخرت هم، قسم دروغ می خورند، و الا آخرت جای ستر نیست 50 قرآن کلمه اب را، بر جدّ و عمو، هم اطلاق کرده، بر خلاف کلمه والد که، تنها بر کسی اطلاق می شود که، انسان از صلب او به دنیا آمده 171 مؤلف مدعی است که، ضمیر (وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ (2)) به نوح (علیه السلام) بر می گردد، به دو دلیل: یکی ضمیر بر نزدیک بر می گردد، و دومی وجود حضرت الیاس، و لوط، در ضمن مذکورین، و آن دو (علیهمما السلام)، از نسل حضرت ابراهیم (علیه السلام) نیستند 255 انسان با سایر حیوانات در خواص حیوانی شریک، لکن انسان حیات دیگری دارد که، حیوان آن را ندارد، همانطور مؤمن حیات دیگری دارد که، سایر انسان ها آن را ندارند، (أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ (3)) (و آیه) فَلَنُحْيِيَنَّهٗ

حَيَاةً طَيِّبَةً (4) 358

طلوع آفتاب از مغرب یعنی چه؟

عبارت طلوع الشمس من مغربها، در روایات زیادی از اهل بیت (علیهم السلام)، و هکذا از طریق اهل سنت، (دوازده نفر از اهل سنت که، راوی این حدیث هستند، (در کتاب اسم برده شده است) این کلام در عین اینکه ممکن است رمز باشد، بر سَرّی از اسرار حقایق، از نظر روز هم درست است، علم روز، امکان تبدیل قطب شمال به جای قطب جنوب، تدریجی اش را رصدهای جوّی ثابت می کند، و امکان یکدفعه عوض شدن جای این دو قطب، به جهت یک حادثه جوّی هویداست 415 چطور می کند، کسی ایمان نداشته باشد از گرفتاری های ما بعد مرگ نجات ندارد همانطور بعد از داشتن اصل ایمان از عمل صالح

ص: 126

1- . سوره انعام، آیه 23.

2- . سوره انعام، آیه 84.

3- . سوره مجادله، آیه 22.

4- . سوره نحل، آیه 97.

كاملاً خالی باشد، آن ایمان هم فایده ای نخواهد داشت، و (وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ (1)) 411 در روایت ابی بصیر حسنات را با داشتن کثرت سیئات مانع حساب کرده است 414 کلمه و انا اول المسلمین، از خصوصیات پیغمبر خاتم (صلی الله علیه و آله) است، در انبیاء دیگر، فقط کلمه من المسلمین آمده، و لفظ اَوَّل را ندارد، این می رساند در اعلی درجه اسلام بودن پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را. 418

سخن نگارنده

دعوت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) پیغمبران را بر بندگی خدا در عالم ارواح

در جلد دوم گزیده (فرنودسار) در بخش استطراف تفسیر البرهان، در جلد اول آن، آوردیم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در عالم ارواح، همه انبیاء را به بندگی، خدا دعوت کرده است، پس جای دارد اول المسلمین باشد.

ص: 127

المص، از نظر غرض سوره، هم غرض سوره های مصدر به الف لام، و هم غرض سوره ص، را دارد 2 وزن عبارت است سنگی است که، در ترازو می گذارند، مثلاً سنگ مثقال. و دو کفه ترازو، و قپان، مقدمه وزن هستند، و در قیامت آنچه را در جای سنگ می گذارند، (حق)) وَ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يظَلْمُونَ (1) است، حسنات چون حقد وزن دارند، و سیئات حق نیستند، وزن ندارند، فَلَا يُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا (2) چون عملشان حبط شده است، حسنات ثقل تولید می کند، و سیئات خفه، (فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يظَلْمُونَ (3) برای هر عملی میزانی است، مثلاً میزان صلوة صلوة تام و تمام، و برای زکات میزانی، و برای صوم میزان دیگر، چون برای هر عملی میزانی شد، لذا به صیغه جمع آورده می شود: (فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ) (و) من خفت موازینه).

امیرالمؤمنین میزان الاعمال است

سخن نگارنده چطوری که در زیارتنامه چهارم از زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مفاتیح آمده امیرالمؤمنین (علیه السلام) را، میزان الاعمال خوانده، امکان دارد روز قیامت عمل آن حضرت را، میزان اعمال دیگران قرار بدهند، هر کس به اندازه موافق بودن عمل او، با عمل سیدالموحدين نمره بیاورد. 7 در روایت کافی: میزان برای اهل اسلام است، و اهل شرک میزان نخواهد داشت، و انما يحشرون الى جهنم زمراً. 15

مسجود ملائکه نوع انسان است و حضرت آدم (علیه السلام) نمونه است

چطوری که در تفسیر سوره بقره گذشت، سجده ای که ملائکه مأمور بر آن شدند، به جنبه خلافتی الهی انسان بوده است، پس مسجود نوع انسان است، و آدم (علیه السلام) به عنوان، نمونه مسجودین، قرار گرفته است، و ابلیس هم نماینده اجنه، انسان را به جهت علمش، خداوند بر نوع ملک و جن، مقدم کرد، دومین دلیل بر اینکه حضرت آدم نایب بوده، و مسجود بر نوع بشر است، این است که ابلیس وقتی عصبانی می شود، بنی آدم را، مورد تعرض قرار می دهد، بدون اینکه حضرت آدم را واسطه قرار بدهد، بقوله: (فبما

أَغْوَيْتَنِي

ص: 128

1- . سوره زمر، آیه 69.

2- . سوره كهف، آیه 105.

3- . سوره اعراف، آیات 8 - 9.

لَا قُوعَدَنَّ لَهُمْ صِرَاطُكَ الْمُسْتَقِيمَ (1) به علاوه و آیه 39 حجر، و 82 سوره ص، و سومین دلیل، و قوله تعالی (يَا بَنِي آدَمَ إِنَّمَا يَأْتِيَنَّكُمْ رُزُقٌ مِّنْكُمْ (2)). 18

اینکه ابلیس بر بنی آدم از چهار طرف می آید یعنی چه؟

مستفاد از آیات قرآنی، مقصود ابلیس از اینکه، بنی آدم را از پیش رویشان می آیم، (بَيْنَ أَيْدِيهِمْ) وسوسه ابلیس است از طریق آرزوی انسان که، به فلاخن چیز برسد، و یا وسوسه او که انسان را بترساند، از گرفتار شدن بر چیزی، مثل وعده فقر که، مثلاً اگر انف-اق کنی فقیر می شوی، یادم است در جایی در ته-اوایل آورده ام، از قول امام صادق(علیه السلام) که، ابلیس از هیچ راهی، بیشتر از وعید فقر، بر انسان نمی تواند وارد شود و مقصود او از پشت سر آمدنش (وَمِنْ خَلْفِهِمْ) وسوسه اوست، از طریق فرزندان انسان وارد می شود، و او را امر بر جمع مال از حلال و حرام می کند که، فردا فرزندان به راحتی زندگی کنند، و مقصودش از طرف راست آمدن بر انسان (عَنْ أَيْمَانِهِمْ) (او را از طریق دین داری گمراه کند، او را در امر دین وسوسه کند، چیزی را که خدا در دین امر نکرده، به حساب دین به خور انسان بدهد، و بر چیزی که دستور دینی درباره آن صادر کرده، به انحراف بکشد، و مقصود او از طرف چپ آمدنش (عَنْ شَمَائِلِهِمْ) (فحشاء و منکرات را بر او زینت بدهد. می باشد. 29

سخن نگارنده

فرمایش امام باقر(علیه السلام)، در ص 59 مؤید این استفاده علامه است، از آیات قرآنی.

ابلیس بنا به فرمایش امام صادق(علیه السلام)، به حضرت آدم و حواء(علیهما السلام)، گفت اگر از این درخت بخورید ملک می شوید، و همیشه در بهشت می مانید، و اگر نخورید، شما را از آن بیرون می کند، و ملعون بر این حرف دروغش، قسم هم خورد 59 و در جواب حضرت جبرئیل فرمود، ابلیس بر ما قسم خورد، من باور نمی کردم که مخلوقی بی خود به خدا قسم بخورد. 60

ص: 129

1- . سوره اعراف، آیه 16.

2- . سوره اعراف، آیه 35.

کلمه انفال به غنیمت جنگی هم اطلاق می شود، به جهت زیادی بودن غنیمت، بر اصل مقصود از جنگ (ضایع کردن کافر) 3 سعد بن ابی وقاص (پدر عمر سعد) با عده ای از هم پیاله های خود عرق زهر مار کردند، عمر خطاب در حال مستی، بینی سعد را با استخوان فک شتر پاره کرد 12 حضور ملائکه در جنگ بدر، برای تثبیت قلوب مؤمنین، و ایجاد رعب در دل کفار بود، و الا آنها کسی را نکشتند، و نصف کشته ها، با دست پر برکت سیدالموحدین علی (علیه السلام) انجام گرفت 18 مفرد آوردن کلمه ذی القربی در آیه خمس، مؤید روایات اهل بیت (علیهم السلام) است که، می فرمایند مقصود از آن امام معصوم (علیه السلام) است، و شامل سایر اقارب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نمی شود 106 بحث پنج صفحه ای علامه طباطبائی، یک دوره تاریخ جنایات یهود است 128 عزیر، را یهود عزرا گویند، در تعریب عزیر شد، چنانچه یسوع، در تعریب عیسی شد، و یوحنا، یحیی گردید 253 کریمه) الْمُتَنَفِقُونَ وَ الْمُتَنَفِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ، ذکر کردن منافقات با منافقون در حالی که جلوتر از منافقات ذکر نبوده، کمال اتحاد این دو تا را می رساند، و اشاره بر اینکه در مسئله کمین کردن به رسول الله، از زن ها هم دخالتی بوده است 351 کریمه) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ، دستور می دهد همه مسلمانان را که، هر کسی برای توسعه حکومت اسلام، هر جمعی در محل خودشان، با کفار نزدیک خود جنگ کنند، تا کلمه الله را بالا قرار دهند، و مقصود از (وليجدوا فيكم غلظه¹)، خشونت، و سوء خلق، و قساوت نیست، باید هدف پیش بُرد دستورات اسلام باشد با ملاحظه اخلاق اسلامی. 428

سخن نگارنده

کسانی که تاریخ صحیح اسلام را مطالعه کنند، و دستوراتی را که پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، و امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مجاهدین می دادند را، ببینند می فهمند حتی اسلام جنگ هایش پر از رأفت و مهربانی است، کافی است و در این باره، در کتاب شرح لمعه، باب جهادش را مطالعه کنید، صدق این ادعا روشن شود، اینکه جرجی زیدان می نویسد وسعت خاک اسلام، در حیات پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، اندازه وسعت خاک اروپا، منهای شوروی رسیده بود، از برکت اخلاق مجاهدین بوده است هر کس غیر این را با اسلام نسبت بدهد، غرض یا مرضی دارد و احتیاط جمع است.

ص: 130

استعمال کلمه یوم، در مقداری از زمان، شایع است، مثلاً روز کره ماه، اندازه بیست و نه روز نیم زمین است، و در آیه (وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ) (1) مراد از چهار روز چهار فصل است 155 تفسیر المنار، در تفسیر آیه (وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ) گوید، شیعه است که، این آیه را تفسیر به علی بن ابیطالب می کنند، و می گویند، آیه دلالت دارد که علی (علیه السلام) نفس پیغمبر (صلی الله علیه و آله) است، و با آن اثبات امامت علی (علیه السلام) می کنند، لکن بیچاره عمداً سهو کرده است، در دو صفحه قبل روایات از اهل سنت، در تفسیر آیه بر امیرالمؤمنین نقل کردیم، سندهای آنها، بیش از اسناد شیعه است، نگاه کنید، به این هم بدبخت اکتفاء نکرده، و گفته از علی (علیه السلام) سؤال کردند از تفسیر آیه، انکار کرد، با ملاحظه روایات گذشته دروغ دوم هم ثابت می شود. 202

سخن نگارنده

(وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ)

در پاورقی، از روزنامه کیهان، اول ربیع الاول سال 1382، خبر پیدایش قطعات کشتی حضرت نوح (علیه السلام)، از بعضی از قلّه های کوه اراراط را، نقل می کند 279 میهمانان حضرت ابراهیم (جبرئیل، میکائیل، اسرافیل، کرئیل) چون با عمامه آمده بودند، ابراهیم (علیه السلام) نشناخت، وقتی جبرئیل عمامه را از سرگرفت، شناخت، گفت تو جبرئیل هستی گفت بلی 340 در هر جامعه ای کیل و وزن صحیح انجام نگیرد، اطمی-نان سلب می شود، و چون حق خریدار به او نرسیده، مجبور می شود برای تهیه مایحتاج زندگی، بیشتر سعی کند، این نکبت شامل همه مردم خواهد شد، پس جای دارد حضرت شعیب بگویند، بقیه الله خیر لکم یعنی ربی که، در معامله صحیح موجود می باشد، برایتان بهتر است و به صلاح شماست. 380

سخن نگارنده

دور از چشم حضرت شعیب، امت محمدی (صلی الله علیه و آله) هم گرفتار بخش کیل و وزن شده اند، با آن همه سفارشات اهل بیت (علیه السلام) که، هر چیزی که مالیت آن، با کیل، یا وزن، یا عدد، می باشد، در مقام خرید و فروش، با همان معیار لازم است معامله شود، تا در میان امت، اختلاف و کشمکش پیدا نشود، متأسفانه عامل به این دستور خیلی کم است، اگر پول حلالی هم پیدا شود، در مقام معامله، با انجام

دادن معامله غری، هم

ص: 131

مرتکب حرام شده، و هم کسی به حقش نمی رسد، خلاف آن قدر زیاد شده، کسی اگر خواست بداند که چقدر خریده، و چه پولی را باید بدهد، مذمت می شود.

حتی در چلوکبابی لازم است وزن برنج و گوشت آن معلوم شود

یادم نمی رود، مرحوم آقای بروجردی در رساله (به احتمال قوی جامع الفروع) عنوان کرده بودند که، حتی در چلوکبابی، باید بداند برنج از نظر وزن چقدر، و گوشت چقدر، و قیمت هر کدام چقدر می شود، در قم به یک سنگگی گفتم، من حاضرم نان را برایم بکشی، و بیش از آنچه از عددی می گیری، پول بدهم، قبول نکرد، خدا کند ما گرفتار بلای قوم حضرت شعیب (علیه السلام) نباشیم، انشاء الله.

ص: 132

این زمین و آسمان، در قیامت نخواهد شد، آخرت برای خودش زمین، و آسمان خواهد داشت، دلیل اولی،

(وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى (1) و دلیل دومی،) يَوْمَ تَبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ (2) پس در آیه 107 و 108 سوره هود (علیه السلام)، مخلّد بودن اهل جهنم و بهشت را، مقید به بقاء آسمان ها و زمین کرده، مقصود آسمان ها و زمین آخرت است. 23

کریمه (وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا) (3) می فرماید رکون بر ظالمین، و اعتماد کردن بر آنها نکنید، رکون یا در امور دینی است، مثل اینکه، بعضی از حقایق دین را به آنها تذکر بدهد که، آنها بر له خودشان استفاده کنند، یا اغماض کند، از بعضی حقایق دین که، بر علیه آنهاست، و اما همدست شدن با آنان، در امور دنیوی، مثل اینکه بعضی از امور دینی را، به آنها تذکر بدهد، در مصلحت دنیوی شان، استفاده کنند، بالاخره حق را سر ببرد، برای زنده کردن ظالم 53 حضرت یوسف (علیه السلام) چون اخلاص را کامل کرد، اسباب عادی از هر طریقی خواست او را تضعیف کند، خداوند از آن راه بلندش کرد، حسد برادران او را وارد بیت ملک مصر کرد، زن ملک خواست بر او حیلہ کند، بالاخره الان حصص الحق گفت، و اقرار به نقشه ای که کشیده بود کرد، زندانش انداخت، به قرب ملک نایل شد، پیراهن یوسفی سبب نابینائی پدرش شد، همان پیراهن وقتی با دست برادرها، به حضرت یعقوب رسید، قوه باصره اش برگشت 79 کریمه (وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمٍ مَعْدُودَةٍ) (4) را اکثر مفسرین، فروشنده یوسف (علیه السلام) را برادرانش بیان کرده اند، لکن سیاق آیات نشان می دهد که، همه ضمایر جمع به سیاره برمی گردد، پس عامل فروش قافله ای بودند که، آن حضرت را از چاه درآوردند، و اینکه به قیمت خیلی کم فروختند، می ترسیدند که، حقیقت کشف بشود، چون سیمای غلامی در یوسف (علیه السلام) نبود بالاخره پول کم هم باشد، منفعتی است، آن را از دست ندهیم. 116

سخن نگارنده

مرحوم آقای برقعی واعظ بعضی وقتها در منبر این شعر را می خواند: یوسف فروشان خرنند، یوسف فروشنده چه خرنند؟

ص: 133

- 1- . سوره احقاف، آیه 3.
- 2- . سوره ابراهیم، آیه 48.
- 3- . سوره هود، آیه 113.
- 4- . سوره یوسف، آیه 20.

امام سجّاد(علیه السلام) برادران حضرت یوسف، با لطایف الحیل وقتی پدرشان را راضی کردند، و یوسف(علیه السلام) را با خودشان راهی صحرا کردند، حضرت یعقوب طاقت نیاورد، پشت سر عزیزش آمد، دوباره یوسف(علیه السلام) را به سینه چسباند، پس از ردّ کردن، به سرعت شان اضافه کردند که، نکند دوباره پدر بیاید بگیرد و پس ندهد 124 در بیان یک صفحه ای علامه آمده، تمامی وسائل گرفتاری حضرت یوسف بر گناه، در حيله زليخا فراهم بود، فقط اخلاص یوسف در بندگی خدا او را نجات داد 137 کریمه (رب السجن احب الیّ) (دعا نیست) از حضرت یوسف(علیه السلام) که، تقاضای زندان رفتن کند، بلکه بیان حال است که، تربیت الهی، مرجّح زندان، بر معصیت است. 167

عباده خوفاً و طمعاً، خالی از شرک نیست، زیرا که اگر از طریق غیر عبادت، ترس بر طرف شود، و یا از راه غیر بندگی، به آنچه دلش می خواهد برسد، دیگر عبادت نمی کند، پس اخلاص به غیر راه حبّ راه دیگری ندارد، لذا امام صادق(علیه السلام) می فرماید دین آیا به غیر، راه حبّ، راه دیگری دارد؟ علامه می فرماید: خوف و رجاء، دعوت می کنند بر اخلاص دینی، نه اینکه دعوت کنند بر خدای دین. 175 کسی که از خدایش، غیر خیر و جمیل نمی بیند، خوف و الم و غصّه بر او راه ندارد، و سرور و ابتهاج و امن، روزیش می شود، الا انّ اولیاء الله) (لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (1) 176 علماء ادب گفته اند که، خیر در اصل آخیر بوده است، ولكن حق این است که کلمه خیر صفة مشبهه است معنی افضل از ماده خود را، می دهد 192 و ادگر بعد امه، در آیه قرینه صالحه است بر اینکه، ناسی، ساقی بود، نه اینکه یوسف(علیه السلام) باشد که، به خیال بعضی ها، متوسل به غیر خدا باشد، و تازه اخلاص داشتن، مانع از توسل بر اسباب نیست. 199

سخن نگارنده

کسانی که به اولیاء خدا، بعضی از نسبت ها را می دهند، یا از کمی فکر است، و یا از عدم غور در آیات قرآنی، بحمد الله تفسیر المیزان، با دلیل های محکم، خیلی از اشتباهات مفسیرین عامه را، تذکر داده است، در مثل حضرت آدم، و حضرت موسی، و یوسف، حتی در خاتم انبیاء(صلی الله علیه و آله) که خداوند آنان را از مخلصین خوانده، علامه عامه روی مبنای عدم اشتراط عصمت، در انبیاء (علیهم السلام)، گرفتار این همه ظلم شده اند، الحمد لله شیعه اجماع کرده است بر اینکه، همه انبیاء و اوصیای آنها در جمیع حالات (در قبل از نبوت، و بعد از آن، حتی در حال طفولیت) از جمیع چیزهائی که مناسب شأن آنها نیست بری هستند.

ص: 134

کریمه، (ثُمَّ بَدَا لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيْسَ جُنُنَهُ حَتَّىٰ حِينٍ (1))، وقتی دلایل برائت حضرت یوسف (علیه السلام)، یکی پس از دیگری هویدا شد، مثلاً شهادت بچه صغیر، و پاره شدن پیراهن از عقب، و اقرار زن ها، مخصوصاً اقرار زن شاه که، من نقشه کشیده بودم که، یوسف (علیه السلام) را به دام بیندازم، بالاخره بعد از رسوائی زن عزیز، و زن های سرمداران مملکت مصر، برای جلوگیری از رسوائی های زیاد، بعد از شوری مصلحت دیدند که، یوسف بی گناه را مدتی زندان کنند 186 مایوس شدن از رحمت خدا، در معنی تحدید قدرت خداست که نمی تواند رحمت او به من مایوس برسد، و خداوند قدرت مطلقه ندارد، این خودش نوعی از کفر است، و لذا قرآن می فرماید: (إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ (2)) 258 از کمال جوانمردی حضرت یوسف (علیه السلام)، وقتی خدمت پدر رسید، و همه برادرها در آن محضر حاضر بودند، نعمت خروج از زندان را، در مقام شکر تذکر می دهد، و حرفی از بیرون آمدن از چاه را، به میان نمی آورد. 272

سخن نگارنده

در جلد اول گزیده تهاویل الربیع، دو مطلب دیگر در کمال فتوت یوسفی (علیه السلام) در ص 16، و دو مطلب دیگر راجع به آن حضرت، در صفحات 11 و 14 گذشت رجوع شود.

در چند روایت آمده که عزیز مصر، در سال های قحطی فوت کرد، و یوسف (علیه السلام) با زن او ازدواج کرد، اگر مطلب صحیح باشد، برای تشکر از قول او، (الان حصحص الحق) بوده است. 280

سخن نگارنده

این هم از کمال جوانمردی و احسان یوسف (علیه السلام) است که، آن همه اذیت ها را بدل نگرفت.

کریمه (وَمِنْ كُلِّ الشَّجَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ (3)) مقصود مثل شیرین و ترش، زمستانی و تابستانی، خشک و تر، می باشد اما آنچه را که علم روز اثبات می کند که، هر میوه مذکر و مؤنث دارد، و در اکثر درختان، عضو نر و ماده در یک درخت قرار می گیرد، و در بعضی دیگر، هر کدام جدا از درخت دیگری است، مثل درخت خرما، این آیه آن را نمی رساند، بلی از مثل آیه (سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا

مِمَّا

ص: 135

1- . سوره یوسف، آیه 35.

2- . سوره یوسف، آیه 87.

3- . سوره رعد، آیه 3.

تُنْبِتُ الْأَرْضُ (1) استفاده می شود 320 کریمه) أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (2) چون جمع محلی با لام است، افاده عموم می کند، یعنی آرامش همه قلب ها، فقط با یاد خداست، بلی هر قلبی که در قلب بودن باقی مانده است، لکن قلب منحرف قلب نیست، (لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا) (3) 392.

ص: 136

-
- 1- . سوره یس، آیه 36.
 - 2- . سوره رعد، آیه 28.
 - 3- . سوره اعراف، آیه 179.

کریمه، (لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ) (1) بعضی از علماء ادب حرف من را زاید گرفته اند، ولكن درست نیست، زیرا که من زایده، در کلام منفی و در نکره محلّ دارد، نه در کلام مثبت و معرفه 26 سؤالی که حضرت ابراهیم (علیه السلام) درباره محلّ امن بودن شهر مکه خواستار شد، (رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا) (2) امن تشریحی نه تکوینی. 68

سخن نگارنده

خداوند در مقام تقنین، دستورات زیادی بر حفظ آمن آنجا صادر کرده، حتی طلبکار حق ندارد طلبش را در شهر مکه، و در حرم آن، طوری خواستکاری کند که، بدهکار اذیت شود اگر امر تکوینی مراد بود، نمی بایست جرّثقیل، در مسجد حرام این قدر حاجی را بکشد، و، که از روز غصب خلافت، تا زمان ظهور دولت حق بقیّه الهی، اتفاق افتاده، و خواهد اتفاق بیفتد؛ در بعضی از روایات عامه و خاصه، آمده که، اولاد حضرت اسماعیل، عبادت بت نکردند، از برکت قبولی دعاء حضرت ابراهیم (علیه السلام)، (وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ) (3) آنان بتها را وسیله شفاعت قرار داده بودند، نه اینکه معبودشان قرار بدهند، لکن روایت جعلی به نظر می رسد، به دلیل اینکه در بیان سابق گذشت (ص 70) که مقصود حضرت ابراهیم از دعایش فرزندان مستعدان هستند، نه معاندین آنها 80 کریمه (قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ) (4) ابلیس در دعایش، در عین حالی که تکبّر کرده، و با خدا مخاصمه نموده، استعمال کلمه ربّ می کند از راه بیچارگی است، می داند که، در مقام دعاء، لازم است که تحریک رحمت مطلقه کند، و الا اگر خدا را برای خودش ربّ، و پرورش دهنده، حساب می کرد، نمی بایست که با امر رب العالمین مخالفت کند. 165 به ابن عباس نسبت داده اند، و جمهور مفسرین هم میل کرده اند که، مقصود از قول خدا الی یوم الوقت المعلوم، آخرین روز بقاء نوع انسانی، (نفخه اولی) است که ابلیس تا در دنیا انسان هست، و امکان اغواء او هست، خواهد ماند، زیرا که همه انسان ها را (لَأَعْوِيْتَهُمْ أَجْمَعِينَ) (5) لکن این دلیلشان می رساند که تا معصیت هست، محرک آن (ابلیس) خواهد بود، و دلیل نیست که تا تکلیف است، ابلیس

هست، و حجت عقلی و

ص: 137

- 1- . سوره ابراهیم، آیه 10.
- 2- . سوره ابراهیم، آیه 35.
- 3- . سوره ابراهیم، آیه 35.
- 4- . سوره حجر، آیه 36.
- 5- . سوره ص، آیه 82.

تقلی قائم شده بر اینکه، روزی خواهد رسید که، بساط معصیت جمع شده و نوع انسانی صالح خواهد شد، (وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) (1) پس یوم وقت معلوم است، یوم اصلاح بشر است، (روز حکومت عدل خدائی، با دست باکفایت مهدی آل محمد، صلوات الله علیهم اجمعین) 167 ابلیس) بما اغویتنی (گفت، گمراه شدنش را به فعل خدا نسبت داد، و خدا هم رد نکرد، به دلیل اینکه اغواء خدا، نتیجه عمل خلاف کاری ابلیس بود، پس خودش مقدمات بدبختی خویش را فراهم کرد، هر کس زهر بخورد با اراده خود، مردنش نتیجه عمل خویش است 170 درست است که، برای امتحان بشر، ابلیس تا وقت معلوم مهلت داده شد، لکن ملائکه را، طرفدار انسان قرار داد که، او را کمک کنند، دشمن بقااش تا ظهور دولت حق است، ولی ملائکه تا دنیا هست هستند.

171

سخن نگارنده

از صفحه 85 آداب الطلاب، مطلبی از بحار الانوار نقل کردیم، با این بحث خیلی مناسبت دارد.

کریمه، (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً) (2)، مژده ای است بر زنان که، خداوند بین آنان و مردها، در ایمان، و در نتیجه عمل صالح، فرق نمی گذارد، بر خلاف بت پرستان، و یهود و نصاری، که زنان را از همه مزیت های دینی، و یا از اکثر آنها، محروم می داشتند، و مرتبه آنها را طوری پائین آورده بودند که، قابل رفع نبود 364.

کریمه (فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ) (3)، فرمود، و فرمود قل اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، معلوم می کند که قاری قرآن، در وقت قرائت آن، دلش را متوجه کند به طرف دوری از شیطان، و آن را متوج-ه به طرف رحم-ن کند، پس معنی استع-اذه همان توکل است که، آیه بع-دی بیان می کند، (إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ) (4) 367 دوروایت در اینکه، آیه (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ) (5) را، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) مأمور شد در اینجا که قرآن دارد، بگذارد، یکی از سیوطی در الدر المنثور، دومی از ابن عباس 374.

ص: 138

1- .سوره الانبیاء، آیه 105.

2- .سوره نحل، آیه 97.

3- .سوره نحل، آیه 98.

4- .سوره نحل، آیه 99.

5- .سوره نحل، آیه 99.

این دو حدیث هم، مؤید این است که، قرآن جامعی غیر از رب العالمین ندارد، بحث مفصلی در این باره در جلد دوم گزیده، ص 34، کردیم، و از مجمع البیان، درباره آیه (وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ (1) هم، روایتی آوردیم.

ص: 139

1- . سورة بقره، آیه 281.

مقصود از مسجد الاقصی، بیت المقدس است، به قرینه (بارکنا حوله) 4 جبرئیل عرض کرد فکلنا نفع منه، ان هذا مالک خازن النار 7 شب معراج، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حضرت عیسی و یحیی 5 را، در آسمان دوم دید 9 و حضرت موسی (علیه السلام) را در آسمان ششم دید، و در آسمان هفتم هر ملکی را دید، گفتند یا محمد (صلی الله علیه و آله) احتجم، و امر امتک بالحجامه 10 و حضرت ابراهیم (علیه السلام) را، در آسمان هفتم مشاهده کرد 11

معراج روایات زیادی حتی روایت مسند دارد

مؤلف پس از نقل روایت مسند معراج از تفسیر قمی، در 9 صفحه، نقل می فرماید که، روایات زیادی از طریق شیعه و سنی شبیه این روایت، نقل شده است 14 امام باقر (علیه السلام) می فرماید، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بر همه انبیاء (ص)، در شب معراج، در بیت المقدس امامت کرد، و آیه (وَ اسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَنْ جَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبُدُونَ (1)) در آن شب نازل شد 17 روایت شده که، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) قبل از اینکه نبوتش را آشکار کند، مدتی با علی (علیه السلام)، و خدیجه (علیها السلام)، در مسجد حرام نماز به جماعت می خواند 27.

در روز قیامت انسان خود عملش را می بیند

کریمه (يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مِمَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمِمَّا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ (2)) ظاهر است در اینکه در روز قیامت، خود اعمال انسان پیش او حاضر می شود، نه اینکه نامه اعمال را ببیند 58 امیرالمؤمنین (علیه السلام) را وقتی دیدند، از زیر دیواری که کج شده بود، به طرف دیوار صاف، حرکت کرد، عرض کردند از قضای خداوندی فرار می کنی، فرمود از قضای خدا، به طرف قدر خدا، فرار می کنم. 78

کریمه، (وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ (3)) خفص جناح کنایه است از کثرت تواضع در مقابل پدر و مادر ذل را اگر به معنی مسکنت باشد کنایه از خفص جوجه می شود که، جوجه ها برای اینکه از مادر، بتواند غذا بگیرد، در مقابل مادر هی پر می زند، تا دل او را متوجه خود کند، و به مقصودش برسد، و اگر ذل به معنی مطاوعه باشد، مراد از خفص جناح عمل خود مرغ می شود، که پرهایش را باز می کند، و

جوجه هایش را زیر پر می گیرد، بالاخره فرزند مأمور است، قولاً و فعلاً، تمام خضوعش را در مقابل والدین اظهار کند، و به حال آنها ترحم کند، و اینکه در ذیل آیه، دستور دعا کردن بر آنها می کند، معلوم

ص: 140

1- . سوره زخرف، آیه 45.

2- . سوره آل عمران، آیه 30.

3- . سوره اسراء، آیه 24.

می شود که دعای فرزند، برای پدر و مادر ردّ ندارد، و الاّ امر بر دعا کردن بی فایده می شود 84 آیه (رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ (1))، سیاق نشان می دهد که، مربوط به آیه جلوی (وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ) است کنایه از اینکه، اگر سوء ادبی از فرزند درباره پدر و مادر صادر شد، بعد پشیمان شد، خداوند بخشنده است، پس چرا به کنایه گفت، و تصریح نفرمود، خواست بفرماید این کار گفتنی نیست چطوری که نباید واقع شود. 85

توجه نگارنده

به قول شاعر اگر گویم زبان سوزد، پدر و مادری که، حقشان از بس قوی است، خداوند پس از بیان حق خویش، بلافاصله حق آن دو را ذکر می کند، (وَ قَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا (2)) خداوند چطور فرض سوء ادب فرزندشان را، به زبان بی زبانش بیاورد.

از امام رضا(علیه السلام) سؤال شد دخالت و مشیت خدا، در عمل بنده اش چقدر است؟ فرمود: در طاعت مشیت خدا، امر کردن، و راضی شدن، و کمک کردنش می باشد و اما در معصیت، اراده خداوندی نهی کردن بنده، و خذلان نمودن عاصی است 102 کریمه (وَ إِنِّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْتَبِيحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ (3)) حق قول این است که، همه موجودات با زبان شان، تسبیح خدا می کنند، حقیقه و مجازی نیست، لکن با زبان بودن لازم نگرفته که، با الفاظ وضع شده، و صداهای شنیده شده باشد، و اشاره کرده، بیان بیشتر را بما تقدم 117

سخن نگارنده:

در ما تقدم فرمود، لفظ برای اظهار آنچه در باطن است می باشد، وجود موجودات، اظهار فقر خویش، و غناء خالق می کند، این معنی تسبیح موجودات، و اما حمد آنها، با بدیع و عالی بودن خلقتشان، حمد خدا می کنند، و معنی حمد نیست، مگر به اختیار، ثناء حمد شده انجام دادن.

ص: 141

1- . سوره اسراء، آیه 25.

2- . سوره اسراء، آیه 23.

3- . سوره اسراء، آیه 44.

چطور شیطان شریک مال و اولاد انسان می شود

در توضیح این علامه می فرماید، اما شرکت شیطان در مال بنی آدم، به مثل تحصیل کردن آن از حرام، و یا از حلال تهیه، ولكن در مصرف حرام، صرف کند، و شرکت او در اولاد، به مثل تهیه آن از نطفه حرام، و یا نطفه در عین اینکه از حلال باشد، در تربیت آن کوتاهی کند 155.

سخن نگارنده

غفلت نشود که، همه دشمنان اهل بیت (علیه السلام) نطفه شان از حرام نیست، و یک قسمت از آنها از سوء تربیت، و یا از عدم مراعات دستورات شرع، در انعقاد نطفه است، می گویند حجاج بن یوسف، این همه اعلان دشمنی با دوستان خدا کردنش، از انعقاد نطفه در حال حیض بوده است، اگر به تبری کردن از دشمنان ائمه (علیهم السلام) اهمیت ندهیم، امکان تولید داعش زیاد است. می گویند داعشی ها برای هر فرد، ماهی شش میلیون تومان می دهند، اگر فرزندان ما بغض دشمنان اهل بیت (علیه السلام) را طبق سنن سابقه در دل نگیرند، به آسانی تابع می شوند مسئله خیلی حساس است ابداً غفلت نشود، چرم را اگر آب برد برگردانیدن محال است اللهم بلغنا.

کریمه) (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ (1) وجه تکریم انسان، همانا اعطاء نعمت عقل است و بس، و چیزهای دیگری که برای تکریم ذکر کرده اند، مثل قدرت نوشتن خط، و راست قامت بودن، و تسلط بر تسخیر حیوانات، و مخلوقات دیگر، و قدرت حرف زدن، و با دست خوردن، و زیبایی صورت، و نعمت وجود حضرت محمد از سنخ انسان ها و خلق پدرشان حضرت آدم، با قدرت خدائی، یک قسمت اینها برگشت به نعمت عقل دارد، و قسمت دیگر تفضیل است نه تکریم، و فرق بین این دو هویداست، و قسمت سوم که مربوط به تکریم اخروی و معنوی است، خارج از مدلول آیه است. 166

کریمه،) (أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ (2) مثل بودن بدن قیامتی، با بدن دنیوی، در شکل بدن است، در جای دیگر فرموده خشتی را بشکنی، دوباره به قالب بگذاری، از نوبسازی، خشت دوم مثل خشت اول است، و با دقت بیشتر عین اول است، توضیح این: بدن انسان با جمیع اجزایش، در دنیا چند سالی، یک دفعه عوض می شود، لکن وحدت بدن محفوظ است، همانطور است بدن آخرتی، با بدن دنیوی یکی است، در وسط متلاشی شدن بدن، مانع از وحدت آن

ص: 142

1- . سوره اسراء، آیه 70.

2- . سوره اسراء، آیه 99.

نیست، چون حالتی عارض شده است، زیرا انسانیت انسان، به روح آن است، و بدن مرکب روح است، و روح در دو حال، موجود است، پس انسان موجود است، ملک الموت با قبض روح، آن را گرفته، (قُلْ يَتَوَفَّأَكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ (1)) پس انسان کاملاً موجود است، فقط تغییر در بدن حاصل شده است، دلیل بر اینکه انسان قیامتی، عین انسان دنیوی است، نه مثل آن، آیاتی است که می فرماید انسان را برای حساب، و مجازات، حاضر می کنند. 224

کریمه (لَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (2)) بیان علامه مفسر: الف لام در صلوة اگر برای استغراق باشد، معنی این می شود که، در کلیه نمازها، نه خیلی بلند، و نه خیلی آهسته بخوان، حدّ وسط که اعتدال است ملاحظه کن، ولكن تحقیق این است که الف لام جنس است، به این معنی که در کلیه نمازها، جهر نکن، بلکه در بعضی از آنها، مثل صبح و مغرب و عشاء، جهر، و در بعضی دیگر، مثل ظهر و عصر اخفات کن 241

سخن نگارنده

در کلمه بصلاتک الف و لام نیست، و چون قلم مؤلف را، به طغیان قرین کردن، را دل اجازه نمی دهد، با اینکه المعصوم من عصمه الله، روی این حساب، از یکی از رفقای جوان، خواستم به کتاب مغنی اللبیت نگاه کند، جواب آورد در باب پنجم، از جمله جاهائی که الف و لام ساقط می شود، یکی را هم در اضافه معنویه خوانده است، و شاید هم بصلاتک، اشاره به اقم الصلاة باشد، این غایت توجیهی بود که در اصلاح کلام علامه عرض شد و اگر وجهی، وجهی تر از این، به دست آمد، تذکر می دهیم انشاء الله.

روایت است از ام سلمه (رضوان الله علیهما)، که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در قرائت قرآن، در سر هر آیه وقف می کرد 247 .

در تشخیص آیات، چون نص متواتر نیست، و اختلاف شدید، در عدد آیات سور است، پس در تعیین عدد آیات سور آنچه در بیان علماء آمده چنگی به دل نمی زند، بر اهل تحقیق است که، طبق نظرشان رفتار کنند 248 و اما عدد در سور، در نظر اهل بیت (علیهم السلام) و الضحی و الم شرح یک سوره، و هکذا فیل و ایلاف یک سوره، و فرموده اند که برائت سوره مستقل نیست، و جزء انفال است. 246

تحقیق این است که، اصحاب کهف و رقیم، یک موضوع اند، و دو چیز مخالف نیستند، کهف گفتن به مناسبت خوابیدنشان در کهف است، و رقیم نامیدنشان، به اعتبار منقوش بودن، قصه آنها در لوحی، در

ص: 143

1- . سوره سجده، آیه 11.

2- . سوره اسراء، آیه 110.

خزانه ملوک، یا منصوب بودن، در داخل غار، و کسانی که می خواهند، این را دو قصه کنند، چون یکی در کلام خدا، قصه اش کاملاً ذکر شده، و دیگری از آن بیانی نیست، پس دو بودن مناسب شأن قرآن نیست. 263

کریمه، (فَصَدَّ رَبَّنَا عَلَيَّ آذَانَهُمْ فِي الْكَهْفِ (1) مجمع البیان تفسیر کرده، به اینکه، خواب را بر آنان مسلط کردیم، و معنی دیگری را خود علامه احتمال داده، و کسی جلوتر آن بیان نکرده، و آن اینکه، مثل زدن مادر به گوش بچه اش به مهربانی که، او را متوجه به گوشش کند، در نتیجه خوابش ببرد می باشد. 266

اصحاب کهف و مالک اشتر و مقداد و یوشع بن نون از جمله انصار حضرت بقیه الله خواهند بود. 310

سخن نگارنده

مخفی نماند که، در جلد دوم گزیده، در بحث استطراف تفسیر البرهان، راجع به بودن حضرت سلمان از این طایفه مطلبی گذشت (2)

قصه اصحاب کهف، شهرت عالمیه پیدا کرده است، به دلیل اینکه، در کهف های مختلف، در آسیا، و اروپا، و آفریقا، صورت هائی، از آنان ترسیم شده است، قرآن چون کتاب هدایت است، از جریان آنها آن اندازه که، مربوط به هدایت است، بیان کرده است 312 رهبانان، بعد از انتشارات قصه اصحاب کهف، در کهف های مختلف، عکس هائی تصویر کرده اند، تا در محل عبادتشان، متذکر به بندگی خالصانه آنها گردند. 316

بعضی ها گفته اند که، حضرت خضر ادب به خرج داد: عملی را که خالی از نقص نیست، به خود نسبت داد (فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا) و چیزی که هم به او مناسبت است، و هم به خدا، به دو تا نسبت داد (فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا) و چیزی که مناسب مقام ربوبی، من حیث ربوبی، است، به خدا نسبت داد (فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا) 376 مستفاد از روایات نبوی (صلی الله علیه و آله)، و اهل بیت (علیهم السلام)، این است که، حضرت خضر، پیغمبر مرسل بود، و با پنج واسطه به حضرت نوح می رسد، و معجزه اس هم این بود که، هر جای خالی از سبزی، می نشست، حتی روی چوب خشک، سبز می شد، و لذا خضر نامیده شد، و الا اسم مبارکش، تالیا است، و تا حال زنده است، و عمر طولانی داشتن کسی، بعید نیست، و دلیل عقلی بر استحاله نداریم 379 جزائر خالادات که مبدأ طول بلاد بود، فعلاً غرق در دریا شده است 388 علامه، ذوالقرنین را که قرآن گفته، با کوروش، قابل انطباق می داند 421.

ص: 144

1- . سوره کهف، آیه 11.

2- . جلد سوم تفسیر البرهان، ص 219؛ فرنودسار، ص 101.

نیست که مخالفت آن، عقاب اخروی داشته باشد، اضافه کن که بهشت جای تکلیف نبود، که نهی مولوی باشد، تکالیف همه بعد از آمدن به زمین پیدا شده 238.

سخن نگارنده

برای توضیح بیشتر، رجوع شود به استطرافی که، درباره کتاب الانتصار در بحث اثبات عصمت انبیاء(علیهم السلام) انجام دادیم. کریمه، وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى (1) (الغیّ خلاف الرشید، یعنی به مراد نایل نشد (همیشه در بهشت راحت بماند) نه اینکه نعوذ بالله به معنی گمراه شد، شود، 240 نگاه به استطراف کتاب الانتصار.

مساکن قوم عاد، در احقاف یمن، و مساکن قوم ثمود، و اصحاب ایکه، در شام، و مساکن قوم لوط(علیه السلام)، در فلسطین بودند، و اهل مکه به هر سه تا، رفت و آمد داشتند، می بایست عبرت بگیرند، که نگرفتند. 252

اقترب، و قرب، به یک معنی آمده، لکن اقترب، قرب بیشتر را می رساند، به جهت زیادی بنایش 265 آنچه به خدا، بالاصالة نسبت داده می شود، حق است) (الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ (2) (و عقاید باطله، به خدا به عنوان اذن، نسبت داده می شود، از خلق خدا زمین نمکی را، سراب باذن من الله می شود، در عالم وجود چیزی نیست، مگر اینکه، از باطل چیزی به آن قاطی است، مگر الله، 286 در قرآن، برای روح، و ملک، مرگ اثبات نکرده است 313

(خلق الانسان من عجل (3)، کنایه است از اینکه، گویا غیر عجله را، نمی شناسد. 316

فخر رازی و اشتباهش

اشتباه بزرگ فخر رازی، در تفسیر) کل نفس ذائقة الموت(، بر خدا روح اثبات کرده است، در حالتی که نفس سه اطلاق دارد، (روح، انسان، خود) و مراد، در آیه) (وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ (، معنی سوم، (خود) است، یعنی تو می دانی، من آنچه را کرده ام، ولی من نمی دانم، آنچه را تو عالم هستی 314 .

حضرت ابراهیم(علیه السلام)، با قول خود) تالله لا کیدن اصنامکم(، تصمیم گیری کرد، و الاّ به ملتی که با او مخالف هستند نمی فرماید که، این کار را خواهم کرد. 327

ص: 146

1- . سوره طه، آیه 121.

2- . سوره آل عمران، آیه 60.

3- . سوره انبیاء، آیه 37.

کریمه، (فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ) (1) جزء شرط محذوف (اسئلوهم) است، مراد این است که، از بت ها پرسید، چه کسی این بلا را به سر آنها آورده است، اگر حرف بزنند، خبر می کنند، این معنی راسته روان است، و در سایر معانی، اضممار، تعقید، تقدیم، و تأخیر، وجود دارد، و کلام خدا منزّه از همه آنهاست، حتی در (بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ)، روی این تحقیق ضمیر الیه، در آیه 58 بر کبیراً لهم، بر می گردد. 329

کریمه، (أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئاً وَلَا يَضُرُّكُمْ)، یعنی عبادت، یا برای طلب خیر معبود است، و یا برای دفع ضرر، بت های شما هیچکدام را ندارند. 331

اسم قریه حضرت لوط، سدوم بوده است 335 امام باقر (علیه السلام): در داخل آتش دندان های حضرت ابراهیم (علیه السلام) از کثرت سرما، به هم می خورد، و جبرئیل (علیه السلام) آمد، در آنجا، با آن حضرت نشست، و هم صحبت شد، نمرود از جای بلندی داشت نگاه می کرد، وقتی حضرت ابراهیم (علیه السلام) را سالم دید، گفت هر کس، خدائی می خواهد انتخاب کند، مثل خدای ابراهیم (علیه السلام) پیدا کند، یکی از بزرگان دربار نمرود، به دروغ گفت: من بر آتش چیزی خواندم که، او را نسوزاند، آتش آمد او را سوزانید 336.

تنها طنابی سوخت که دست و پای حضرت ابراهیم را با آن بسته بودند

امام صادق (علیه السلام): وقتی آتش خاموش شد، دیدند که از حضرت ابراهیم، فقط طنابی که، دست و پای حضرتش را، با آن بسته بودند، سوخته است، باز امام صادق (علیه السلام) می فرماید، وقتی که، حضرت ابراهیم (علیه السلام) در هوا، به طرف آتش در حرکت بود، جبرئیل آمد، و عرض کرد، «یا ابراهیم الک حاجه؟ فرمود، اما الیک فلا» یعنی یا ابراهیم امری، و فرمایشی، نسبت به من جبرئیل داری؟ فرمود به تونه، خدائی که می داند من در راه رضایت او به آتش می روم، قادر است که مرا کفایت کند 337

سخن نگارنده

گذشت در استطراف کتاب مرات الحرمین ص 181، رب العالمین چشمه آبی، در داخل آتش، برای حضرت ابراهیم، جاری کرد، و در جلد دوم گزیده تهاویل الربیع، (فرونودسار) در استطراف کتاب چهل حدیث (صلی الله علیه و آله) (205) گذشت، مؤلف محترمش فرمود: حضرت ابراهیم خلیل الرحمن، به امین

وحی الله، حضرت جبرئیل عرض حاجت نکرد، ما اگر احتمال بدهیم که، ابلیس در وقت گرفتاری، می تواند از ما دفع کرب

ص: 147

کند، به او متوسل می شویم. 345 مجمع البیان، از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نقل می کند که، هیچ کس مثل خدا، از حمد کردن، خوشش نمی آید 399 بیست اسم از اسماء خدا، در هشت آیه، به طرز بدیع آمده، در قرآن مثلش نیست (58 - 66 سوره حج) 437.

ص: 148

زبیر اسماء دختر ابوبکر را متعه کرد، و از آن عبدالله زبیر، و برادرش عروه، به دنیا آمدند 12

سخن نگارنده

در کتاب صاحب الغار ابوبکر ام رجل آخر، صفحه 256، به سه سند، از جمله از صحیح مسلم، نقل می کند که عبدالله بن زبیر، در زمان حکومتش، در مکه به تحریم متعه فتوی می داد، به ابن عباس خرده می گرفت که، او متعه را حلال می داند، ابن عباس که آن روز نابینا بود، به غلامش گفت، مرا در کنار منبر او جای بده، وقتی پسر زبیر، به ابن عباس در سخنرانی اش تعریض کرد، ابن عباس در مجلس او را مجاب کرد، و فرمود مادرت تو را از نکاح متعه زائیده است رفت از مادرش پرسید، او حاضر نشد جواب بدهد، پس از اصرار گفت بلی.

از عبارت امام رضا(علیه السلام) (فیخرج وقد نسی الميثاق) استفاده می شود که، طفل در شکم مادرش، از سرنوشت خویش اطلاع دارد، وقتی زائیده شد، فراموش می کند 23 لو و صلیّه بدون او عطف، نمی آید 77 امام صادق(علیه السلام) می فرماید و الله برای شما، از برزخ می ترسم، وقتی به ما رسیدید، ما بر شما خواهیم رسید، و درباره ارواح مؤمنین در عالم برزخ، می فرماید: در بدن های دیگر، مثل بدن دنیائی شان هستند 80

حتی برای سادات بدون عمل نسب شان نافع نخواهد شد

می فرماید عموم، (فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ (1) شامل ذریه پیغمبر(صلی الله علیه و آله) هم می شود، و روایت الاحسبی و نسبی، از طریق اهل سنت است، شاید معنی اش این باشد که، ذریه پیغمبر(صلی الله علیه و آله)، در دنیا موفّق می شوند، به آوردن اعمالی که، در آخرت دردشان بخورد، امام صادق(علیه السلام): خلق شده ایم برای باقی ماندن، لکن از خانه ای به خانه دیگر، منتقل می شویم 81

آیه (الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً... (الآخر، نسخ نشده است

کریمه، (الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً (2) نسخ نشده، و محکم است، لکن به کمک تفسیر اهل بیت(علیهم السلام)، این ادّعا ثابت می شود، از نظر ائمه(علیهم السلام)، مقصود از زانی و زانیه، زن و مردی

است که، زنا کرده اند، و حدّ زنا به آنها اقامه شده، و لکن توبه نکرده اند، می باشد، و از دأب قرآن دور است که، بر کسی که توبه کرده، زانی یا زانیه اطلاق کند، این دو قید را ممکن است از سیاق هم استفاده کنیم، به

ص: 149

1- . سوره مؤمنون، آیه 101.

2- . سوره نور، آیه 3.

این بیان، حکم نکاح را در آیه، پس از بیان حدّ جلد (تازیانه) بیان فرموده است، معنی این می شود کسی که تازیانه خورده، و توبه نکرده چنین زانی ای، حق ندارد با غیر زانیه، یا مشرکه، ازدواج کند و هکذا زانیه ای که، حد خورده، و توبه نکرده است، حق ندارد به غیر زانی، یا مشرک، ازدواج کند، این دستور فعلاً هم هست، مخصوص زمان نزول آیه نبوده است 86 کریمه، (بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ) (1) مقصود از متاع اثاث نیست، بلکه مراد استمتاع است، در جاهای عمومی، مثل آسیاب، و حمام، و کاروانسراها، اذن عام، بر دخول آنجاها صادر شده است 119 کریمه، (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ) (2) حرف من، برای ابتداء است، معنی این می شود که، مؤمنین دستوراتی را که در این آیه داده شده، از چشم شان شروع کنند، اول آن را، از جمیع چیزهایی که ممنوع هستند، ببندند 120 کریمه، (وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ) (3) مراد از صالحین، صالح بر ازدواج، نه صالحین در اعمال 122 کریمه، (اللَّهُ ذُو السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) (4) مراد از این نور، نور وجودی خداوندی است، که همه چیزها را شامل است 130 مشکاه جانی است از دیوار خانه مثل طاقچه، که بعضی از اثاثیه را در آنجا می گذارند، مثل چراغ 131 فی بیوت، متعلق است به مشکاه، قدر متیقن مساجد است، و غدو و اصل، کنایه از دوام است، نه اینکه تنها وقت صبح و عصر، منظور باشد 136 کریمه، (لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مِمَّا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ) (5) یعنی در هر عمل، جزای احسن، به آن عمل می دهد، و مناقشه در عمل آنها نمی کند، حسن را احسن حساب می کند، بیان خوبی دارد رضوان الله علیه 139 کریمه، (فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ) (6) ساکنین خانه را، نفس وارد حساب کرده، از باب المؤمنین بعضهم من بعض 179 کریمه (لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ) (7) اطلاق مشیت برای اشخاص متقون، موجب آن نمی شود که، آنان از خدا بعضی از معاصی، و قبیح، و لغور، بخواهند، یا نجات مخلصین در جهنم را بخواهند، یا مقامات انبیاء (علیهم السلام) را، برای

خودشان

ص: 150

- 1- . سوره نور، آیه 29.
- 2- . سوره نور، آیه 30.
- 3- . سوره نور، آیه 32.
- 4- . سوره نور، آیه 35.
- 5- . سوره نور، آیه 38.
- 6- . سوره نور، آیه 61.
- 7- . سوره فرقان، آیه 16.

بخواهند، زیرا که طبق کریمه (از جمعی اِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً (1))، آنان مرضیّ خدا هستند، و هر چیزی که خلاف رضای خدا هست، از خدایشان تقاضا نمی کنند 205

سخن نگارنده

انسان در دنیا جاهل است، و حقیقت اشیاء بر او کشف نشده، و لذا خیلی از قبایح را ممکن است، طبع دنیوی انسان، بخواهد، لکن در بهشت، حقیقت قبایح، در پیش آدم بهشتی، به علم حضوری، کشف شده است، مثل اینکه از رئیس بیمارستان مسئولین، بخواهند قدری، از فاضلاب بیمارستان را، بخورد، به هیچ وجه قبول نمی کند، این مثال تشبیه ناقص بر کامل است، کشف بهشتی کجا، کشف حاصل در پیش بیمارستان مسئولین کجا. کریمه، (وَ إِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَعِيفًا مُّقْرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا (2)) ترجمه: و چون آن کافران را در زنجیر بسته، به مکان تنگی از جهنم، برافکنند، در آن حال، همه فریاد و اوایلا، از دل برکشند، درباره این آیه از رسول خدا(ص) سؤال کردند، فرمود قسم بر خدائی که، جانم در قبضه قدرت اوست، کافران در آتش، در فشار تنگی، مثل در تنگنای قرار گرفتن میخ، در دیوار، قرار می گیرند 212 در انسان، با کلمه فلان و فلانه، و در حیوان، با کلمه الفلان و الفلانه، کنایه می آورند 221 به سندهای مختلف، روایات وارد شده است که، اعمال عده ای از مردم، با جلوه های خاصی، وارد محشر می شوند، بعد مثل گردی که، در جلو آفتاب از سوراخ دیواری وارد شده، متفرق می شوند، سؤال کردند از رسول خدا(ص) که، صاحبان این اعمال کیانند که، سرمایه شان این طور مضمحل می شود، فرمود نمازخوان ها، و روزه بگیرها، حت-ی شب بی-دارها بودند، لک-ن با آوردن ای-ن همه اعم-ال صالحه، وقتی با حرام روبرو می شدند، از آوردن آن، باکی نداشتند 223 در کتاب الدر المنثور، از رسول خدا(ص) روایت کرده، زیر سقف آسمان، هیچ معبودی به غیر خدای احد واحد، عبادت نمی شود، مثل هوای نفس، یعنی تبعیت از هوای نفس، از عبادت معبود باطلی هم، خطرناک تر است 257.

تفسیر بیدل الله سیئاتهم حسنات

ذاتی اگر کاملاً پاک باشد، گناه از آن صادر نمی شود، (مثل ذات معصومین(علیهم السلام)) پس اعمال ناپاک، یا از ذاتی صادر می شود که کاملاً خبیث است، و یا از ذاتی که قاطی شده از خوبی ها و بدی هاست، پس وقتی چنین ذاتی با توبه کردن از شرک، و آوردن عمل صالح، طاهر شد، آثارش هم

عوض می شود، پس بیدل الله

ص: 151

1- .سوره فجر، آیه 28.

2- .سوره فرقان، آیه 13.

سیناتهم حسنات محقق می شود 264 فرعون متکبر، از اطرافیان بر خلاف تکبرش نظرخواهی می کند، فاماذا تأمرون می گوید، این برای ترس زیادی بود که، از دیدن معجزه حضرت موسی (علیه السلام) بر دل او نشسته بود 298 در اینجا به بعضی ها نسبت می دهد، چیزی را که در جلد ششم قول خودشان بود، (صفحه 287): (در عین اینکه، مرض هم از ناحیه پروردگار است، از راه ادب به خودش نسبت می دهد)، (وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ (1) و می فرماید، حضرت شعیب، با قوم خود چون فامیل نبود، اخ تعبیر نیاورده، إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ (2) و چون حضرت هود، و صالح، با قوم خود فامیل بودند و حضرت لوط، داماد قوم خود بود، در آنها، اخ تعبیر می آورد 341

سخن نگارنده

در سوره هود آیه 84، متن آیه این است: (وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا) و هکذا در آیه 36 سوره عنکبوت، متن آیه (وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا) است، پس تعبیر کلمه اخ، در همه انبیاء حتی در حضرت شعیب است، یادم نمی رود در اوائل طلبگی ام، روزی، آیت الله شیخ نصرت الله شبستری، فرمود قرآن از انبیاء گذشته، با کلمه اخ تعبیر می آورد، و آنان را بر قوم های خودشان، به عنوان برادر ذکر می کند، و لکن در خصوص خاتم انبیاء (ص)، نفس امت تعبیر می آورد (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ (3)

معصوم بودن پیغمبر (ص) مانع از امر و نهی کردنش نیست، زیرا که پیغمبر هم، بشر مختار است، اطاعت و معصیت، درباره اش تصور دارد (وَ لَوْ أَشْرَكُوا (4) لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (5) 358 پس از آنچه، پیغمبر (ص) را نهی از شرک می کند، دستور می دهد که، فامیل های نزدیکش را، از مخالفت دستورات خدا، بترساند (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (6) (اشاره بر اینکه، دستگاه دین، تعارف و پارتی بازی ندارد 359

ص: 152

- 1- . سوره شعراء، آیه 80.
- 2- . سوره شعراء، آیه 177.
- 3- . سوره توبه، آیه 128.
- 4- . انبیاء (علیهم السلام).
- 5- . سوره انعام، آیه 88.
- 6- . سوره شعراء، آیه 214.

بهترین شاهد این مطلب، نزول یک سوره، از سوره های قرآن، در لعن و نفرین نزدیک ترین افراد بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، (عمویش ابولهب) است.

روایات، مؤمن بودن همه اجداد پیغمبر (ص) را، شیعه و سنی هر دو، نقل کرده اند 367 شاعرهای حق گو، داخل در (و الشعراء يتبعهم الغاوون)، نیستند 368 وارث بودن حضرت سلیمان (علیه السلام) از حضرت داود (علیه السلام)، در مال و ملک است، نه در نبوت، و علم زیرا که نبوت ارثی نیست، و هکذا علم لدنی، بلی علم فکری به عنایتی قابل ارث هست 383 تورات در حق حضرت سلیمان خیلی ظلم کرده است، او را برای تبعیت از بعضی زن هایش، در آخر عمر بت پرست کرده است، و مادر او را، زن اوریا قرار داده که، نعوذ باللله، حضرت داود با حيله، او را زن خویش کرده است، امثال وهب، و کعب، در روایاتشان مقام آن حضرت را، خیلی پائین آورده اند 403 مبعوث شدن در قیامت، اعاده معدوم نیست، بلکه رجوع، و برگشتن خلق است 421

این مطلب، با بحثی که در ص 224 جلد 13 گذشت، ارتباط کامل دارد.

کریمه، (و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُ جَٰمِدَةً) (قبل القیامه) (و هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ) (1) (بعد نفخ صور) 440 این معنی ظاهری آیه است، دو معنی دیگر برای آیه گفته شده، 1. اشاره باشد به حرکت جوهری، ای الاشیاء (مثل کوه ها) تتحرک بجوهرها الی غایه وجودها، و هی حشرها و رجوعها الی الله سبحانه، 2. اشاره به حرکت انتقالی زمین باشد، اگر آیه را با قطع نظر از سیاق ملاحظه کنیم، این دو معنی خوب است، لکن با ملاحظه اینکه آیه، در سیاق آیات قیامت است، این دو معنی خوب نیست.

مجاهدات حضرت ابوطالب، در ده سال اول اسلام، به تنهایی برابر است، با مجاهدات تمام مهاجر و انصار، در ده سال بعد از هجرت، رحمه الله عليه و على آله الطيبين 57 سیاق نشان می دهد که مقصود از (تقطعون السبيل)، ترک مباشرت زن هاست، نه راه زنی ها (أَإِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَ تَقْطَعُونَ السَّبِيلَ) (1) 128 کریمه (إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُئْتَرِ) (2) مقصود از ناهی بودن صلوه، اقتضاء ذات صلوه است، و علت تامه نیست، مصلی از غیر مصلی، در دوری از معصیت قوی تر است، بی نماز، اکثراً تارک صوم، حج و زکات و خمس هم هست، کسی که بر نماز اهمیت می دهد، در دوری از گناه از کسی که، کم اهمیت است قوی تر است، و در ذیل آیه، (وَ لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ)، معنی اش این است ذکر الله، در نهی از فحشاء بودن، از ناهی بودن نماز هم، برتر است 139 جوانی در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، نمازها را با پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می خواند، و خلاف ها را هم انجام می داد، پیغمبر (ص) فرمود روزی نمازش، او را توفیق دوری از گناه می بخشید، از امام باقر (علیه السلام) روایت است که، (وَ لَذِكْرِ اللَّهِ) (را تفسیر می کند، به اینکه یاد کرن خدا، اهل نماز را، بیشتر از یاد کردن اوست خدا را، مگر نمی شنوید که، در قرآن می فرماید: (اذْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ) (3)، یعنی مرا یاد کنید، من هم شما را یاد کنم 148 بیان لطیفی دارد که، مقصود از فطره الله، شهادت ثلاث است 195 تفسیر قمی، از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که، زندگی حیوانات دریائی بستگی به آمدن باران دارد، اگر باران، در سایه گناه مردم قطع شود، هم حیوان دریائی، و هم حیوانات خشکی می میرند، شاهد این مطلب: آیه (ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ) (4) 210 در تفسیر (وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ) (5)، می فرماید: لهو الحدیث سه جور تصور می شود، 1. حدیث خودش خرافی باشد، انسان را از آنچه مهم است باز دارد، 2. حدیث از جهت حدیث بودن خوب است، لکن آن را به صورت غنائی بیان کند، 3. حدیث به طرز صحیح گفته شود، لکن در بیرون حدیث، آلت موسیقی کارگر است، مثل اینکه حرف خوبی می زند، و در آن حال، بریطی یا سازی بزند همه این سه صورت، از مصادیق لهو

ص: 154

- 1- . سوره عنكبوت، آیه 29.
- 2- . سوره عنكبوت، آیه 45.
- 3- . سوره بقره، آیه 152.
- 4- . سوره روم، آیه 41.
- 5- . سوره لقمان، آیه 6.

مَا أَصَابَكَ (1) عن علي (عليه السلام) يعني صبر کن، بر اذیت و مشقتی که، در راه امر به معروف و نهی از منکر به تو برسد 232 حضرت لقمان اهل حبشه بود 233 اسماء حسنی، وسائط هستند بین خدا و مخلوقاتش، مثلاً روزی می دهد، بما هورزاق، جواد، غنی، رحیم، و مریض را شفا می دهد، بما آنه شاف، معاف، رؤف، رحیم، و ظالمین را هلاک می کند، بما آنه شدید البطش، ذو انتقام، عزیز 258 عمرو بن عبدود، در جنگ بدر زخم دار شد، در احد نتوانست شرکت کند، در جنگ خندق آمد، امیرالمؤمنین (علیه السلام) به حسابش رسید 313 وقتی عمرو بن عبدود کشته شد، همراهانش فرار کردند، نوفل بن عبدالعزی، داخل خندق افتاد، مسلمین با سنگ به او زدند، بالاخره با شمشیر زبیر، یا با شمشیر امیرالمؤمنین، کشته شد و درک رفت، 315

قرآن زن پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بودن را به تنهایی ملاک فضیلت قرار نداده است

قرآن زن پیغمبر (ص) بودن را، ملاک فضیلت قرار نداده، و آن را مقید به احسان، و تقوی کرده است، (لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ (2))، (إِنْ اتَّقَيْتُنَّ) (3) 324 حدود هفتاد روایت، چهل از طریق اهل سنت، و سی تا هم از طریق شیعه آمده، به اینکه مقصود از اهل بیت پیغمبر (صلی الله علیه و آله)؛ امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) است فقط، و دیگری نیست 329 کریمه،) وَ تُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ (4) (زینب بنت جحش، دختر عمه پیغمبر (ص) بود، او را زن زید، غلام خویش، قرار داده بود، پس از طلاق دادن زید، خداوند دستور داد که، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) او را بگیرد، تا معلوم کند که، زن پسر خوانده، حکم عروس را ندارد، و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می ترسید که، مردم بگویند، محمد (صلی الله علیه و آله) عروس خویش را گرفت، (چون زید را ابن محمد می گفتند، در حالی که اسم پدر او حارثه بود) علت ترس همین بود، نه اینکه بعضی ها خیال کرده اند گذشت (ص 296) که، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به زینب محبت داشته باشد، و آرزو کند که ای کاش زن او باشد، این حرف درست نیست، به دو دلیل، 1. حب مفراط بر زن بیوه معنی ندارد، 2. چرا تربیت الهیه، نتواند جلو جبلی بودن محبت را بگیرد 343 کریمه،) مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ (5) (پدر بودن پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بر زید را نفی

می کند، پس گرفتن زن او، پس از طلاق دادن، زن غیر فرزند را گرفتن است، و الا پیغمبر (صلی الله علیه و آله) پدر ابراهیم، و

ص: 155

- 1- .سوره لقمان، آیه 17.
- 2- .سوره احزاب، آیه 29.
- 3- .سوره احزاب، آیه 32.
- 4- .سوره احزاب، آیه 37.
- 5- .سوره احزاب، آیه 40.

قاسم، و طیب، و طاهر، و حسن، و حسین، (علیهم السلام) بود، لکن همه این آقازاده ها، در زمان پیغمبر (ص) به سن کودک بودند، و به سنّ مرد نبودند 345 در شمارش محارم زن های پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، عموها و دایی هایشان، را در آیه ذکر نکرد، با اینکه اینها محرم هستند، شاید وجهش این باشد که، زنان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از دایی ها و عموهایش هم حجاب بگیرند، نکند آنها خصوصیات زنان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را، بر فرزندانشان بگویند 359

سخن نگارنده

به طور حتم فلسفه ای دارد، اما اینکه علت آنچه علامه احتمال می دهد باشد، خیلی نمی چسبد و الله اعلم، و شاید از خصایص زن های پیغمبر (صلی الله علیه و آله) باشد، چطوری که، بر آنها جایز نیست، به غیر پیغمبر با کسی بعد از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) ازدواج کنند، ولو اینکه یکی از آنها، طبق روایت بحار الانوار، در جلد 22، ص 240 قانون شکنی کرد.

کریمه، (يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ (1)) می فرماید جلبات لباسی است که، زن با آن جمیع بدنش را می گیرد، و یا روسری است که، همه سر و صورت را می گیرد، قوله تعالی: (ذَلِكَ اَدْنَىٰ اَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ (2))، مشار الیه ذلک را جمیع بدن گرفته است و می فرماید پوشانیدن جمیع بدن، سبب می شود که، آنان به صلاح و ستر شناخته شوند که مورد مزاحمت اهل فسق قرار نگیرند، می فرماید این معنی که ما کردیم، از معنی دیگری که بعضی ها کرده اند، به واقع نزدیک تر است، 361 سیوطی، در کتاب درالمنثور، نوزده تا حدیث آورده، از صحاح اهل سنت که، آل رسول (صلی الله علیه و آله)، در صلوات با آن حضرت، شریک هستند.

معنی حجاب در زمان نزول آیه آن

باز از شش نفر، از صاحبان کتب شان که، همه از ام سلمه، رضوان الله علیها نقل کرده اند که، فرمود وقتی (يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ (نازل شد، زنان انصار از جهت پوشیدنشان، لباس های سیاه را، طوری با وقار راه می رفتن-د، گویا مرغ بر سرشان نشسته است 366 .

ص: 156

1- . سوره احزاب، آیه 59.

2- . سوره احزاب، آیه 59.

شیطان را ما دعوت نکنیم بر ما مسلط نمی شود

کریمه، ﴿وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ﴾ (1) می رساند که، ابلیس تسلط بر مردم ندارد، مگر اینکه آنان، با اعمال خلافشان، او را دعوت کنند
389

ص: 157

1- . سوره سبأ، آیه 21.

اینکه سر زبان هاست که، ملائکه به هر شکلی جز سگ و خوک، می افتند، در شرع و عقل ثابت نشده است، و اینکه در روایات، از اشکال ملائکه چیزی نقل شده، آن شکل نیست تمثل است، (در بیننده در ظرف مشاهده، ملائکه و پیغمبر و امام، به آن شکل است) و الا در واقع، و در بیرون از ظرف ادراک، صورۀ ملکی دارد، مثلاً حضرت جبرئیل، به صورت انسان تمثل یافته، و در واقع صورت ملکی دارد، و اگر تشکل می کرد، در ظرف ادراک، و خارج انسان می شد، (در دو از خارج و ذهن) 10 کریمه، (لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ) (1) اگر مقصود از قوم قریش باشد، معنی عدم انذار پدران، پدران نزدیکشان می شود، و الا حضرت اسماعیل، و هود، و صالح، و شعیب، (علیهم السلام) بر عرب مبعوث شده بودند 65 کریمه، (إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ * وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَعْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ) (2) پناه می بریم به خدا حکایت حال کفار را می کند: زنجیرها بین سینه، و چانه هایشان را، پر می کند، سرشان بالا گرفته، دیگر قدرت پائین انداختن آن را ندارند که، زیر پایشان را مشاهده کنند، ببینند به کجا قدم می گذارند، و حاجب ها برایشان، از چهار طرف گذاشته شده، راه هدایت، برایشان بسته شده است 66 کریمه، (قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ) (3) از ادله وجود عالم برزخ است، و معلوم می شود آن بنده خدا را، قوم خودش کشتند، (مَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُودٍ مِنَ السَّمَاءِ) (4) می رساند که، برای هلاک قوم او، لشکر آسمانی فرستادیم، و یک صبحه، در هلاکت آنها کافی شد 82.

انسانیت انسان چون به روح است پس خود انسان محشور می شود

چطوری که جلوتر بحث شد که انسانیت انسان به روح اوست، و بدن مرکب روح است، به ملاحظه روح، در سوره احقاف (بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى) (5) فرموده، (احیاء را به اعیان موتی نسبت داده)، و در سوره یس، به حساب اینکه، استبعاد مشرکین، در) مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ (6)، مربوط به خلق بدن جدید در قیامت بوده، لذا مثل تعبیر آورد، [أَوْ لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ

ص: 158

- 1- . سوره یس، آیه 6.
- 2- . سوره یس، آیات 8 - 9.
- 3- . سوره یس، آیه 26.
- 4- . سوره یس، آیه 28.
- 5- . سوره احقاف، آیه 33.
- 6- . سوره یس، آیه 78.

يَخْلُقُ مِثْلَهُمْ (1) [چون بدن آخرتی، مثل بدن دنیوی است، نه عین آن، مثل خشتی که، خراب کنی دوباره به قالب بگذاری، خشت دوم، مثل خشت اول است، نه اینکه خود آن باشد، 118 و الصافات، اولین سوره قرآنی است که، با قسم شروع می شود 127 حدیث آوردن مرگ به صورت قوچی، و بریدن سر آن وسط بهشت و جهنم، از مشهورات بین شیعه و سنی است 149 در قرآن سلامی به این عظمت) سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ (2) درباره غیر حضرت نوح(علیه السلام)، نیامده است 153 .

توریه بر انبیاء(علیهم السلام) جایز نیست

توریه بر انبیاء(علیه السلام)، جایز نیست، زیرا که باعث سلب اعتماد می شود، توجه راسته روان این آیه (فَتَنظَرُ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ * فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ) (3) این است که حضرت ابراهیم به ستاره ها نگاه کرد، مثل نظر کسی که، با نگاه کردن به آنها، وقت رسیدن فلان مرض (مثلاً تب نوبه) را، بداند، و در زمان حضرتش، ستاره پرست زیاد بوده است، به عقیده خودشان، از وضع ستاره ها، حوادث آینده را، تشخیص می دادند، و دلیل قوی نداریم که، آن حضرت هیچ مرضی در آن روز نداشت، با نگاه کردن به ستاره ها، وقت مرضش را تشخیص داد، و فرمود (اِنِّي سَقِيمٌ) (4)، خدا رحمتش کند توجی-ه خوبی کرده اس-ت 155 کریمه،) (5) تَأْتِي-د می کند حرفی را که، مشرکین در ایام عیدشان، غذا پیش بت هایشان می گذاشتند، با شدت غیظ که داشت، فرمود) (6) لَأَلَّا تَأْكُلُونَ (6) چرا نمی خورید، چون جواب نشنید، فرمود چرا حرف نمی زنی، باز جواب نشنید، با قدرت بر آنها حمله کرد 156 در قرآن هیچ پیغمبری، به حلم متّصف نشده، جز حضرت اسماعیل، و پدرش ابراهیم(علیه السلام)، کریمه،) (7) اِنِّي اَرَى فِي الْمَنَامِ (7)، می رساند که، حضرت ابراهیم خواب ذبح فرزندش را، مکرر دیده بود 158 تعبیر به ذبح عظیم، مراد از عظمت فدا، مستند بودن آن به الله است، که به وسیله جبرئیل قوچی را فرستاد، چون) و بشرناه باسحق(8)، (بعد از) (فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ) (9)

ص: 159

- 1- . سوره یس، آیه 81.
- 2- . سوره صافات، آیه 79.
- 3- . سوره صافات، آیات 88 - 89.
- 4- . سوره صافات، آیه 89.
- 5- . سوره صافات، آیه 91.
- 6- . سوره صافات، آیه 91.
- 7- . سوره صافات، آیه 102.
- 8- . سوره صافات، آیه 112.
- 9- . سوره صافات، آیه 101.

آمده، و علاوه) فلماً بلغ معه السعی(1)، صریح است که ذبیح اسحاق نیست 160 پس روایات مصرحه به اینکه، ذبیح اسحق است، به جهت مخالفت با ظاهر کتاب الله، مطروح است، امام صادق(علیه السلام) می فرماید، بین بشارت به اسماعیل، و بشارت به اسحق، پنج سال فاصله شد و باز می فرماید، چون مژده به تولد اسحق، پس از نقل قصه اسماعیل است، معلوم می کند که ذبیح اسماعیل(علیه السلام) بوده است 162 یک ماهی جلو کشتی را که، حضرت یونس(علیه السلام) داخل آن بوده، گرفت بنا شد به قید قرعه، یک نفر را جلو ماهی بیندازند، تا کشتی از خطر غرق شدن، نجات یابد، قرعه به نام حضرت خورد 170 قال النبی(صلی الله علیه و آله) و هو سیّد المخلصین: لا احصى ثناءً علیک انت کما اثبت علی نفسک 183 در مسئله حکم حضرت داود، بین آن دو نفری که، یکی نود و نه میش، و دیگری یک میش داشت، طرفین دو ملک بودند، به صورت انسان متمثل شدند، و در ظاهر حکم، شبه خطائی پیدا شد، لکن این خطا چون در ظرف تمثل بود، نه در شهود، آن شبیه خطا در حال خواب، مسئولیت آور نیست، مثل خوردن حضرت آدم از میوه ممنوع، چون در بهشت بود، و تکلیف بعد آمدن به زمین، شروع شده است، مسئولیت آور نیست، و استغفار آن دو بزرگوار، برای گناه نبوده است، بلکه استغفار خودش عبادتی است، هر چند گناه هم صادر نشده باشد، و دلیل این که آن دو پیغمبر گناه نداشتند، تصریح قرآن است بر اینکه، هر دو خلیفه الله بودند 204

سخن نگارنده

در جلد دوم گزیده عرض شد که، قرآن به حضرت آدم، و حضرت داود، و حضرت هارون، مقام خلافت عطاء کرده است، و خلیفه چهارم امیرالمؤمنین(علیه السلام) می شود، پس امیرالمؤمنین از نظر ترتیب قرآنی چهارم، و در امت محمدی(ص)، خلیفه به حق، و خلافت دیگران ناحق و باطل است،

در درخواست حضرت سلیمان بخل نیست

کریمه،) وَ هَبْ لِي مَلَكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي(2) (سؤال از ملک خاص کردن است، نه اینکه مثل آن را به کس دیگری ندهد، پس بخلی تو کار نیست 216 روایات وارده در تفسیر،) ثم انکم یوم القیمه عند

ربکم تحتمصون(3)،) ردّ می کند قول کسانی را که، می گویند چون صحابه مجتهد هستند، در صورت اصابت و خطا مأجورند 279

ص: 160

1- .سوره صافات، آیه 102.

2- .سوره ص، آیه 35.

3- .سوره زمر، آیه 31.

کریمه، رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْنَا اثْنَتَيْنِ (1) مقصود از دو مرگ، یکی مرگ دنیای، دومی مرگ برزخی است، و مقصود از دو حیات، یکی حیات برزخی، و یکی دیگر حیات قیامتی است، و دلیل اینکه حیات دنیائی را، به این دو حیات اضافه نکرد، این است که، دو حیات و دو ممات که، بر کافر وسیله یقین بر معاد شد، این دو تا است 331 کریمه، يَا هَامَانُ ابْنِ لِي صَرَحاً (2)، صرح بنای ظاهری را گویند که، از دور پیدا شود، گفت-ه شده که مقص-ود فرع-ون، رص-د خانه ب-وده است، حرف خوب-ی است 350 گاهی آل فلان می گویند، خود آن شخص را اراده می کنند، یعنی در برزخ، از دور آتش را به فرعون نشان بدهند، و در روز قیامت، بتوی آتش داخلش می کنند، امکان دارد مقصود از غدو و عشی، دوام نباشد و خود صبح و عصر ملحوظ شود، چون اهل برزخ از دنیا کاملاً منقطع نیستند امکان تصور صبح و شامی برایشان باشد 354 به امام صادق (علیه السلام) عرض شد، از خدا حاجت می خواهیم مستجاب نمی شود چرا؟ فرمود می خوانید خدائی را که، او را نمی شناسید 363 کریمه، وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ (3) دلیل بر نهایت عجز از آوردن مثل قرآن است، چاره فقط این را دیدند که، در وقت قرائت پیغمبر، داخل آیات قرآن، کلمات لغو را قاطی کنند، تا پیغمبر گیج شود (4) و نتواند آیات را درست بخواند، در نتیجه قرآن در گوش شنوندگان، اثر نگذارد 413.

ص: 161

-
- 1- . سوره مؤمن، آیه 11.
 - 2- . سوره مؤمن، آیه 36.
 - 3- . سوره فصلت، آیه 26.
 - 4- . لکن کور خوانده بودند، پیغمبر (ص) گیج نمی شود، خودشان بودند که، هم گیج بودند، و هم کور.

29 سوره، از سور قرآن، با حروف مقطعه شروع شده است. 5 کریمه (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (1) در بیان این است که، رسالت من مخصوص یک عده نیست که، از آنها اجرت بگیرم، و در آیه دیگر فرمود، (إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (2) در بیان این که، اهل بیت من که، مرجعیت علمی دارند، اگر مردم به آنها رجوع کردند، به رسالت رجوع کرده اند، بالاخره پیغمبر (ص) از مردم برای ادای رسالت اجرت نگرفت، موافق شد با آیات دیگر از آن جمله آیه 104 سوره حضرت یوسف (وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ. (43) و 47

در آسمان هم مثل زمین جنبندگانی است

کریمه، (وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ (3) ظاهر است در اینکه در آسمان ها هم، مثل زمین جنبندگانی است، بعضی ها که دابه آسمانی را، ملائکه تصور کرده اند، درست نیست، زیرا که اطلاق لفظ دابه، بر ملائکه معهود نیست 59 صفات ذاتیه رب العالمین، اگر معنی سلبی داشته باشد، مثلاً علم خدا به معنی انتفاء جهل، و قدرت او را به معنی انتفاء عجز، و حیات را به معنی انتفاء موت، بگیریم لازم می آید که، ذات اقدس خالی از صفات کمال باشد، تحقیق این است که قدرت الله، به معنی (يفعل ما يشاء،) و لازمه این معنی ایجابی، انتفاء مطلق عجز از اوست، جلّت عظمت. 60

کریمه، (يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاءً وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ (4) گفته اند: معرّف آوردن کلمه الذکور، برای میل زیاد داشتن مردم، مخصوصاً عرب، بر تولّد بچه پسر بوده است 71 معنی کلمه لا-اله الا الله، نفی کردن خدایان دیگر است، نه اینکه نفی خدایان دیگر، و اثبات الله، باشد، در پاورقی دلیل این حرف را، مرفوع بودن کلمه الله، برای بدلیت دانسته، و فرمود کلمه الله منصوب نیست برای استثناء. 101

ص: 162

- 1- . سوره انعام، آیه 90.
- 2- . سوره فرقان، آیه 57.
- 3- . سوره شوری، آیه 29.
- 4- . سوره شوری، آیه 49.

کریمه، (يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ (1)) (سیاق شاهد است که، کفار در جهنم، از با دوستان گمراه کنندگانشان با هم بودن، بیش از آتش جهنم، معذب می شوند، و آرزوی دوری می کنند 108 کفار به جهت) عن ربهم يومئذ لمحجوبون (بودنشان، و به جهت اخسوا اليوم و لا تكلمون شنیدنشان، در خود حق سؤال کردن نمی بینند، لذا از مالک جهنم می خواهند که، از خدا بخواهد، برایشان مرگ فانی کنند، بدهد تا از بدبختی نجات یابند 130

بهشت و جهنم شعور دارند

در روایات صحیحه آمده است که، بهشت و جهنم شعور دارند، و آیه، (يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ (2))، و غیر آن از آیات دیگر، شاهد این حرف است 223 کریمه، (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ (3)) (در مجمع البیان می فرماید، این آیه شاهد ردّ قول کسانی است که، می گویند: تفسیر بدون روایت از معصوم درست نیست. 261

کریمه، (إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا (4)) (قرائن نشان می دهد که، مقصود از این فتح صلح حدیبیه است، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در سال ششم هجرت، با هزار و چهارصد نفر، به قصد حج خارج شد، در حالی که تمام ناراحتی ها بر مسلمین، و تمام راحتی ها برای کفار فراهم بود، چطور می که آیات بعدی نشان می دهد، به هیچ وجه امید برگشت بر مسلمین نبود، لکن رب العالمین، اسباب را طوری فراهم کرد که، این سفر بر له مسلمین تمام شد، یعنی مشرکین نگذاشتند که، مسلمانان وارد مکه شوند، و مصالحه کردند که سال آینده، بیایند سه روز مسجد الحرام، در اختیار آنان باشد، این صلح بهترین وسیله، برای فتح مکه در سال هشتم شد، زیرا که بین سال ششم که صلح شد، و بین سال هشتم که مکه فتح شد، جمعیت زیادی ایمان آوردند، و در اوائل سال هفتم، خیبر فتح شد، و وسعت خاکی برای مسلمین حاصل شد، خلاصه این صلح مقدمه شد که، در سال هشتم، پیغمبر با ده یا دوازده هزار نفر، فتح مکه کرد، بالاخره صلح حدیبیه فتح الفتوح شد 274.

ص: 163

- 1- .سوره زخرف، آیه 38.
- 2- .سوره ق، آیه 30.
- 3- .سوره محمد، آیه 24.
- 4- .سوره فتح، آیه 1.

کریمه) لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ (1) (لام لیغفر، لام تعلیل است، یعنی این فتح، علت غفران ذنوب گذشته، و آینده ات باشد، و معلوم است بین فتح، و غفران ذنوب، ربطی نیست، پس این تعلیل برای چیست؟ در حل اشکال بی ربطی بین این دو چیز، باید گفت: ذنب در لغت با ملاحظه موارد استعمالی آن، بر هر کاری و عملی که، گرفتاری بدی داشته باشد، و درد سر درست کن باشد، می گویند، و مغفرت هم به معنی ستر، و پوشانیدن است، (آنچه در ذهن متشرعه است که، ذنب گناه کردن است، معنی انحصاری ذنب نیست، و معانی دیگری هم، این واژه دارد) پیغمبر (صلی الله علیه و آله) با دعوت خود به وحدانیت خدا، قبل از هجرت، و با جنگ های خود در بعد هجرت، داغ هائی در دل کفار گذاشت، آنان تا پیغمبر را از بیخ از بین نبرند، آن کینه ها علاج پذیر نمی شد، رب العالمین به کوری چشم آنان، پیغمبرش را نصرت داد، و پوشانید برای پیغمبرش گناهانی را که، کفار در محکمه خود، برای آن حضرت به خیال خودشان ثابت کرده بودند، به عبارت دیگر، هر دردسری را که، مشرکین در مقابل فعالیت های، قبل از هجرت و بعد آن، برای پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می خواستند فراهم کنند، خداوند با صلح حدیبیه، نقش بر آب کرد، از جمله جاهائی که ذنب در قرآن، به معنی کار دردسردار، استعمال شده است، یکی هم در آیه، (وَ لَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ) (2) است، چون کشتن کافر حربی، برای حضرت موسی گناه نبود، لکن جای داشت که، دردسر برای حضرتش فراهم کنند (3) 276 اثبات گناه (به معنی نافرمانی خدا، برای پیغمبر، با اینکه خلاف کتاب، و سنت، و عقل است، مشکل بی ربطی بین فتح و غفران را هم دارد، مشکل دیگر، گناهی را که انسان نکرده است، چطور عفو می شود، تازه بعضی از گناهان است که، قابل بخشش نیست، مثل شرک، و مثل افتراء به خدا بستن، 277 رسول خدا، وقتی امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به جنگ خیبر فرستاد، فرمود اول موعظه شان بفرما، قسم به خدا، اگر خداوندی کسی را به وسیله تو هدایت کند، برای تو بهتر است از چهارپایان سرخ مو، 322 وقتی دختر برادر مرحب خیبری، گوسفند مسموم را خدمت پیغمبر (ص) آورد، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود دست از این گوشت بردارید که، کتف آن به من خبر می کند که مسموم است. 324

ص: 164

1- . سوره فتح، آیه 2.

2- . سوره شعراء، آیه 14.

3- . بیان علامه مفسر متخذ از فرمایش امام رضا (علیه السلام) در مجلس مأمون است.

عمل کردن بر طبق خبر موثق از اصول عقلائی است

کریمه،) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا(1) عمل به خبر از اصول اجتماعی عقلاء است، و امر بر تبیین و جستجو در خبر فاسق، به معنی نهی از عمل کردن، به خبر فاسق است که، کشف از عدم حجیت آن می کند پس اصل عمل به خبر، و عدم عمل به خبر کسی که، وثوق نداری، هر دو شق، از بنای عقلاء است، پس نهی شارع از عمل کردن به خبر فاسق، امضاء بناء عقلاء است، و تأسیس ندارد، امر بر تبیین در خبر فاسق برای رفع جهالت است، در شنیدنی های، چطوری که رفع جهالت در دیدنی ها، با دیدن آن شیء است، پس وثوق نوعی کافی خواهد بود، و احتیاج به وثوق شخصی نیست. 339

کریمه،) وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا(2) در توجیه آوردن ضمیر جمع، در اقْتَتَلُوا، و ضمیر تشبیه در بَيْنَهُمَا، گفته شده که، در وقت قتال جمع اند، و در وقت صلح، متفرق می باشند 342 قصه دروغ و لید بن عقبه فاسق، طبق نقل سیوطی در کتاب الدر المنثور: حارث بن ضرار خزاعی گوید، خدمت رسول الله مشرف شدم، مرا دعوت به اسلام کرد، قبول کردم، سپس دعوت به دادن زکات نمود پذیرفتم، پس عرض کردم یا رسول الله اجازه بدهید، پیش قوم خود بروم، و آنان را به اسلام و به دادن زکات بخوانم، و قرار شد در وقت معین، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) کسی را پیش ما بفرستد، هر چه از زکات من جمع کرده ام، به فرستاده رسول خدا(صلی الله علیه و آله) تحویل بدهم، وقت مقرر رسید، و لکن از آمدن نماینده پیغمبر(صلی الله علیه و آله)، خبری نشد، حارث گمان کرد رسول خدا(ص)، و رب العالمین، بر آنان غضب کرده اند، فامیل را حارث جمع کرد، و از نیامدن رسول پیغمبر(ص)، اظهار ناراحتی، و احتمال غضب خدا و رسول کرد، بزرگان قوم جمع شدند که، به خدمت رسول خدا(صلی الله علیه و آله) مشرف شوند، تا رفع نگرانی شود، نگور رسول خدا(صلی الله علیه و آله) و لید بن عقبه را، در وقت مقرر فرستاده، آن ملعون از وسط راه برگشته، و خدمت پیغمبر(صلی الله علیه و آله) عرض کرده است که، من رفتم پیش آنها، حارث علاوه بر اینکه زکات نداد، خواست مرا هم بکشد، پیغمبر(صلی الله علیه و آله) جمعی را پیش حارث فرستاد، خوشبختانه، در راه حارث با قوم خود، با فرستادگان رسول الله، رویرو شدند، از علت مسافرتشان سؤال کرد، گفتند پیغمبر(صلی الله علیه و آله) و لید را پیش تو فرستاده که، اخذ زکات کند، شما ممانعت کرده اید، و قصد قتل و لید نموده اید، حارث گفت قسم به آن

خدائی که، پیغمبر به حق فرستاده، من و لید را ندیده ام، و او پیش ما نیامده است، بالاخره، حارث با طایفه اش، خدمت پیغمبر(صلی الله علیه و آله) رسیدند، و دروغ و لید بن عقبه ثابت شد، پس

ص: 165

1- . سوره حجرات، آیه 6.

2- . سوره حجرات، آیه 9.

آیه کریمه،) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بَنِيًّا(1) نازل شد 346 کریمه،) يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ(2) سؤال و جواب، هر دو حقیقی است مجاز نیست، خداوند در قرآن، از سخن گفتن دست‌ها، و پاها، و پوست‌های انسان، خبر کرده است، و در سوره فصلت بحث کردیم که، علم، و شعور، در جمیع موجودات، ساری است 383 در کریمه،) أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ(3) سیاق دلالت دارد که مخاطب، در ضمیر تشبیه، سائق و شهید است 381

سخن نگارنده

و در صفحه 388، از مجمع البیان، و از امالی شیخ طوسی، از ابوسعید خدری، از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت کرده است که، در روز قیامت خداوند به من، و به علی(علیه السلام) امر می‌کند، بیندازید در جهنم، هر کسی را که با شما دشمنی می‌کرد، و داخل بهشت کنید، هر کسی را که با شما دوستی می‌کرد، و طبق این روایت مراد از ضمیر تشبیه، رسول خدا(ص) و امیر مؤمنان(علیه السلام) می‌باشد.

کریمه،) فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ(4) مقصود از کلمه حق، هوالثابت المحتوم فی القضاء الالهی 407 کریمه،) وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ(5) غرض عابد شدن جنّ و انس است، نه معبود شدن خدا، و الا لأعبد می‌فرمود، غرض کامل شدن عابد است، و خداوند، نقص ندارد که، کامل شود 418 حقیقت عبادت، قرار دادن عبد است، خویشتر را، در مقام ذلّت، در پیشگاه خداوندی، و همین معنی مراد کسی است که، یعبدون را، یعرفونی تفسیر کرده است، چون شناختن ربّ، از عبادت او حاصل می‌شود 420 علت اینکه در آیه جنّ را بر انس مقدم کرده است شاید اول خلق شدن اجنّه است) وَ الْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ(6) 421.

ص: 166

- 1- . سوره حجرات، آیه 6.
- 2- . سوره ق، آیه 30.
- 3- . سوره ق، آیه 24.
- 4- . سوره ذاریات، آیه 23.
- 5- . سوره ذاریات، آیه 56.
- 6- . سوره حجر، آیه 27.

چرا حرف باء در این آیه داخل شده با اینکه زَوْج متعدی بنفسه است

کریمه، (وَزَوْجَانَهُمْ بِحُورٍ عِينٍ(1)) در وجه داخل کردن حرف باء به کلمه حور، گفته اند زَوْج در نکاح عقدی، چون متعدی بنفسه است، باء را نمی خواهد، پس معنی این می شود که، اهل بهشت را، با حور عین ردیف کردیم، در آیه 37 سوره احزاب چون زَوْج به معنی عقد نکاح است، متعدی بنفسه شده است، (وَزَوْجَانَكُمَا(2))

کریمه، (يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيمٌ(3))، یعنی اهل بهشت بر سر کاسه خمر بهشتی برای خوردن از آن جمع می شوند لکن خمر بهشتی در کنارش حرف های بیهوده و به گناه کشیدن رفیق را ندارد 12 کریمه، (وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ(4)) و آیه بعدش، یعنی اهل بهشت، از همدیگر، از علت بهشتی شدن شان، سؤال می کنند، جواب می دهند که، ما بر فامیل مهربان بودیم، و آنان را، به راه راست هدایت می کردیم 12

سخن نگارنده

خوشا به حال کسانی که، خویشان خود را، با نصیحت کردن، به سعادت برسانند، که جزای عملشان، بهشت باشد. و خوشا به حال خویشانی که حرف را بپذیرند.

مضمون روایت کافی:

فرزندانی که، از نظر عمل کم بود دارند، و مستحق بهشت نیستند، خدای مهربان، برای روشنی چشم پدرها، آنان را هم با کرشم، وارد بهشت می کند. 14

حتی شفاعت شافعی نتیجه سعی انسان است در وقتی که زنده بود

کریمه، (وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى(5)) می فرماید، هر چه به انسان از خیر و شرّ برسد، نتیجه عملش است، حتی اگر شافعی شفاعت کنند، یا بر مؤمن بعد از مرگش خیراتی بفرستند، یا برای او طلب آمرزش

ص: 167

1- . سوره طور، آیه 20.

2- . سوره احزاب، آیه 37.

3- . سوره طور، آیه 23.

4- . سوره طور، آیه 25.

5- . سوره نجم، آیه 39.

کنند، یا نتیجه سنت حسنه را، بعد از مردنش ببرد، همه اینها، نتیجه سعی خودش است، که در دنیا خودش را، از اهل ایمان قرار داد، و سیاهی آنها را زیاد کرد 50

* هدیه ثواب عملی را بر مؤمن، با اینکه ثواب عمل هدیه کننده را کم نمی کند، ثواب صله بر مؤمن را هم خواهد داشت

سه حدیث، در هدیه کردن ثواب عمل بر دیگری، سهل است که، از ثواب خود انسان کم نمی کند، ثواب صله بر مؤمن، یا صله رحم هم، به او می دهند، و اهداء ثواب عمل به میت، نافع می شود، حتی اگر میت ناصبی هم باشد، تخفیف گناه می کند، امثال این احادیث، دائره (وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى) را، توسعه می دهد 57 کریمه، (يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُتْتَشِرٌ) (1)

کفار از قبرهایشان بیرون می آیند، در حالی که به همدیگر فشار می آورند.

خارج شدن کفار، از قبورشان را که، با حیرت تمام بیرون می آیند، به خروج ملخ ها تشبیه می کند، برای این است که، این حیوان در وقت بیرون آمدن، مقصد معینی را، در نظر نمی گیرد، و به همدیگر فشار می آورد 64.

انتظار اهل مکه تا آمدن مسافرین (بعد از شق القمر)

به روایت سیوطی وقتی رب العالمین، با درخواست پیغمبرش (صلی الله علیه و آله) شق القمر کرد، و ماه دو نصف شد، کفار مکه گفتند، محمد (صلی الله علیه و آله) قادر نیست که، همه را سحر کند، صبر کنید، مسافرین برسند، از آنها پرسیم، اگر آنها هم دیده باشند، دیگر سکوت کنیم، وقتی مسافرین آمدند، و گفتند، ما هم انشقاق را مشاهده کردیم، آیه (اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ) (2) نازل شد. 65

کریمه، (وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ) (3) بعضی از مفسرین گفته اند که، خداوند کشتی حضرت نوح (علیه السلام) را، در کوه جودی نگاه داشته بود، و اوائل این امت آن را دیده اند، در پاورقی از سیوطی از چهار نفر، از قتاده، نقل کرده است، و اشاره به پیدا شدن قطعات آن، از بعضی از قلّه های کوه آرات. 77

کریمه، (الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ) (4)، چون قرآن اعظم - نعم است که، انس - ان را به ص - راط مستقیم، هدایت می کند، بر سایر نعم مقدم کرد 106 کریمه، (وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ) (5) می گویند که سجده نبات بی

ص: 168

1- . سوره قمر، آیه 7.

2- . سوره قمر، آیه 1.

3- . سوره قمر، آیه 15.

4- . سوره الرحمن، آیات 1 - 2.

5- . سوره الرحمن، آیه 6.

ساق، و با ساق، انقیاد این دو، در امر نمو است، لکن سجده دقیق این دو، این است که، با ریشه خود، در زمین می زنند، و ما یحتاج خود را، از عناصر زمین می گیرند، و با این کار، حاجت خود را به قاضی الحاجات، اظهار می کنند 108 کریمه،) كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (1) که در مقام شمردن نعمت هاست، اگر اشکال شود، فانی شدن که، نعمت نیست، در جزء نعمت ها حساب شود، جواب این است که، این فنا، فنای مطلق نیست، حیات دنیا، مقدمه حیات آخرت است، خود انتقال از مقدمه، بر غرض نعمت است 113.

اسم پدر بزرگ جن شومان است

اسم پدر جن را امیرالمؤمنین (علیه السلام)، شومان بیان می کند، و اوست که، من مارچ من نار خلق شده است 116 آیه) يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (2)، خطاب تعجیزی در آن، طبق سیاق، مربوط به قیامت است، و در بیان نفوذ علمی دنیوی نیست، که بعضی خیال کرده اند، و مقدم کردن جن، برای قدرت بیشتر اوست 120 قیامت موافق زیادی دارد، در بعضی از توفیگاه ها، سؤال می کنند، در بعضی دیگر، دهان ها را مهر می زنند، و در برخی، اعضاء و جوارح انسان را، به حرف زدن دعوت می کنند، در موقف دیگر، گناه کاران، از صورت هایشان، شناخت-ه می شوند 121 مجمع البیان روایت می کند که، در روز قیامت، در یک طرف زبانه ای از آتش، و در طرف های دیگر، ملائکه قرار می گیرند، بعد خطاب می شود که، ای جن و انس اگر می توانید، از مؤاخذه شدن فرار کنید، انجام بدهید، نعوذ بالله 126 کلمه کاذبه، مثل عافیت، و عاقبت، مصدر

است 131 کریمه،) يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ (3) یعنی خادم های اهل بهشت پیری برایشان نیست و همیشه نوجوان هستند 138، کریمه،) إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ (4).

ص: 169

- 1- . سوره الرحمن، آیه 26.
- 2- . سوره الرحمن، آیه 33.
- 3- . سوره واقعه، آیه 17.
- 4- . سوره واقعه، آیه 45.

اشکال نشود که، همه اصحاب شمال وسعت مالی نداشتند، جواب این است که، طغیان مخصوص نعمت مال نیست، نعمت های دیگر هم، طغیان دارند 141 الدر المنثور، و تفسیر قمی، عرباً را، در (عُرْبًا أْتْرَابًا) (1) به معنی لایتنکلمون الا بالعربیّه گرفته اند، یعنی حوری ها، به زبان عربی سخن می گویند 146 کریمه (لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ) (2) مسّ یعنی علم، مطهرون اعمّ است، شامل می شود، به پاکان از قذرات ذنوب، (ملائکه) و به پاک قلب ها از تعلق به غیر الله، (کرمای بشر) (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرَ) (3) پس وجهی برای اختصاص مطهرون، بر ملائکه نیست، که اکثر مفسرون گفته اند، چون تقید بدون مقید است 156 بر خلاف آنچه از علامه مفسر گذشت که، کلمه شهداء، در قرآن به معنی مقتول فی سبیل الله نیامده است (4)،

در اینجا از تفسیر عیاشی، و غیر آن نقل می کند که، در روایت امام صادق (علیه السلام)، به معنی مقتول فی سبیل الله تفسیر کرده است 194 کریمه، (وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ) (5) بعید نیست که، مقصود از میزان، دین باشد، نه ترازو، به وسیله دین است که، عقاید انسان، و اعمالش، سنجیده می شود، و سیاق هم با دین بیشتر ملایمت دارد، و مراد از انزال الحديد، خلق آن است، کما در حدیث کتاب احتجاج، حدید است که جهاد انسانی را راه انداخته، و شعوب امور حیاتی را تولید می کند 197 از تفسیر جوامع الجامع، روایت شده جبرئیل میزان را، نازل کرد، و به حضرت نوح تحویل داد، و گفت امر کن قومت را، با آن میزان کنند 201

سخن نگارنده

بوی گمشده می آید

این حدیث بوی این را می دهد که، اسم کتاب حضرت نوح المیزان بوده است، اگر ترازو منظور بود، چرا روز اول برای حضرت آدم نیامد که، بشریت از روز اول با آن کار کند، و حضرت شعیب (علیه السلام) که در زمان او بخس مکیال و میزان رایج بود، مناسبت بیشتر داشت که، ترازو برایشان بیاید.

ص: 170

1- . سوره واقعه، آیه 37.

2- . سوره واقعه، آیه 79.

3- . سوره احزاب، آیه 33.

4- . المیزان، ج 4، ص 28.

5- . سوره واقعه، آیه 79.

کریمه، (يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ (1)) در آیه از تعظیم امر علماء، و رفع قدرشان، غفلت نشود، معنی آیه این می شود، خداوند کسانی را که ایمان آورده اند، یک درجه آنان را بلند می کند، و کسانی را که از آنان، اهل علم باشند، درجات بلند می کند 217 در آیه 7، سوره حشر، خداوند از فیئ، یک سهم برای خودش اختصاص داد، و در آیه 8، با آوردن جمله (للفقراء المهاجرین)، مصرف سهم خدا را معلوم کرد 235.

نسیان نفس از نسیان الله است

کریمه، (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ (2)) سبب نسیان انسان، نفس خود، نسیان الله است، زیرا که با نسیان الله، انسان خودش را مستقل می داند، و خیال می کند که، حیات، و قدرت، و علم، از خودش است، عوض اعتماد به خدا، اعتماد به نفس می کند، و متوجه نمی شود که، انسان همه اش جهل، و ذلت، و فقر است، و هر چه کمال دارد، از خدایش است 253 تفسیر قمی، از امام صادق روایت می کند که، فرمود، هر کس حبّ و بغضش، برای دین نباشد، متدین نیست 275 عمر خطاب، دو زنش در مکه ماندند، و با او به مدینه نیامدند، یکی را معاویه گرفت، و دیگری را که مادر عبدالله عم-ر بود، یکی از فامیل هایشان گرفت 281 نگارنده گوید، ای کاش خودش هم، به مدینه نیامده بود.

از آن شش نفر زنی که، بعد از اسلام آوردن، به کفر برگشتند، دو نفرشان زن عمر بود، یکی از آن دو، فاطمه خواهر ام سلمه، و دیگری اسمش ام کلثوم بود 282 از جمله اشعار حضرت ابی طالب:

الم تعلموا انا وجدنا محمداً (صلی الله علیه و آله) نبياً کموسی خطّ فی اول الكتب،

این شعر می رساند، بشاراتی را که، در کتب آسمانی، برای حضرت محمّد (صلی الله علیه و آله) آمده بود، پیش اهل کتاب خیلی روشن بود، قال تعالی (فلما جائهم بالبينات قالوا هذا سحر مبين (3)). 292

آفرین بر رادمردان ایرانی

کریمه، (وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ (4)) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سؤال کردند، این ها کیان اند؟ دست مبارک بر کتف سلمان بگذارد، و بفرماید، علم اگر در ستاره ثریا باشد، مردانی از ایرانی ها به آن می رسند، راوی حدیث، مجمع البیان، و الدر المنثور، و بخاری، و ترمذی، و نسائی است. 310

ص: 171

1- . سوره مجادله، آیه 11.

2- . سوره حشر، آیه 19.

3- . سوره صف، آیه 6.

4- . سوره جمعه، آیه 3.

در یکی از دو گزیده، به احتمال قوی در اولی، آوردم که، مفسرین چهار آیه از قرآن را، بر ایرانی ها تفسیر کرده اند. هر که می خواهد تفصیل قضیه را بداند، زحمت مطالعه فهرست آن دو جلد، را به خودش بدهد.

تفسیر قمی نقل می کند که، در تورات آمده، اولیای خدای، آرزوی مرگ می کنند 311 کریمه، (إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ (1) مقصود اذان نماز جمعه است، به دلیل (وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا (2) 316 مقصود از بیع، در آیه نماز جمعه، مطلق مانع صلوة است، و بیع اظهر مصادیق است 317 به روایت اهل سنت، حضرت مریم، و آسیه، و خواهر حضرت موسی (علیه السلام) از زنان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خواهند بود در بهشت 401

ص: 172

1- . سوره جمعه، آیه 9.

2- . سوره مائده، آیه 58.

موت در اصطلاح قرآن نیستی نیست، بلکه انتقال از یک نشأت حیات، به نشاء دیگری است، لذا خلق بر آن تعلق می گیرد، و اگر عرفی هم حساب کنیم عدم محض نیست، و عدم ملکه است، و آن حظی از وجود را دارد، از این است که، قرآن می فرماید، (الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ) (1) 4 کریمه، (يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ) (2) کنایه است، از شدت ناراحتی های قیامت، در دنیا وقتی کار سنگینی را می خواستند، انجام بدهند، لباس ساتر ساقشان، بالا می رفت 46 در سه حدیث از طریق اهل سنت آنان برای خدایشان ساق اثبات کرده اند روز قیامت خدایشان ساق خود را باز می کند وقتی مشاهده کردند به سجده می افتند 51

سخن نگارنده

یادم است که در جائی از تهاویل الربیع آورده ام که از جمله روات حدیث ساق ابوبکر است.

چشم زخمی، یکی از اثرات نفسانی انسان است، و روایات هم از طرف شرع تصدیق کرده، و عملاً هم اثر چشم زدن مشاهده شده، پس وقتی عقلاً مانع نیست، و شرع هم قبول دارد، داعی بر انکار آن نیست 50 کریمه، (لَوْ لَا أَنَّ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ) (3) جزای غضب حضرت یونس (علیه السلام)، در این آیه، در زمین بی سقف، و بنی نبات، افتادن قرار گرفته، در حالی که در آیه، 143 سوره و الصافات، (فَلَوْ لَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ) در شکم ماهی ماندن، تا روز قیامت را بیان می کند، جمع بین این دو آیه، به این است، چون در عمر مبارکش خدا راه همیشه تسبیح می گفت، همیشگی در شکم ماهی نماند، و در آیه سوره قلم، چون نعمت جدید برایش رسید، در زمین بی سقف و بی گیاه نماند 49 کریمه، (الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ) (4) چون صلاة را به طرف ضمیر اضافه کرده، دوام عمل را بیان می کند، یعنی نماز خواندن را ترک نمی کنند، سستی در خواندن نماز واجب، به خرج نمی دهند، معنی اش این نیست که، اوقات شان را، برای نماز صرف می کنند 84 آیات قرآنی که، امور آخرتی را غیب، معرفی می کند، برای ساکنان زمین است، و الا-نسبت به ملائکه حاملین وحی، و برای اموات در امور آخرتی، غیب نیست، و شهادت است 132 کریمه، (ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ * كَلَّا) (5) گفته اند که، پس از نزول این آیه، ولید بن مغیره، از مال و

فرزندش

ص: 173

- 1- . سوره ملک، آیه 2.
- 2- . سوره قلم، آیه 42.
- 3- . سوره قلم، آیه 49.
- 4- . سوره معارج، آیه 23.
- 5- . سوره مدثر، آیات 15 - 16.

کم آورد، تا هلاک شد، مخف--ی نماند که کلمه وحیداً، در آیه 11، حال است از فاعل-ل خلقت 167 کریمه،) لَا تَبْقَى وَلَا تَذَرُ (1) آتش جهنم را معرفی می کند، اطلاق نفی می رساند که، آتش جهنم مثل آتش دنیا نیست که، بعضی از چیزها را نسوزاند 169 از جمله احتمالات در تفسیر کلمه (لا-اقسم)، یکی هم این است که، خود این جمله (لا-اقسم) کلمه قسم است، و لازم نیست که، حرف لا-را زایده، یا نافیه، بگیریم 188 کریمه،) إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ (2) کلمه نبتلیه را، علامه مفسر(قدس سره)، از حالی به حالی دیگر آوردن، معنی می کند، یعنی منی را به صورت علقه، و علقه را مضغه، قرار دادیم، و به معنی امتحان کردن، گرفتن را، قبول ندارد 209 در تفسیر روح المعانی، مؤلف آن گوید، بنابراین که سوره دهر، در فضیلت اهل بیت(علیهم السلام) نازل شده، علّت ذکر نکردن نعمت حورالعین، در آن، به احترام فاطمه بتول، و قره عین الرسول(ص) است 221 ملائکه ارواح محضه هستند، اگر به صورت جسم دیده شوند، به آن صورت متمثل شده اند 274 رب العالمین، پیغمبرش، خاتم انبیاء(ص) را، در سوره(ن) که، از جهت نزول، دوّمین سوره است، به حُسن خلق تعریف فرموده،) وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (3) نمی آید به او در سوره عبس نسبت عبوس بودن بدهد، و هکذا پس از سال های متمادی که، رسولش را امر به خفض جناح بر مؤمنین، و به اعراض از مشرکین کرده، مناسب نیست او را، برای عدم اهمیت به احترام مؤمنی، عبوس بخواند، تازه ترجیح غنی بی ایمان، بر مؤمن فقیر، قبح عقلی دارد، و احتیاج به نهی شرع نیست، به طو حتم سوره عبس، برای توبیخ پیغمبر(صلی الله علیه و آله)، نازل نشده است، مجمع البیان از امام صادق(علیه السلام) نقل می کند، آیه عبس و تولی، درباره مردی از بنی امیه، نازل شده است، 308

سخن نگارنده

اضافه کن بر این حرف آقای عاملی را در کتاب الانتصار، اگر مقصود نعوذ بالله، توبیخ پیغمبر(صلی الله علیه و آله) بود، عوض کلمه عبس، عبست می فرمود.

کریمه،) يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَزَاكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (4) در سیاق آیات معاندین واقع شده، تا جائی که برسد قوله تعالی،) وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ (5) و برای آنها تخلص از آتش نیست، پس قول کسی که می گوید،

ص: 174

- 1- . سوره مدثر، آیه 28.
- 2- . سوره دهر، آیه 2.
- 3- . سوره قلم، آیه 4.
- 4- . سوره انفطار، آیه 6.
- 5- . سوره انفطار، آیه 14.

آوردن کلمه کریم، برای تلقین حجّت است، درست نخواهد شد، و الاّ لازم می آید، هر کافری با گفتن غزنی کریم، خلاصی پیدا کند، و این بر خلاف آیات زیادی از قرآن مجید است 337 سی-وطی روایت می کند که رسول خدا(صلی الله علیه و آله)، آیه،) مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (را خواند، فرمود جهله، (غزّه جهله) 341

مژده بزرگ

کلینی، و علی بن ابراهیم قمی، و برقی هم در کتاب محاسن خود، این سه بزرگوار نقل می کنند از سدیر الصیرافی، از امام صادق سؤال می کند، فدایت شوم ای پسر رسول خدا(صلی الله علیه و آله)، آیا مؤمن از قبض روحش بدش می آید؟ فرمود نه، به خدا وقتی ملک الموت برای قبض روحش حاضر شد، ناله می کند، ملک الموت می فرماید، ای دوست خدا، ناراحتی نکن، قسم به آن خدائی که، محمد(صلی الله علیه و آله) را به پیغمبری فرستاده است، من بر تو از پدر مهربان شفیق ترم، چشم هایت را بازکن و ببین، در آن وقت، چهارده معصوم(علیهم السلام)، برای او مجسم می شوند، می گوید، اینها رفقای تو هستند، نگاه می کند، در آن وقت منادی، از طرف رب العالمین به روح او، ندا می زند، ای نفس قدسی دل آرام بر محمد و آلش، به حضور پروردگارت باز آی، در حالی که راضی به ولایت اهل بیته، و مرضی به ثواب خدای مهربانی، داخل بشو در صف بندگانم، و وارد بشو به بهشت، در آن وقت چیزی بر مؤمن، از قبض روح، او محبوب تر نخواهد شد 416 کریمه،) وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى (1) در بیان این است که، اگر هدایت خدا نبود، نفس انسانی همیشه میل به فساد می کند، نفس توهم مثل سایر نفوس، لکن عنایت الله ملازم نفس شریف توست، این آیه، مثل آیه) مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ (2)

است و از این باب است، قول حضرت موسی (علیه السلام) فَعَلْتَهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ (3) یعنی آن وقت که قبطنی کافر را کشتیم، با هدایت رسالت متّصف نبودم، نه اینکه خدای نکرده گمراه از دین باشد، کافر حربی کشتن که گناه نیست 444 کریمه،) أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى * عَبْدًا إِذَا صَلَّى (4) بنابر این که سوره علق اولین سوره است که، بر

پیغمبر(صلی الله علیه و آله) نازل شده، و همه اش یک دفعه نازل شده معلوم می کند که، پیغمبر(صلی الله علیه و آله) قبل از رسالت نبی بوده است، اللهم صل علی محمد و آل محمد 462

ص: 175

1- . سوره الضحی، آیه 7.

2- . سوره شوری، آیه 52.

3- . سوره شعرا، آیه 20.

4- . سوره علق، آیات 9 - 10.

قرآن چه ادب خوبی به ما یاد می دهد، در عین اینکه بنده نمازگزار، پیغمبر(صلی الله علیه و آله) است، و عبد ناهی از نماز، امثال ولیدها، و ابوجهل هاست، اسم هیچکدام را نمی برد، می خواهد معلوم کند که، در مکتب اسلام، ملاکات، بر کیفیت کارهاست، بلال حبشی مؤذن رسول خدا(صلی الله علیه و آله) می شود، و ابولهب عمو حضرتش، به زبان قرآن ملعون می شود.

مراد از قلب در اصطلاح قرآن، نفس انسان است که، مبدأ شعور و فکر است 506 مخفی نماند که، علامه مفسر، مدعی است که سوره ایلاف، مستقلاً یک سوره است، و با سوره فیل مربوط نیست، و حمل می کند روایاتی را که، می گوید با سوره فیل، با هم سر نماز خوانده شود، به اینکه «قران بین السورتین» در اینجا لازم است 514 در کریمه، (وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ (1)) از اینکه طعام آورده، و اطعام نفرموده، گفته شده که، اشاره است بر اینکه، گویا مسکین مالک طعامی است که، به او داده می شود، یعنی مردم را ترغیب نمی کند بر طعام فقیر که، حق او را برایش بدهند 519 بعضی ها معانی کوثر را به 26 معنی رسانیده اند، لکن به قرینه ذکر (وَإِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (2))، مراد از کوثر، کثرت ذریه خاتم انبیاء(صلی الله علیه و آله) می باشد، و الا ذکر آن خالی از فایده می شود 521 سیوطی به روایت ابن عباس، اولاد رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را، به حسب سنّ از بزرگ، تا کوچک، به این ترتیب نقل کرده است: قاسم، زینب، عبدالله، ام کلثوم، فاطمه(علیها السلام)، رقیه 524

به اضافه ابراهیم(علیه السلام)، فرزندان رسول خدا(صلی الله علیه و آله) هفت نفر می شود، بحث در اینکه همه آن شش نفر، از حضرت خدیجه(سلام الله علیها) بوده اند یا نه تحقیق در جلد 22، بحار الانوار.

کریمه، (وَاسْتَغْفِرُهُ (3)) رسول خدا(صلی الله علیه و آله) گناه که ندارد، امر به استغفار، بعید نیست که، به معنی ادامه غفران باشد، چون ادامه غفران هم، غفران است 532

1- . سوره ماعون، آیه 3.

2- . سوره کوثر، آیه 3.

3- . سوره نصر، آیه 3.

چون علم اخلاق، انسان را تربیت می کند، به طوری که پست ترین آنان را، تبدیل به اشرف آنها می کند، لذا قدماء حکما، واژه علم را، به جز از آن، حقیقه اطلاق نمی کردند، و لقب اکسیر اعظم به آن می دادند، همانطوری که بدن غیر آماده، هر چه غذا بیشتر به آن برسد، جز شرّ تولید نمی کند، همچنین است، نفسی که، از مآثم اخلاقی خالی نیست، تعلم علوم بر آن روح، جز فساد تولید نمی کند، روی این حساب است کسانی که عالم واقعی نیستند، و خودشان را در صف علماء جا زده اند، در دوری نکردن گناه از عوام بدتر هستند 27 بیان مرحوم مؤلف می رساند که، ارسطالیس، غیر ارسطو است، دومی را، از متأخرین حکماء قرار داده است 36 جالینوس، نامه ای خدمت حضرت عیسی (علیه السلام) فرستاد، و در آن خودش طیب ابدان و عیسی (علیه السلام) را طیب نفوس معرفی کرد 89 در خداشناسی، همین که انسان بداند صفات سلبيه مناسب ذات خدا نیست، و صفات ثبوتیه لازم ذات اوست کافی است 113 در پاورقی، فرمایش مرحوم مجلسی را در مقدمه بحار الانوار، راجع به کتاب مصباح الشریعه، آورده ترجمه اش این است: اسلوب کتاب شباهت به اسلوب فرمایشات ائمه (علیهم السلام) ندارد، و سندش به صوفیه می رسد، و اکثر اصطلاحات آنان را دارا است 120 چطوری که انسان از مرگ گریزان است، اما مرگ را می یابد، همانطور، از روزی مقدر، آدمی فرار هم کرده باشد، خواهد رسید 121 دقت کن، ابر با آن سبکی که دارد، چطور حامل این همه آب (باران) است 192 مرگ را حکمای قدیم، در تعریف انسان آورده اند، و گفته اند: الانسان حی ناطق مایت، با مرگ حدّ انسان کامل می شود نشنیده ای که هر که بمرد تمام شد 212 خواجه عبدالله انصاری گوید مردم از روز آخر می ترسند، و من از روز اول می ترسم 222 فخر رازی را گریان دیدند، پرسیدند که چرا؟ گفت امروز بر من ثابت شد که، هفتاد سال است، در مسئله ای اشتباه کرده ام

234

سخن نگارنده

چطوری که خودش اقرار کرد که، می ترسم سایر عقاید من هم، مثل این مسئله باشد، به طور حتم در دم مرگ فهمید که، تبعیت او از صمنی قریش، چه مزه داشت پناه بر خدا که، انسان پس از گذشتن وقت، بیدار شود.

نصیر الدین حلّی که، یکی از بزرگان متکلمین است، گوید در علوم عقلیه هفتاد سال فکر کردم، و کتاب های زیادی هم نوشتم، بر من ثابت شد که عالم صانعی دارد، باز پیرزن ها، یقین شان از یقین من بیشتر است 235 انسان با هر چیزی که الفت دارد، در وقت مرگ در ذهن او جایگزین است، ببین با چه چیزی عمرت خاتمه می یابد، نکند در وقت غلبه یکی از شهوات دنیا، قبض روح شوی که، عاقبت به شرّ

شوی

ص: 177

237 حضرت ابراهیم (علیه السلام)، وقتی وارد منجیق می شد، حسبی الله و کفی گفت، با قول جبرئیل (علیه السلام) الک حاجه، امتحان شد، و با جواب اما الیک فلا، قبول شد، و کریمه (وَ اِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَى) (1) از راز دل او خبر کرد 244 روزی جبرئیل، در محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود، آن حضرت گفت یا کریم العفو، جبرئیل عرض کرد، معنی کریم العفو می دانی؟ یعنی با رحمتش از گناهان می گذرد، و با کرمش تبدیل به حسنات می کند 251 پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود احمق کسی است که، هر چه را دلش می خواهد انجام می دهد، و از خدا آرزوی بهشت می کند 253 بر کسانی که، در گناه کردن طغیان می کنند، آیات رحمت بر آنان خواندن، ایشان را جری بر معصیت کردن است، سبب هلاکت گوینده و شنونده می شود، خدائی که، در دنیا هر چه را که، انسان به آن احتیاج دارد، حتی جزئیات آنها را، هم خلق کرده، چطور در آخرتی که، دار فیض است، به مؤمن نرسد 259 رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود، حضرت ابراهیم غیور بوده، من غیرتم از او هم زیادت است، امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود، ای اهل عراق به من خبر رسید که زن های شما در راه ها برای مردها مزاحمت فراهم می کنند خجالت نم-ی کشید 265 مرح-وم م-ؤلف، از جمله سفارش-اتش درباره تربیت فرزند-دان، می فرماید بچه هایتان را بیاموزید که، از کسی چیزی نگیرند، و حالی کنید که گرفتن عادت سگ هاست که، برای یک لقمه گرفتن از کسی، چقدر خودش را لوس می کند، و معلوم کنید که کرامت در عطا کردن است 271 پیغمبر (ص) می فرماید، عجله از شیطان، و آرام بودن، محبوب خداست 274 فرمایش نبوی (صلی الله علیه و آله)، «اتقوا من مواضع التهم»، و خود پیغمبر (صلی الله علیه و آله) با داشتن آن همه مقام پیش خدا، مواظبت می کرد که، کسی درباره اش تهمتی نزند 282

سخن نگارنده

به ملاحظه اهمیت دوری از گرفتاری تهمت، آقائی می فرمود، اتقوا من مواضع التهم، روحانی توهم.

در حدیث قدسی آمده؛ یابن آدم (علیه السلام) وقتی مظلوم شدی، بگذار من از تو دفاع کنم، که کمک رسانی من بر تو، از دادخواهی خود، بهتر است 291 از جمله راه های جلوگیری از غضب، دوازدهمیش این است: بدان که خداوند دوست ندارد، بنده اش غضب کند، تو که ادعای دوستی خدای می کنی، رضایت دوست خود را مقدم، بر خشنودی خویش، بکن 295 روایت شده است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در قنوت نماز واجب، چهار نفر را لعن می کرد، معاویه، و عمروعاص، ابی موسی اشعری، و ابی الاعور اسلمی، و اگر ثابت شود که، از لعن اصحاب شام منع کرده، شاید برای امید هدایت شان بوده است، همانا

این شیوه هر رئیس مهربانی است 318 انسان، در روز قیامت، از قبرش خارج می شود، اوضاع عالم را دگرگون می بیند، زمین می بیند که

ص: 178

عوض شده، و آسمانی را می بیند که پاره پاره گردیده، و کوه ها را در حال حرکت، و موازین را نصب شده، و صحائف اعمال را باز شده، و خودش را در معرض حساب و مواخذه، و زیر نظر ملائکه غلاظ و شداد واقع شده می بیند 328 اگر اهل دنیا، کسی را که در آتش جهنم است، می دیدند، از وحشت خلقت و قبح منظر آن، می مردند 329 حدیفه (رضوان الله علیه)، امام جماعت شد، پس از خواندن نماز اول، فرمود برای نماز دوم کسی را امام قرار دهید، و گرنه فرادا نماز بخوانید، دیگر من امام نخواهم شد، زیرا که در وسط نماز، از قلب من خطور کرد که، من بهترین قوم هستم 332.

هیچ کسی نمی تواند به عمل خود تکیه کند

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود، هیچ کس از شما نیست، که عملش او را نجات دهد، عرض کردند حتی تو، یا رسول الله فرمود حتی من، مگر اینکه رحمت رب العالمین مرا در برگیرد 336 روایت شده، حضرت ایوب (علیه السلام) وقت گرفتار بلا شد، عرض کرد خدایا من در هر کاری، رضایت تو را به دلخواه خودم، مقدم کردم، از هر ابری با ده هزار صدا، شنید این توفیق را از چه کسی دریافت کردی؟ خاکستر به سر ریخت و عرض کرد، از تو یا رب العالمین 335 گویند یکی از رؤسای یونان بر غلامش فخر فروشی کرد، غلام گفت، فخر تو یا از برکت پدران، و یا از جهت لباس، و یا از ناحیه مالداریت باشد، پس افتخار مال لباس، یا مال، یا پدران می شود، نه مال تو انسان پدرش نطفه، و بابا بزرگش خاک، زیرا که نطفه از خاک است، وقتی بابا بزرگ که خاک است زیر پا می ماند، و یا به هر چیز رسید، فوری شسته می شود این مقام را دارد پدر چه وضعی خواهد داشت 337

سخن نگارنده

نوه هم، سه دفعه از مخرج بول خارج شده است، پس تبختر برای چیست؟

اما کسانی که با پدران سلاطین جور، افتخار می کنند، بدانند که، افتخار با سگ ها و خوک ها، بهتر از افتخار با آنهاست 338 امام صادق (علیه السلام) علت تکبر را، کم بودی نفسی متکبر، بیان می کند، حقارت باطنی اش، او را، وادار، به خود برتری می کند 348.

در مقابل متکبر تکبر لازم است

رسول خدا (ص)، فرمود، در مقابل متکبرین تکبر کنید، که وسیله مذله، و کوچکی آنان را فراهم کنید 363 کسی در محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، نه نفر از اجدادش را اسم برد، و گفت من فرزند اینانم، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود، تو دهمین آنان در آتش جهنم هستی 364.

پیغمبر (ص) فرمود، قلوب تان را، با زیاد خوردن، و زیاد نوشیدن تان نکشید، قلب ها مثل زراعت است که، با زیادی آب می میرد 4 اگر لقمه ای که، میل خوردن آن داری، ترک کنی برایت درجه ای می شود در بهشت 5 طغیان قلم مرحوم مؤلف، در نقل کلام غزالی، درباره عایشه، تحقیق در این جزوه (سوم گزیده) در استطراف جلد ششم، کتاب الانتصار، صفحه 464 و 465 گذشت 11.

شما دنیا را ترک نکنید او شما را ترک می کند

فرمایش امیرالمؤمنین (علیه السلام)، دنیا شما را ترک خواهد کرد، ولو اینکه شما دوست ندارید، آن را ترک کنید 29 به گفته یکی از حکما دنیا دکان شیطان است اگر چیزی از آن بردی صاحب مغازه دستگیرت می کند 33 غذا هر قدر لذیذتر باشد، بوی مدفوع، غلیظ تر خواهد شد 50 یکی از زن های پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، بر گرسنگی حضرتش گریه کرد، و عرض کرد چرا از خدا خوردنی نمی خواهی، فرمود اگر بخواهم کوه های دنیا را برایم طلا- می کند، لکن گرسنگی، و فقر، و غصه دنیا را بر ضد آنها، ترجیح می دهم 58 رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اهل بیتش، اگر روزی یک وعده سیر شدند، در وعده دیگر گرسنه بودند 63 حضرت ابراهیم (علیه السلام)، از دوستش قرض خواست نداد، محزون شد، وحی شد اگر از خلیلت می خواستی می داد، عرض کرد چون می دانم دنیا را دوست نداری، لذا از تو نخواستم، خدا وحی کرد که به اندازه حاجت، دنیا حساب نمی شود 72.

برای فقرا دولتی است سعی کنید حق بر آنها داشته باشید

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود سعی کنید، حق به گردن فقراء داشته باشید که، برای آنان دولتی است 83 برای شیعه خالص، در دولت باطل، به جز از خرج یک روز، چیز دیگری نیست 84 در بیان مرحوم مؤلف آمده، اگر کسی چیزی به تو بدهد به خیال اینکه تو، دارای فلان سمت هستی، مثلاً عالمی، یا متقی، یا سیدی، اگر آن عنوان در تو نیست، گرفتن آن حرام می شود، اگر برای رضای خداوند قصد شهرت داشت و گرفتی اعانت بر اثم کرده ای 94 اگر از کسی چیزی خواستی برای حفظ آبرویش چیزی به تو داد، حرام می شود 96 کسی شهید اصطلاحی شد، زنی او شهیدا گفت، پیغمبر (ص) فرمود از کجا می دانی که شهید شده است، شاید وقتی زنده بود حرف بی خود می زد، یا از دادن چیزی به دیگری، بخل می ورزید 111 امیرالمؤمنی-ن (علیه السلام) می فرماید، از دیگری، شکر چیزی را که به خودت دادی، توقع نداشته باش، یعنی اگر به دیگری احسان کردی، به خودت داده ای 131 فقیر با گرفتن از تو، به تو احسان می کند،

و تو را به ثواب

می‌رساند، او نایب خداست، و اگر از تو چیزی گرفته، حقش را گرفته است، خدای رزاق تو را، وسیله روزی او قرار داده است 130 اگر قرض دهنده، مدیون ناداری را، به فشار نگذارد، برای هر روزی که تحمّل می‌کند، مثل اینکه قرض جدید می‌دهد 160 پیغمبر(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید در همی را برای طلب کاران ردّ کنی، از عبادت هزار سال، و از آزاد کردن هزار غلام، و از آوردن هزار حج و عمره، بهتر است 224 اگر علماء ترک نهی از منکر کردند حق است که گناه سفها به گردن آنها باشد اگر گفتند و شنودها گوش ندادند وظیفه دارند با آنها هم مجلس نشوند 235 یکی از بزرگان از قصابی برای گربه اش، از اضافه گوشت هایش می‌گرفت، از قصاب خلاف شرعی را دید، خواست نهی از منکر کند اول گربه را از خانه بیرون کرد، وقتی نهی از منکر کرد قصاب گفت، دی-گر گربه ات گوشت نخواهد خورد، فرمود اول گربه را بیرون کردم، بعد تو را نهی از منکر کردم 248.

دوری دوستی

امیرالمؤمنین(علیه السلام) در نامه ای به یکی از فرماندارانش نوشت، سفارش کنید فامیل‌ها با همدیگر همسایگی نکنند، و (خانه هایشان از همدیگر دور باشد) لکن به زیارت همدیگر بروند (دوری دوستی) 258.

برادر بزرگ در حکم پدر است

پیغمبر(صلی الله علیه و آله) فرمود، بهشت زیر پای مادر است، و فرمود برادر بزرگ، نسبت به برادران کوچک، در حکم پدر است نسبت به فرزندان 267 باب ستر العیوب روایات لطیفه دارد، از جمله بنده ای گریه می‌کند، خدا می‌فرماید چرا گریه می‌کنی؟ عرض می‌کند می‌ترسم، عیب هایم کشف شود، رسوا شوم پیش مردم و ملائکه، رب العالمین می‌فرماید، در دنیا با اینکه گناه می‌کردی و می‌خندیدی، عیوبت را پوشانیدم، حالا که گریان هستی، چطور فاش کنم، در خبر دیگر رسول خدا(صلی الله علیه و آله) از خدا بخواهد، که عیوب امتش را، در پیش امم گذشته، و ملائکه کشف نکند، خدا می‌فرماید، من از تو هم مهربانترم، حتی عیوب امت را بر تو هم معلوم نمی‌کنم، یا ستار ما لنا غیرک 271 امیرالمؤمنین(صلی الله علیه و آله): روز قیامت به قاری قرآن نعوذ بالله خطاب شود، تو در دنیا اجر قرآن خواندت را گرفتی، (مردم جنس را ارزان فروختند، و در سلام کردن به تو سبقت گرفتند، و مشکلات تو را حلّ کردند) پس اینجا اجری نداری. 389.

سخن نگارنده

مخفی نماند که، این خطاب مخصوص قاری قرآن نیست، هر کسی که عملش را برای خوش آیند مردم انجام دهد، و قصد قربت نداشته باشد، مشمول این خطاب خواهد شد. پناه می‌بریم به خدا.

یاد مرگ کردنی که، این همه سفارش شده به آن، که انسان را برای راحتی سفر مرگ آماده می کند، تنها با لقلقه زبان دست نمی آید، بلکه دقت نظر لازم دارد، ملاحظه کن کسانی که، با آنها مأنوس بوده و الان اسیر خاکند، چطور اعضای بدنشان متفرق شده، و زبانی که با آن حرف می زدید، چطور کرم های قبر آن را خورده اند، و خون و چرک بدنشان، چطور در قبر روان شده است، و چطور از آن چهره های زیبا، جز یک مشت استخوان چیزی باقی نمانده است 42.

چرا شب قدر و اسم اعظم و معاصی کبیره را روشن نکرده اند

چند چیز است که خداوند آنها را معلوم نکرده، و مصلحت در اخفاء آنهاست، مثل شب قدر، و اسم اعظم، و گناهان کبیره، مصلحت در این است که، برای پیدا کردن شب قدر چند شب عبادت کند، تا به فیض شب قدر برسد، و از همه اسماء پروردگار، برای پیدا کردن اسم اعظم استفاده کند، و از همه گناهان دوری کند که، نکند گرفتار معصیت کبیره باشد 73.

بدون نیت رضای خدا بزرگ ترین عمل ها بی محتوا خواهند بود

اصحاب رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به یک نفری که، در جهاد کشته شده بود، قتیل الحمار، لقب می دادند، چون با کافری که، جنگ می کرد، چشمش بر الاغ، و لباس او بود، و به دیگری که، به طمع گیر آوردن زنی در لشکر کفر، کنیه اش ام قیس بود، مهاجر ام قیس می گفتند تا نیت رضای خدا نباشد بزرگ ترین عمل هم بی محتوی خواهد شد 113.

خدایا آدم گناهکار بر من حقی نداشته باشد

پیغمبر(صلی الله علیه و آله) در دعایش عرض می کرد، خدایا، آدم گناهکار، بر من حقی نداشته باشد، که دل من او را دوست داشته باشد 136.

خداوند از جاهل ها برایش دوست نگرفته

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود، خداوند برای خودش، از جاهل ها، دوست نگرفته است.

سه تا پدر داری

در حدیث آمده، پدرها، سه پدرند، 1. پدری که تو را به دنیا آورده، 2. پدری که تو را تعلیم کرده است، و حقایق را به تو آموخته است، 3. پدری که، تو را برای خود، داماد اخذ کرده است، و بهترین این سه،

دومی است، از ذی القرنین سؤال کردند، پدرت را بیشتر دوست داری؟ یا معلّمت را، گفت معلّم را، زیرا که او، سبب حیات باقیه من بوده، و پدرم سبب حیات فانیه ام می باشد، 140 امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود، هر کس بر من حرفی را یاد بدهد، مرا غلام خویش کرده است 141

سخن نگارنده

در اصول کافی از قول امیرالمؤمنین (علیه السلام)، آورده: من غلامی، از غلامان محمد (صلی الله علیه و آله) هستم، در روایت هشتم: انما انا عبد من عبید رسول الله (صلی الله علیه و آله)، هر دو حدیث در ص 90، جلد اول اصول کافی.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پیرزنی را بیشتر احترام می کرد، از فلسفه آن سؤال کردند، فرمود این خانم در زمان خدیجه، (سلام الله علیها) پیش ما می آمد، و احترام گرفتن از نیک عهدها، از دین است 188 امام سجّاد (علیه السلام) فرمود، شکر کننده ترین شما از نعمت های خداوندی، شکرگزارترین شما، از احسان های مردم است 306 پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود، دین بر اصل نظافت بنا شده است 309 روایت شده تگّه آهنی، در پای امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرورفت، کسی از کثرت ناراحتی حضرتش، نمی توانست آن را از پای سید الموحّدین در آورد، حضرت زهرا فرمود، در وقتی که مشغول نماز است در آورید، متوجه نخواهد شد، در آوردند، و متوجه نشد، صلوات الله و سلامه علیه، و علی آله و ابن عمّه (ص) 328

سخن نگارنده

مسئله کشیدن تیر از پای امیرالمؤمنین (علیه السلام)، تا اول احکام نماز توضیح المسائل هم، رسیده است، لکن چطور می توانست کشیدن تیر از پای امیرالمؤمنین (علیه السلام) با آن همه جنگ ها، هیچ زخم و عیب و نقصی ندید، جز از ابن ملجم، آن هم در حالت غفلت انجام گرفت، و گوید در عین اینکه، مرحوم شیخ مفید بعضی از اخبار جراحات جنگ احد، را در کتاب اختصاصش نقل کرده، لکن هر روایتی که از اساتیدش، مسنداً نرسد قبول ندارد، روی این حساب، هم حدیث فرورفتن تیر در پای مبارکش، و هم حدیث ازدواج عمر با ام کلثوم را قبول ندارد، به علاوه روایات جراحات جنگ احد به جهت داشتن اضطراب، (60، 70، 61) قابل اعتماد نیست، مدرک کشیدن تیر فقط، عبارت علامه حلی، در کتاب منهاج الکرامه است، و عبارت ایشان این است: و کان اذا ارید اخراج شیء من الحديد، من جسده یترک الی ان یدخل فی الصلوة الخ، و این عبارت صحبت از تیر رفتن نمی کند، و بر تگّه آهنی تکیه دارد،

صفحات بحث آقای قاضی، در کتاب تحقیق درباره اربعین، از این قرار است: 172 - 178، و 165، و 166، و 178. بالاخره، با مراجعه به لغت، کلمه نصل را که در روایت مؤلف آمده حقیر تگّه آهن تعبیر آوردم، کما لایخفی.

نعمت لباس از خصوصیات انسان است

نعمت لباس، احسانی است که، رب العالمین، فرزندان حضرت آدم(علیه السلام) را، به آن امتیاز داده، و سایر حیوانات، از آن بهره ندارند.
340.

نماز ما مرکب و نماز ملائکه بسیط

نماز جوهری است، جامع بین قیام و قعود، و رکوع و سجود، و ذکر به زبان، و ملائکه هر کدام، یکی از این اجزاء را دارند، مثلاً رکوع کنندگان، همیشه راکع، و سجده کنندگان، همیشه ساجدند، انسان است که جامع این همه کمالات است، و لذا از دو رکعت نماز بنی آدم، صد هزار نفر ملک، تعجب می کنند 358 از جمله آداب دعاء این است که، دست ها را بلند کند، زیر بغل دیده شود، و هر چه را از خداوند می خواهد، سه دفعه بخواند 365 امام صادق(علیه السلام) می فرماید، هر کسی مدعی رضای خداست، و درعین حال به غیر خدا تکیه می کند، خداوند آن شیء، یا آن شخص را، برای او در دسر، و آن شخص را، برایش دشمن قرار می دهد.

ص: 184

این کتاب، به قلم علامه طباطبائی نتیجه بحث هائی که، بین ایشان و آقای دکتر کرین فرانسوی می باشد، نادرشاه از کسانی است که، به فکر تقویت مذاهب اسلامی افتاد، تا بتواند خودش را، به جای خلیفه عثمانی بگذارد، و مذاهب دیگر او را، به جرم شیعه بودن رد نکنند. 13

مقدمه

دکتر کرین حرفی دارد، مضمونش این است که، عقل هر صاحب عقلی ارتباط بین خالق و مخلوق را، برای همیشگی لازم می داند، تنها مذهبی که، این ارتباط را برای همیشگی، در جهان لازم می داند، مذهب تشیع دوازده امامی است و بس 20

سخن نگارنده

در توضیح حرف آقای دکتر کرین، لازم می دانم بیانی را که از مرحوم استاد، آیه الله آقای خوئی (ره)، شنیدم به علاوه مطلبی که، از مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی، منقول است، برای مطالعه کنندگان این جلد از گزیده تهاویل الربیع (جلد سوم) بنگارم، روزی در محضر آقای خوئی (ره) بودم، فرمودند روزی از روزها، سه نفر به خانه ما آمدند، یکی از آن سه نفر، مردی حدود پنجاه ساله، و دو نفر دیگر، یک جوانی که فرزند آن آقا بود، و یک نفر دیگر دختری بود، تازه می خواست مسلمان شود، پدر گفت آقا، این جوان پسر من است، در بیرون با این دختر، در دانشگاه آشنا شده، دختر پیشنهاد ازدواج، با پسر من را داده، و او گفته است در دین ما، ازدواج با غیر مسلمان جایز نیست، دختر آماده شده که، مسلمان باشد، من گفتم اگر می خواهد مسلمان شود، باید به خدمت شما مشرف شویم، با دست شما، عروسم به شرف اسلام مشرف شود، از من خواستند که، اسلام را، به دختر خانم توضیح بدهم، گفتم که عقل هر صاحب عقلی، حاکم است بر اینکه، چون خدا به چشم دیده نمی شود، همیشه بین او و خلق رابطه باید باشد، و آن رابطه از جنس بشر باشد، که بتواند از او مطالب لازم را یاد بگیرد، لازم است بینم آن رابطه کیست، برای پیدا کردن آن به در خانه رؤسای ادیان معروف دنیا، سر بزیم بینم که کدام رئیس دینی است که، گمشده ما را، بر ایمان معرفی می کند، ادیان آسمانی معروف سه دین است، یهود، و نصاری، و مسلمانان، اول می رویم از بزرگ دین یهود سؤال می کنیم، شما از آن رابطه چه اطلاعی دارید، جواب می دهد، بلی موسی بن عمران (علیه السلام) همان رابطه است، می گوئیم پس از رحلت او، رابطه چه کسی است از نظر شما، جواب می دهد دیگر کسی را نمی شناسم، می گوئیم چون خدا همیشه هست، رابطه هم تا بشر هست باید همیشه باشد، بعد می رویم از رئیس بزرگ مسیحی ها، همان سؤال را می کنیم، می بینیم آنان هم، تا حضرت مسیح به آسمان

سفر نکرده بود، رابط را حضرت مسیح معرفی می کنند، پس از رفتن ایشان، رابط دیگری نشان نمی دهند، می رویم تا به در خانه بزرگ مسلمین برسیم، می بینیم آنان به دو دسته بزرگ، تقسیم می شوند، تسنن، و تشیع، از بزرگ اهل سنت، در جستجوی رابط سؤال می کنیم، آنان می گویند تا پیغمبر خاتم (صلی الله علیه و آله)، به شهادت نرسیده بود، رابط بود، با رحلت او رابط دیگری نیست، می گوئیم خدایا، اینها هم جواب کافی به ما ندادند، سپس می رویم به در خانه بزرگ شیعه، همان سؤال را، وقتی از او پرسیدیم، دیدیم آنان گفتند، حقاً عقل شما خوب حکم کرده است، همیشه رابط بین خالق و مخلوق، باید باشد، حتی یک دقیقه سیم ربط، نباید قطع بشود، «لو لا الحجة لساخت الارض باهلها»، می پرسیم با شهادت حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله)، آن رابط کیست، جواب می شن-ویم که، حض-رت محمّد (صلی الله علیه و آله) وقتی ایام شهادت-ش رسید، طبق دستور قرآن کتاب آسمانی اش، امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بعد از خودش، در روز غدیر در حضور جمعیت فوق العاده زیاد، به طوری که بیعت سه روز طول کشید، علی (علیه السلام) و یازده فرزندش را، یکی پس از دیگری امام، و حافظ و مبین دینش، معرفی کرد، وصی دوازدهمینش، حضرت بقیه الله هنوز هم، زنده و حی هست، تا روزی که خداوند، زمین را به وسیله او، پر از عدل و داد کند، آیت الله خوئی (ره) فرمود، مطلب به اینجا که رسید، پدر داماد گفت آقا خدا این عروس ما را خوشبخت کند، سبب شد ما هم اسلام را خوب حالی شویم، تا حال من این قدر از دین خودم اطلاع نداشتم، این بود خلاصه بیان مرجع بزرگ، آقای خوئی (ره) و اما مطلبی که، از بزرگ مرد جهان تشیع، مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی نقل می شود، آن هم این است که، ایشان در حضور بزرگان اهل تسنن، فرمود شما و ما، هر دو، از طریق تواتر، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل کرده ایم که، ایشان فرمودند، بعد از من هم، امت من هفتاد و سه فرقه می شوند، یک فرقه فقط اهل نجات، بقیه گمراه خواهد شد، بیائید ببینیم آن فرقه ناجیه کیست؟ اگر با گفتن «لا اله الا الله» باشد، باید گفت همه فرق مسلمین به علاوه یهود، اهل نجات هستند، پس همه اهل نجات اند، نه تنها یکی، و اگر با گفتن «لا اله الا الله و محمد رسول الله» باشد، همه هفتاد و سه فرقه مسلمین باید ناجی باشند، باز یکی تنها نشد، و اگر با گفتن «لا اله الا الله، و محمد رسول الله، و علی ولی الله»، باشد باید همه فرق شیعه از زیدی، و فطحی، واقفی، اهل نجات باشند، در حالی که رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود، فقط یک فرقه، از هفتاد و سه فرقه، اهل نجات خواهد بود، پس می ماند یک فرقه، و آن هم طایفه ای است که چیزی را ادعا می کنند، هیچ یکی از هفتاد و دو فرقه، قائل نیستند، و آن گویندگان «لا اله الا الله، و محمد رسول الله، و علی و ابنائه المعصومون الا حد عشر حجج الله»، و بس.

شاید این بیان، در توضیح حرف آقای دکتر کرین فرانسوی، کافی باشد انشاء الله، و ما التوفیق الا بالله. چندی پیش یکی از رفقای حقیر کسی را پیش من آورد مدعی بود که من هیچ چیزی را قبول ندارم حتی

نماز را هم ترک کرده بود بنده با بیان فرمایش آیتین علمین قانع کردم رفیقش گزارش داد که دوباره نماز می خواند و حساب اسلام را از حساب بعضی از مسلمین جدا کرده است.

دوازده هزار صحابی و چند صد حدیث!!

حدود دوازده هزار صحابی که اسامی شان ضبط شده، آنان در عین اینکه سمتی به جز از نشر احکام نداشتند، نمی دانم چرا روایات مأثوره باقیه از آنها، از چند صد حدیث، تجاوز نمی کند، فقه اسلامی با آن وسعتی که دارد، چطوری می تواند با داشتن این چند صد حدیث، جوابگوی باشد، نمی دانم با داشتن عنوان مبلغ اسلامی، چه کاری برای اسلام انجام دادند(1)

48 اهل سنت اصطلاحی که، اهل بیت(علیهم السلام) را کنار گذاشتند، و تبعیت از خلفای جور کردند، حدود یک قرن غفلت، و عدم تدوین روایات، از کمی احادیث فقهی، آراء متناقض بین آنها پیدا شد، و به فاصله کمی مسئله قیاس و استحسان پیش آمد، احکام اسلامی که هیچگونه مسامحه پذیر نیست، و مدارک قطعی، یا ظنی فوق العاده قوی را لازم دارد، چطور می شود آنها را، از راه های قیاس و استحسان که حتی در قوانین عادی، و طریقه های اجتماعی، درد نمی خورد، چطور می شود به دست آورد و مبانی احکام الهی قرار داد، پس از گذشت زمانی، برای جلوگیری از هرج و مرج فتاوی متناقض، مجبور شدند به فتوی چهار نفر از علمایشان، اجماع کنند، و آراء دیگران را، به هر قیمتی باشد، کنار بگذارند، بحث انتقاد علمی، جای خود را، به تقلید کورکورانه داد، حتی اظهار نظر آزاد، در یک مسئله فقهی بدعت شمرده شد 49

سخن نگارنده

طبق فرمایش قرآن، (ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ آيَاتِنَا) وقتی کسانی را که، رسول خدائی که قرآن او را به صفت، (ما ينطق عن الهوى * ان هو الا وحى يوحى(2))، متصف کرده، در حدیث متواتر شیعه و سنی، «اتی تارک فیکم تقلین کتاب و عترتی اهل بیته»، فرمود مردم دنیا دوست، کنار بگذارند، و مفسر قرآن را از قرآن جدا کنند، بیش از این هم، می بایست گرفتار بدبختی بشوند، اگر آن فرصتی که در دوران صادقین(علیه السلام)، است به دست آمد نبود، خلفای اموی و عباسی، مردم را به کفر اصلی برمی گردانیدند، بحثی

که حقیر در استطراف کتاب التاج، در جلد دوم گزیده داشتیم، مطالعه کنید اهمیت تبعیت از اهل بیت(علیهم السلام)، و گرفتاری تبعیتی از اغیار را متوجه می شوید، ما الحمد لله، حدود سی و شش هزار حدیث، تنها

ص: 187

1- . مراد علامه صحابه پیغمبر(صلی الله علیه و آله) است، و الا بحمد الله اصحاب ائمه اهل بیت(علیه السلام) خدا جزایشان بدهد، خیلی از احادیث آنها را به ماها نقل کرده اند.

2- . سوره نجم، آیات 3 - 4.

در وسائل الشیعه، سوای آنچه در مستدرک الوسائل هست، داریم، قیاس کنید، با آنچه اهل سنت در صحاح شان دارند، به مغز فرمایش علامه طباطبائی، در این دو صفحه بالائی خواهید رسید و ما التوفیق الا بالله اینها چند مطلبی بود، از اصل کتاب (سالانه دوم مکتب تشیع) نقل کردیم، و چند مطلب دیگر در توضیحات کتاب آمده، عرض می شود: سرزمین معروف به جبل، به دو قسمت همدان و اصفهان، و ری، تقسیم گشت 232 واقدی در فتوح الشام، ج 1 ص 49، گوید مالک اشتر با زن و بچه خود، به منزل علی (علیه السلام)، وارد شد، زیرا که میان او و علی (علیه السلام)، دوستی پر از صفا و اخلاص بود، 286

سخن نگارنده

از جمله علل آرزوی بنده که، خداوند ظهور حضرت بقیه الله را، قسمتم بکند، یکی هم دیدن جمال مالک اشتر، آن شیعه واقعی امیرالمؤمنین (علیه السلام) است، و از خدا می خواهم قبل از ظهور، در خواب مالک را برایم نشان بدهد، چون خیلی دوست دارم آن مجسمه ایمان را، ببینم آمین.

یکی از زن های معاویه، دختر یکی از مسیحی های سوریه بوده است، به علاوه او با استخدام مشتشارهای مسیحی، باعث نفوذ مسیحیان در اجتماعات اسلامی شد 307 معاویه برای اخذ بیعت برای یزید مضافاً بر امام حسن (علیه السلام) سعد بن ابی وقاص را هم، مسموم کرد 314

ص: 188

در قرآن 135، صفت و اسم برای خدا، بیان گردیده است 56 مقصود از مرید بودن خدا، مختار بودن اوست، هر طرف قضیه (از فعل و ترک) را اختیاردار است، و در انجام کاری مضطر و مجبور نیست 60 در هر کاری که بشر انجام دهد، حول وقوه الهی حضور دارد، (و ما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمی (1))، برق در سیم از کارخانه است، ولكن کلید را ما می زنیم، به هر دو از ما، و خدا فعل نسبت داده شود، صحیح است 92 عقل تنها نمی تواند مشکلات بشری را حل کند، حتماً انبیاء (علیهم السلام) وجودشان لازم است، کافی است که بدانیم بشر با این همه ترقی، هنوز بخش عظیمی از انسانها بت پرست هستند 98 امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مسائلی که با خلفاء اظهار نظر داشتند، به صورت منطقی نظر خود را بیان می کرد، خطبه شمشقیه، و مناشدات حضرتش، دلیل روشنی است، العیاذ بالله اگر تحریفی در قرآن اتفاق می افتاد، به هیچ وجه ساکت نمی شد 141 در سال 1345 کتاب فرقان به قلم یکی از علمای مصر، در تحریف نوشته شد، از طرف علمای الازهر، مصادره گردید 144 بوعلی سینا گوید، تعیین جانشین به نص پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، به واقع نزدیکتر است، زیرا که هرگونه نزاع و اختلاف، از این طریق ریشه کن می شود 154 در بیانوردان بحکم (و بالنجم هم یهدون (2))، در وسط دریا به وسیله ستارگان، در بین امواج، راه را پیدا می کنند، اهل بیت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) امان امت در اختلافات هستند 157 طبق محاسبه محققین، 657 روایت درباره قیام حضرت مهدی (عج)، وارد شده است 176 وقت ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بسان برپائی قیامت، تنها بر خداوند مکشوف است، در این باره هر ادعائی از هرکسی، مسموع نیست، کذب الوقاتون 180 مقصود از معاد روحانی، یک رشته از پادشاهای روحی، و غیر حسی بر صالحان و طالحان، سوای لذات جسمانی خواهد بود 189 شیخ مفید می فرماید، دو ملک مأمور پرسش، ناگر و نکیر نام دارند، سؤال در قبر، دلیل زنده شدن مردگان در قبر می باشد، آنگاه حیات آنها تا روز قیامت ادامه می یابد 192 تناسخ را که پیروان آئین هندی قائل اند، این است که روح پس از خارج شدن از بدنی، وارد جنینی شود، از نوزندگی به خود بگیرد، اگر در بدن اول نیکوکار بود، زندگی شیرینی در بدن دوم پیدا می کند، و اگر تبهکار بود، زندگی دوم تلخ خواهد شد، اینها معاد را منکرند، پاداش عمل را منکر نیستند 193 صحابه در زمان حیات پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از حضرتش می خواستند که، برایشان طلب آمرزش کند، چطور می که فرزندان حضرت یعقوب از پدرشان خواستند، باز

قرآن می فرماید کسانی که به خودشان ظلم کرده اند، اگر از تو طلب آمرزش کردند،

ص: 189

1- . سوره انفال، آیه 17.

2- . سوره نحل، آیه 16.

خدا توبه آنها را قبول می کند، باز می فرماید به منافقین گفته شود، بیائید رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای شما استغفار کند، سرشان را تکان می دهند، پس اعراض از شفاعت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نفاق شناخته شده است 4-205 اثر تربیتی توبه و شفاعت، مایوس نشدن از رحمت خداست، نه اینکه این دو آنها را تشویق بر گناه کند 7-208 اگر شرط شود در شفاعت به انبیاء، زنده بودن آنها، توسل به مرده شان، لغو می شود، نه شرک که، خیال می کنند 232 اگر توسل بر انبیاء (علیه السلام)، درست نیست، پس «السلام علیک ایها النبی (صلی الله علیه و آله)» سرنماز برای چه، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در جنگ بدر وقتی خطاب به کشته های کفار کرد، کسی ایراد کرد که چرا با مرده ها سخن می گوئی، فرمود شماها از آنان شنواتر نیستید 233 اگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حیات برزخی ندارد، پس چرا ابوبکر صورت او را باز کرد، بابی انت و امی یا نبی الله گفت، به نقل بخاری 234 خداوند بر هستی سلطه دارد، هر وقت خواست تقدیری را جایگزین دیگری می کند، لکن تقدیر دو نوع است، محتوم که به هیچ وجه تغییر پذیر نیست، دیگری غیر محتوم که، تغییر یافتن بعضی از شرایط، او را تغییر می دهد، و به هر دو از تقدیر، علم قبلی دارد، پس اعتقاد به بداء، یکی از عقاید اصیل اسلامی است، بل بداءه مسووظتان، پس بداء قائل شده، هیچ تغییری در علم خدا ایجاد نخواهد کرد 235 شیعه در روزهای مصیبت اهل بیت (علیه السلام) اشک می ریزد، تبعیت از حضرت یعقوب (علیه السلام) کرده، و تشکیل مجلس عزا در فقدان عزیزان را، خود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پی ریزی کرده است، وقتی شنید زنان انصار بر شهدای جنگ احد گریه می کنند، به یاد عمویش فرمود، ولکن حمزه لابواکی له 249 کلمه الی المرافق بیانگر حدّ مغسول به است که، دست وضوئی مثلاً از کتف، و از مچ نیست، و اما مسئله از بالا به پائین شستن، عرفیت قضیه است 269 ارجلکم عطف بر رؤسکم، زیر در عطف بر ایدکم، میان معطوف و معطوف علیه، جمله معترضه فاصله می شود، و آن از نظر ادبی درست نیست، یعنی پا هم مسح شود 270 مسند احمد جلد 3، ص 327، جابر بن عبدالله گوید، نماز ظهر را با پیغمبر (صلی الله علیه و آله) گذاردم، مشتی از سنگ ریزه را از این دست به آن دست می کردم که، خنک شود در وقت سجده، همین مطلب در سنن بیهقی آمده؛ (1/439). پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نهی کرد از اینکه کسی به گوشه عمامه اش سجده کند، کسی از خاکی شدن پیشانی دوری می کرد، فرمود (صلی الله علیه و آله) تربّ وجهک (سنن بیهقی 2/105 و کنز العمال حدیث 19810) 271 فقهای دیگر مذاهب، نوعی از ازدواج دائم را تجویز می کنند که، عبارت اخری از دواج موقت است، شرح آن، متعه حج بر خلاف نهی عمر، مورد عمل همه مسلمانان هست، و متعه نساء، و «حی علی خیر العمل»، هنوز هم ممنوع است 278 بخاری جلد 4 ص 250، در وجوب خمس از قول رسول خدا (صلی

الله علیه و آله)، در لغت عرب غنیمت بر هر در آمدی، می گویند 2 و 283 یعقوبی نخستین جغرافی دان است که، کشور پهناور اسلام را زیر پا، قرار داد، و کتابی به نام البلدان نوشت 286.

قرآن نور است و نقاب ندارد لازم بر عقل ماست که، نقاب ها را از خود بزنند، و حقایق قرآن را درک کند، و تفسیر پیدا کند. 15

ابن عباس گفت مرور زمان قرآن را تفسیر می کند

ابن عباس گفت القران یفسره الزمان 16 کلمه رحمان، در قرآن 57 مرتبه تکرار شده است 9 دو مرکز در وجود انسان است، یکی مرکز ادراکات (مغز) هر وقت مطلب فکری پیش آید، با مغز تحلیل می دهیم، دوم مرکز عواطف (جسم صنوبری) که مسائل عاطفی اول، در آن اثر می گذارد، مصیبت یا خوشحالی را با آن احساس می کنیم، و لذا قرآن مسائل عاطفی را (مثل محبت و عداوت، ترس و آرامش، و شادی و غم) به قلب نسبت می دهد، به علاوه این عضو خاص، نقش مهمی در حیات و بقای انسان دارد، به طوری که یک لحظه توقف آن، با نابودی همراه است 55 خطاب یا ایها الناس حدود 20 مورد، در قرآن آمده، و نعمت هائی را برای آنان تذکر داده است 77 حضرت سجاد(علیه السلام) در ضمن بیان فوائد زمین، می فرماید: بوی آن را بسیار خوشبو قرار نداده که، به مغز و اعصاب شما، لطمه وارد کند 79 در بحث گواهی دیگران درباره قرآن، اعترافات عجیبی، از دانشمندان خارجی در عظمت قرآن، نقل می کند 90 علل طبع-ی که، خودش-ان دارای حیات و هوش و فکر نیستند-، چگونه می توانند به دیگری حیات بدهند، پس دست توانای قادر مطلق، تو کار است 110 داستان کشتی گرفتن حضرت یعقوب(علیه السلام) با فرشته خدا، یا با خود خدا که، در تورات فعلی دیده می شود، از ساخت های یهود است 144 در خطاب به یهود (وارکعوا مع الراكعین) علت اکتفاء رکوع، شاید برای این باشد که، نماز مسلمین که رکوع دار است، صحیح است، نه نماز شما یهود که، بی رکوع است، و شاید هم اشاره به نماز جماعت باشد 151 کیفیت رسیدن حضرت سلمان به مدینه، و در نتیجه به خدمت پیغمبر(صلی الله علیه و آله) 194 آیه) ان هذا الا سحر یؤثر(1) می رساند که یک نوع سحر مؤثر وجود دارد، لکن بعضی ها عقیده دارند به اینکه، سحر مؤثر، اثرش فقط در جنبه های روانی است، و اثر جسمانی خارجی ندارد 267 معنی عالم از نیستی به هستی آمده، این است که نبود، سپس بود شد، نه اینکه عدم علت وجود باشد، تا اشکال کنند عدم نقیض وجود است،

چطور می تواند علت آن شود

ص: 191

301 در بعضی آیات بشیر را مقدم بر نذیر کرده، و در بعضی نذیر مقدم است، اشاره به حفظ اعتدال بین این دو تاست (بشارب و انذار) که هیچکدام زیادت‌تر از دیگری نشود 307 وظیفه رسول ابلاغ دستورات الهی، و وظیفه امام اجرای آنهاست، رسول ارائه طریق کرده، امام ایصال به مطلوب می‌کند 319 از تفسیر المنار نقل می‌کند که، ائمه اربعه اهل سنت، با حکومت خلفای وقت، مخالف بودند، ابوحنیفه خلافت را از آن علویین می‌دانست، و اجازه شورش بر علیه خلفاء می‌داد 325 کلمه الناس، در قوله تعالی (و اذ جعلنا البیت مثابه للناس و امناء) (1)، می‌رساند که کعبه برای همه مردم جهان محل امن است، همین بود که حضرت ابراهیم (علیه السلام) از خدا خواست: (رب اجعل هذا بلداً آمناً) (2)، و لذا در ذیل آیه می‌فرماید: آنجا که حضرت ابراهیم (علیه السلام) نماز خوانده شما هم نماز بخوانید 326 کلمه کذلک در آیه، (و کذلک جعلنا کم امه و سبطاً)، می‌رساند: چطوری که قبله شما در وسط قرار گرفته (که، نصاری به طرف مشرق، و یهود به طرف مغرب نماز می‌خوانند، چون هرکدام از آن دو به ملاحظه چیزی نصاری به ملاحظه تولد حضرت عیسی (علیه السلام) در بیت المقدس، چون اکثر مسیحی‌ها در طرف مغرب بودند، و یهود اکثرشان در شامات، و بابل بودند، وقتی رو به بیت المقدس می‌کردند، بیت المقدس در طرف مغرب آنها قرار می‌گرفت) قبله کعبه در جنوب قرارگرفت که، بین مشرق و مغرب است، پس چطوری که قبله شما مسلمین، در وسط قرار گرفته، شما خودتان امت وسط هستید 353) استعینوا بالصبر و الصلوه، صبر به معنی استقامت و پایداری است، نه به معنی تحمل بدبختی‌ها، و تن دادن به حوادث ناگوار 379 در یک کیلو گوشت خوک، ممکن است چهار صد میلیون نوزاد، تریشین (نوعی از کرم) باشد، و لذا چند سال پیش در قسمتی از شوروی، خوردن گوشت خوک ممنوع اعلان شد 429 استفاده از گوشت‌های حرام، در مقام ضرورت، مخصوص کسانی است باغی (برای لذت خوردن) و عادی (بیش از نجات جان) نباشد 430 تحریم بعضی از گوشت‌ها، در قرآن چهار دفعه اعلان شده است، اول بعثت ب. آخر اقامه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مکه ج. اوائل هجرت د. اواخر عمر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که سوره مائده نازل شد، این طور نزول بی سابقه است، این نیست مگر، برای اهمیت موضوع 431 یهود در آدم کشی، تنها قصاص، و مسیحی‌های فعلی تنها عفو یا دیه را، عقیده دارند 443) فمن اعتدی بعد ذلک، می‌رساند که، بعد از عفو یا گرفتن دیه، دیگر حق کشتن

ساقط است 444 چون مرد نوعاً نان آور خانه است، وقتی در مقابل کشتن زنی، اگر بدون گرفتن

ص: 192

1- . سوره بقره، آیه 125.

2- . سوره بقره، آیه 126.

نصف ديه كشته شود، حقوق اختصاصى زن و بچه اش از بين مى رود، و آلا خون مرد از خون زن رنگين تر نيست، اسلام كشتن مرد را در مقابل زن، با اين شرط اجازه داده كه، عين عدالت است 448 كوته فكرى است كسى خيال كند كه، با وصيت كردن، انسان عمر خود را كوتاه مى كند، يا فال بد بزند، بلكه وصيت يك نوع دور انديشى است 450 قرآن با تعبير (ان ترك خيراً) (مال) خط بطلان مى كشد، بر خيال كسانى كه، مال دارى صحيح را خلاف زهد مى دانند، اسلام صرف مال حلال را در منافع اجتماعى، وسيله خير و بركت مى داند 451 در آيه) و اذا سئلك عبادى عنى (الايه، هفت مرتبه اشاره به ذات اقدس الهى، و 7 مرتبه به بينندگان شده است 467.

مشعر الحرام در دو فرسخ و نیمی مکه، و عرفات در چهار فرسخی آن، واقع شده است 25 یکی از دانشمندان خارجی گوید: وای به حال مسلمانان اگر معنی حج کردن ندانند، و وای به حال دیگران اگر معنی آن را مسلمانان بدانند 28 فرقی که آیه (ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم) با آیه (و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله) دارد، در اولی ثمن بهشت است، ولی در آیه علی (علیه السلام) ثمن مرضات است، و شاید از این جهت است که با کلمه من تبعیضه شروع شده که، بعضی از مردم فقط ابتغاء مرضات الله را دارند 49 درست است که، دیدن حیض به یک مرتبه حاکی از عدم بارداری است، لکن در آغاز حمل گاهی با داشتن حمل، عادت می بینند، لذا اسلام عده را سه طهر قرار داده است 108 نویسنده المنار از مسند احمد، و صحیح مسلم، روایت می کند واقع نشدن سه طلاق در یک مجلس، از زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تا دو سال از حکومت عمر، مورد اتفاق همه صحابه بود، در آن سال وقوع آن را عمر حکم کرد، ترجمه فتوی شیخ محمود شلتوت می رساند که، او نه تنها در سه طلاق با شیعه یکی شده، بلکه در موارد دیگری هم با آراء شیعه، مطابقت دارد، به نقل از پاورقی کنزالعرفان جلد 2 ص 271، با مشاهده این آدرس، به فتوی های دیگر شیخ محمود می شود دست یافت 119 در زمان جاهلیت در بعضی از قبائل زن شوهر مرده را آتش می زدند، یا او را با مرده دفن می کردند، در بعضی قبائل الی الابد از نعمت شوهر جدید بی نصیب می ماند، بعضی ها حتی دست شستن را هم اجازه نمی دادند، اسلام از همه اینها به چهارماه و ده روز اکتفاء کرد که، در آن فقط زینت نکند 136 بنا به نوشته المنار زنی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اجازه خواست قبل از پایان عده سر مه بکشد، و آرایش کند، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود شما زن ها موجودات عجیبی هستید با آن قیودی که در جاهلیت برایتان فراهم کرده بودند، به مدت کوتاهی که اسلام در نظر گرفته، طاقت نمی آورید 137 تابوت یا صندوق عهد، همان صندوق چوبی بود که، مادر حضرت موسی (علیه السلام) او را در آن گذاشت، و چیزهایی از آل موسی و هارون بر آن اضافه شده بود که، وجود آن بر بنی اسرائیل وسیله آرامش می شد، دشمن آن را غصب کرده بود، خداوند به وسیله طالوت که از نسل ابن یامین بود، به آنها برگردانید 174 جواب شبهه آکل و مأكول 228.

در توجیه کامل آن، فرمایش امام صادق(علیه السلام) که سلول اولی در قبر به صورت دائره موجود است، اضافه شود،(1)

چطوری که قرآن وعده می دهد گاهی بیش از هفتصد (چهار هزار) هم خدا می دهد

قرآن از یک دانه هفتصد دانه فرموده، در مثل دانه گندم به مقام تصدیق هم رسیده است، و مخصوص مثل ارزن نیست، به دلیل اینکه چند سال پیش در نواحی شهرستان بوشهر، در پاره ای از مزارع، از کثرت بارندگی بوته های گندم بسیار بلند، و پرخوشه گاهی در یک خوشه، حدود چهارهزار دانه گندم دیده شد، در مطبوعات این خبر انتشار یافت 235 این چهار هزار، از، مصادیق والله یضعف لمن یشاء می باشد محقق. از آیه دین، 18 دستور در مورد داد و ستد، استفاده می شود 284 وقودها النار را، آتش گیره دوزخ ترجمه کرده است 331 مسلمانان در جنگ بدر 70 شتر، 2 اسب، 6 زره، و 8 شمشیر، داشتند 335 امام رضا(علیه السلام) علت مسمی شدن حوارین، به این نام، پاک بودن خود و به فکر پاک کردن دیگران بودن می داند 427.

ص: 195

ابوذر فرمود بر مهمان شتر چاق را سر ببر روز مبادای من وقت مرگ است

جریان انتخاب مهمان ابوذر شتر لاغرش را برای نحر، و فرمایش او که روز مبادای من، وقت مرگ من است، به نقل از مجمع البیان 4 آیه (انّ اول بیت وضع للناس)، می رساند هر چیزی بر خداست باید در منافع مردم استعمال شود، و آنچه برای مردم است، برای خدا محسوب می شود (بیت الله) 10 بنا به نقل المنار، جوانی از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اجازه زنا خواست، اطرافیان دادشان بلند شد، لکن پیغمبر (صلی الله علیه و آله) با مهربانی از او پرسید: دوست داری کسی با خواهر و مادر تو این کار را بکند، گفت نه، فرمود مردم مثل تو، جوان پشیمان شد الخ 42 در روز قیامت حاکمیت روح بیشتر می شود، آثار روحی در جسم اثر می گذارد، تجسم اعمال پیش می آید 45 یکی به نام عمرو بن قمنه، سنگی به طرف پیغمبر (صلی الله علیه و آله) پرتاب کرد، مصعب بن عمیر شبیه پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، که یکی از پرچمداران ارتش اسلام بود، جلو حمله دشمن را گرفت، و شهید شد، عمرو صدازد محمّد (صلی الله علیه و آله) را کشتم 114 از قول مجمع البیان از امام باقر (علیه السلام)، 61 زخم بر امیرالمؤمنین در أحد اصابت کرد، به حیث اینکه ام سلیم، و ام عطیه، دو پزشک روز، اظهار نگرانی کردند، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به منزل علی (علیه السلام) رفت، و او را در پارچه ها پیچیده دید، دست کشید التیام حاصل شد 119 آیه) قد اصبتم مثلها (می فرماید اگر چه در أحد در سایه کوتاهی، 70 شهید دادید، در بدر 70 نفر کشتید، و 70 نفر اسیر گرفتید. 161) یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم (یعنی شهیدان با دیدن مقامات برادران مجاهد خود، که هنوز نمرده اند، خوشحال می شوند، به معنی مژده دادن نیست 170).

تأثیر عجیب آیات قرآنی

مسلمانان پس از شکست در أحد همین که شنیدند که، لشکر ابوسفیان دوباره تصمیم گرفته اند که برگردند، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اعلان آمادگی کرد، در محلی که نام آن حمراء الاسد بود، بنا شد اجتماع کنند، یکی از دو برادر که هر دو جراحت داشتند، مال یکی چون قدری کمتر بود، برادر خود را کول گرفت و در لشکرگاه حاضر کرد، آیات قرآنی چقدر تأثیرگذار بود برای آنها 175 امام صادق (علیه السلام) می فرماید هر کسی را کار مهم پیش آید، این پنج آیه (آخر آل عمران) را بخواند خداوند او را از آنچه می ترسد رهایی می بخشد، چون می فرماید (فاستجاب لهم ربهم) (219) لعلکم تتقون، در مثل

صوم فرمودن، برای این است که این عمل اگر با شرایط دیگر که لازم است آورده شود، اگر انجام گرفت، حتماً به مراد که تقوی

است می رسید، اگر از شرایط دیگر چیزی را فاقد شد، تقوی حتمی نیست، پس قرآن حق گفته، این تعبیرها از نشانه های واقع بینی قرآن است (236) و خلق منها زوجها (یعنی از بشر است زوج او، یعنی زن و مرد هم جنس هستند،) و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیهما) مؤید این مطلب است، طبق فرمایش امام باقر (علیه السلام) حضرت حواء، از مازاد خاک حضرت آدم (علیه السلام) خلق شد 246 ذکر کلمه والارحام، بعد کلمه الله علاوه بر اهمیت صله ارحام، اشاره باشد بر اینکه ای مردم، با همدیگر چون از یک پدر و مادر هستید، رحم می شوید، به همدیگر محبت کنید 248) و ان خفتم الا- تقسطوا فی الیتامی (، مرادش روشن است، یعنی در ازدواج با دختران یتیم، اگر حق آنها را ملا-حظه کردید خوب، و الا- از غیر یتامی بر خود همسر انتخاب کنید، اگر خواستید چند زن بگیرید، با ملاحظه عدالت خوب است، و اگر عدالت نیست یکی کافی است 251).

تعدد زوجات را اسلام اصلاح کرد

تعدد زوجات را اسلام تأسیس نکرد، قبل از اسلام بدون قید و شرط موجود بوده، و اسلام آن را به صورت مشروط اجازه داد 257 (صدقاتهنّ نحلّه)، نحلّه از نحل (زنبور عسل)، مهر زنان عطیّه خداست، بر آنها برای جبر ضعف جسمی زن 262).

فلسفه وجوب اعطاء صداق

در جاهلیت مهر مال اولیاء می شد، کسی خواهر خود را زن دیگری می کرد که، او هم خواهر خود را زن این بکند، و دست هر دو خالی می ماند، اسلام مهر را حق مسلم زن قرار داد، سؤال زن و مرد از همدیگر استفاده جنسی می برند، چرا مرد مهر بدهد، وانگهی صداق دادن توهین بزن است که، ازدواج شکل خرید و فروش به خود می گیرد، جواب جای انک-ار نیست که، در موقع جدائی (طلاق) زن خس-ارت بیشتر می بیند به چند دلیل: ا. معمولاً درآمد بیشتر برای مرد است. ب. باگذشت قدری از عمر، زمینه انتخاب همسر جدید، بر زن کمتر است با ازدواج اول، زن اصل سرمایه از دست داد. ج. مهر دادن مانع تمایلات مرد بر طلاق می شود، اگر مهر بر ذمه شوهر باشد، اندوخته خوبی برای آینده زن می شود 264 تفسیر غلط بعضی ها از کلمه مهر (ثمن قرار دادن آن) ارتباط به قوانین اسلام ندارد. صیغه نکاح بهترین دلیل است که، در آن زن و مرد را رکن قرار داده، و صداق در حاشیه است، اگر مهر در صیغه گفته نشود نکاح باطل

نمی شود، بلی در صورت آمیزش جنسی مهرالمثل لازم می شود، بر خلاف خرید و فروش که ثمن در آن رکن است، و شاید تعبیر قرآن از مهر به عنوان نحلّه برای ردّ ثمن بودن آن باشد 265).

چرا اسلام تعدد زوجات امضاء فرمود

اسلام تعدد زوجات را یک نوع ضرورت اجتماعی حساب کرده است، به چند دلیل: ا. مردها در حوادث زندگی بیش از زن ها قربانی می شوند. ب. زن ه-ا زودتر از مرده-ا آمادگی جنسی را از دست می دهند. ج. زن در ایام عادت، و وضع حمل، ممنوعیت دارند. د. پس از مردن شوهر، زن ها نمی توانند به عنوان همسر اول مورد توجه مردها قرار بگیرند، اگر تعدد زوجات نباشد، چنین زنانی الی الابد محروم خواهند شد، چطوری که در مطبوعات مختلف می خوانیم که، چنین زنانی عدم تعدد زوجات را یک نوع ظلم، برای خودشان حساب می کنند 257 با ملاحظه این ادله یکی از این سه راه انتخاب شود، ا. هر مرد یک زن و زنان بیوه الی الابد محروم شوند ب. یک زن رسمی و با زنان بیوه رابطه نامشروع برقرار شود ج.

هر مرد یک زن، و زنان بیوه مشمول قانون تعدد زوجات اسلامی قرار بگیرند، در مسئله 3 زاویه ای، از زاویه زن بیوه هم باید نگاه کرد، این راه، هم جواب نیاز فطری زنان را می ده، و هم جلوگیری از فحشاء می کند، انتخاب راه دوم، شخصیت زن را لگدمال می کند، و علاوه آینده نخواهد داشت، و تأمین اش معلوم نیست 258.

کلیساء اجازه نداد بعد از جنگ دوّم در آلمان از قانون تعدد زوجات استفاده شود به فحشاء کشیده شد

غربی ها و غرب زده ها در بعضی از مواقع متوسل به قانون جواز تعدد زوجات اسلامی شده اند، بعد از جنگ دوم، در آلمان متفکران مجبور شدند که، از الازهر مصر راجع به تعدد زوجات اطلاع یابی کنند، لکن در برابر حمله کلیساء، سکوت کردند فحشاء منتشر شد، از همه اینها گذشته بعضی از مردها احتیاج شدید به همسر دیگر پیدا می کنند مثل عقیم بودن زنش یا عدم توانائی زن به غریزه 259.

بر خلاف آنچه مشهور است میل جنسی در مردها بیشتر است

سؤال اگر زنی شرایط بالا را داشته باشد اجازه تعدد شوهر داده می شود؟ جواب این سؤال منفی است به چند دلیل: ا. بر خلاف آنچه پیش عوام مشهور است، میل جنسی در مردان بیش از زن هاست، در کتب علمی سرد مزاجی غالب زن ها، مورد بحث است، حتی در سایر جانداران تمایل جنسی غالباً از طرف

جنس نر است ب. تعدد همسر بر مردها چندان مشکل ایجاد نمی کند، بر خلاف تعدد شوهر بر زن ها، کوچکترین مشکل مجهول بودن نسب فرزند است، چنین فرزند مورد حمایت هیچ یک از شوهران نخواهد

شد، حتی به عقیده دانشمندان، چنین فرزندی کمتر مورد عنایت مادر هم خواهد شد، پس فرزند از نظر عاطفی، در محرومیت مطلق قرار خواهد گرفت، و از نظر حقوقی نیز وضعیتش کاملاً مبهم است، و وسائل پیش گیری از انعقاد نطفه، اطمینان بخش نیست پس تعدد شوهر منطقی نیست، در حالی که تعدد زن، منطقی است 261.

شخصیت یتیم ها را با تعبیرات قشنگ بالا ببرید

آیه (و ارزقوهم فیها) می رساند، که خرجی یتیمان را از درآمد اموالشان قرار بدهید که، اصل سرمایه از بین نرود، (و قولوا لهم قولاً معروفاً⁽¹⁾)، می رساند که شخصیت آنها را با تعبیرات قشنگ بالا ببرید 270.

نعمت اجتماع در بهشت از بالاترین نعمت هاست

در اینکه اهل بهشت را به صیغه جمع (خالدین) و اهل دوزخ را به صیغه مفرد (خالداً) شاید اشاره باشد به نعمت اجتماع در بهشت که، از بالاترین لذت هاست، ولی جهنم به خود مشغول است 302 از جمله مصادیق خیراً کثیراً بر کسانی که زنان ناسازگاه دارند، و مدارا می کنند، فرزندان برجسته است 321 ازدواج با محارم مورد تنفر همه انسانهاست، حتی مجوسی ها، با اینکه در منابع اصلی قائل به جواز آن هستند، ولی امروزها انکار می کنند، این انکار دلیل فطری بودن آن است 327 کوچک ترین اجزای یک جسم مرکب، مولکول، و کوچک ترین اجزای یک جسم بسیط، اتم است، دومی به مراتب از اول کوچک تر است، حتی اتم با قوی ترین میکروسکوب ها دیده نمی شود، فقط از طریق فورمول های علمی، و از طریق عکسبرداری های خاصی، ثابت می شود 389 استعمال حرف «س» درباره مؤمنین، و استعمال «سوف» در عذاب کافرین، اشاره به «یا من سبقت رحمته غضبه» است که، حرف «س» در آینده نزدیک استعمال شده، و «سوف» در آینده دور است 428 ماده پوست جدید همان ماده پوست قدیم است، به قول امام صادق (علیه السلام) هی هی و هی غیرها (خشت را خراب کنی و دوباره در قالب بگذاری) معلوم می شود کیفر و پاداش با روح است، و جسم وسیله انتقال پاداش است 429 پس از جنگ احد، 70 نفر یهودی، با

رهبری کعب بن اشرف، برای کوبیدن پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به مکه رفتند، و بت های آنها را سجده کردند الخ 416.

ص: 199

عباس از نفوذ سیاسی پسر برادر می خواست استفاده کند؛ لکن پیغمبر راضی نشد

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) وقتی فتح مکه کرد، از کلیددار کعبه (عثمان بن طلحه) کلید را خواست، و داخل کعبه را از لوث بت ها پاک کرد، عباس عموی پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، از نفوذ اجتماعی و سیاسی پسر برادر، استفاده کرده و خواست که کلید را به او بدهد، لکن پیغمبر (صلی الله علیه و آله) کلید را به عثمان بن طلحه داد، در حالی که آیه (ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها) می خواند 429 از مجمع البیان نقل می کند: دو نفر کودک خطّ نوشته بودند، و امام حسن (علیه السلام) را قاضی قرار داده بودند، امیرالمؤمنین (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام) فرمود: یا بنی انظر کیف تحکم، فانّ هذا حکم و الله سألک عنه یوم القیمه 431 امانت منحصر بر مال نیست، حقایق هم پیش اهل علم امانت است، نباید کتمان شود، فرزندان هم امانت است، حتی وجود خود انسان امانت خدا است، حق انتحار ندارد 432 ثوبان نامی از صحابه به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) خیلی علاقه داشت، محزون به خدمت حضرتش رسید، و علت پریشانی را با هم نبودن در بهشت بیان کرد (نعوذ بالله جهنمی بودن، یا تفاوت درجات بهشتی) آیه نازل شد: (و من یطع الله و رسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم) (1) 459.

ص: 200

از آنجائی که سفرهای جنگی همیشه توأم با خوف است، قید ان خفتم (ان یفتنکم الذین کفروا) قید غالبی است مفهوم نخواهد داشت، به علاوه صلوه خوف خودش آیه مستقلی دارد 98 کلمه موقوت از وقت است، یعنی نماز اوقات معینی دارد، الا اینکه در احادیث به معنی ثابتاً و واجباً تفسیر شده است 105 در پاورقی از قول تبیان، و مجمع البیان، و کنز العرفان، وقت دار بودن را به قولی نسبت داده اند محقق از ابن عباس و بعض دیگر نقل است، پس از جریان احد پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و ابوسفیان بالای کوه احد قرار گرفتند، ابوسفیان گفت این پیروزی ما در مقابل شکست بدر بوده است، مسلمانان به دستور پیغمبر (صلی الله علیه و آله) جواب دادند، فرقی است و آن اینکه شهیدان ما در بهشت، و کشته های شما در دوزخ هستند.

در مقابل شعار ابوسفیان اعل هبل، مسلمانان شعار الله اعلی و اجل دادند

ابوسفیان به صورت یک شعار افتخار آمیز: لنا العزّی و لالعزّی لکم، مسلمانان به دستور پیغمبر (صلی الله علیه و آله) گفتند: «الله مولینا و لا مولی لکم»، پس ابوسفیان شعار اعل هبل (سربلندی باد هبل) مسلمانان: الله اعلی و اجل، ابوسفیان وقتی عاجز شد فریاد زد میعاد ما و شما در بدر صغری (گذشت در ماه ذیقعد بازاری در بدر منعقد می شد) مسلمانان با اینکه زخم زیاد داشتند، وقتی آماده تهاجم شدند، دشمن مدینه را ترک گفت 107 قرآن با فرمایش خود (و الصلح خیر) می فرماید: تکامل انسان در تعاون است نه در تنازع که، مادی ها خیال می کنند، و منشأ این همه جنگ ها شده است 151 حجاج از شهر بن حوشب پرسید: از آیه (و ان من اهل الکتاب) الایه، و گفت من یهود و نصاری را می کشم، و از آنها در دم مرگ ایمان به حضرت مسیح (علیه السلام) نمی بینم، شهر فرمود مقصود قبل موت عیسی (علیه السلام)، نه موت اهل کتاب، در آخر زمان حضرت عیسی می آید و پشت سر حضرت مهدی نماز می خواند، گفت از کجا می گوئی، گفت از امام باقر (علیه السلام)، گفت و الله جنّت بها من عین صافیه 205 بنا به نقل المنار هارون الرشید طبیب نصرانی داشت، روزی گفت قرآن شما عیسی را جزء خدا دانسته (و روح منه) واقدی بلافاصله آیه (و سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض جمیعاً منه)، را خواند و فرمود اگر من بعضیّه باشد باید تمامی آنچه در زمین و آسمان ها است جزء خدا باشد، من نشویه است، نصرانی مسلمان شد، هارون به واقدی جایزه بزرگ داد 223 آیه (کلمته القاها الی مریم)، لفظ کلمه اشاره بر مخلوق بودن عیسی (علیه السلام) است، چطور یک کلمات ما مخلوق ماست 222.

ثار به معنی خون نیامده، خداوند مالک خون بهای حسین (علیه السلام) است، نه وارث او

ثار الله، به معنی خون خدا نیست، به معنی خون بهاست یعنی امام حسین (علیه السلام) شهیدی است که خداوند مالک خون بهای اوست و مربوط به، وارث نیست، امام حسین (علیه السلام) مال عالم هستی است، ثار به معنی خون، در لغت عرب نیامده است 229 بحث حدود پنج صفحه درباره تثلیث 224 سوره مائده درباره عهد و پیمان است، به معنی وسیع خودش که، شامل عهد خداوندی هم است، حرام بودن قسمتی از گوشت ها هم، عهد حساب شده است 248.

از منضم شدن دو آیه، معلوم می شود دین مرضی خدا، با ولایت علی (علیه السلام) است

از ضمّ، (ولیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم) (1) با آی-ه) و رضیت لکم الاسلام دینا، معلوم می شود دینی که مرضی پروردگار است که، در اختیار صالحین قرار می گیرد، دینی است که توأم با ولایت علی باشد 268 الی المرافق حدّ شستن وضوئی را می رساند، مثل اینکه به رنگ کار بگوئی: دیوار اتاق را از کف تا یک متری رنگ بزن، روایات اهل بیت در نقل وضوی رسول الله (صلی الله علیه و آله)، از آرنج شستن را بیان کرده اند 286 با خروج منی تعادل اعصاب از بین می رود، (سستی) در علم ثابت شده که آب تعادل را تأمین می کند، و چون قربه الله در غسل لازم است، پس غسل هم بدن را پاک می کند و هم روح را که، با خروج منی تأثر در آن حاصل شده بود، و به طرف لذت مادی کشیده شده بود 294.

قال (صلی الله علیه و آله) بالعدل قامت السموات و الارض

حدیث نبوی: و بالعدل قامت السموات و الارض، را از تفسیر صافی آیه 7 سوره الرحمن نقل می کند 302 درباره مؤمنین وعد الله، و درباره کفار اولئک اصحاب الجحیم، تعبیر آوردن به مؤمن بهشت را می دهد، نه اینکه عملش مقتضی شود، و بر کافر جهنم نتیجه عمل، نه اینکه جنبه انتقامی داشته باشد 303) فکاتما قتل الناس جمیعاً می گوید انسان خون ناحق ریز، یک قاتل است، و طعمه او انسان بی گناه، و در این چه فرق است بین آن که کشته شد، و انسان های دیگر 355.

روایت توسل حضرت آدم (علیه السلام) را بر محمد (صلی الله علیه و آله) عمر نقل کرده است

روایت توسل حضرت آدم (علیه السلام) به حق محمد (صلی الله علیه و آله)، در کتاب وفاء الوفاء از عمر نقل کرده است 367.

ص: 202

سه تعبیر مختلف برای سه منظور

کسی که بر خلاف حکم خدا حکم می کند به ملاحظه حق خدا کافر، و به ملاحظه حق محکوم، ظالم، و به ملاحظه خروج قاضی از مرز حق، فاسق حساب می شود 399 حتی شیر دادن به بچه سرنماز، فعل کثیر حساب نشده است 428.

نادانی هم حدّ داشته باشد خوب است

با اینکه طبق روایت وسائل الشیعه در وقتی که سر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بر روی زانوی علی (علیه السلام) بود، جبرئیل شعار نماز (اذان) را گفت و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از علی (علیه السلام) پرسید: اذان جبرئیل را شنیدی؟ عرض کرد بلی، فرمود به بلال تعلیم کن، مع ذلک در پاره ای از روایات اهل سنت آمده، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) با اصحاب خود در شعار جمع کردن مسلمین، مشورت کرد، بعضی نصب پرچم مخصوص، و دیگری روشن کردن آتش، و سوّمی زدن ناقوس را، پیشنهاد کردند پیغمبر (صلی الله علیه و آله) قبول نفرمود، تا اینکه به عمر خطاب، و عبدالله بن زید، در خواب اذان را تعلیم کردند، آنها به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) عرض کردند قبول فرمود، آیا این توهین به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نیست که، یک حکم اسلامی را از خواب فلان و فلان عوض وحی بگیرد 439.

خورشید همیشه روز است، و بعضی از ستاره ها همیشه در ظلمت هستند 167 چون در یک ساعت برق آسا از جهان برزخ منتقل به قیامت می شوند، اسم قیامت ساعه شد 205 تعبیر یا حسرتا، گویا شدت حسرت طوری است که، حسرت به صورت موجودی در مقابل چشم او مجسم شده است 206 می گوید چون آیه در مدح حضرت ابراهیم (علیه السلام) است، ضمیر من ذریته به او بر می گردد، بودن لوط (برادر زاده، یا خواهر زاده اش) مانع از اطلاق ذریه نیست، چون بندهیل انسان ذریه حساب می شود 326 در تفسیر المنار، و روح المعانی، از بعضی از مفسرین نقل کرده اند که مقصود از (فقد و کلنا بها قوماً لیسوا بها بکافرین)، ایرانی هستند، به زودی اسلام را پذیرفتند، و در پیش برد آن با تمام قوا کوشیدند، و دانشمندان آنها در فنون مختلف کتاب ها نوشتند 334) لتندر ام القرى و من حولها، منافات با جهانی بودن اسلام نیست، بلکه مؤید هم هست، زیرا خشکی های زمین، از زیر کعبه گسترده شده است، پس مکه ام القرى، و همه نقاط زمین حول ها می شود 345) و هم علی صلوتهم یحافظون، در عین اینکه به اهمیت نماز بین واجب ها، اشاره شده است، به عقیده بعضی ها، در موقع نزول آیات، تنها نماز واجب بوده است 347 از مسلمیات علم زمین شناسی است، بعضی از کوه ها در اعماق اقیانوس ها رفته، و بعضی از ته اقیانوس ها، مبدل به کوه شده است، در آغاز بر اثر باران های سیل آسا، همه زمین از آب پوشیده بود، کم کم آب ها در گودی ها قرار گرفت، و خشکی ها از زیر آن بیرون آمد، و اول جائی که بیرون آمد زمین مکه بود 345.

یکی از ساکنان جزایر خلیج فارس گفت، اثر حیات بخش باران در دریا، بیش از خشکی

جالب اینکه نه تنها گیاهان صحرا، از برکت باران پرورش می یابند، بلکه گیاهان بسیار کوچک که، در لابلای امواج آب دریاها می رویند، و خوراک عمده ماهیان دریاست، از پرتو نور آفتاب، و دانه های باران، رشد می کنند، فراموش نمی کنیم یکی از ساکنان جزایر خلیج فارس که، از کمبود صید شکایت می کرد، و علت آن را خشکسالی معرفی می کرد، و می گفت اثر حیات بخش باران در دریا بیش از خشکی است 369.

قریش معتقد بودند، خدا با اجنه ازدواج کرد، ملائکه زائیده شدند.

از تفسیر مجمع البیان و غیره نقل می کند که، قریش معتقد بودند که، خداوند با اجنه ازدواج کرده، و ملائکه ثمره این ازدواج اند، (و جعلوا بینه و بین الجنه نسباً) 377 از تفسیر المنار نقل می کند که اهل سنت عقیده دارند که خداوند در روز قیامت دیده می شود خذ لهم الله و اخزاهم 381.

ص: 205

جبری هم آزادی قائل است

قائلین به جبر محکوم می کنند کسی را که بر آنها ظلم کند، این خودش دلیل آزادی ظالم است 22 و مأمور شدن انبیاء بر دعوت، دلیل آزادی اراده، و اختیار، انسان است 23 عوض نهی از آزار والدین، احسان کردن را بیان می کند، می رساند که مضافاً بر حرمت آزار، نیکی ضرورت دارد، و آوردن باء حرف جر، دلیل این است که نیکی به طور مستقیم لازم است، تحقیقی از تفسیر المنار 33.

* قتل فرزندان از ترس گرسنگی، در قرن بیستم، به طرز دیگر

* قتل فرزندان از ترس گرسنگی زمان جاهلیت، در قرن بیستم به طرز گسترده ای، انجام می گیرد (جلوگیری و سقط جنین) 34

یک روز، در مقابل یک روز، و شصت روز به احترام ماه رمضان است

* اشکال: سینه یکی به یکی است، پس چرا عوض یک روز ماه رمضان 61 روز می شود، جواب: 60 روز آن به احترام رمضان است، در بعضی از روایات آمده گناه در ماه رمضان شدیدتر است، چطوری که حسنه زیادتر می شود، مثلاً یک ختم قرآن در رمضان، برابر 70 ختم آن است، در غیر آن 57.

به ابلیس بگو آتش هم موادش، از خاک است، مثل درخت

ابلیس بی خود اصل خود را بزرگ می شمرد، به دلیل اینکه مواد آتش از زمین است، مثل درخت، ان قلت زمین در روز اول، وقتی از خورشید جدا شد، آتش بوده است، قلت تا آتش آن مبدل به خاک و گل نشد، منشأ حیات و زندگی نشد، از همه اینها گذشته امتیاز حضرت آدم (علیه السلام) به جسم آن نبود، بلکه به روح خلیفه الهی او بود 100 المنار گوید مؤذن بودن علی (علیه السلام) بین اهل بهشت و جهنم معلوم نیست که فضیلت باشد، جواب کما اینکه قرائت سوره توبه در موسم حج، بر کفار فضیلت بود، اذان بین بهشت و جهنم هم فضیلت است، این اذان نتیجه آن اذان است، و آلوسی گوید مؤذن بودن علی (علیه السلام) از طریق اهل سنت ثابت نیست، جواب از حاکم حسکانی در ص 181 گذشت 182) و النجوم مسخرات بامره، ضمیر مسخرات، به همه آفتاب و ماه و ستارگان برمی گرداند، (همه به فرمان او هستند)

206 در آیه عذاب یوم

ص: 206

عظیم، صفت عظیم موصوفش را یوم دانسته 220) مشارق الارض و مغاربها (را کنایه، از وسعت خاک مصر و فراعنه گرفته، چون افق های مختلف وسعت را لازم گرفته 329).

در مکه 17 مرد، و یک زن سواد داشتند

در مکه 17 مرد و یک زن فقط، خواندن و نوشتن بلد بود 400 پیغمبر (صلی الله علیه و آله) درس نخوانده بود، و بی سواد هم نبود، با تعلیم خدا خواندن و نوشتن بلد شد 401 عباراتی در تورات، و انجیل فعلی، است که بشارت به آمدن پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می دهد 404.

ص: 207

بت پرستان نام بت های خود را از نام خدا مشتق می کردند، لات را از الله، عزّی، را از عزیز منات را از منّان، یلحدون فی اسمائه 24 فخر رازی مدعی است که، تمام صفات پروردگار، به دو حقیقت بازگشت می کند، بی نیازی ذاتش از همه چیز، 2 نیازمندی دیگران به ذات پاک او 48 جلد هفتم، در تبعیدگاه مهاباد و انارک نوشته شد 149 از جمله احتمالات (و ما کان الله معذبهم و هم یستغفرون)، یکی هم این است قریش پس از گفتن (فامطر علینا حجاره من السماء)، فوری پشیمان شدند، و گفتند (غفرانک ربنا) 154.

* مصرف قسمتی از خمس، به فقرا سادات، تبعیض نیست، دیگران از زکوة و آنها صندوق حکومتی گرفتاری شان را برطرف می کنند

اختصاص نیمی از خمس به سادات، تبعیض و نژاد دوستی نیست، به دلیل اینکه سادات بر اموال عمومی، دست شان باز نشود (زکات) برای گرفتاران آنها، از صندوق حکومتی کمک می شود، بقیه خمس با کسر مصرف شخصی امام (علیه السلام)، مربوط به حکومت می شود، پس امتیازی بر بنی هاشم نشد، برای هر گرفتاری مصرفی است، زکات باشد اسم آن یا خمس، در روایت آمده عده ای از بنی هاشم از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) خواستند که، آنها را برای جابیه زکات بفرستد، تا از سهم عاملین آن بهره ای ببرند، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود زکات برای من و شما حلال نیست، به جای این محرومیت وعده شفاعت به شما می دهم (182) و تذهب ریحکم، اشاره لطیفه است بر حفظ آبروی، چون باد به پرچم که می خورد، نشانه بقاء قدرت می شد، و علاوه وزش باد موافق، کشتی ها را به جریان می انداخت 196

* جنگ جویان صلیبی در عرض دوست سال، با دادن میلیون ها کشته، نتوانستند فلسطین را از دست مسلمین بگیرند، مع الاسف در عرض 6 روز به آسانی خارج شد

سرزمین فلسطین، یک روز کانون عظمت مسلمین بود، حتی جنگ جویان صلیبی، با میلیون ها کشته و مجروح، در طی 200 سال نتوانستند از دست آنها بگیرند، مع الاسف در عرض شش روز، به آسانی از دست شان خارج شد، پس گرفتن یک و جب آن، سال ها چانه زدن لازم دارد، و معلوم نیست پایانش به کجا بیانجامد، (ذلک بانّ الله لم یک مغیراً نعمه انعمها علی قوم، حتی یغیروا ما بانفسهم) 210.

یکی از دانشمندان اهل سنت گفت، شیعه می تواند تمامی اصول و فروعش را، از کتاب های ما اثبات کند

در گفتگویی که با یکی از دانشمندان اهل سنت داشتم، وقتی سخن از احادیث امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به میان آمد، جمله عجیبی گفت (به عقیده من شیعه می تواند تمامی اصول و فروعش را، از کتاب های ما اثبات کند) ولی برای اینکه خودش را یکباره راحت کند، گفت پیشینیان ما افراد خودش باور بودند، هر حدیثی را که شنیده اند، در کتاب هایشان نوشته اند، ما نمی توانیم هر چه آنها نوشته اند به سادگی قبول کنیم، به او گفتم اینکه روش محققانه نیست که، انسان مکتبی را روی یک سلسله وراثت ها بپذیرد، بعد هر حدیثی را که موافق باشد صحیح، و هر حدیثی را که موافق نباشد، به حساب خودش باوری گذشته ها بگذارد، باید خودتان را از هر عقیده موروثی خالی کنید، سپس از مدارک منطقی انتخاب عقیده کنید 325.

جزیه مالیاتی است که، کافر ذمی با دادن آن، تحت حمایت حکومت اسلامی می شود

جزیه از جزاء است، در مقابل حمایت اسلامی کافر ذمی می دهد، تحقیر کسی که به شرایط جزیه مواظبت دارد، نه در ماده صاغرون خوابیده، زیرا که صاغر به کسی گفته می شود، که به کوچکی راضی شود، و نه با روح اسلام سازگار بوده، و نه با سایر دستوراتی که، درباره اقلیت های مذهبی رسیده مناسب است 354.

اهل کتاب با دادن جزیه، از حضور در جهاد واجب بر مسلمانان معاف می شوند

درباره جزیه که مالیات سرانه سالیانه است، بیان خوبی دارد، و اشکالات را جواب می دهد، اهل کتاب با دادن آن، از حضور در جهاد که بر مسلمانان لازم است، معاف می شوند 355 عهدنامه خالد بن ولید با صلویا بزرگ مسیحیان، مورخ به ماه صفر سال دوازدهم 357.

روایات ظهور، از نظر ابن تیمیّه هم، از متواترات است

حدود یک سال پیش، شخصی به نام ابو محمد، از کنیا نامه ای نوشت به مجله رابطه العالم الاسلامی که: زیر نظر وهابی هاست، و سؤال درباره ظهور حضرت مهدی (عج) کرد، دبیر کل مجله (محمد صالح القزاز) در جواب نوشت اخبار حضرت مهدی از متواترات است حتی از نظر ابن تیمیّه و در این موضوع پنج نفر از علمای فعلی حجاز رساله ای را تنظیم کرده و به کنیا فرستادند 375 نام حضرت مهدی را برده اند، و محلّ

ظهورش را مکه دانسته اند، و نوشته اند که حضرت مهدی آخرین خلفای راشدین دوازدهگانه است که،

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از آنها خبر کرده، و روایاتش در صحاح است، و از بیست نفر صحابی که راوی روایت حضرت مهدی (عج) است اسم برده اند، و هکذا از صحابه سخنانی نقل کرده اند که، در حکم روایت است، معلوم می شود که از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) شنیده اند و حرف پیش خودی نیست 376 اسامی کسانی را که درباره حضرت مهدی (عج) کتاب مستقلی نوشته اند، برده اند و آخرین کسی که در این باره بحث مشروحی دارد، مدیر دانشگاه اسلامی مدینه است که، در چندین شماره مجله دانشگاه مزبور، بحث کرده است 377 در آخر می نویسد تنها ابن خلدون است که با حدیث بی اساسی روایات مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را انکار کرده است، و آن حدیث لامهدی الاعیسی (علیه السلام) است، همه بزرگان حرف ابن خلدون را رد کرده اند، و ابوالعباس ابن عبد المؤمن المغربي، در رد او کتاب الوهم المکنون فی الرد علی بن خلدون نوشت، سی سال قبل در شرق و غرب انتشار یافت 378.

اثرات سازنده انتظار ظهور

ده صفحه در اثرات سازنده انتظار ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 378-388 دفاعیه غلط مؤلف المنار، از عمل عثمان با ابوذری 399.

اسلام با صلح طلبی اش، سالی چهار ماه آتش بس اعلان می کند، در ویتنام، به یک روز راضی نشدند

اسلام با روح صلح طلبی خود، در هر سال چهار ماه آتش بس اعلان می کند، در حالی که در جنگ بیست ساله ویتنام، سعی کردند در اول سال مسیحی یک روز آتش بس اعلان شود که، فاصله افتادن یک روز، در جنگ سردی ایجاد کند قبول نشد 408 فخر رازی با بافتن آسمان و ریسمان به همدیگر، می خواهد دوازده فضیلت، از آیه غار بر ابوبکر بسازد 421 محقق گوید با ملاحظه فرمایش امام باقر (علیه السلام) در کتاب بحار الانوار، جلد 27، ص 323؛ و فرمایش امام صادق (علیه السلام) در بحار الانوار، جلد 30، ص 231، ماهیت ایمانی ابی بکر، از آیه غار برای اهل فن ثابت و روشن می شود.

ص: 210

مشهور وجوب زکوة در سال دوم هجری است، لکن از چند سوره مگى، وجوب آن استفاده می شود

طبق مشهور زکوة در سال دوم هجرت واجب شد، لکن از چند سوره مگى وجوب زکات در مکه استفاده می شود که، زکات دهنده ها خودشان به مصرف می رسانیدند، پس از ورود پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مدینه، با تشکیل حکومت اسلامی، مأمور به أخذ زکات شد 9 می گوید ولکن قبول کردن مشکل است که، امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جنگ ابوبکر با مانعین زکات، شخصاً یکی از پرچمداران، در میدان جنگ بود 11 از کلمه (تفریقاً بین المؤمنین) درباره مسجد ضرار، بعضی از مفسرین می گویند که، دو مسجد نزدیک هم نشود که، یکی در کمی اجتماع دیگری اثر بگذارد 138.

همه حرکت ها از آفتاب است

اگر دقت کنیم هر حرکت و جنبشی در روی زمین پیدا می شود، حتی حرکت بادهای و امواج دریاها، و جریان رودها، از آفتاب است 224 تعبیری که از انسان در قرآن آورده: مثل بشر، قنور، ضعیف، عجول در دو صفحه 239) و ما کان الناس الا امه واحده، یعنی همه به فطرت توحیدی بودند، فاختلفوا یعنی افکار کوتاه شرک را تولید کردند، در نتیجه جامعه انسانی دو گروه شدند، اگر فرمان سابق الهی دایر بر آزادی بشر که، رمز تکامل و پیشرفت اوست، نبود خدا مشرکان را کیفر می داد 252 کریمه) ان الظن لایغنی من الحق شیئاً، مربوط به ظن های قابل اعتماد عقلاء نیست، این آیه در مسئله حجیت ظن تأثیری ندارد 286.

آیات نازل در مگه کوتاه، و آیات مدنی بلند هستند

آیات نازل در مکه کوتاه و آنچه در مدینه نازل شده بلندتر هستند 290.

سید قطب و نماز جمعه اش در قلب اقیانوس اطلس

سید قطب می گوید: ما شش نفر مسلمان مصری، اقیانوس اطلس را به سوی نیویورک می پیمودیم، و جمع مسافرین 120 نفر بودند، روز جمعه در قلب اقیانوس خواستیم نماز جمعه بخوانیم خواستیم یک حماسه اسلامی در مقابل یک مبشر مسیحی که، می خواست حتی ما را هم تبلیغ کند انجام دهیم با اجازه ناخدای

کشتی که، یک نفر انگلیسی بود، اقامه نماز کردیم، و اجازه داد کارمندان کشتی که همه مسلمان آفریقایی بودند، در نماز شرکت کنند، مسافری دیگر دور ما حلقه زده بودند، و ناظر اعمال ما بودند، پس از اتمام نماز گروه زیادی آمدند، این موفقیت ما را (نماز جمعه در قلب اقیانوس) تبریک گفتند، یک خانم مسیحی یوگسلاوی که، از جهنم کمونیسم آنجا فرار کرده بود، در حالی که اشک چشمانش سرازیر بود، از ما پرسید این چه عملی بود، و نمی دانست که غیر روحانی، و غیر کشیش، یعنی آدم شخصی هم می تواند اقامه مراسم دینی کند، پرسید به چه لغتی شما حرف می زنید؟ گفتیم به عربی، گفت در لابلای حرف شما جملاتی بود دارای آهنگ فوق العاده مؤثر بود، فکر می کردم امام نماز هنگام ادای این جملات مملو از روح القدس است، گفتیم این جملات آیات قرآنی بود (1) 294) یوم یحشرهم کان لم یلبثوا الا ساعه من النهار یتعارفون(، این احساس کم بودن مقدار اقامت در دنیا، یا از این جهت است که مقدار توقف برزخی در مقابل عمر آخرت ساعتی بیش نیست، و یا برای این است که این دنیای ناپایدار گوئی یک ساعت است، و یا به خاطر عدم استفاده از عمر دنیا، خیال می کنند که همه عمرشان بیش از یک ساعت ارزش ندارد، و یا از این جهت است که دوران برزخی شبیه حالت خواب است، بیش از یک ساعت نیست 303 یک فوت کردنی در ظرف کوچک، تلاطم ایجاد می کند، ولی اقیانوس آرام از بس که بزرگ است، طوفان های شدید در آن مؤثر نیست، لذا آرام نامیده شد 334 .

ص: 212

1- . سخن نگارنده: چه فایده، همین سید قطب، در تفسیر خود در تفسیر آیه (لاتقربوا الصلوة و انتم سکاری) (نسبت عرق خوردن، به سیدالموحیدین علی (علیه السلام) داده است.

کشتی حضرت نوح شش ماه در حرکت بود (دهم رجب تا عاشورا، یا اول آن تا آخر ذیحجه الحرام) 109 مجید یعنی قبل از استحقاق طرف نعمت می دهد 174.

ربا و زنا

زنا، با ربا، چون در فساد اخلاقی و اشاعه فساد یکی هستند، لذا یک درهم ربا، با زنا مقایسه شده است در لسان اخبار، ولو اینکه یکی انحراف جنسی، و دیگری انحراف اقتصادی است 210

حاضر نشد قدم روی خود بگذارد

یک اسب سواری بر نهر آبی رسید، اسب حاضر نشد از آن بگذرد، حکیمی گفت آب را گل آلود کنید، کردند، اسب رد شد، سبب پرسیدند گفت: او عکس خود را در آب دید، حاضر نشد قدم روی خود بگذارد 219 جبری ها فقط در مقام گفتار جبری هستند، به دلیل اینکه کسی اگر بر حقوق آن ها تعدی کند او را محکوم می کنند، و نمی گویند که او بر این تجاوز مجبور است، و بی اختیار انجام داده است 238.

گم را میزان قرار نده، کیف ملحوظ است

خلود عذاب طبق آیه 81 بقره) بلی من کسب سیئه و احاطت به خطیئته فاولئک اصحاب النارهم فیها خالدون (بر کسانی است که، تمام روزنه های نجات را بر روی خود بسته اند، این اشتباه است که مدت گناه را با مدت عذاب قیاس کنند، گم میزان نیست، کیف ملحوظ است، قاتل قتل را در یک لحظه انجام می دهد تمام عمر زندانی می شود، کسی چند روز مشروبات الکلی می خورد، تا زنده است ناراحتی معده می کشد، یا دستورات رانندگی را ملاحظه نمی کند، یک عمر فلج می شود، کسی بر سر راهش تخم خار مگیلان می پاشد، پس از مدتی عبور و مرور را ممنوع می کند، 241 ابن عباس می گوید حضرت یوسف (علیه السلام) شب جمعه که مصادف با شب قدر بود، آن خواب را دید 308 در بعضی از مسابقات شتر دوانی را خود پیغمبر (صلی الله علیه و آله) داوری می کرد 335.

حضرت یوسف (علیه السلام) وقتی برادرانش او را می زدند، خنده اش گرفت

در روایتی آمده وقتی برادرها بر یوسف (علیه السلام) می زدند، و می خواستند او را به چاه بکشند، یک دفعه یوسف (علیه السلام) خندید، از علت آن پرسیدند، فرمود: روزی به بازوهای شما برادران چشمم

افتاد، خوشحال شدم، و با خود گفتم کسی که این همه بازو و اعوان دارد چه غم دارد، خداوند شما را بر من مسلط کرد،

تا بدانم نباید به غیر خدا تکیه کرد 342 مجمع البیان کانت ضربات علی بن ابیطالب ابکاراً (بی سابقه) اذا اعتلی قدّ (هنگامی که از بالا می زد به طول می شکافت) و اذا اعترض قَطّ (هنگامی که از عرض ضربت می زد دو نیم می کرد) قدّ، شکاف طولی، قَطّ، شکاف عرضی 383 مراتب نه گانه عشق اسم مرتبه هفتم شعف است از تفسیر روح المعانی 393.

ص: 214

برکات سه گانه رعد و برق: آبیاری، و سمپاشی، و کود رسانی، در گیاهان شرح 149 بعضی از دانشمندان می گویند: به هنگام بروز بعضی از بیماری ها واگیر، همچون وبا، علت مرگ اکثرشان ترس است (210) الا بذكر الله تطمئن القلوب (مربوط به نگرانی های ویرانگر است، اما ترس از خدا سازنده است، می باید باشد، چون انسان را به انجام وظیفه در مقابل خدا، و خلق وا می دارد 215).

بداء در خدا به معنی ابداء است

بداء در خدا به معنی ابداء است، خدا برای اهمیت صدقه دادن، نمردن عروس را ابداء کرد، هکذا اهمیت توبه در جریان قوم حضرت یونس (علیه السلام)، و کذا اهمیت قبول امتحان، در جریان ذبح حضرت اسماعیل (علیه السلام)، انبیاء (علیه السلام) با دیدن لوح محو و اثبات (نه با دیدن ام الكتاب که تخلف پذیر نیست) از وقوع چیزی خبر می دهند، روایت: ما عرف الله حق معرفته من لم يعرفه بالبداء در نه صفحه 241 علت مفرد آوردن نور، و جمع کردن ظلمت، اشاره به اینکه: ظلمت ها موجب تفرقه، وحدتی ندارند، بر خلاف نیکی ها و پاکی ها که، در پرتو نور توحید است 263 قال (صلی الله علیه و آله): خطاباً لعدی بن حاتم، دفع عن ابيك العذاب الشديد بسخاء نفسه، سفینه البحار 316.

در زمستان درخت هم میوه داشت، و هم برای میوه جدید گل کرده بود

خود ما بعضی از درختان را در مناطق گرمسیر دیدیم که، هم میوه داشت، و هم مجدداً گل کرده بود برای میوه جدید، و این در حالی که فصل زمستان بود 335 تسخیر در فرهنگ قرآن به دو معنی آمده است، 1- در خدمت مصالح انسان بودن، مثل تسخیر آفتاب و ماه، 2- زمام اختیار در دست بشر بودن، مانند کشتی، و دریا، تسخیر آفتاب را به معنی مسلط بودن بر آن، مثل رفتن به کره ماه حساب کنی، معلوم نیست که درست باشد، به دلیل (و سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ) جاثیه آیه 13، در حالی که می دانیم مسافرت فضانوردان به همه کرات آسمانی، قطعاً محال است 356 .

مخالفین انبیاء(علیه السلام) روی نابخردی خویش، صفات ضدّ و نقیض به آنها می دادند، گاهی مجنون و گاهی ساحر می گفتند، در حالی که ساحر بر کسی اطلاق می شود که، از هوشیاری خاصی بهره مند می شود 14.

* با ملاحظه اینکه در زمان پیغمبر(صلی الله علیه و آله)، 70 نفر حافظ قرآن شهید شدند، چطور ممکن است تحریفی در آن رخ بدهد

مسلمانان بر قرآن هرچه بیشتر ارج قائل می شدند، حتی تعلیم آن را مهر زنان قرار می دادند و کودکانشان را بر تعلیم آن آشنا می کردند، و فعلاً در پاکستان طبق اظهار یک اهل اطلاع، یک میلیون نفر حافظ قرآن وجود دارد، در زمان ابوبکر چهارصد نفر، و در زمان پیغمبر(صلی الله علیه و آله) در جنگ بئر معونه هفتاد نفر، حافظ قرآن شهید شدند، با این وضع چطور می شد که تحریفی در آن رخ بدهد 22 و 23 مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی در شرح حال استادش محدث نوری، در اول مستدرک الوسائل می نویسد، از استاد زیاد می شنیدم که می گفت، مطالب فصل الخطاب را عقیده ندارم، به عنوان بحث علمی نوشته ام، بهتر بود اسم آن را فصل الخطاب فی عدم تحریف الكتاب می گذاشتم، و روایات تحریف را خلاف قرآن می دانست، می بایست به دیوار زده شوند 31 در هیچ زمانی نشده که، مطالب حقّه عکس العملی از لجوجان نداشته باشد، انبیاء(علیه السلام) همیشه با آنها در کشمکش بودند 37 هر کدام از اصل تکامل انواع، یا اصل ثبوت انواع، را قبول کنیم، برای توحید هیچ خطری رخ نخواهد داد، خود داروین وقتی در مقابل اتهام کلیساء قرار گرفت، نوشت من در عین قبول تکامل انواع، خدا پرستم، و اصولاً بدون قبول وجود خدا، نمی توان تکامل را توجیه کرد، راستی هم چنین است، زیرا که از یک ماده ساده و پست، تولید این همه مشتقات شگفت انگیز، بدون تکیه بر یک قدرت بی پایان، امکان پذیر نیست 86 بحث تکامل یا ثبوت از 81-89 بر خلاف تصور بعضی ها که فکر می کنند، قرآن در همه جا از نعمت های مادی بهشت حرف می زند، در این پنج آیه (45-50) سوره حجر، از نعمت های معنوی هم سخن رانده است 94.

هر قومی رسول داشتند گاهی خود پیغمبران و گاهی نماینده آنان مقصود از (ولقد بعثنا فی کل امه رسولا) ابلاغ دستورات پیغمبران است، بی واسطه مثلاً در مدینه، و با واسطه به وسیله نماینده های انبیاء(علیه السلام) 228.

ملائکه هائی از اول خلقت تا قیامت در سجده اند، روز قیامت سر از سجده برمی دارند، و گویند ما عبدناک حق عبادتک از قول رسول خدا(صلی الله علیه و آله): خداوند ملائکه هائی خلق فرمود از اول خلقت تا روز قیامت در سجده اند روز قیامت سر از سجده بر می دارند و می گویند ما عبدناک حق عبادتک 256 مقصود از دابّه جسمانی هاست و لذا ملائکه را جداگانه ذکر کرده است و لله یسجد ما فی السموات و الارض و الملائکه، از این معلوم می شود جنبنندگان مخصوص زمین نیست، در آسمان هم هستند 255 در روایات آمده شیر عقل انسان را زیاد، و ذهن را صفا، و چشم را روشنی داده، و نسیان را برطرف می کند، و قلب را تقویت، و پشت را محکم می کند 293 خاصیت های غسل 302 آیه) یوم نبعث من کل امه شهیداً علیهم الایه(دال است بر وجود معصوم در هر زمان، تا بتواند حق شهادت را ادا کند، فخر رازی پس از اقرار به اینکه، شاهد باید جایز الخطاء نباشد، زیرا که در صورت جایز الخطاء بودن، برای خودش شاهی لازم می شود، آن وقت تسلسل لازم می آید، لکن شیطانش به قلم او گذاشته که، این شاهد اجماع امت است، و از این طریق اجماع را حجت کرده است، غافل از اینکه آیه، شاهد را از جنس امت قرار داده است 360 طبق حدیثی هر وقت امام باقر(علیه السلام) نماز جمعه می خواند، آخرین سخن اش در خطبه نماز، آیه) ان الله یامر بالعدل و الاحسان(الایه بود 372 قرآن عمل صالح را با ایمان با هم ذکر می کند، زیرا هر عملی با ایمان توأم نباشد، از آفات خالی نیست، مثل ریا و عجب، مثلاً کسی بیمارستان را برای رضای خدا بسازد، به فکر محکم کاری آن است به خلاف اینکه برای تظاهر بسازد، اولی به بقاء خدا باقی است به خلاف دومی 393.

علت خشونت اسلام درباره مرتد فطری

علت خشونت اسلام درباره مرتد فطری، برای این است که مسلمان زاده که، وارد به محتوای دین است، اگر از دین خارج شود، دزد چراغ به دست برای اسلام خواهد بود، این خیانت است نه اشتباه، و شبیه این

قانون در بسیاری از کشورهای شرق و غرب، وجود دارد 427 پاورقی: احادیث تفسیر عیاشی مرسلات است 431.

فاصله بین مسجدالحرام، و مسجد اقصا، بیش از صد فرسخ است 8 کلمه عبد در آیه نشانگر این است که، معراج تجسم بوده است، نه تنها به روح، زیرا که سیر روحانی شبیه حالت خواب است، و معراج در بیداری شد 9 مسجد اقصا در منطقه سرسبز، و درخت، و آب ها، واقع شده (بارکنا حوله) 10 بشارت از بشره (صورت) گرفته شده بهر تأثیری در صورت بگذارد، اطلاق می شود خواه سرور یا غم، پس استعمال بشارت در (الذین لایؤمنون) درست است 38.

حتی بر روی نهر آب، برای وضوء زیاد آب بریزی، اسراف می شود

تفسیر صافی: آب وضو را زیاد بریزی اسراف حساب می شود از نظر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، حتی بر روی نهر آب (87 فکائما قتل الناس جميعاً) شاید اشاره بر این باشد که، آدم قاتل بی ایمان از دنیا برود، به دلیل (من قتل مؤمناً متعمداً فجزائه جهنم خالداً فیها) 105.

لباس هم تسبیح می گوید

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به عایشه می فرماید این دو لباس مرا بشوی، عرض می کند دیروز شستم، می فرماید اما علمت ان الثوب یسبحن، فاذا اتسخ انقطع تسبیحه، نگارنده گوید این حدیث تسبیح به زبان قال را می رساند، چطوری که عربی زبان عجمی را نمی فهمد، ما هم زبان لباس را، و توجیه مؤلف وجیه نیست 139 آیه (قل عسی ان یکون قریباً) در مقابل زندگی بی پایان آخرت، عمر دنیا هر اندازه باشد، لحظه زود گذری بیش نیست، تازه اذا مات الانسان قامت قیامته 155 فتیل، رشته بسیار نازک در شکاف هسته خرما، تقیر در پشت هسته خرما، قطمیر پوسته نازکی که هسته خرما را پوشانیده 202 عدّه ای از فقها احتیاط کردند که، در نماز شفع قنوت نخواند، و اگر خواند رجا بخواند 232 ده سال طول کشید که تفسیر نمونه به نصف قرآن، از نظر حروف رسید 377 از ابن عباس نقل است که او ثامنهم، و او اختتامیه است 387.

اگر انشاء الله را در اول فراموش کردی بعد از یک سال هم بگو

در بعضی از احادیث آمده، اگر انشاء الله گفتن در چیزی فراموش کردی، پس از یک سال هم یاد آوردی بگو، به نقل از تفسیر نور الثقلین 390 اشاره به ارتحال علامه طباطبائی، و یاد خیر از ایشان در پاورقی 456 در آیه (وراء المجرمون النار فظنوا انهم مواقعوها) بین اثنین برای این است که آتش بر آنها

می افتد، و آنان هم آتشگیره آتش هستند 465 مضافاً بر اینکه قرآن می فرماید ابلیس از جن است، اثبات

ذریه بر او، از جن بودن را تأیید می کند زیرا که ملائکه ذریه ندارند 466 غداء در لغت عرب به غذای صبحانه، و ناهار، گفته می شود، و در عربی روز، به معنی ناهار اطلاق می شود، و در زمان سابق به صبحانه اطلاق می کردند 483.

جدائی از استاد برای حضرت موسی (علیه السلام) دردناکتر بود

ابوالفتح نسبت به روایت می دهد، سؤال شد کدام ناراحتی دردناک تر شد برای شما موسی (علیه السلام) فرمود: ناراحتی جدایی از حضرت خضر (علیه السلام) 497 در قرن 19 میلادی، در نزدیکی استخر، در کنار نهر مرغاب، مجسمه ای از کوروش کشف شد، همانند بال عقاب دو بال، و تاجی بر سر داشت آن چنان جلب توجه دانشمندان می کرد که، گروهی از دانشمندان آلمان فقط برای تماشای آن، به ایران سفر کردند 547.

ص: 219

بنی اسرائیل هدایا و نذورات فراوان بر احبار خود می آوردند، و حضرت زکریا(علیه السلام) رئیس احبار بود، پول زیاد پیش حضرت بود، به علاوه همسرش از دودمان حضرت سلیمان(علیه السلام) بود، با توجه به وضع مالی حضرت سلیمان و داود(علیه السلام)، اموالی با وارث رسیده بود، لذا حضرت زکریا از خداوند فرزند صالحی می خواهد که، آن اموال را در مصرف خوب خرج کند 10 جوشیدن چشمه آب از زیر پای حضرت مریم، و بارور شدن درخت خشک خرما را، بعضی ها از ارهاصات (معجزه مقدماتی) حضرت عیسی(علیه السلام) می دانند، بعید هم نیست که از کرامات حضرت مریم حساب شود، معجزه پس از دعوت به مبارزه انجام می گیرد 44 در بنی اسرائیل نیکان را به یکی از پیامبرین، و صالحان نسبت می دادند، یا اخت هارون شاید از این باب باشد 51 مهد جایگاه استراحت بچه را می گویند، گهواره باشد، یا بغل مادر، در اینجا دومی ملحوظ است، چون هنوز در بغل مادر بوده است، 52 علی(علیه السلام) درباره پیغمبر(صلی الله علیه و آله) می گوید طبیب دوار بطبه 92 معنی می کند روایت اصول کافی را به اینکه، حضرت اسماعیل در عین انجام کارهایش، یکسال مراقب آمدن آن شخص شد 95) و لهم رزقهم فیها بکره و عشیاً، هدایای مخصوصی که در اوقات نمازی که، در دنیا می خواندند می رسد، و الا- در بهشت هر چه هر وقت خواست می رسد 107 در روایت جابر عنه(صلی الله علیه و آله)، مؤمن و کافر وارد جهنم می شون-د، لکن آتش را از کثرت سردی بر مؤمن فری-اد می کشد، (و ان منکم الا-واردها) 119 حکمت دخول مؤمن به جهنم با اینکه اذیت نمی شود، شاید چسبیدن لذات بهشت باشد بر او، کما اینکه با سرعت رد شدن آن وسیله شدت حسرت باشد بر کافر 120.

مشرکان لجوج، درباره حروف مقطعه، استهزاء نکردند، پس می فهمیدند

از اینکه مشرکان لجوج درباره حروف مقطعه-ه استهزاء نکرده اند، معلوم می شود که معانی آنها را حال-ی می شدند 157 چنانچه راغب گفته شقاوت، ضد سعادت است، و گاهی به معنی رنج و تعب می آید 158 در جانشینی فرق نیست در غیبت رهبر باشد، یا پس از رحلت آن، پس وفات هارون قبل از موسی مانع از او و اشکره فی امری نیست، چنانچه حدیث منزله در جانشینی علی(علیه السلام)، منع ایجاد نمی کند 195 طبق بعضی از روایات موسی(علیه السلام) مأمور شد، فرعون را با بهترین اسماء اش خطاب کند 213.

خروج از وطن ردیف مردن قرار گرفته است

غالب مردم وطن شان را همانند جانشان دوست دارند، لذا در (ولو انا کتبنا علیهم ان اقتلوا انفسکم او اخرجوا من دیارکم)، این دوردیف هم دیگر قرار گرفته است 229 بعضی از مفسرین گفته اند، مسئله ساختن گوساله، در روز 36-38 مفارقت حضرت موسی (علیه السلام) انجام گرفت، روز سی و نهم گوساله آماده شد، و عبادت کردند، فرمایش موسی (علیه السلام) برگشت، در حالی که 60 هزار نفر گوساله پرست بودند، با حضرت هارون فقط دوازده هزار نفر بود 274.

به تصدیق زبان شناسان جهان، زبان عربی، یکی از رساترین لغات است

به تصدیق زبان شناسان جهان، زبان عربی یکی از رساترین لغات، و ادبیات آن از قوی ترین ادبیات است (211) و جعلنا السماء سقفا محفوظاً، جوّی که از گازهای نگهبان زندگی بر سطح زمین، تشکیل شده، ضخامت آن به قدری زیاد است، همچو زرهی زمین را از شرّ بیست میلیون سنگ های آسمانی در روز که، با سرعت در حدود 50 کیلومتر در ثانیه به آن می خورد، در امان نگهدارد 400 از جمله سنگ هائی که از چنگال غلاف گازی نامبرده عبور کرده و به زمین نشست، شهاب معروف سیبری است که، در سال 1908 میلادی به زمین نشست، و قطر آن طوری بود که حدود چهل کیلومتر، زمین را اشغال کرد، و باعث تلفات زیادی شد 401.

نمرود بعد از دیدن قدرت خدا، حاضر شد چهار هزار قربانی تقدیم کند، ابراهیم (علیه السلام) فرمود تا ایمان نیاوری فایده ندارد نمرود پس از دیدن قدرت خدا، حاضر شد چهار هزار قربانی در مقابل این قدرت قربانی کند، لکن حضرت ابراهیم فرمود تا ایمان نیاوری، هیچ کار خیر تو پذیرفته نمی شود 450 اینکه اسم حضرت اسماعیل را نمی برد، با اینکه فرزند بزرگ حضرت ابراهیم (علیه السلام) است، شاید برای تولد اسحاق، از مادری نازا در سنین بالا بوده است 454.

* پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از جبرئیل پرسید، از رحمت للعالمین بودن من، به تو چیزی رسیده، عرض کرد تضمین عاقبت به خیری

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از جبرئیل پرسید، از رحمت للعالمین بودن من، به تو چیزی رسیده گفت نعم انی کنت اخشی عاقبه الامر، فامنت لَمَا اثنی عَلَی، بقوله تع عند ذی العرش مکین 527.

زن شیرده را مرضع گویند، چون مرد شیر نمی دهد، پس بنابراین مرضعه تعبیر آوردن در آیه، اشاره به شدت زلزله قیامت باشد، به زن در حین شیردادن مرضعه گویند، یعنی حتی پستان را از دهان بچه می کشد فرار کند از شدت زلزله، زنی که من شأنها ان یرضع مرضع گفته می شود 9 معروف (هماهنگ با فطرت انسانی) که برای هر انسان پاکسرش شناخته شده است ولی منکر ناشناس اوست 118 قشر روئین زمین از دو طبقه تشکیل یافته: 1- بالائی نفوذ پذیر است 2- پائین نفوذ پذیر نیست 217 احادیث عالم برزخ 317.

در نجف ارواح مؤمنین همدیگر را زیارت می کنند

امیرالمؤمنین (علیه السلام) با قنبر به زمین نجف می رسد، آن حضرت روی زمین دراز کشید، قنبر عرض کرد که اجازه دهد عبایش را زیر انداز کند، به دلیل اینکه اینجا خاک مؤمنین، و یا عبا انداختن مزاحمت مؤمنین است، اجازه نداد، اصبع بن نباته حاضر بود عرض کرد، مزاحمت مؤمنین یعنی چه، فرمود اگر پرده کنار رود می بینید که، ارواح مؤمنین در اینجا حلقه زده، و با همدیگر سخن گفته، و زیارت همدیگر می کنند، در ظهر کوفه ارواح مؤمنین، و در وادی برهوت نسمة کل کافر 318.

شقاوت و سعادت نتیجه اعمال است، و گرنه دعوت انبیاء (علیه السلام)، بی فایده می شود

شقاوت و سعادت ضدّ همدیگرند، چیزی جز نتیجه اعمال نیست، اعتقاد به اینکه ذاتی هستند و همراه انسان متولد می شوند، خلاف دعوت همه انبیاء (علیه السلام) است، و پنداری است برای فرار از مسئولیت ها 338.

سوره مؤمنون با فلاح مؤمنون شروع و با عدم فلاح کافرون ختم می شود

چه جالب است که سوره با (قد افلح المؤمنون) شروع، و با (لا یفلح الکافرون) ختم می شود 349 علت تقدیم نعمت گوشی بر نعمت چشم شاید در نوزاد اول گوش به کار می افتد حتی به اعتقاد بعضی ها در شکم مادر صدای قلب او را می شنود، کور مادرزاد لال هم می شود 290 فخر رازی از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نقل می کند که، اگر والی یک تازیانه کم بزند سؤال می شود، گوید رحمه لعبادک، فیقال انت ارحم بهم منی؟ اگر یکی بیشتر بزند، سؤال شود می گوید برای اینکه از گناه برگردد، فیقال انت احکم به

منی؟ فیؤمر به الی النار 359 حتی کسانی که پوشانیدن وجه و کفین را واجب نمی دانند، در صورتی که منشأ فساد می شود واجب می دانند، 449.

به عقیده کسانی که وجه کفین را استثناء می کنند، یک نوع تسهیل است، نه اینکه دیگران حق نگاه کردن دارند

ذکر این نکته لازم است که، استثناء وجه و کفین معنی اش این نیست که دیگران حق نگاه کردن دارند، بلکه یک نوع تسهیل در امر زندگی برای زنان است (450 مقصود از) ما ملکت ایمانهن (، کنیزان هستند، و غلامان را شامل نیست، کنیزانشان اگر مسلمان هم نشدند، حجاب گرفتن لازم نیست، بر خلاف زن های آزاد کفار 451 اطفال اگر تمایل جنسی پیدا کرده باشند، حجاب گرفتن از آنها لازم است 453 مرغ ها که در تسیح و صلوه، با (من فی السموات و الارض)، با هم شده، صلوه به معنی دعا است، آگاهی عجیب مرغ ها از مسائل هواشناسی، و اطلاعات عمیق از وضع جغرافیائی مناطق، به هنگام مسافرت، و داشتن دستگاہ هدایت در سفرها، حتی به هنگامی که آسمان پوشیده از ابر است، از روشن ترین دلائل توحید است 499.

ابرها از طرف پائین صاف و از طرف بالا مثل کوه هابند

ابرها از طرف پائین صاف دیده می شوند، اما از طرف بالا همانند سطح زمین، دارای ناهمواری هاست، و از این نظر اطلاق کلمه جبال بر آنها مناسب است، و بعد از اختراع هواپیما این حقیقت روشن شد 507 بعضی ها معتقدند حتی حیواناتی که، بیش از چهار پا دارند، تکیه گاهی اصلی آنها هم، بر چهار پاست، و بقیه بازوهای کمکی آن محسوب می شود، تفسیر قرطبی و رازی، (و منهم من یمشی علی اربع) شاید برای این است، با اینکه و الله یخلق ما یشاء هم فرموده 509 القواعد من النساء لباسی را که می توانند کنار بگذارند، جلباب و خمار است، در لفظ روایات وسائل، مؤلف چادر و روسری تعبیر می آورد، برای اینکه بعضی از این زنان، سؤ استفاده نکنند، (و الله سمیع علیم) در آخر آیه آمده 543.

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اگر کسی را دعوت کرد جدی است مسامحه نکنید

لاتجعلوا دعاء الرسول بینکم، رسول شما را دعوت کرد بر امر مهم دعوت می کند، غفلت از اجزاء آن نکنید 566 .

آتش جهنم، در انتظار گناهکار، مثل حیوان درنده گرسنه است

آتش جهنم همچون حیوان درنده گرسنه در انتظار گناهکاران است، (اذا رأتهم من مکان بعید)، گویا چشم دارد، صدای وحشتناک و خشم آلود آن را که، با نفس زدن شدید همراه است، می شنوند 36.

گیاهان در شب، نوعی از خواب را دارند

حتی گیاهان در شب، در نوعی خواب فرو می روند 115.

حضرت موسی (علیه السلام): بودن من در خانه تو، نتیجه ظلم تو بود، من هم می خواستم با پدر و مادرم باشم

(و تلک نعمه تمنّھا علیّ ان عبدت بنی اسرائیل)، شاید مقصود حضرت موسی این باشد، اینکه من در خانه تو بزرگ شدم، نتیجه ظلم تو بود، چرا نگذاشتی در آغوش پدر و مادرم باشم، و یا اینکه خانه نعمت دار تو را، بنی اسرائیل فراهم می کردند 206) فعلتها اذاً و انا من الضالین، چطوری که در بیان امام رضا (علیه السلام) آمده، من نمی دانستم این کار خوب من (کشتن قبطی) باعث این همه درد سر بر من باشد 204 فرعون نسبت جنون به حضرت موسی (علیه السلام) داد، و او به طرز زیبایی جواب داد، فرمود (ان کنتم تعقلون)، دیوانه کسی است با دیدن این همه آثار باز منکر خدا باشد 212 اشاره به ما قبل انقلاب 218 آسیه زن فرعون، به عنوان مؤمن ال فرعون در قرآن یاد شده است 246 محقق گوید در جای دیگر حزقیل را مؤمن ال فرعون قلم داده است (1) که، به حضرت موسی (علیه السلام) گفت خارج شو که توطئه برای تو است قرآن قصص انبیاء (علیه السلام) را در سوره های مختلف نقل کرده، و در هر سوره ای هدف جداگانه ای منظور است، بیان ذلک 341 و 195 بحث خوبی درباره نحن معاشر الانبیاء لانورث 424.

ص: 224

اعترافی از فخر رازی: گفته هر مالی را که ما به عنوان صدقه اختصاص دادیم، ارث نمی شود نه کلّ اموال ما،(1)

429.

شهادت مورچه به عدالت حضرت سلیمان (علیه السلام) و هدهد به آزادی بیان

جمله (و هم لایشعرون) در کلام مورچه می رساند که، عدالت سلیمان (علیه السلام) از بس قوی است در حال توجه حتی به حیوان ضعیفی مثل مورچه ظلم نمی کنند سلیمان (علیه السلام) نشان داد که او حتی در برابر پرنده ضعیفی (هدهد) تسلیم دلیل و منطق است، عدالت آن حضرت به زیر دستان آزادی و امنیت داده بود که، هدهد گفت به چیزی آگاهی یافتم که تو آگاه نیستی، مثل شاهان، اطراف را چاپلوسی بار نیاورده بود، جریان هدهد می رساند، ممکن است یک موجود کوچکی اطلاعی داشته باشد، داناترین عصر، حتی با داشتن علم نبوت، از آن بی خبر باشد 442 ملکه سبا عوض قبول در خواست حضرت سلیمان (علیه السلام) (ترک برتری جوئی و تسلیم در برابر حق) هدیه برایش فرستاد، و خواست آفتاب پرستی را ادامه دهند، لذا سلیمان (علیه السلام) تهدید به (و لنخرجهنم منها اذله(2)) کرد معلوم باد این تهدید با اصل آزادی (لااکراه فی الدین) تضاد ندارد زیرا که بت پرستی دین نیست که آئین الهی در مقابل آن سکوت کند و یا به عنوان اقلیت مذهبی تحمّل کند 463 ردّ کردن هدایای ملکه سبا برای این بود که در منطق انبیاء (علیه السلام) زهد امیر بودن است بر متاع دنیا، نه اسیر شدن است بر آن، به علاوه آنها را تهدید به قتل نکرد بلکه تهدید به بیرون رفتن از کاخ ها کرد، و نخواست آنها را غافل گیر کند، بلکه با صراحت در جریان حمله خویش قرار داد 465 قوم لوط (علیه السلام) با عوض کردن قانون خلقت (جاذبه جنسی با هم جنس مخالف) که عامل بقاء نسل انسان و آرامش روح اوست، سایر قوانین خلقت بر آنها دگرگون شد (عوض باران آب که، وسیله حیات است، باران سنگ که، وسیله فناست بر آنها نازل شد) 508 آیه (و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدًا(3)) (را دلیل حرکت زمین گرفته، تفسیر حرکت جوهری 570 .

ص: 225

1- . تفسیر فخر رازی، ج 9، ص 210.

2- . سوره نمل، آیه 37.

3- . سوره نمل، آیه 88.

باید در صندوق حضرت موسی (علیه السلام) با دست فرعون باز شود

در صندوق موسی (علیه السلام) را به غیر فرعون کسی نتوانست باز کند، بلی در صندوق نجات موسی (علیه السلام)، باید با دست دشمن باز شود، چطوری که کاهن ها خیر داده بودند وسیله شفای دختر فرعون، منحصر است به آب دهان کسی که از دریا خارج شود 27 محقق گوید آب نیل وسیله نجات حضرت موسی (علیه السلام)، و وسیله بدبختی فرعون گردید امام رضا (علیه السلام) فاغفرلی را، به معنی اُسترلی گرفته، یکی از معانی غفران پوشانیدن است 44 در این جلد مؤمن ال فرعون را حزقیل گرفته، بر خلاف جلد 15 که، گفت زن فرعون است 51 مقصود از فناء اشیاء به روز قیامت، به هم خوردن نظام این جهان است، خورشید بی فروغ، و ماه تاریک، و کوه متلاشی، و انسان خاک شده، و بهشت و جهنم مربوط به جهان دیگرند، به علاوه موجودات امکانی چون در حرکت هستند، و حرکت هم فنای تدریجی، و ترکیبی از وجود و عدم است، فعلاً هم فنا دارند 193 آزمایش های خدا، پرورش شکوفائی استعدادهاست، به عبارت دیگر به فعلیت رساند، قوه هاست 205 از حضرت ابراهیم تنها طنابی سوخت که، دست و پایش را با آن بسته بودند 245 عنکبوت با مایعی که در حفره های بسیار کوچکی همچون سوزن در زیر شکم دارد، قادر است حدود پانصد متر بطنند، معلوم باد که سستی این تارها بر اثر نازکی فوق العاده است، و گرنه از تار فولادینی که، به ضخامت آن باشد، محکم تر است، تا کنون بیست هزار نوع عنکبوت شناخته شده است 279 هر نمازی نسبت به خود نهی از منکر دارد، اگر آن را هم نمی خواند بیشتر مرتکب فحشاء می شد، پس کلیت (ان الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر) محفوظ است، پس نماز هم نهی تشریحی دارد (که چه شرایط را در داخل آن انجام بده، و چه نکن) و هم نهی تکوینی دارد 285 در تفسیر (یخرج الحی من المیت)، می فرماید در روز اول زمین به صورت یک پارچه آتش بوده، موجودات زنده با یک جهش بزرگ، از آن متولد شدند 386 قال الصادق (علیه السلام) حیات دو آب البحر بالمطر، فاذا کف المطر، ظهر الفساد فی البرّ و البحر 452.

(لتنذر قوماً ما اتاهم من نذیر من قبلک)، مقصود نذیری که پیغمبر اولوالعزم باشد، که با معجزات بیاید، و اما ان من امه الا خلا فیها نذیر (1)، آن با اوصیاء انبیاء (علیه السلام) هم حاصل می شود 110 فاصله بین حضرت نوح و ابراهیم (علیه السلام)، بیش از 1600 سال، و بین حضرت ابراهیم (علیه السلام) و موسی (علیه السلام)، کمتر از 500 سال، و بین عیسی و موسی (علیه السلام)، بیش از 1500 سال، و بین حضرت عیسی (علیه السلام) و محمد (صلی الله علیه و آله)، کمتر از 600 سال، بوده است 120 نام های دیگر مدینه غیر از یثرب، در پاره ای از روایات آمده، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نهی فرمود که یثرب بگویند 229 مسلمانان در دامنه کوه سلع که، نقطه مرتفعی بود، در کنار مدینه که بر خندق هم مشرف بود، می توانستند قاصدین خندق را با تیر دفع کنند، جبهه گرفته بودند دشمن بین 20 تا 30 روز، دور خندق را احاطه کرده بودند 251 الحمدلله سه روز قبل از رسیدن دشمن، خندق آماده شد 252 به نقل از جلد 20 بحار، به عمرو بن عبدود فرمود: توفهرمان عربی من با تو جنگ تن به تن دارم، اینها که پشت سر تو هستند برای چه آمده اند، عمرو به پشت سر نگاه کرد، امیرالمؤمنین (علیه السلام) پایش انداخت 256 حاکم در مستدرک، روایت مبارزه علی (علیه السلام) یوم الخندق افضل من اعمال امتی الی یوم القیامه (2)، را نقل کرده است 257.

تمایل زنان پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، به زرق و برق دنیا، و عکس العمل آن حضرت

پس از وقوع بعضی از غزوات، وقتی غنائم سرشاری در اختیار مسلمین قرار گرفت، زن های پیغمبر (صلی الله علیه و آله) هر کدام از مال دنیا، چیز قیمتی از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) خواستند، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) که می دید زندگی پر زرق و برق، چه خطراتی خواهد داشت، از همه شان یک ماه فاصله گرفت، آیات نازل شد، و آنها را بین انتخاب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) با زندگانی ساده، و بین جدا شدن از حضرتش مخیر کرد 278 مؤلف در وجه ذکر کردن آیه تطهیر، در بین آیه نساء النبی (صلی الله علیه و آله)، می گوید شاید وجهش این باشد که، شما زنان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به خانواده ای وارد شده اید که، پنج نفر شخص معصوم دارند، پس خدا و رسول از شما انتظار زیادی دارند 295 علت اینکه پیغمبر (صلی الله علیه و آله) عبا را بر پنج تن کشید، خواست مشخص کند اهل بیت (علیه السلام) را که،

دیگران طمع نکند 300 اراده پس از نزول آیه تطهیر، از 6 تا 9 ماه، در وقت نماز صبح، در در خانه فاطمه (علیها السلام) پیغمبر (صلی الله علیه و آله) صدا می زند که، وقت نماز است ای اهل بیت، و آیه تطهیر را می خواند، می خواهد معلوم کند که اهل بیت اینهاست، و آیه در

ص: 227

1- .سوره فاطر، آیه 24.

2- . مستدرک الوسائل، ج 3، ص 32.

شان آنها نازل شده است، عایشه که تمام خورده ریزهای خویش در ارتباط با پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نقل می کند، اگر در آیه تطهیر به اندازه سر سوزن سهم داشت حتماً نقل می کرد 301 اراده تشریحی مربوط به افعال بندگان است در آیه تطهیر اراده خداست پس تکوینی خواهد شد، به علاوه تشریحی را خدا از همه بندگان می خواهد، دوست دارد همه نماز بخوانند و روزه بگیرند، و مخصوص اهل بیت (علیه السلام) نیست نتیجه عصمت معصومین (علیه السلام) مربوط به همه است، پس عین عدالت می شود، مثل ظرافت رگ های چشم که، همه بدن از آن استفاده می کند، به علاوه به خاطر مسئولیت بزرگ معصومین که، ترک اولی آنها به جای معصیت کبیره قرار گرفته، این موهبت به آنها عنایت شده است، پس عین عدالت است 304 و 305.

قرآن با ذکر جاهلیت اولی پیش گوئی از جاهلیت ثانی می کند

قرآن با ذکر کلمه جاهلیت اولی، پیش گوئی از جاهلیت عصر ما کرده است، در آن جاهلیت اگر زن ها قسمتی از سر و سینه را باز می گذاشتند، امروز در مثل انگلستان کلوپ برهنگان تشکیل می دهند، که لخت و مادرزاد در آن شرکت می کنند، اگر در بازار عکاظ روی جاهلیت شان چند نفر کشته می شد، امروز در جنگ جهانی بیست میلیون کشته، و بیش از آن مجروح و ناقص الاعضاء تحویل می دهند، پلاژهای کنار دریائی و استخرها به جای خود 305.

اشتباه مؤلف که، عایشه را باکره قلم زده، در حالی که در کتاب الانتصار، جلد 6، ص 464 و 465 از جلد 8 طبقات ابن سعد، آورده اند که، ایشان شوهری به نام جبیر داشته، و از او فرزندی به نام عبدالله داشت، مثلاً شوهرش اسلام قبول نکرد، عایشه از او جدا شد، وقتی به زنان کنیه دادند، عایشه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خواستار کنیه شد، فرمود به نام فرزندان عبدالله کنیه بگیر، و در جلد 16 المیزان، وقتی روایت خصال را در ص 334، نقل می کند امام صادق در شمارش زنها پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، وقتی به عایشه می رسد، ثم ام عبدالله عایشه، تعبیر می کند 382 در جمله (لکیلا یكون علیک حرج (1))، اشاره به فلسفه خصایص پیغمبر (صلی الله علیه و آله) است، که احکام خاصه نبوی (صلی الله علیه و آله)، قسمتی از زحمات رسالت را حل کرد، مثلاً داشتن زنها متعدد، (9 زن) خیلی از زحمات

حضرتش را کم کرد، تحمل اعباء رسالت، بر دوش حضرتش سنگینی زیاد داشت، برای حل آن از جمله راه ها، از طبع طرفداری عرب از داماد، استفاده کرد، در نتیجه هر طایفه ای که، از آن ها زن گرفته بود، بر دامادشان طرفداری می کردند، رو هم رفته تعدد زوجات آن حضرت، جنبه سیاسی داشت، قبل از آنچه جنبه غریزی داشته باشد، مثلاً برای شکستن رسم غلط، (محرم

ص: 228

دانستن زن پسر خوانده) با زینب ازدواج فرمود، و هکذا ازدواج با سایر زنان، فلسفه اش را با هیچ حسابی نمی شود حساب کرد، کسی که از عنفوان جوانی (25 سالگی) تا سن، 53 سالگی با یک زن بیوه بسازد، و پس از آن زنهای متعدد بگیرد، معلوم می شود که مصالحی تو کار است، تازه آن زمان تعدد زوجات، در میان عرب رایج بود، حتی گاهی زن اول برای زن دوم، خواستگاری می کرد، مخفی نماند با بعضی از زنهایش فقط عقد کرد، و عروسی انجام نگرفت، سخن نگارنده: کسی که طبق فرموده قرآن ما (ینطق عن الهوی * ان هو الاّ وحی یوحی)، عمل کند، چون و چرا کردن در کار او، حکایت از نادانی است 381 .

ص: 229

تفرّق اجزاء انسانی به مخصوص بعد از مرگ نیست جلوتر هم بود

آنهایی که از زنده شدن انسان پس از تفرق اجزایش تعجب می کنند، غافلند از اینکه ما قبلاً هم اجزاء مان متلاشی بود، هر قطره آب بدن ما، قطره ای در اقیانوسی، یا چشمه ای بود، هر ذره ای از ماده آلی، یا معدنی ما، در گوشه ای از زمین افتاده بود، قرآن که منکرین معاد را در ضلال مبین می بیند، الان هم در گمراهی هستند، زیرا که همه ساله زنده شدن زمین را می بینند، منکرین معاد همیشه ناآرام هستند، بر خلاف مؤمنینی که مرگ را دریچه ای به سوی جهان بقاء می دانند 22 کلمه جواب، جمع جابیه است، به معنی حوض ها 40 دلیل معلوم نبودن وقت قیام قیامت، خدا می خواهد یک نوع آزادی عمل، توأم با حالت آماده باش دائمی، باشد، در صورت معلوم بودن وقتی، زمانش دور می شد، همه در غفلت و غرور فرو می افتد، و اگر زمانش نزدیک بود، آزادی عمل از بین می رفت 95 ظاهر آیات می رساند که، ظهور ملائکه به صورت انسان، واقعیت عینی دارد، نه اینکه تمثیل و تصرف، در قوه ادراک باشد 175 عالم از نظر امام صادق (علیه السلام) عالمان در منطق قرآن، به قول امام صادق (علیه السلام)، من یصدق قوله فعله است، نه کسانی که مغزشان صندوقچه آراء این آن، و انباشته از قوانین، و فرمول های عملی جهان، و محلّ زندگی شان مدارس، و دانشگاه ها و کتابخانه، باشد 248 مجمع البیان، ج 8، ص 407، مردی عرض کرد یا رسول الله چرا من مرگ را دوست ندارم، فرمود ان قلب الرجل مع ماله، انّ قدّمه احبّ ان یلحق به، و ان اخرّه احبّ ان یتأخر معه، حالا که مال داری بفرست 252 مجمع البیان گوید، در عرب مثلی است گویند آشکر من بزوقه، درختی است که به مجرد اینکه ابر بر سرش سایه انداخت، سبز می شود، منتظر باران آن نمی شود، شکور بودن خداوندی، از بروقه بیشتر است، شکر می کند به نعمتی که، خودش به انسان داده است 254.

سرمایه را خودش داده خریدار می شود

سرمایه را خودش داده خریدارش می شود، با اینکه به ان احتیاج ندارد، متاع قلیل به قیمت گزاف می خرد، حتی متاع خیلی قلیل را هم می خرد، (فمن یعمل مثقال ذره خیراً یره)، گاهی به هفت صد برابر، می خرد به علاوه، یزیدهم من فضله 255 کتاب اصل الشیعه و اصولها، تألیف کاشف الغطاء، با استفاده از آیه) ان الله علیم بذات الصدور (گوید: الانسان آرائه، و افکاره، لاصورته و اعضائه 279 قرآن به مثل مکه،

و مصر قریه اطلاق می کند 340 راغب گوید، سباحه حرکت سریع در آب و هواست، بذکر خدا تسبیح

می گویند، گویا یک نوع حرکت سریعی است، در طریق اطاعت 387 انطعم من لو یشاء الله اطعمه، مثل این می ماند که، استادی گوید، چرا ما درس بگوئیم خدا می خواست درسش می داد 403 آهن ربا که یک جسم بی جانی است، ذرات آهن را از خروارها خاک می کشد، خدا نمی تواند ذرات انسان را بکشد از جاهای مختلف جهان 460.

علت آتش سوزی در جنگل ها

آتش سوزی در جنگل ها، از شدت به هم خوردن درختها، تولید می شود، اول جرقه پیدا می شود، بعد باد آن را زیاد می کند 463

معاد امری فطری است

از اینکه انسان مرگ و فنا را دوست ندارد، معلوم می شود که، در فطرت او بقاء محبوب است، این یکی از دلیل های معاد است 474 نبود عالم آخرت پس از مرگ، مثل این می ماند که پس از عالم جنین، دنیائی نباشد، بچه ها پس از تولد بلافاصله می مردند 480 به گفته بعضی ها، حدود هزار و دویست آیه، در پیرامون معاد آمده 487 .

ص: 231

لطف الهی به حضرت یونس (علیه السلام)

کدو با داشتن برگ های پهن، مگس هم بر روی برگ آن نمی نشیند، لذا برای حضرت یونس (علیه السلام) که بدنشان بیمار و ضعیف شده بود، خداوند در قرآن می گوید: "ما کدوینی بر او رویانیدیم" تا در سایه برگهای پهن و مرطوب بیارامد (وَ أَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ) و چون حضرت یونس به خاطر توقف در شکم ماهی پوست تشش آن قدر نازک و حساس شده بود که از نشستن حشرات بر آن رنج می برد، او اندام خود را با این کدوین پوشانید تا هم از سوزش آفتاب در امان باشد و هم از حشرات. 159 او، در (او یزیدون⁽¹⁾)، به معنی بل است، این نوع تعبیرات برای تأکید، و عظمت است 162 امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید کسی پیش من آورند گمان کند که، حضرت داود (علیه السلام) با زن اوریا ازدواج کرد، دو حدّ قذف برایش میزنم، یکی برای اسلام داود (علیه السلام)، و دیگری برای نبوت آن 255 امام رضا (علیه السلام) می فرماید: در زمان حضرت داود (علیه السلام)، زنهای شوهر مرده ازدواج نمی کردند، نخستین کسی که از طرف خداوند، مأمور برای شکستن این رسم غلط شد، حضرت داود (علیه السلام) بود، با زن اوریا که، در یکی از جنگ ها مرده بود، ازدواج کرد، چون این بر مردم آن زمان سنگین بود، افسانه به هم بافتند 256 معنی جمهوری اسلامی، اصول از مکتب، اجراء با مشارکت مردم، 263) إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ، یعنی بر حضرت سلیمان (علیه السلام)، اسب های تندرو در موقع عصر، عرضه شد، و حضرتش سان گرفت، و خوشش آمد که، از آنها در میدان جهاد استفاده خواهم کرد، وقتی رژه تمام شد، از بس خوشش آمده بود، فرمود روّوها علیّی، دوبار برگردنید آن اسب ها را که، از دیده اش پنهان شده بود، حتی تورات بالحجاب، ضمیر تورات بر صافنات الجیاد بر می گردد، وقتی برگردانیدند دست مبارک را به پاها و گردن های اسب ها کشید، نه اینکه آفتاب غایب شود، بفرماید آفتاب غایب شده را برگردانید، که، نماز قضا شده، در وقتی که مشغول اسب ها بود، تا گفته شود مقصود از طفق بالسوق و الاعناق، وضو برای نماز بود که، وضوی آن زمان همان دست کشیدن، یا شستن گردن ها، و ساق ها باشد که، در تفسیرهای غیر صحیح، آمده که اشاره به ردّ شمس باشد 272 خلاصه آیات در مدح حضرت سلیمان است نه در ذمّ آن حضرت، روایات وارده در بعضی از تفاسیر خیلی از آنها مرسل هستند،

چون با ظاهر آیات سازگار نیست، باید ردّ علم به اهلش کرد 276 فرمایش

ص: 232

امام کاظم (علیه السلام): حضرت سلیمان از خدا ملکی را خواست که، پس از او نگویند، از راه ظلم به حکومت رسید، لذا خداوند باد، و شیاطین را در اختیار او گذاشت، اولی وسیله تندور، و دومی بنائی در خشکی، و غواصی در دریا، انجام دهد، و هکذا علم سخن گفتن پرندگان یاد داد،

حضرت سلیمان (علیه السلام) خیلی ناموس دوست بود

علی بن یقظین از جمله سوالاتش از امام کاظم (علیه السلام)، از معنی حدیث نبوی (صلی الله علیه و آله): رحم الله اخی سلیمان بن داود ما کان ابخله، فرمود: درباره ناموس بخیل بود که، کسی سخن نامناسبی درباره آنها نگوید 284.

اشاره آیه شریفه به اهمیت آب سرد

هذا مغتسل بارد و شراب، تعبیر بارد درباره آبی که، برای حضرت ایوب جوشید، اشاره به تأثیر مخصوص شستشو با آب سرد است، و کلمه شراب پشت سر آن آوردن، اشاره لطیفی است که، آب شستشو آنقدر باید تمیز باشد که، بشود خورد، چطوری که در وسائل الشیعه، جلد اول، باب 13، از ابواب حمام، آمده: جرعه ای از آبی که با آن غسل می کنید، قبل از غسل بخورید 297 لیا خانم، زن با وفای حضرت ایوب، دختر حضرت یعقوب بود 299 از جلد دوم تفسیر البرهان، ص 342، نقل می کند که، ابلیس بین نفخه اول، و دوم، خواهد مرد 343.

شیطان نه تنها به بندگان خدا زبانی نمی رساند، بلکه نردبان ترقی هم می شود

ابلیس را خدا شیطان خلق نکرد، او خود را شیطان کرد، در عین حال شیطنت نه تنها زبانی به بندگان خدا نمی رساند، نردبان ترقی هم می شود، اگر میکروب های مزاحم نبود، قد انسان از هشتاد سانتی بیشتر نمی شد، و سلول های بدن، در یک حال سستی فرو می رفتند 346 اگر شیطان نبود، هوای نفس و وسوسه های نفسانی، انسان را در بوته آزمایش قرار می داد، با وجود شیطان، این تنور آزمایش، داغ تر شد 347) و انزل لکم من الانعام ثمانیه ازواج، بعضی ها در وجه تعبیر به انزل، استفاده چهار پایان از نعمت باران، و اشعه آفتاب، را گفته اند 382 از جمله احتمالات مثانی بودن قرآن، تکرار مطالب، و ممل نبودن آن، است، و علاوه مفسر بودن بعضی از آن، بر دیگری است، و این یکی از وجوه فصاحت است، و از جمله دو نزول داشتن آن (دفعی و تدریجی) 432 کسی بگوید ما خالق اعمال خویش هستیم، و خداوند هیچ

دخالتی در آن ندارد، او مشرک می شود، (خالق بزرگ و خالق کوچک) 522 قلب مشرک شوره زاری

است، اگر تمام بذرهای گل ها را در آن پاشی و باران حیات بخش بر آن بیارد، حتی یک گلی هم در آن نخواهد روئید (لثن اشركت لیحبطنّ عملك) 532.

ص: 234

بحار به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم، همامان تا آخرین قدرت، ساختمان را بالا برد، پس از اتمام تندبادی آن را ریخت، معلوم شد قدرت نمائی فرعون، به یک بادی بند است (104 آیه) النار یعرضون علیها غدواً و عشیاً، وجود صبح و شام را در عالم برزخ، اثبات می کند، و آیه (و لهم رزقهم بكرةً عشیاً) (1) اثبات آن در بهشت می کند، و این منافات با دائمی بودن سایه در بهشت نیست (اکلها دائم و ظلها) 115 محاسن برقی عن الصادق (علیه السلام)، مؤمن ال فرعون را کشتند، پس فوقه الله سیئات ما مکروا، دال است که، دین او را نتوانستند از او بگیرند 117 اسامی انبیاء (علیه السلام) در قرآن 26 نفر نوشته، لکن عزیر معلوم نیست که پیغمبر باشد 185 در سوره فصلت زکوه نده ها را مشرک حساب می کند، و چون این سوره از نخستین سوره های مکه است، پس قول کسانی که می گویند: زکوه در مکه تشریح شده، و حدود و نصاب آن در سال دوم هجرت آمده، قوی به نظر می رسد محقق 216 تا حال بشر هیچ وسیله دفاعی، در مقابل صاعقه ندارد، حرارت آن به قدری زیاد است که، به هر چیز بخورد خاکستر می کند، و صدای مهیب، و زمین لرزه، در آن نقطه ایجاد می کند. 234 روزی تنها مربوط به مواهب مادی نیست، بلکه روزی اصلی در معنویات است، در دعاء اللهم ارزقنی حج بیتک الحرام، اللهم ارزقنی توفیق الطاعه الخ، اللهم ارزقنی طاعه الخاشعین 374 تفسیر مراغی: مردی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سؤال کرد: قیامت کی خواهد شد، فرمود آن شدنی است، چه آماده کرده ای، گفت محبت خدا و رسول، فرمود انت مع من احببت 394 عبارت شاعر معروف (کمیت): وجدنا لکم فی آل حامیم آیه، شاهد است حروف مقطعه اسامی پیغمبر خداست (2) 412.

زمخشری، و قرطبی، و فخر رازی، حدیث من مات علی حب آل محمد (صلی الله علیه و آله) را، نقل می کنند

زمخشری حدیث من مات علی حب آل محمد مات شهیداً الخ، نقل کرده، و فخر رازی و قرطبی از او، اقتباس کرده اند، عبارت فخر دو صفحه و نیم است، و در آخر شعرهای شافعی را آورده است 413.

ص: 235

1- وره مریم، آیه 62.

2- وید دعاء امام زین العابدین در روز عید فطر منقول از اقبال الاعمال بر این مطلب تصریح دارد و مرحوم مجلسی، صحت سند و دلالت را قبول دارد. (بحار الانوار، ج 91، ص 10). لازم بود مؤلف (دام ظلّه)، در تفسیر حروف مقطعه، به این روایت صحیح، اشاره کند و همانطور، در تفسیر هفت آسمان، و هفت زمین، به روایت امام رضا (علیه السلام)، که دست مبارک را نشان می دهد، و می فرماید، این زمین ما و بالایش، آسمان اول، بعد دست امامتش را، شش دفعه دیگر، بالا پائین می کند، طبقات هفت آسمان و هفت زمین را نشان می دهد، روایت را مجمع البیان، و تفسیر صافی، یکی در آیه (و من الارض مثلهن) (و دیگری در تفسیر) (و السماء ذات الحبک)، نقل فرموده اند.

قرآن با صراحت، وجود موجودات زنده را، در آسمان، بیان می کند

(وَ مَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ) دلیل است، بر وجود انواع موجودات زنده، در آسمان، دانشمندان هم می گویند: در میان کواکب، به احتمال قوی ستاره های زیادی هست دارای موجودات زنده قرآن با صراحت اعلان می کند 438.

ص: 236

نزول دفعی قرآن در شب قدر ماه رمضان شده و نزول تدریجی آن از شب مبعث 27 رجب شروع شده است 152 قال (صلی الله علیه و آله) ما عُبِدَ تحت السماء الله، ابغض الی الله من الهوی 264 حالت و یار که در اوائل حمل به مادر رخ می دهد، به خاطر ایثارش بر فرزند، کمبودها در جسم او پیدا می شود، هر قدر رشد جنین زیادتر شود این حال بیشتر خواهد شد، حتی روی استخوانها و اعصاب نیز اثر می گذارد 326 از جالینوس و ابن سینا نقل شده که، خودشان سر شش ماه به دنیا آمدن بچه را مشاهده کرده اند، از اینکه قرآن دوران حمل و شیرخوارگی را سی ماه بیان می کند، استفاده می شود به اندازه کسر حمل، شیرخوارگی اضافه شود، اگر 9 ماهه به دنیا آمد 21 ماه، و اگر 6 ماهه آمده 24 ماه شیر بخورد 327 تعبیر) و وصینا الانسان بوالدیه(، می رساند که نیکی بر پدر و مادر، از اصول انسانی است، حتی کسانی که پای بند دین نیستند، طبق الهام فطرت، به آنان جذب می شوند 333 تورات کتاب اصلی بود، حتی مسیحی ها احکام شرایع خود را از آن گرفته و می گیرند، و علت اینکه اجنه اسمی از انجیل نمی برند، و کتاب موسی تعبیر می آورند، به خاطر اصلی بودن تورات است 370 قرآن می فرماید تا جنگ شعله ور است، وظیفه ضربات کوبنده آوردن است، و مشغول شدن به گیر آوردن اسیر، سبب کشته شدن مسلمان است، پس از اتمام جنگ نوبت اسیر گرفتن می رسد، اسیر که گرفته شد، رئیس مسلمین ببیند مصلحت در چیست؟ منت بگذارد آزاد کند، یا فدیة بگیرد و آزاد کند، و برده گرفتن را قرآن نفرموده است، و آن را طبق فرموده شرایع، و فاضل مقداد، و شرح لمعه، روایات اهل بیت، بیان کرده است 399 مجمع البیان، ج 9، ص 98، قال (صلی الله علیه و آله) والجهاد ماض مذ بعثنی الله، الی ان یقاتل آخر امتی الدجال 401 قال علی (علیه السلام) اطعام الاسیر و الاحسان الیه حق واجب، و ان قتلته من الغد 411 درست است که در قرآن برده گیری نیامده، ولی از احکامی که راجع به آنها در قرآن است، می شود اصل وجود بردگی را حتی در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، اثبات کرد، مثل احکام ازدواج با آنها، یا احکام محرمیت، یا احکام مکاتبه 413 اگر اسلام همه بردگان را در یک روز آزاد می کرد، چه بسا بیشتر آنها از گرسنگی می مردند، یا اختلال وضع جامعه پیدا می شد، (برای ادامه زندگی با دیگران درگیر می شدند) 416 یک هشتم زکوه بودجه بردگان در اسلام بود و هست، می شود که از آن بخرند و آزاد کنند، عملاً پیشوایان آنها را می خریدند و آزاد می کردند، که در حالات علی (علیه السلام) نوشته اند: أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوكٍ مِنْ كَدِّ يَدِهِ: "هزار برده را از دسترنج خود آزاد کردند 418 روزی پیغمبر (صلی الله علیه و آله) دم غروب بر اصحابش خطبه

خواند و فرمود: و الذی نفس محمد (صلی الله علیه و آله) بیده، مثل ما مضی من

الدنيا فيما بقي منها، الاً مثل ما مضى من يومكم هذا، فيما بقي منه، و ما بقي منه الا اليسر، پس معنى فقد جاء اشراطها معلوم شد كه، نسبت بما مضى، ما بقي كم است، نه اینکه نزدیک نزدیک است 451.

خدا دستور شفاعت می دهد، و خودش هم شفاعت می کنند

کریمه) و استغفر لذنبک و للمؤمنین و المؤمنات(، می رساند که، خداوند برای مؤمنین شفاعت کرده، به پیغمبرش دستور استغفار داده، تا مشمول رحمتش بکند، از اینجا عمق مسئله شفاعت، و مشروعیت توسل روشن می شود، 453 حذیفه یمان گوید من تند زبان بودم، و نسبت به خانواده تند زبانی می کردم، به پیغمبر(صلی الله علیه و آله) عرض کردم، می ترسم از این طریق دوزخی شوم، فرمود(صلی الله علیه و آله) فاین انت من الاستغفار؟ ائی استغفرالله فی الیوم مأه مره 425.

ص: 238

حدیبیه روستائی است، در بیست کیلومتری مکه 11.

تنها بت پرست است که غیر از جنگ چاره دیگری نیست

تنها بت پرست است که، چاره ای غیر از جنگ، با اسلام ندارد، چون بت پرستی دین نیست، اما نسبت به اهل کتاب، با قبول شرایط ذمه جنگ لازم نیست 61 لزوم تبعیت از ولایت فقیه، حکم خداست، نه بیعت، تازه بیعت در مسائل اجرائی است، و در حدود قانون شرع است، و الا کسی حق تشریح و قانون گذاری ندارد 74.

* آنهایی که بعد از من می آیند، و ایمان و عمل صالح داشته باشند، آنان برادران من بوده، و بر عمل کننده آنان اجر پنجاه مقابل شما خواهد بود

از تفسیر روح البیان روایت می کند که، اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از حضرتش سؤال کردند ما برادرهای تو هستیم، فرمود نه، برادران من کسانی هستند بر ندیده ایمان می آورند، برای عمل کننده آنها اجر پنجاه نفر از شما خواهد بود، گفتند از خودشان فرمود از شما، و این حرف را سه دفعه تکرار فرمود چون شما شرایطی دارید که آنها نخواهند داشت 120.

آنانی که بر ابوبکر شوریدند مرتد، حساب می کنید، و شورشیان بر علی (علیه السلام) را، مجتهدین خطا کننده می دانید چرا پس شورش اصحاب رده در زمان ابوبکر را، از طریق اجتهاد توجیه نمی کنید، و رسماً آنان را مرتد می دانید، اما شورشیان جمل و صفین و نهروان را، از هر گناهی بری می دانید 122 از من تبعیضه، در آیه (وعدالله الذین آمنوا و عملوا الصالحات منهم)، غفلت نکنید که، همه صحابه را تنزیه نمی کند 118 و همانطور از کلمه (الذین اتبعوهم باحسان)، در آیه صد سوره توبه درباره مهاجرین و انصار 120 تفسیر نور الثقلین از کافی، وقتی عایشه از دفن امام حسن (علیه السلام) در حرم پیغمبر (صلی الله علیه و آله) منع کرد، و سر و صدا بلند شد، امام حسین (علیه السلام) با آیه (لاترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی)، استدلال کرد و از قول پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نقل کرد: ان الله حرّم من المؤمنین امواتاً ما حرّم منهم احياء 146.

مدرک لعن الله من تخلف عن جيش اسامه، و كفانا كتاب الله.

مدرک لعن الله من تخلف عن جيش اسامه، مراجعه 90، از کتاب المراجعات، و مدرک قول عمر: کفانا کتاب الله از صحیح مسلم 149.

شیعیان ما بعد از مردن هم، عبادت می کنند

مجمع البیان جلد 9، ص 144، ملکین عرض می کنند بنده ات مرد ما چه کنیم، بروید به سوی قبر او در آنجا تسبیح و تهلیل و تکبیر بگوئید تا روز قیامت، ثواب آن را در دفتر حسنات او بنویسید، یادم در جای دیگر است که می فرماید، شیعه ما بعد از مردن هم عبادت می کنند، در توجه آن این کلام آمده است، در اصل تهویل است (1) 248.

رقیب و عتید نام دارند

رقیب (مراقب) عتید (مهیای انجام کار) غالب مفسران معتقدند که، رقیب و عتید، همان متلقیان است که در آیه جلوی بود، و نام طرف راستی رقیب، و اسم طرف چپی عتید است، با ملاحظه مجموع آیات، این تفسیر بعید نیست، ولو آیه صراحت ندارد، نگارنده گوید در جلد 7 منهاج البراعه، ص 348، در خبر تکلم سلمان (ره) با میّت، طرف راستی را رقیب، و طرف دست چپی را، عتید نامیده است. 250

استفهام در هل من مزید، انکاری است

استفهام را در هل من مزید، انکاری بگیریم، و با آیه 13 سوره سجده، (لا ملئین جهنم من الجنه و الناس اجمعین) کاملاً هم آهنگ می شود 275.

از کمال لطف خدا جنت بر متقین نزدیک می شود نه بالعکس

از کمال لطف خداست که، عوض نزدیک کردن متقین بر بهشت، جنت را بر آنها نزدیک می کند (و ازلفت الجنه للمتقین) و تعبیر به صیغه ماضی، برای محقق الوقوع بودن شاید باشد، و یا اینکه متقین با اعمال دنیائی، بهشت بر آنها نزدیک شده است 287 شگفتی های ستاره شعرای یمانی، در مقابل شعرای شامی 564.

ص: 240

1- . بحار الأنوار، ج 5، ص 328، و در جلد 6، ص 173، اضافه کرده که، در بهشت هم، خادمش می شوند.

کشاف و ابوالفتح: گاهی گلوی حضرت نوح را به قدری فشار می دادند، بی هوش می شد، وقتی به هوش می آمد، می گفت اللهم اهد لقومی فانهم لایعلمون 30 به نقل از تفسیر روح المعانی: تأثیر عجیب دو نام مقدس ملک و مقتدر، در مستجاب شدن دعا 87.

دعاء مستجاب

اللهم انی استلک بانّ لک الحمد لا اله الا انت المنان بدیع السماوات و الارض ذو الجلال و الاکرام یا حیّ یا قیوم، این دعا را پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اسم اعظم می خواند، اذا دعی به اجاب، و اذا سُئل به اعطی 137.

درخت سدر، و سدر بهشتی

گاهی طول درخت سدر به چهل متر می رسد، می گویند تا دو هزار سال عمر می کند، و سایه بسیار لطیف دارد، عیب آن در خار داری است، لک-ن سدر بهشت-ی بی خار است (منخضود) 220 پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود، سدر بهشت-ی بی خار است، و عوض هر خاری از آن، میوه ای دارد، هر میوه آن 72 ماده غذائی دارد، هیچ کدام به دیگری شبیه نیست 221 کمثل غیث اعجب الکفار بناته، مقصود کشاورزان است، چون ساتر دانه در زمین هستند، به قبر هم کافر گفته می شود، چون ساتر میت است، و همانطور به شب چون تاریکی آن همه جا را می پوشاند 253 فرمایش امیرالمؤمنین (علیه السلام): انزاله ذلک (حدید) خلقه ایاه 373 صحابه، و انصار، و تابعین، از نظر قرآن، هر کسی این صفات را ندارد، احترام نخواهد داشت 523.

وقتی به طرف نمازهای پنجگانه می روید با تأتی بروید لکن جمعه فاسعوا دارد اشاره به اهمیت آن 127.

اولین نماز جمعه در مدینه قبل از تشریف آوردن پیغمبر (صلی الله علیه و آله)

مسلمانان مدینه قبل از تشریف آوردن پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، با همدیگر صحبت کردند، و گفتند که یهود و نصاری هر کدام روزی برای عبادت دارند (شنبه، یکشنبه) بیائید ما هم یک روز برای عبادت جمع شویم، روز عروبه را انتخاب کردند، و بدین خاطر به سراغ اسعد بن زراره، یکی از بزرگان مدینه رفتند، او در آن روز نماز به صورت جماعت خواند، و موعظه شان کرد، و نام آن روز را جمعه گذاشتند، این اولین نماز جمعه در اسلام شد، و اما نماز جمعه ای که به امامت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شد، در روز 12 ربیع الاول، حضرتش وارد قبا (قبا یکی از محله های فعلی مدینه است) شد (یکی از محله های فعلی مدینه) و در چهار روز توقف شان در آنجا مسجد قبا را بنیان گذاری کرد، روز جمعه به وقت نماز به محله بنی سالم رسید، و مراسم نماز جمعه را آنجا برپا کرد، کسانی که با اسعد بن زراره نماز خواندند چهل نفر بودند 131 مقصود از ندا، در (إِذَا نُودِيَ)، اذان است، چون غیر از اذان، برای نماز ندائی نداریم 126.

هر کدام از سنگ ها، میلیاردها اتم دارد

وقود آتشگیره است مثل هیزم، عرب به آتش زنه مثل کبریت، زناد می گویند، مقصود از حجاره مطلق سنگهاست نه تنها سنگ گوگرد، زیرا هر قطعه از سنگها، میلیاردها اتم دارد، اگر نیروی ذخیره درون آنها آزاد شود، چنان آتشی بر پا می کند که، انسان حیران باشد 287 به عسل خالص، و با خیاط، نیز ناصح گویند 290 خلقت به امور وجودی تعلق می گیرد، و مرگ هم امر وجودی است، (انتقال من دار الی دار) لذا خلق الموت و الحیوه فرمود 316.

کهکشان ما، راه شیری نام دارد

از کهکشان ما که، خورشید با تابعین خود یک ستاره متوسط آن حساب می شود، کهکشان راه شیری تعبیر می آورد، کما اینکه مرحوم فلسفی آندو ماندانا تعبیر کرده است 324.

مغول ها، در فرهنگ ایران حلّ شدند

مغول ها در تاریخ ایران بزرگترین پیروزی را کسب کردند، و چون ملت بی فرهنگ بودند، به زودی در فرهنگ ایران، و اسلام، حلّ شدند و تغییر مسیر دادند 377 حدیث انّما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق، مجمع البیان، جلد 10، ص 333؛ 379.

علّت تعلیم امیرالمؤمنین (علیه السلام) علم نحو را

در المنثور: عربی در محضر امیرالمؤمنین (علیه السلام) لایأکله الا الخاطئون را اشتباهاً خاطون، خواند، سؤال کرد همه کسانی که قدم بر می دارند از غذای جهنمی خواهند خورد؟ امام تبسم کرد و فرمود، خاطئون صحیح است، عرب تصدیق نمود ثم علی (علیه السلام) به ابوالاسود دستور داد، ترتیبی بدهد مردم قرآن را درست بخوانند، اوزیرُ، زَبْرُ، پیش ابداع نمود، راوی قضیه صعصعه بن سوهان است 473.

رنگ ها، بیش از 7 تا می باشند

رنگهای معروف 7 رنگ است، امروز ثابت شده: رنگهای دیگری (ماوراء بنفش، و ماوراء قرمز) زیاد است، چشم ما قدرت دید آنها را ندارد 476.

ص: 243

در علم روز ثابت شده که، مقدار روز در کرات آسمانی متفاوت است، زیرا دوران چرخیدن هر کره ای به دور خود، متفاوت است، مثلاً روز در کره ماه، اندازه دو هفته زمین است، می گویند ممکن است با گذشت زمان، حرکت وضعی زمین کم شود، مقدار روز در آن وقت، معادل یک سال، یا صد سال، فعلی شود 18.

در میان طوفان نوح(علیه السلام) آتشی پیدا شد قوم آن حضرت را سوزانید

(مما خطیثاتهم اغرقوا فادخلوا ناراً)، از ابوالفتح نقل می کند که، در میان طوفان حضرت نوح، آتشی پیدا شد، قوم آن حضرت را در کام خود فرو کشید 186 آلوسی هم معترف است که، عدم ذکر حورالعین، در عداد نعمت های بهشتی، در سوره هل اتی، ممکن است به احترام فاطمه(سلام الله علیها) باشد 348.

از 22 روز، تا 40 روز، فقط با خوردن آب، زنده ماندند

بعضی از همکاران تفسیر نمونه، توانست 22 روز بدون غذا زنده بماند، تنها از آب استفاده کرد، از دیگران کسانی توانستند، چهل روز این کار را انجام بدهند، و این اقدام در مان بسیاری از بیماریهای آنها شده است 346

در زمان رسول خدا(صلی الله علیه و آله)، زندان نبود، اسیرها تقسیم می شدند

طبق نقل تواریخ، در زمان رسول خدا(صلی الله علیه و آله) زندان مطلقاً نبود،⁽¹⁾ و حضرتش اسیرها را بین مسلمانان تقسیم می کرد که، نگهبانی کنند 353 ظرف های بلورین را با ذوب کردن سنگ های مخصوصی می سازند، ابن عباس گوید همه نعمت های بهشتی شبیه و ماندی در دنیا دارد، به جز ظرف های بلورین آنجا که، از نقره است 366.

ص: 244

1- بن(علیه السلام) در کوفه چهار میلیون نفری، اُتافیکی به عنوان زندان بود. (الفقه الاجتماع، ص 458).

بر ظلمت شب، هفت بار قسم خورده است

در قرآن به بسیاری از موضوعات مهم، یک بار سوگند یاد شده، لکن درباره پرده ظلمت (شب) هفت بار قسم خورده شده است، این اشاره به اهمیت قضیه است، چون در روستاها بر خلاف شهرها، زود می خوابند و صبح زود بیدار می شوند، لذا روستائی ها سالم تر از شهرها هستند 22 نزول، باران حتی سرما را هم تعیدل می کند 27 توجه داشته باشید که ماه در شب چهاردهم در همان آغاز شب طلوع می کند 315.

چه نکته لطیفی دارد، واللیل اذا یسری

(وَ اللَّیْلِ إِذَا یَسْرِرُ) (قسم به شبی که در خودش حرکت می کند) راغب گوید سُری بر وزن شما، سیر در شب است، پس شبی برکت دارد که حرکت به طرف صبح داشته باشد، اگر شب ثابت شود، اهل هر دو نیم کره (هم اهل آنچه شب ثابت دارد به علاوه آنچه روز ثابت دارد) هلاک می شوند 446 اگر مقصود از واللیل، شب مزدلفه باشد، روشن است بر کسانی که آن شب را درک کرده اند، چطور شب حرکت می کند 447.

مژده بسیار بزرگ

در روایت کافی: مؤمن از مرگش اظهار ناراحتی می کند، فرشته مرگ گوید ای ولی خدا ناراحت نباش، من بر تو از مادر مهربان تر هستم، درست چشم هایت را باز کن، بین وقتی باز کرد چهارده معصوم (علیه السلام) را می بیند، می گوید اینها دوست تان تواند، در آن وقت گوینده ای از طرف خدا گوید، (یا أیتُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ) بر محمد و آلش، داخل بندگانم شو، (محمد و آلش) داخل بهشتم شو، در چنین حال چیزی بر میت، محبوب تر از قبض روح نمی شود، اللهم ارزقنا بحق کسانی که حتی یک آن، معصیت تو نکرده اند (علیه السلام)، آمین یا رب العالمین.

در زمان جاهلیت اگر کسی، حتی از پوست درختان مکه به خود می بست، در امان بود، قاتل پدر کسی از طرف پسرش، در امان بود، طبق فرمایش امام صادق(علیه السلام) خداوند قسم می خورد به این شهری که، احترام تو را در آن مراعات نکردند 8 در قبیله جمح شخصی به نام ابوالاسد، آنقدر نیرومند بود که، روی پوستی می نشست ده نفر نمی توانستند او را از روی پوست بیندازند، پوست پاره می شد ولی او نمی افتاد 11 پیش داوری فخر رازی، کلمه اتقی را در کریمه، (وَسَّ يُجَبِّهَهَا الْأَتْقَى)، بر ابوبکر تفسیر کرده است، حتی از پیغمبر تقوی او بیشتر می شود، و جواب مؤلف کتاب از داوری و تفسیر اشتباه فخر رازی و حتی فراموش نباید کرد که خود آلوسی نیز که نسبه مرد متعصبی است با این حال تحلیل فخر رازی را در این آیه نپسندیده است. 85.

آمار نشان می دهد هنگام تعطیلات مؤسسات آموزشی، فساد گاهی تا 7 برابر، بالا می رود

(فَإِذَا فَرَّغَتْ فَأَنْصَبَ) (هنگامی که از مهمی فارغ می شوی، به مهم دیگری پرداز) قابل توجه اینکه آمار نشان می دهد که، هنگام تعطیلات مؤسسات آموزشی، میزان فساد گاهی تا هفت برابر، بالا می رود 130.

تعصب غیر عاقلانه زمخشری، و قضاوت عجولانه او

زمخشری بدبخت و آلوسی نگون بخت، تصور کرده اند کسانی که نصب امیرالمؤمنین را بر خلافت، پس از ادای رسالت، از مصادیق کار مهم، در پی کار مهم دیگر گرفته اند، خدای نکرده کلمه انصب را، به کسر صاد گرفته اند، لذا زمخشری می گویند ناصبی ها را رسد که، گویند نصب عداوت با علی(علیه السلام) بکن، در حالی که همان قرائت رایج (فتح صاد) در رساندن این مطلب کافی است، و عمل پیغمبر(صلی الله علیه و آله) در غدیر بهترین شاهد است که، مهم را (خلافت امیرالمؤمنین(علیه السلام)) پشت سر مهم دیگر، (رسالت) طبق روایات فریقین در غدیر انجام گرفت، پناه به خدا از تعصب غلط، زمخشری در عین اینکه علی(علیه السلام) را خلیفه چهارم می داند، به دشمنان آن حضرت اجازه این فضولی را می دهد 131.

دوای زخم معده

انجیر و عسل به طور مساوی مخلوط شود برای زخم معده بسیار مفید است خوردن انجیر خشک فکر را تقویت می کند 142 در فرمایش امام صادق(علیه السلام): از جمله خواص روغن زیتون، اطفاء غضب است 143.

تفسیر فخر رازی: وقتی سوره الرحمن نازل شد، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به اصحاب فرمود، چه کسی می تواند این سوره را به رؤسای قریش بخواند، ابن مسعود حاضر شد، ابوجهل چنان سیلی محکمی بر او زد گوشش پاره شد، و خون جاری شد، او گریان پیش پیغمبر (صلی الله علیه و آله) آمد، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در غم و اندوه او ناراحت شد، جبرئیل با خنده نازل شد، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود خندانی در صورتی که ابن مسعود گریان است، عرض کرد به زودی دلیل آن را خواهی دانست، جریان جنگ بدر پیش آمد، ابن مسعود در میان کشته های مشرکین گردش می کرد، ابوجهل را در نفس های آخری دید، روی سینه او قرار گرفت، گفت ای چوپان ناچیز، در جایگاه بلندی قرار گرفته ای، او در جواب گفت الاسلام یعلو ولا یعلی علیه، ابوجهل گفت به دوستت محمد (صلی الله علیه و آله) بگو در، زندگی مبعوض تر از تو پیش من کسی نبود، حتی در حال مرگم، این خبر به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) رسید، فرمود فرعون زمان من، از فرعون حضرت موسی بدتر بود که، او در واپسین لحظات عمرش ایمان آورد، ولی این طغیانش زیاد شد، سپس ابوجهل به او گفت، سر من را با این شمشیر ببر که تیزتر است، ابن مسعود پس از بریدن سر او، از موی جلوی سر گرفت، در حالی که بر زمین می کشید پیش پیغمبر (صلی الله علیه و آله) آورد، مضمون آیه (لَنْسَفَعًا بِالنَّاصِيَةِ (1))، در دنیا نیز تحقق یافت 170 نگارنده گوید: از آقای فلسفی نقل کردند که، ابوجهل گفت قدری از گردن من، هم روی سرم بگذار، وقتی پیش محمد (صلی الله علیه و آله) بردی درشت دیده شود، گفت بر خلاف انتظار تو، قدری از سرت را روی بدن می گذارم می گویند لذتی که حضرت ابراهیم، از سلام ملائکه در بشارت فرزندش، برد با تمام دنیا برابری داشت، پس در شب قدر گروه گروه، ملائکه بر امت محمدی (صلی الله علیه و آله) سلام می کنند، چه لذتی خواهد داشت، وقتی در آتش نمرود ملائکه بر او سلام کردند، آتش گلستان شد، پس از برکت محمدی (صلی الله علیه و آله)، سلام آنها بر امت چه گلستانی را تولید خواهد کرد، این حرف فخر رازی است محقق گوید: ببخشید آقای فخر رازی سلام ملائکه بر امام معصوم است، چه لذت برای حضرتش خواهد شد، و وقتی در آن شب دور امام (علیه السلام) طواف می کنند، چه لذت خواهد داشت 186.

سایه نیم کره که، بر نیم کره دیگر بیفتد، شب محقق می شود، پس شب قدر در کل زمین، 24 ساعت می شود شب عبارت است از سایه یک نیم کره که، بر نیم کره دیگر می افتد، و این سایه با حرکت زمین در حرکت است، و یک دور کامل آن 24 ساعت است، از یک نقطه شروع در نقطه دیگر پایان می گیرد، پس شب

قدر در کل زمین، یک 24 ساعت می شود، پس آنچه از آیات و روایات استفاده می شود که، شب قدر، یک شب معینی است، سازگار شد 192.

حتی به روایات اهل سنت، اطلاق کلمه شیعه، به پیروان امیرالمؤمنین (علیه السلام)، از رسول خداست (صلی الله علیه و آله) از این روایات که بزرگان اهل سنت روایت کرده اند، به خوبی روشن می شود که، اطلاق کلمه شیعه، به پیروان امیرالمؤمنین (علیه السلام) از خود رسول خداست، بعدها پیدا نشده است 213.

غفلت نشود از تعبیر زلزله ها، در کل زمین خواهد شد، مقطعی نیست

تعبیر زلزله ها، شاید اشاره به زلزله کل زمین باشد، در حالی که زلزله های فعلی، مقطعی است 222 کریمه (فمن يعمل مثقال ذره خیراً یره)، با آیه احباط و تکفیر) ان الحسنات یذهبن السيئات (و هكذا آیه توبه، و عفو، نسبتش عام و خاص است، و علاوه با کسر و انکسار ثوابها و گناهان، وقتی حساب شد همه نیک و بدی ها را، انسان می بیند 230 فخر رازی: تفسیر آیه) ان الانسان لفی خسر (را، از حرف یک یخ فروش، استفاده کرد 296 بنابر نقل الدر المنثور: اصحاب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) وقتی به هم می رسیدند، سوره و العصر می خواندند، بعد خدا حافظی می کردند 302.

چرا ابرهه به فکر تخریب کعبه افتاد

ذونواس پادشاه یمن، یهودی شد مسیحیان نجران را سوزانید، یکی از آنها فرار کرد خود را به قیصر روم رسانید، او به علت دوری، دستور داد که نجاشی، از نصاری یمن، طرفداری کند، دونواس شکست خورد، رئیسی از طرف نجاشی بر یمن تعیین شد، ابرهه یکی از فرمانده های لشکر 70 هزار نفری، رئیس یمن را کشت، و خود مسلط به اوضاع یمن شد، این خبر به نجاشی رسید، به فکر تنبیه ابرهه افتاد، ابرهه از ترس نجاشی، موی سر خود را تراشید، با مقداری از خاک یمن، به عنوان تسلیم به نجاشی فرستاد، او قبول توبه کرد، ابرهه برای اثبات خوش خدمتی، یک کلیسای عالی ساخت، و از عرب خواست عوض کعبه، به دور آن کلیسا طواف کنند، عرب که علاقه خاصی به کعبه داشتند، نگرفت، طبق یک نقل کلیسا را آتش

زدند، و بنابر نقل دیگر ملوث کردند، ابرهه تصمیم گرفت کعبه را خراب کند، وقتی نزدیک مکه رسید دستور داد شترهای اهل مکه را از صحرا به غارت بردند، از جمله دوپست شتر از حضرت عبدالمطلب، ابرهه کسی را پیش بزرگ مکه فرستاد گفت من قصد گشتن شما را ندارم، فقط مقصود خراب کردن کعبه است، فرستاده او از شریف مکه سؤال کرد، همه حضرت عبدالمطلب را معرفی کردند، و حضرتش را پیش ابرهه حاضر کردند، وقتی آن حضرت را دید، بی اختیار از روی تخت بلند شد، و حضرتش را پهلوی خود

نشاند، به مترجم گفت به حضرتش عرض کند، حاجتی داشته باشد برآورده می شود، ایشان فقط تقاضای رد شترها کرد، ابرهه در حال تعجب گفت، از عظمتی که از شما در دل من قرار گرفت، اگر تقاضای عدم تخریب کعبه می کردی، بر آورده می شد، فرمود کعبه صاحب دارد من صاحب شترم، پس حضرت عبدالمطلب به اهل مکه دستور داد به کوه ها و دره های مکه پناه ببرند، سپس خودشان با جمعی به یکی از دره های مکه رفت، و به یکی از فرزندان دستور داد، بالای کوه ابوقیس برود، و هر چه دید گزارش کند،

مژده آمدن لشکر خدا، (ابابیل) را پدر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) آورد

محقق گوید در صفحه 16 جلد دوم گزیده (فرنودسار) از تاریخ یعقوبی آوردم که، او حضرت عبدالله پدر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بود، و باز در صفحه 15، آوردم که حضرت عبدالمطلب خودش از حرم بیرون نرفت آقا زاده آمد و اظهار کرد، ابر سیاهی از ناحیه دریای احمر، در حرکت است، حضرت عبدالمطلب مژده نصرت بر اهل مکه داد، و فرمود وارد خانه هایتان شوید که، نصرت خدا با ماست، ابرهه سوار فیل خاص خود شد و نام آن محمود بود، هر چه حرکت داد نرفت، وقتی سر حیوان را به طرف یمن کرد، فوری حرکت کرد،

به فیل ها، عوض چوب با تبر می زدند

حرف نگارنده یادم است در جایی دیده ام عوض چوب با تبر می زدند، در نقلی دیده ام حضرت عبدالمطلب به او فرمود، می خواهند با تو کعبه را خراب کنند می کنی، با سرش اشاره کرد و گفت نه، عده زیادی از لشکر ابرهه هلاک، و عده ای پا به فرار گذاشتند، خود ابرهه مجروح شد، وقتی به صنعاء رسید درک رفت، این مطلب را از چهار کتاب، تفسیر نمونه تلخیص کرده است، ما هم تلخیص را تلخیص کردیم محقق 330.

ابابیل، اسم آن مرغ نیست، معنی گروه گروه دارد

واژه ابابیل معنی وصفی، (گروه گروه) دارد، نام آن مرغ ها نیست 336 از جمله معانی کوثر، افراد سخاوتمند می باشد، امام صادق (علیه السلام) می فرماید کوثر نهری است در بهشت، به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در مقابل فوت فرزندش عبدالله، عطا شده است 371.

* فخر رازی: این همه از اهل بیت گشتند، باز دنیا پر است، بنگر چه علمائی مثل باقر و صادق و رضا (علیهم السلام) از آنها هست

فخر رازی می گوید: سوره کوثر در جواب کسانی که به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) ابتر می گفتند نازل شد، در عین اینکه از اهل بیت (علیه السلام) این همه کشتند، باز دنیا مملوّ است از آنها، در حالی که از بنی امیه شخص قابل ذکر نماند،

سپس بنگر چه علمای بزرگی: مانند باقر و صادق و رضا(علیه السلام) و نفس زکیه از آل بیت پیدا شدند 376 بعد پیروزی و سوسه های شیطانی، امثال غرور، و انتقامجوئی، دانی این می شود که، انسان استغفار کند، و بداند فتح از ناحیه خداست، لذا در سوره نصر، دستور استغفار رسید 401 آغاز سوره توحید با ضمیر غایب، از مفهوم مبهمی حکایت می کند، (ذات مقدس او، در نهایت خفاء است)

هاء هو، برای توجه دادن است واو آن، ضمیر است

هاء هو، برای توجه دادن به مطلب است، و واو آن، ضمیر غایب است 432 فهرست اجمالی تمام جلدهای تفسیر نمونه 480.

ص: 250

واجب نبودن تقسیم شبها، بین زنهایش بود، طبق آیه (ترجی من تشاء منهّن وتوی من تشاء)، حضرتش با داشتن گرفتاریهای اجتماعی، اگر در داخل خانه گرفتار زنهایش بشود، ندانند که، حضرتش نسبت به حق قسم، آزاد است، زیاد اذیت می کردند، چطوری که او را نسبت به ساده زیستی اذیت می کردند، تا قرآن آنان را مذمت کرد 385 کریمه) لا یحلّ لک النساء من بعد و لا ان تبدل بهنّ من ازواج(1)، برای پیغمبر (صلی الله علیه و آله) راحتی ایجاد کرد، در مقابل فشارهایی که از قبائل عرب، برای عرض دختر، به حضرتش می آوردند، و همه توقع دامادی حضرتش را داشتند، یعنی که هر کس دخترش را به آن حضرت عرض کرده در دسر تولید نکنند که، کارهای تبلیغ با موانع روبرو شود 391 زنان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) پس از تشریف به مقام ام المؤمنینی، در مقابل آن، از ازدواج بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) محروم شدند، از تفسیر قرطبی، جلد 8، ص 531، نقل می کند که، امثال طلحه ها، به عنوان انتقام جونی قصد کردند که، ضربه ای به حیثیت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بزنند، علت دیگر محرومیت زنان پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، این است که اگر مجاز بودند بعضی از نادرست ها، برای بالا بردن وجهه اجتماعی شان، با آنان ازدواج می کردند، و افتخار می کردند که من آنم که، فلان زن پیغمبر (صلی الله علیه و آله) با من هم بستر شده است، و علت سوم، منافقین از قول زنهای ازدواج کرده، دستورات دین را تحریف می کردند 404 زنان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بعد از حضرتش، در میان امت اسلامی بسیار محترم بودند، و از زندگی خویش بسیار راضی بودند، و آن محرومیت در مقابل این افتخار، بسیار ناچیز بود 405.

ص: 251

19 قرینه در کتاب، هست که کتاب تألیف مقدس اردبیلی است

نوزده قرینه موجود در کتاب، انتساب حدیقه الشیعه را، به مقدس اردبیلی ثابت می کند. 44 مقدس اردبیلی، در زمانی هم، در شیراز می زیست 56 حدیقه الشیعه جلد اول هم داشته، این موجودی فعلی، جلد دوم است، خود مقدس در چهار مورد، به آن ارجاع داده است 60 کتاب کشف الغمّه، تصنیف وزیر سعید علی بن عیسی اربلی است، و این کتاب مقبول طباع موافق و مخالف است، مرحوم وزیر از ثقات علمای شیعه است، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کسی از فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام)، چیزی را ذکر کند که به آن اقرار دارد، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می بخشد، و اگر فضیلتی را بنویسد تا آن نوشته است، ملائکه برای او استغفار کرده بخشیده می شود 4 از جمله خواص وجود امام معصوم، رفع اختلاف است.

اگر قرآن به تنهایی کافی بود، نمی بایست مذاهب اسلامی، بیش از 700 مذهب باشد

اگر قرآن به تنهایی کافی بود، نمی بایست مذاهب اسلامی، بیش از هفتصد مذهب باشد 10 اسم حضرت ابو طالب، عبد مناف یا عمران است 13.

تا پیغمبر (صلی الله علیه و آله) زنده بود، حسن و حسین (علیهما السلام) او را پدر می گفتند

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: تا پیغمبر (صلی الله علیه و آله) زنده بود، حسن و حسین (علیهما السلام) او را پدر خطاب می کردند و بس، وقتی آن حضرت شهید شد مرا پدر خواندند 14 القاب امیرالمؤمنین (علیه السلام)، قریب به پانصد لقب است 17 روایت ورود فاطمه بنت اسد (علیها

السلام) به داخل کعبه که، روز چهارم با پسرش بیرون آمد، و در آنجا شنید که اسم این مولود را علی (علیه السلام) بگذارید که، از اسم خودم مشتق کرده ام، و او در این خانه کسر اصنام کرده، و اذان خواهد گفت 18 بعضی از علمای حنفی، کافر و واجب القتل می دانند هر کسی را که، بر ابوبکر دیگری را، مقدم بدانند 27 و دیگری گفته بر امام عرق خور، حدّ جاری نمی شود، لآنّه نایب من الله 29 دلیل تقدیم مفضول بر فاضل به عقیده عامه، تقدیم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عمر و عاص، و اسامه، بر ابوبکر و عمر است 31 با موازین عامه، عثمان هم واجب القتل، و هم واجب اطاعه باید باشد، و بیعت علی (علیه السلام)، و معاویه هر دو صحیح باشد، چون مردم هر دورا انجام داده اند 33 خداوند، از سر تا سینه مجوّف، و پائین مصمت، و

موهایش مجعّد است، روزی درد چشم گرفت، ملائکه عیادت کردند، معلوم شد که از کثرت گریه در طوفان نوح (علیه السلام) بود، در شب های جمعه به صورت پسر امردی، سوار بر خر مص-ری به زمین

می آید، به فتوای ابوحنیفه، زانی با دختری که از نطفه او خلق شده، می تواند ازدواج کند 34. به فتوای شافعی، برای تقویت فکر، تا حد سه دفعه باختن، شطرنج بازی جایز است 35 چطور ممکن است، حق تعالی بدون تعیین امام، اکملت لکم دینکم بفرماید 38 بلال وقتی اذان گفت، عایشه از ضعف جسمی پیغمبر (صلی الله علیه و آله) استفاده کرده، به بلال گفت به پدرش بگویند، امام جماعت شود، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) متوجه شد، با تکیه به عباس و امیرالمؤمنین (علیه السلام)، به مسجد آمد 41 به فاصله دو ماه و نیم از شهادت حضرت زهرا (علیها السلام)، و به قول عایشه، به فاصله 6 ماه، امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیعت کرد 43

در را باز کنید، وگرنه آتش می زدم، زدند

چند دفعه، برای احضار امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای بیعت، کسی را فرستادند، نتیجه نگرفتند، آخر کار، عمر و قنذ و عبدالرحمن بن عوف و غلامی هیمه کش، به علاوه عده ای، به در خانه علی (علیه السلام) آمدند، هر یکی یک نوع حضرتش را خطاب می کرد، و عبارت عمر این بود: افتحوا الباب و الا حرّقناه علیکم، و طبق اکثر روایاتشان آتش هم زدند، از این است که ابن قتیبه نقل می کند که، ابوبکر در دم مرگ می گفت، ای کاش در خانه فاطمه را آتش نمی زد 44 در بعضی از روایات اهل سنت آمده، درب را پس از نیم سوخت شدن، عمر با لگد به پهلوی فاطمه (علیها السلام) زد، مادر غش کرده، و بچه سقط شد، و به قنذ هم، دستور تازیانه زدن داد، و خالد بن ولید هم، به زهراء غلاف شمشیر زد، طبق گفته بعضی از ثقات، سقط جنین نتیجه کار خالد شد 45 امیرالمؤمنین (علیه السلام) بی اختیار از خانه بیرون آمد، و فرمود یابن صهّاک حبشیه، اگر در علم خدا نگذشته بود که، مرگ تو به نوع دیگر باشد، نمی توانستی این طور جرئت بکنی، خالد بر آن حضرت حمله ور شد، بنی هاشم دست به دفاع باز کردند، امیر (علیه السلام) دستور صبر داد، بالاخره دسته جمعی پیش ابوبکر رفتند، آن ملعون علی (علیه السلام) را به خانه مراجعت داد 46.

تمام اوصیای، انبیاء (علیه السلام) از فامیل خودشان بود

تمام اوصیاء انبیاء (علیه السلام)، از فامیل خودشان بود، اکثرشان فرزندان را وصی کردند، و موسی (علیه السلام) پسر عمویش یوشع بن نون را، خلیفه بعد از مرگ، چه چطوری که هارون را وصی در حال حیات کرد، آیه (والذین آمنوا و لم یهاجروا مالکم من ولایتهم من شیء)، عباس را از این نعمت محروم کرد

55 از عارفی پرسیدند، چه فرق است بین علی (علیه السلام) و ابوبکر؟، گفت علی (علیه السلام) در خدا بودنش شک است، و ابوبکر در اصل ایمانش 56 حتی با وجود خود پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، ولایت در امور مسلمین، به علی (علیه السلام) احتیاج

داشت 65 زمخشری با اینکه تعصّب شدید دارد، و حنفی مذهب است، اعتراف دارد که آیه مباحله، قوی ترین دلیل است، بر فضیلت آل عباء 68.

اولین سجده شکر در اسلام

گویند اولین سجده شکر در اسلام، سجده ای بود که علی (علیه السلام)، در ليله المبيت پس از تبسم انجام داد، وقتی شنید با خوابیدن در رختخواب نبوی (صلی الله علیه و آله)، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جانش سالم خواهد ماند 85.

* سید ابن طاووس می فرماید: اگر امیر (علیه السلام)، در رختخواب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نمی خوابید، نه هجرت بود، و نه اتمام رسالت

ابن طاووس در کتاب طرایف آورده: ولولا نام علی (علیه السلام)، علی فراش النبى (صلی الله علیه و آله)، یفدیه بمهجتہ، ما تمکن (صلی الله علیه و آله) من هجرتہ، ولا اتمام رسالتہ 86 شیخ عزالدین عبد السلام شافعی رساله ای در مدح خلفاء دارد تعریف عجیبی از فاطمه و علی (علیہما السلام) کرده حدود دو صفحه 107 تعریف مؤلف از سلطان محمد خدابنده، و حرف او در علت سلام بر آل پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در قرآن 109.

شیخ طوسی صلوات را در نماز، از ارکان حساب می کند

شیخ طوسی صلوات را در نماز، از ارکان شمرده است، ایجاب صلوات در نماز، از ایجاب سجده بر آدم (علیه السلام)، ابلغ است، چون صلوات در جمیع نمازهاست 112 سنی ها، رغماً لرافضی ها، صلوات بر آحاد مسلمین را تجویز نمی کنند، و هکذا انگشتر به دست راست، و تسطیح قبور نمی کنند، چرا رغماً برافضی ها که، زنده اند، نمی میرند 113 رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس از اتمام خطبه غدیر، دست امیرالمؤمنین (علیه السلام) را گرفته، در بالای منبر قرار داد، به طوری که همه مشاهده کردند، و فرمود آست اولی بکم من انفسکم 123.

چه عجب غزالی اقرار می کند که، پس از بخ بخ گفتن، قبول نکردن جز هوای نفس، چیز دیگری نیست

محمد غزالی پس از ادعای اجماع بر صحت عید غدیر، و به قول عمر بخ بخ، اضافه کرده که هوای عمر بر ریاست، مانع از قبول کردن ولایت علی (علیه السلام) شد، عین عبارت غزالی را ابن جوزی هم نقل کرده است 129 امیرالمؤمنین (علیه السلام) با اینکه از اهل مکه زیاد کشته بود، از خواندن سوره براءت نترسید ولی حضرت موسی (علیه السلام) از کشتن یک فرعون می ترسید 133 علت اینکه اول سوره براءت خواندن را، به ابی بکر دادند پس گرفتند، این بود که تصور نشود که کسی غیر از امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم، لیاقت ادای این مهم را داشت

ص: 255

134 تعبیر از امام رضا(علیه السلام)، به امام ثامن ضامن 140 کسی که در اسلام تولّد یافته مثل امیرالمؤمنین(علیه السلام)، تعبیر اسلام آورده درباره او صحیح نیست، بلکه تصدیق صحیح است، بعضی از اصحاب فرموده اند که، امیر المؤمنین(علیه السلام) در وقت بعثت پیغمبر(صلی الله علیه و آله) 14، یا 15، ساله بوده است، در پاورقی آدرس احقاق الحق را داده است 141 معاویه با آن همه ع-داوت، صغر سنّ را بر علی(علیه السلام) ایراد نگ-رفت، فخر رازی بلند پروازی می کند، ابن حجز در شرح بخاری گوید: علی(علیه السلام) در شیرخوارگی، مطالعه لوح محفوظ می کرد 142.

امام صادق: موالی بودن من بر علی(علیه السلام)، بهتر از فرزندی است

ابن بابویه در اعتقاداتش از قول امام صادق(علیه السلام) نقل می کند: ولایتی منه(علیه السلام)، احبّ من ولادتی منه، یعنی موالی علی(علیه السلام) بودن بر من، بهتر از فرزند او بودن است 151 در جنگ اُحد از چاشت تا پسین، از آسمان صدای لافتی الا علی، لا سیف الا ذوالفقار، به گوش جهانیان می رسید 161 محمد بن محمود کرمانی شافعی، نقل کرده است که، پیغمبر(صلی الله علیه و آله) در سجده شکر می گفت: الهی بحق علی ولیک، اغفر لمحمّد(صلی الله علیه و آله) نبیک 199 الدهر انزلنی ثم انزلنی ثم انزلنی، حتی قیل معاویه، و علی(علیه السلام) 208.

برای پائین انداختن بت ها از بالای کعبه (علیه السلام) پا بر دوش پیغمبر(صلی الله علیه و آله) گذاشت و بالا رفت

برای پائین انداختن بت هائی که بالای کعبه بود، علی(علیه السلام) عرض کرد پایتان را بر دوش من بگذارید، پیغمبر(صلی الله علیه و آله) فرمود، تو طاقت حمل نبوت را نداری، تو پایت بر دوش من بگذار 220 وقتی امیرالمؤمنین(علیه السلام) از میزاب کعبه خودش را زمین انداخت، تبسم کرد، پیغمبر(صلی الله علیه و آله) سؤال کرد، عرض کرد برای اینکه از این بلند افتادم طوری نشد، فرمود چرا طوری شود، در حالی که محمّد(صلی الله علیه و آله) تو را بلند کرده، و جبرئیل پائین آورد 221 مجرب است خواندن لی خمسه اطفی بهم حرّ الجحیم الحاطمه، برای برآوردن هر حاجتی 233 اصحّ اقوال، ده ساله بودن فاطمه(علیها السلام)، در وقت ازدواج 239 پیغمبر(صلی الله علیه و آله) برای خرج عروسی، فرمود به اسب احتیاج داری، زره را بفروش، علی(علیه السلام) آن را به عثمان به 480 درهم فروخت 240 برای فاطمه(علیها السلام) در پیش خدا نه اسم است، فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیّه، راضیه، محدّثه، مرضیه، زهراء 241 امیرالمؤمنین(علیه السلام) ابن ملجم را، حتی از عطائی که، به دیگران می داد محروم نکرد 258 امیرالمؤمنین(علیه السلام) عایشه را به همراهی زنان، از بصره به مدینه فرستاد 259.

کفار وقت دیدن علی بن ابی طالب(علیه السلام) وصیت می کردند

در جنگ ها کفار علی(علیه السلام) را می دیدند، وصیت می کردند 261.

ادعای دوستی علی بن ابی طالب (علیه السلام) و جواب حضرت

خرایج: کسی ادعای دوستی علی (علیه السلام) کرد، فرمود دروغ می گوئی، مخنث، و دیوث، و ولد الزنا، و ولد حیض، ما را دوست نمی دارد 264 معجزه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، در اثبات کردن مادر بودن زن کسی 266 هروله سر انگشتان به زمین نهادن و به تندی رفتن است 274 تعریف عجیب جاحظ امیرالمؤمنین (علیه السلام) را، با وصف اینکه او عداوت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را، جزء ایمان می داند 275 احمد غزالی مثل برادرش محمد، از بزرگان صوفیه است، مشهور است که احمد در بالای منبر می گفت، هر کسی توحیدش را، از ابلیس یاد نگیرد، زندیق است، کسی به امیرالمؤمنین (علیه السلام) گفت انا احبک، و اتوالی عثمان، فرمود اما الان فانت اعور، اما ان تعمی و اما ان تبصر، پاورقی احقاق الحق 277.

اگر آیه (و سیجنّہا الاتقی) ، درباره ابو بکر آمده، چرا خودش در سقیفه ادعا نکرد

اگر آیه (و سیجنّہا الاتقی) ، مربوط به ابی بکر بود، چرا در سقیفه عنوان نکرد، و چرا عایشه گفت: هیچ آیه ای درباره ما نیامد، جز آن چه در عذر من رسید 293 استدلال شیخ مفید با آیه غار بر کفر ابوبکر 300.

ابوبکر اگر مال داشت چرا به پدر کورش و به دخترش نداد که مزدوری نکنند

ابوبکر اگر مال داشت به پدر کورش، و به دخترش اسماء می داد که، مزدوری نکند 301.

خلفاء که خودشان به جنگ نرفتند، تا فتوحات به آنها مستند شود

خلفای ثلاثه، خودشان به جنگی نرفتند که، فتوحات مستند بر آنها شود، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرموده بود، تا سی سال این جاها فتح می شود، با شنیدن مژده فتح، لشکر اسلام اقدام کردند، رئیس هر که می خواهد بشود، دو دختر که عثمان یکی از آنها را کشت، و با دیگری طوری مدارا کرد که، موجب دلگیری رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شد، بچه های خواهر خدیجه (علیها السلام) بودند، پس از فوت مادرشان، خدیجه، بزرگ کرده بود 307 روایت را معنی می کند، به اینکه راهی را که عمر برود، احتیاج به رفتن ابلیس ندارد، گویند فلانی از بس شرور است، دیو از او می گریزد.

ابلیس حاضر شد توبه کند، او (دومی) نگذاشت

توبه کنم قبول است، فرمود بلی به شرطی که، به قبر حضرت آدم سجده کنی، رفت که سجده کند، رفیقش عمر را دید، گفت از غیرت و حمیت تو دور است که، با امر خدا به خودش سجده نکردی، به امر محمد(صلی الله علیه و آله) به قبرش سجده بکنی 309 جهزوا جيش اسامه لعن الله من تخلف عنه، پاورقی النص و الاجتهاد ص 31 319 فدک دهی است، از جمله شهود فاطمه(علیها السلام) ام سلمه و ام ایمن بود، ابوبکر گفت شهادت دوزن کافی نیست، علی و حسن و حسین(علیها

السلام)، به نفع خود شهادت می دهند،

فدک را خالصانه هم کردند

سیوطی در تاریخ الخلفاء گفته، فدک را ابوبکر و عمر خالصه کردند، در چاپ های فعلی کتاب تحریف شده است 322.

علل عدم قبض فدک، در زمان حکومت علوی(علیه السلام)

از جمله عللی که باعث شد امیرالمؤمنین(علیه السلام)، در زمان حکومت ظاهری فدک را قبض نکند،: نخواست فدکی که سبب رنجش فاطمه(علیها السلام) شده، وسیله خوشحالی فرزندان شود 330 و از آن جمله: اهل بیت(علیه السلام) چیزی که از آنها غصب شد، بر نمی گردانند، چطور می توانست عقیل خانه رسول خدا را فروخته بود، در فتح مکه بر نگردانید 331 ابوبکر و عمر، در اُحد با شنیدن صدای ابلیس: انّ محمداً قد مات، فوری پیش عبدالله بن ابی، ابن ابی سلول، رئیس منافقین، رفتند تا شفاعت ایشان پیش ابی سفیان کند 333 عمر در وقت مردن، هشتاد هزار درهم مال بیت المال که، از پنج ممرّ تهیه می شد: خمس، و زکوه، جزیه، غنائم، و میراث من لاوارث له، به ذمه داشت 334 امتعکن و اسرحکن: اگر طالب دنیا هستند متعه طلاق آماده است 336 خلفای ثلاثه پس از بستن پیغمبر(صلی الله علیه و آله) در خانه هایشان را دوباره به مسجد باز کردند 339.

احیاء سنت یهود، و ترک سنت رسول(صلی الله علیه و آله)

از جمله بدع ثلاثه، احیاء سنت یهود، (دست به سینه گذاشتن) و ترک سنت رسول(صلی الله علیه و آله)، (قنوت در نماز) 341 تعبیر عمر به نقل طبری: والله لاحرقن بیتکم علیکم او لتخرجن للبیعه، و تعبیر حضرت زهراء به روایت ابن عبد ربّه: یابن خطاب اجئت لتحرق دارنا، و ولدی یعنی هر دو را بسوزی 344 مجموع حجره نبوی(صلی الله علیه و آله)، چهار گز در چهار گز نمی شد، به عایشه و حفصه، کمتر از دفن پدر هایشان می رسید 349 مالک بن نویره، بر ابوبکر گفت خدا و رسول کس دیگری را تعیین کرده اند، ابوبکر با خشونت جواب داد، او با

قوم خود مدینه را ترک کرده، و در صحرائی سکونت گزیدند، شیخین به فکر رفتند، آخر تصمیم بر این گرفتند کسی را بفرستند که، از آنها مطالبه زکات کند، آنها گفتند ما زکاتمان را طبق زمان رسول خدا(صلی الله علیه و آله) می پردازیم، سردمداران سقیفه شایع کردند که، آنان مرتد شده اند و زکات نمی دهند، و خالد بن ولید را که، در زمان جاهلیت با مالک عدوات داشت، با صد نفر سرباز فرستادند، آنان آمدند و با قوم خالدی نماز خواندند، و هر سواری مهمان کسی شد، و با

دستور خالد هر مهمانی میزبان خود را کشت، و زن و بچه اش را اسیر و اموالش را غارت کرد، و خود خالد با زن مالک در همان شب هم بستر شد 350 اعثم کوفی گوید: قوم مالک در وقت کشته شدن، می گفتند ما مسلمانیم و کشتن مسلمان جایز نیست، خالد می گفت مصلحت خلیفه وقت در کشته شدن شماس، و ابوقتاده، رفیق خالد، هر چه او را نهی کرد منتهی نشد، او می گفت من شاهدیم که قوم مالک آمدند با ما نماز خواندند، عمر از ابوبکر می خواست(1) که خالد را بکشد، ابوبکر می گفت خالد سیف الله است، در زمان حکومت خویش خواست به حساب خالد برسد، او گفت اگر مالک را برای مصلحت خودم کشتم، سعد بن عبادہ را هم، برای شما کشتم، عمر بر چشمان خالد بوسه زد، و گفت انت سیف الله حقاً 351 عمر زن های قبیله حنفیه را، (قوم مالک بن نویره) بر شوهرشان برگردانید، در حالی که اکثر آنان حامله بودند، از جمله اسراء این قبیله، مادر محمد حنفیه فرزند امیرالمؤمنین(علیه السلام) است، او وقتی چشمش به قبر پیغمبر(صلی الله علیه و آله) افتاد، گفت یا رسول الله روز قیامت برای ما از این قوم سقیفه دادخواهی کن که، ما را مثل قوم فرنگ اسیر کردند، بر او گفتند تو هم باید مثل دیگران شوهر انتخاب کنی، گفت شوهر من کسی است از آنچه بر زبان من در وقت ولادت جاری شده خبر کند، وقتی امیرالمؤمنین(علیه السلام) خبر کرد، به شوهری علی(علیه السلام) تن داد، امیرالمؤمنین(علیه السلام) او را پیش یک-ی از فامیل های خانم گذاشت، تا برادرش از مسافرت بیاید، وقتی آمد با عقد ازدواج او را حلال کرد 352 ابوبکر نامه پدرش را، وقتی خواند که نوشته بود، میزان خلافت اگر به بزرگی سنّ باشد، باید مرا خلیفه

ص: 259

1- در جائی دیده ام، و به احتمال قوی در تهویل آورده ام که، عمر با خالد پسر خاله بود، او عمر را در کوچکی به زمین زده، و پایش عیب کرده بود، این اصرار او به حساب عداوت دیرینه بود، نه اینکه او مسلمان کشته است، چطوری که در جلد خلفای ناسخ التواریخ آمده، خالد نیم شب پیش ابوبکر آمد، که عمر پیش او نباشد، و دربان ابوبکر در را باز نمی کرد، و دو دینار رشوه داد، و شبانه وارد شد، این اولین رشوه بوده در تاریخ اسلام، و چطوری که از عمر عذرخواهی کرد، با همان احتجاج ابوبکر را هم قانع کرد، وقتی سعد بن عبادہ بیعت نکرد، شیخین او را تهدید کردند، او به شام رفت، خالد بن ولید با مغیره بن شعبه رفتند، از دور با انداختن تیر او را کشتند، و گفتند اجته او را کشت.

کنند، و حرف های دیگر که در مذمت فرزند بود، سوزانید، با اینکه اسم الله و رسول در آن نامه نوشته بود، 353.

مطاعن شیخین، حذف تشهد از نماز، و داخل کردن آمین است و چیزهای دیگر زیاد است

از جمله مطاعن شیخین، حذف حیّ علی خیر العمل از اذن است، و از مطاعن ابوبکر بدعت شستن گردن و پاها و گوش ها در وضوء است، در وقتی که گفت شستن اینها از مسح پا برای من خوشترست 355 و از

جمله مطاعن شیخین، حذف تشهد از نماز است با اختراع این عبارت، السلام علیک ایّها النبی ورحمه الله وبرکاته، السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین، اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً عبده ورسوله. آمین خارج نماز را داخل، و تشهد داخل نماز را خارج کردند، ابوبکر با زور مردم را به خلافت عمر قانع کرد 356 به بلال هر چه اصرار کردند نه بیعت کرد، و نه اذان گفت 357 فجأه سُلّمی چون بیعت نکرد، ابوبکر دستور سوزانیدن داد، او داخل آتش کلمه توحید را بر زبان جاری می کرد، و شهادت به رسالت می داد 358 به گفته بعضی ها وقتی رسول خدا وسیله نوشتن خواست کسی آورد عمر گرفت و پاره کرد 364 به گفته صاحب هدایه فقه حنفی مذهب، و شارح مقاصد، مالک متعه را حلال می دانست 372 بدعت نماز تراویح و عمر 376 عمر با کوزه آب نصرانی ها، وضوء می گرفت، و زکات را تبدیل به خراج کرد، در مصر از هر جریب زمین یک دینار، و در عراق یک درهم گرفت، و زکات را تعطیل کرد 377 عمر مانع تردد کشتی های باری که، از مصر گندم و برنج می آورند، شد در نتیجه حبوبات گران شد، عمر خواستگار ام کلثوم شد، و امیرالمؤمنین (علیه السلام) قبول نفرمود، گفت اگر علی (علیه السلام) حاضر نشود وسیله کشته شدن او را فراهم می کنم، به عباس گفت روز جمعه به مسجد بیا ببین می توانم یا نه، در آن روز گفت، مردم اگر تنها امیرالمؤمنین (علیه السلام) شاهد زنا یکی از اصحاب باشد و شاهد دیگری نباشد چه می کنید، گفتند شهادت تو کافی است که، جمع شویم او را بکشیم، عباس جریان را به خدمت علی (علیه السلام) عرض کرد، امام (علیه السلام) باز قبول نفرمود، عباس گفت عمر بی شرم است، اگر شما هم قبول نکنید من به ضرورت انجام می دهم، پس عمر جماعتی را جمع کرد و گفت، عباس به وکالت از علی، ام کلثوم را بر من تزویج کرد 378 به عقیده اکثر مجتهدین، خصوصاً سید مرتضی، امیرالمؤمنین (علیه السلام) جَنِّه را به صورت ام کلثوم، به خانه او فرستاد، (1)

ص: 260

1- باب 17 کتاب نکاح وافی، روایت می کند از کتاب خرایج الحرایج، بر امام صادق (علیه السلام) عرض کردند اهل سنت به ما می گویند: عمر اگر خوب نبود چرا امیرالمؤمنین (علیه السلام) دخترش ام کلثوم را به او تزویج کرد، امام صادق (علیه السلام) تکیه کرده بود با شنیدن این حرف نشست، و فرمود سبحان الله امیرالمؤمنین (علیه السلام) مگر قادر نبود که، بین عمر و دخترش حائل بشود، دروغ می گویند، امیر (علیه السلام) تزویج نفرمود، لکن وقتی عمر در خواستکاری اصرار کرد و به عباس گفت، اگر علی (علیه السلام) دخترش را بر من تزویج نکند، سقایت حاج را از تو می گیرم، و بین تو و زمزم فاصله می اندازم، مخفی نماند که سقایت حاج، و رسانیدن آب بر حجّاج در منی و عرفات، در حکم وزارت آب امروزی بلکه بالاتر بود، و عباس این سمت را داشت، و لذا سعی می کرد این ازدواج صورت گیرد، و آن مقام از دست او بیرون نرود، علی (علیه السلام) برای حفظ این سمت، دستور داد به زن جَنِّه یهودیه از اهل نجران، به نام: سخیفه دختر جریبیه، به صورت ام کلثوم تمثّل کند، و او را پیش عمر فرستاد، پسر خطاب از آن زن ناراحتی ها دید، گفت در روی زمین کسی سحرتر از بنی هاشم نیست، خلیفه می خواست درد دلش را بر مردم اظهار کند، خدا مهلت نداد، و عمر کشته شد، آن زن سهم ارث خود را از مال عمر گرفت، و راهی نجران شد، ام کلثوم واقعی، پس از آنچه در این مدت پنهان بوده آشکار شد. مخفی نماند در بیان مرحوم فیض آمده: مقصود از فرمایش امام صادق (علیه السلام): ام کلثوم فرجی بود از ما غصب شد، اشاره به این صورت ازدواج ظاهری است.

فرض کن که شد، مگر حضرت لوط نفرمود (هولاء

بناتی (الایه 379 امیرالمؤمنین (علیه السلام) به قنبر دستور داد، ناودان عباس را به جایش بگذارد، و بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قسم خورد که، هر کس آن را بردارد، با ذوالفقار دو تکه می کند، عمر در حال مستی حدّ به عرق خور زد، و عوض هشتاد تازیانه صد چوب زد، در حالی که در حال مستی گناهکار، حدّ زده نمی شود 380.

حرف معروف عمرو و عاص

حرف معروف عمرو و عاص: قبّح الله زماناً عمل فيه عمرو بن العاص، لعمر بن خطاب 388 زنی از زنان قریش در زمان خلافت عمر، به او گفت، عمر بایست، او ایستاد گفت زمانی تو را عمیر می دانستیم، بعد عمر شدی، و حالا امیرالمؤمنین شده ای، از خدا بترس ای پسر خطاب، عدالت بین مردم بکن، عنقریب تو، و حکومت هیچکدام نخواهد ماند، بدعت عمر در وقوع سه طلاق در یک مجلس 389 مروان و حکم پدرش، هر دو طرید رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از مدینه بودند، و به 25 فرسخی تبعید شده بودند، و هر دو را عثمان به مدینه آورد، و جایزه هنگفت و مقام داد 394 از جمله مطاعن عثمان، مسلط کردن غلامان ترکی، و رومی، و خطائی، بر مسلمانان بود 395 و ابن مسعود را کشت 396 تبعیدگاه ابوذر، از هر طرف 25 فرسخ با مدینه فاصله داشت 401 تعجب است که اجماع سقیفه با سه نفر قبول شد، و اجماع قتل عثمان، با وجود سیصد نفر صحابی در داخل آن قبول نشد، ورثه هر مزان از شیراز به مدینه آمدند، و دادخواهی کردند، کسی به ندای آنان لبیک نگفت 404 فرمایش امیرالمؤمنین (علیه السلام): الله قتله و انا معه 412 پیغمبر (صلی الله علیه و آله) عایشه فرمود، قوم تو حدیث عهد با سلام نبودند، کعبه را خراب می کردم، و مثل زمان حضرت ابراهیم می ساختم، و دو تا درب (شرقی و غربی) برایش می گذاشتم 419.

ص: 261

حضرت ابراهیم (علیه السلام) 7 سال هم در کوهستان فارس تبلیغ می کرد

در تفسیر بحرالبحور آورده، حضرت ابراهیم از ترس کفار، بابل را ترک کرده، و به کوهستان فارس آمد، و 7 سال در آن بود تا آذر بمرسد، دوباره به بابل آمد، بت ها را شکست، و آتش بر او سرد شد 423 فرمایش

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تعریف حمزه و جعفر، و مذمت عباس و عقیل 425 قال الصادق (علیه السلام) لایبالی الناصب صلی ام زنی، چهارده نفر از منافقین در عقبه واقعه در راه تبوک، در شب ظلمانی به فکر رم دادن شتر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) افتادند، و برای این کار، دبه هائی را که پر از سنگ ریزه کرده بودند، غلطانیدند، 430 لکن حذیفه و عمار مواظب شتر بودند، به مقصود نرسیدند، با صورت های بسته دویدند که، در جلو با قدرت دست، شتر را بیندازند، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) صدا زد، و حذیفه و عمار شمشیر کشیدند، و هوا برق زد، رسوا شدند و فرار کردند، ولی پیغمبر (صلی الله علیه و آله) آنها را معرفی بر حذیفه و عمار کرد 431.

زمخشری در تفسیر (و هموا بما لم ینالوا) رم دهندگان شتر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را، پانزده نفر نوشته است

زمخشری در تفسیر آیه (و هموا بما لم ینالوا) از سوره توبه، نوشته: پانزده نفر در مراجعت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از تبوک، قصد رم دادن شتر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) کردند 432 به روایت مفضل بن عمر، منافقین دیدند در این سفر امیرالمؤمنین (علیه السلام)، چون در رکاب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نیست، لذا به این فکر افتادند، و سعی عمر از همه بیشتر بود 433.

عمر در زمان خلافت، حذیفه را منع از بدگویی منافقین کرد او با صراحت لهجه جواب داد

روزی عمر در ایام خلافت به حذیفه عصبانی شد، و گفت شنیده ام جمعی از اصحاب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را، منافق معرفی می کنی، و می گوئی آنان دربان جهنم هستند، و درّه طلبید و خواست به حذیفه بزند، او فرمود ساکت باش ای عمر، تو نیز دربان جهنم هستی، و منافقین را از دخول جهنم، منع نخواهی کرد، عمر مصلحت را در سکوت دید و تبسم کرد، و شروع به مدّاحی حذیفه به حاضرین کرد، لکن عثمان علیه اللعنه و النیران، انتقام همه را از حذیفه کشید 434 امیرالمؤمنین (علیه السلام) وقتی دید که طلحه و زبیر قصد نشستن دارند، به قنبر فرمود این چراغ بردار، و چراغ دیگر بیاور که، مال بیت المال نشود 440.

ابوبکره گوید، از خروج عایشه من به تردید افتادم، فرمایش نبوی که در زمان حیات شنیده بودم، مرا نجات داد

ابوبکره گوید: در روز جمل، دیدم جمعی دور هودج عایشه را گرفته اند، به عنوان اینکه او زن پیغمبر (صلی الله علیه و آله) است، به تردید افتادم، لکن به یاد حرفی افتادم که، روزی در محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، صحبت شد که، اهل فارس را، زنی حکومت می کند، فرمود لن یفلح الله قوماً ولّوا امرهم امرأة، از دغدغه شیطان مرا نجات داد 441.

عایشه بر ابوهیره، در سوار شدن، بر استر قیمتی ایراد گرفت، گفت این مزد چند حدیث است که، بر پدرت ساختم

عایشه بر ابوهیره، در سوار شدنش به استر کذائی، ایراد گرفت، گفت تا چندین حدیث، بر پدرت نبستم، سوار این استر نشدم 448 افتراء گفتن معاویه بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، در آن خودش را کاتب وحی معرفی کرده است، و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را بی خبر از هر چیزی 456 اللهم لاتشعب بطنه، وقتی از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) صادر شد که، برای کاری پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، کسی را دو دفعه پیش معاویه فرستاد، هر دو دفعه گفت، غذا می خورم 464 مسلمانی ظاهری معاویه، پنج ماه قبل از شهادت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) شد 465. به قول یکی از اکابر: یزید سئیه من سیئات معاویه.

بنی عباس از شیعه بی حدّ، و از اولاد امیرالمؤمنین (علیه السلام)، 120 هزار نفر کشتند

بنی عباس از شیعه بی حدّ و حساب کشتند، و از اولاد امیرالمؤمنین (علیه السلام)، صد و بیست هزار کشتند 467 از جمله اوائل معاویه، او اول کسی بود، اسیران مسلمانان را بفروخت 468.

عایشه لقب زیاد بن ابیه را، بر او داد

لقب زیاد بن ابیه را، عایشه به او وقتی که می خواست زیاد بن ابی سفیان باشد داد 470.

معاویه، از تاریخ ازدواج هند با ابوسفیان، سه ماه می گذشت، به دنیا آمد

مسافر بن عمرو بن امیه، چندین سال با هند زنا کرد، و به او وعده ازدواج می داد، وقتی معاویه در شکم او شش ماهه شد، به حیره فرار کرد، هند را با وعده های زیاد، به ابوسفیان دادند، پس از سه ماه معاویه به دنیا آمد، چهار نفر در فرزند بودن معاویه، نزاع داشتند، هند از زنا با سیاه ها، بیشتر لذت می برد، لکن همه

بچه سیاه ها را می کشت 474 بعضی از محققان (غلبت الروم) را به بنی امیه توجیه کرده اند، که رومی الاصل بودند،

امام صادق(علیه السلام) فرمود، چطور شب قدر را شناسیم که، در آن، ما را به کرسی کرامت می نشانند

کسی از امام صادق(علیه السلام) سؤال کرد، شما شب قدر را می شناسید، فرمود چطور شناسیم که، ما را در آن شب به تخت کرامت می نشانند، و ارواح انبیاء(علیه السلام)، و ملائکه کرام به تهنیت ما می آیند، و بر ما آن شب، بهتر از ملک بنی امیه می باشد 475 اهل سنت طرفدار بنی امیه هستند، و کسی که آنان را لعنت کند، بکشتن او فتوی می دهند،

تفتازانی گوید یزید ملعون است، علماء که از لعن او نهی می کنند، برای اینکه بالائی ها، سرایت نکند

ملاسعد الدین در شرح مقاصد گوید: ما یزید را لعنتی می دانیم، و علت اینکه علماء لعن او را تجویز نمی کنند، این است که، سرایت به لعن بالائی ها نکند 476 اهل سنت که معاویه را برای اینکه برادر ام حبیبه است، خال امیرالمؤمنین می خوانند، چرا بس محمد بن ابی بکر که، برادر عایشه است خال المؤمنین نمی گویند،

معاویه بعد از انداختن عایشه به چاه، در وقتی که مانع از بیعت یزد شد، گفت هنوز خامی، باشی تا پخته شوی

معاویه کاری کرد که اگر یک مؤمن می کرد، ثواب زیادی می برد، و آن به چاه انداختن عایشه بود، صاحب کتاب اوئل الاشتباه آورده که، معاویه می خواست برای یزید، در مسجد رسول الله بیعت بگیرد، عایشه از اطاق خود خطاب کرد و گفت، قبل از تو کدام یک از شیوخ این کار را کرده است؟ معاویه خجل و از منبر پائین آمد، بعد از دو سه روز، کسی را پیش عایشه فرستاد و گفت تو ام المؤمنینی، اگر پیش ما بیائی افتخار می کنم، و برادرانت را به هر منصبی خواستی می گذاریم، چون بنا شد که عایشه برود، جلوتر چاهی کند و داخل آن آهک ریخت، و فرشی روی آن انداخت، و او را برای نشستن به روی صندلی تعارف کرد، نشستن همان فرورفتن همان شد، در آن وقت گفت عایشه هنوز خامی، باش تا پخته شوی، وعده من و تو چاه ویل، این واقعه در آخر ذی حجه سال 58 روی داد 477 در روایتی چون چشمش ضعیف بود، بر

خری سوار بود، خر خود را بر روی فرشهای قیمتی معاویه دید، بر یکی رید، و بر دیگری شاشید، حمیت

مروان به حرکت آمد، اشاره کرد خر را با صاحبش به چاهی که، در کنج خانه بود، انداختند، لکن روایت اولی صحیح است، از این جریان کسی به غیر امام حسین (علیه السلام) خبر نداشت، ابن عباس از ناپیدا شدن عایشه سؤال کرد، امام (علیه السلام) از به طرف چاه رفتن اش خبر کرد،

پای بر سر بی جان معاویه، زد و گفت، این حرامزاده این را بلد نبود، تو یادش دادی

معاویه از همه در شام، و عراق، و حجاز، برای یزید بیعت گرفت، فقط ضحاک بن قیس مانده بود، به یزید گفت به او بگوید پدرم وصیت کرده تو او را به قبر بگذاری، وقتی خواست بیرون بیاید نگذار تا بیعت کند، یزید شمشیر کشید و گفت تا بیعت نکنی نمی شود، او دید یزید حرف جدی می زند، پا به سر معاویه زد و گفت، این حرام زاده این را بلد نبود، تو یادش دادی، معاویه هم، دست نشانده عمر بود، پسر عمر وقتی اعتراض به شهادت امام حسین (علیه السلام) کرد، یزید نامه های زیادی از پدرش به او نشان داد که به معاویه نوشته بود، عبدالله گفت پدرم مرا از این اسرار خبر نکرده بود، حتی با کلمه احمق یزید عبدالله را خطاب کرد، وقتی عبدالله حالی شد که این همه آوازه از خر بود، از یزید عذر خواهی کرد، او هم عطای زیادی به او داد، لذا در مناسبت ها می گفت: ما قال یزید الا صدقاً و عدلاً 479 - 481 ملا میرزا جان شیرازی در بخارا استاد شد، او باشی پسر او را وطنی می کردند، شاگردان هر چه با کنایه می گفتند، او تغافل می کرد، آخر روشن کردند، گفت اگر کاری هم شود، به نفس ناطقه چه نقصان می رسد 493 مرد جبری مذهب، به خانه رفت دید کسی دختر او را وطنی می کند شمشیر کشید که دختر را بکشد زنش گفت شرم نمی کنی که دین خود را می گذاری و دین صاحب عبّاد رافضی را می گیری مردی مسلمان و دختر بی گناهی می کشی؟ گفت الحمدلله خدا چنین زن مسئله دانی را به من روز کرده است 494.

اسامی پدران چهارگانه معاویه

اسامی پدران چهارگانه معاویه 498.

ص: 265

لازم نیست که معجزه مقارن دعوی باشد، آصف بن برخنا وصی حضرت سلیمان، معجزه کرد که تخت بلقیس را، در یک آن حاضر کرد، و اینکه بر حضرت مریم، میوه تابستانی در زمستان می رسید، معجزه حضرت عیسی (علیه السلام)، بود قبل از تولدش 502 مثل آن (کتاب روضه الواعظین) کمتر تصنیف شده است 503 حضرت ابوطالب خواست برای کمک حضرت فاطمه بنت اسد، زنانی را در تولد امیرالمؤمنین (علیه السلام) دعوت کند، از کنج خانه آوازی شنید که این کار را نکند که، دست نجس کافران بر بدن مطهر علوی (علیه السلام) برسد، پس چهار خانم حاضر شدند، حضرت حواء که یکی از آنها بود، وقتی قنطاق در کنار خود گذاشت، فرمود السلام علیک یا امّاه، بعد حال پدرش (آدم (علیه السلام)) از او پرسید 508 فاطمه بنت اسد وقتی غرائبی را که، در شب تولد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مشاهده کرده بود، به عرض حضرت ابوطالب رسانید، فرمود پس از سی سال، بر تو خداوند فرزندی خواهد داد که جهان را با نور خود منور کند 511 از جمله کتاب هائی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در وقت تولدش خواند، یکی هم صحف حضرت آدم (علیه السلام) بود 513 امیرالمؤمنین (علیه السلام) وقتی از انس شهادت خواست و نداد، گرفتار برص شد، بنابر نقلی اولادش هم، مبروص می شدند 520.

هام، بن هیم، بن لاقیس، بن ابلیس در صفین شهید می شود، و امیرالمؤمنین (علیه السلام) دعایش می کند

هام، بن هیم، بن لاقیس، بن ابلیس که، در زمان هاییل و قاییل طفل بود، با دست حضرت نوح مسلمان می شود، در خدمت خیلی از انبیاء (علیه السلام)، بوده است، وقتی محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسید، تقاضای قرآن یاد دادن می کند، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) دستور می دهد که، او را قرآن تعلیم کند، در جنگ صفین در لیله الهیر تا صبح جهاد کرد، اصبع بن نباته بعدها، وقتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) حال هام را می پرسد، امام می فرماید کشته شد، و دعایش می کند 549 به روایت تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) از امام حسین (علیه السلام)، درّاجی در صفا به امیرالمؤمنین (علیه السلام) سلام می کند، و عرض می کند چهار صد سال است، در اینجا تسبیح و تهلیل خدا کرده ام، علی (علیه السلام) می فرماید اینجا طعام و شراب نیست، عرض کرد هر وقت گرسنه شدم شیعیان تو را دعا می کنم، سیر می شوم، و هر وقت تشنه شدم، دشمنان تو را نفرین کردم، رفع تشنگی شده است 552

دعائی که، امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن را، به مرد آذربایجانی یاد داد

دعائی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن را به مرد آذربایجانی که، از شرّ شترهایش به عمر شکایت می کند، او رقعہ ای داد، شترها بیشتر یاغی شدند، بالاخره خدمت مولی الموحّدین می رسد، امام می فرماید، برو پیش شترهایت بگو علی (علیه السلام) مرا فرستاده، و این دعا را بخوان: اللهم ائی اتوجه الیک شرها، فانک الکافی،

المعافی، الغالب، القاهر، در آخر خیر از قول امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده، هر کسی را صعوبتی پیش آید، به این دعاء توسل جوید، برطرف می شود، به سند صحیح در کتاب خرایج آمده، اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روز جنگ جمل عرض کردند، دشمن به ما حمله می کند، اجازه بده ما هم مقابله به مثل کنیم، چیزی نگذشت دسته دیگر از اصحاب، همان شکایت را کردند امام (علیه السلام) فرمود: کیست که عذر مرا بخواهد، و بگوید که ملائکه هنوز نازل نشده اند من چطور قتال کنم، ناگهان بادی وزیدن گرفت در نهایت خوشبوئی بود، و سرمای آن را احساس کردیم، امام (علیه السلام) شکر خدا را به جای آورد، و اقدام به جنگ کرد، در مدت کم، پیروزی حاصل شد 567 طبق این حدیث ابلیس دوازده هزار سال با قوم جان بود، پس از هلاکت آنها تنها می ماند، و به خدا شکایت از تنهائی می کند، به آسمان دنیا می برند، با ملائکه ها می شود 581 حضرت آدم، در میان مگه و طایف مخلوق می شود 587 از قوم امیرالمؤمنین (علیه السلام) عده ای ادعای وفاداری کردند، فرمود فردا سر تراشیده پیش من بیائید، فقط هفده نفر آمدند 594 حضرت سلیمان برای ملک و مال خاتم خواست، لکن امیرالمؤمنین (علیه السلام) خاتم را، برای رضای خدا صدقه داد 595.

علی بن ابی طالب (علیه السلام) به دومی گفت: گردنت را می زنیم

عمر برای استعمار مردم، در وسط خطبه اش گفت: مردم اگر شما را از توحید به طرف شرک کشیدم، چه می کنید، و این حرف را سه دفعه تکرار کرد، از کسی خبری نشد، امیرالمؤمنین (علیه السلام) که در گوشه ای از مسجد نماز می خواند، فرمود توبه ات می دهم، اگر قبول نکردی گردنت می زنیم، زرنگی کرد، و گفت الحمدلله در این امت کسی را قرار داده که، ما را از کجی به راه راست می کشد 606 امیرالمؤمنین (علیه السلام) با فصد کردن و گرفتن خون پسر، و زدن آن بر استخوان قبر پدر، معلوم کرد که این پسر، فرزند این پدر است 618 مردی از عمر سؤال کرد زنم را در جاهلیت یک دفعه طلاق داده بودم، در اسلام هم یک دفعه مطلقه کرده ام، این طلاق، دومی حساب می شود یا نه؟ عمر عاجز شد، و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود یک طلاق حساب می شود، زیرا که، الاسلام هدم ما کان قبله 621 عصای حضرت

موسی (علیه السلام)، از چوب عوسج، و در ازای آن 7 گز، بود بذراع موسی (علیه السلام)، آن را جبرئیل برای حضرت شعیب (علیه السلام)، از بهشت آورده بود 628.

امام حسین (علیه السلام) 6 پسر، و 4 دختر داشت، علی اکبر، و اوسط، اصغر، محمد، عبدالله، جعفر

امام حسین (علیه السلام) شش پسر و چهار دختر داشت، علی اکبر، و علی اوسط (امام زین العابدین (علیه السلام)) و علی اصغر، محمد، و عبدالله، و جعفر، به غیر از علی اوسط علیهم السلام، بقیه در کربلا شهید شدند، و دخترهایش دوزینب کبری، و صغری، سکینه و فاطمه بوده است، نگارنده گوید به احتمال قوی حضرت رقیه همان زینب صغری است 662 مشهور است که، بعضی از اصحاب امام حسین (علیه السلام) می گفت: ما امام (علیه السلام) را در مدت عمرش خوشحال ندیدیم که، در کربلا دیدیم 665 علت اینکه محمد حنفیه به کربلا نرفت، مریض بودن او بوده است 669 عبارت نفرین امام زین العابدین (علیه السلام) به حرمله: اللهم اذقه حرّ النار و آلم الحدید 670.

سر امام حسین (علیه السلام) را حرمله به شام برد، و در راه بسیار بی ادبی، و شماتت، به خرج می داد

حامل رأس امام حسین (علیه السلام) به شام حرمله بوده، و در آن راه بسیار بی ادبی، و شماتت به خرج داد 671 از تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام)، عدد کشته های مرحوم مختار هشتار هزار و اندی است، و از حدیث پیش گوئی امیرالمؤمنین (علیه السلام) عدد کشته های غلام ثقیف، 383 هزار نقل شده است، مخفی نماند که در حُسن عقیده مختار، سخنی نیست 672.

در حدیث آمده تربت امام حسین (علیه السلام) همراه داشتن، راه خوفناک را امن می کند

در حدیث آمده تربت امام حسین (علیه السلام) همراه داشتن، راه خوفناک را امن می کند، و هکذا اگر از کسی ترس داشته باشد 674 در فوائد تربت امام حسین (علیه السلام)، و در بیان ضررهائی که، بر جاحدین فضل آن رسیده است 675 قبر عباس عموی پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، در کنار قبر امام حسن (علیه السلام) واقع شده است 680 محمد حنفیه رضوان الله علیه خودش، امام سجاد (علیه السلام) را امام می دانست، ادّعی دیگران درباره او، بی خود است 682.

محمد حنفیه برای اثبات امامت امام سجاد پیش حجر الاسود رفتند بعد از شهادت حجر پای امام را بوسید

و اینکه او با امام سجاد (علیه السلام) پیش حجر الاسود رفتند، نظر مرحوم محمد، اثبات امامت امام سجاد (علیه السلام) بود، و لذا وقتی حجر الاسود شهادت به امامت امام سجاد (علیه السلام) داد، محمد پای امام (علیه السلام) را بوسید 683 رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) خبر کرد که، پس از من خداوند به تو از دختری از بنی حنفیه، پسری خواهد بخشید، من اسم و کنیه خود را به او بخشیدم 683.

روایت صریح است که، هدیه رسول خدا، نام و کنیه اش را بر محمد حنفیه است

نگارنده گوید این عبارت صریح است که، این بخشش مربوط به محمد حنفیه است، نه به حضرت بقیه الله عجل الله فرجه الشریف، پس توجیه مرحوم مامقانی در جلد سوم تنقیح المقال، ص 112 که، می فرماید مقصود از این پسر حضرت بقیه الله است، و به ابن خلدون نسبت اشتباه داده، با این عبارت مقدس اردبیلی سازگار نیست 684.

هدیه اجنه، دو طبق انگور و انار، بر امام سجّاد(علیه السلام) و همراهان

غلامان امام سجّاد(علیه السلام) برای استراحت حضرتش، در راه مکه در منزل عسفان، چادر زدند، امام فرمودند اینجا مکان جمعی از شیعیان ما از اجنه است، نکند جای بر آنها تنگ باشد؟ صدائی شنیدند که گوینده ای گفت: جای بر ما تنگ نیست، و بودن شما در اینجا وسیله سرور ماست، مبادا جای تان عوض کنید، و هدیه ما را قبول بفرمائید، پس دو طبق پر از انار و انگور، حاضر شد و همه استفاده کردند 689 بچه ای که از امام زین العابدین به چاه افتاد و، حضرتش بعد از نماز در آورد، امام باقر(علیه السلام) نوشته است 691 پیغمبر(صلی الله علیه و آله) منتظرین فرج آل محمد(صلی الله علیه و آله) را، در ثواب با بدری و اُحدی برابر می داند 698

فرمایش امام باقر(علیه السلام): عزیز و عزیز دو برادر بودند، و پدرشان شرحیا نام داشت، و حضرت عزیز به نبوت رسید الخ 703 عبدالملک مروان از امام سجّاد(علیه السلام) سؤال می کند، اگر ملّتی امام مفترض الطاعه را بکشند چه می شود؟ امام می فرماید هیچ سنگی را بر نمی دارند مگر اینکه از زیر آن خون می جوشد، عبدالملک می گوید من در زمان پدرم، در شهادت علی(علیه السلام) این را دیدم، و باز در شهادت امام حسین(علیه السلام)، این را درک کردم 705 امام باقر(علیه

السلام)

می فرماید: دوازده عالم است، هر کدام از ما دوازده امام، از دنیا برود، در یکی از آن عوالم ساکن می شود تا وقت ظهور حضرت بقیه الله، عجل الله فرجه الشریف 707 مفصّل بن عمر را، دربان امام صادق(علیه السلام) می نویسد 723 ابومسلم خراسانی را منصور در رومیّ مدائن کشت، و تنش را در شطّ انداخت، من اعان ظالماً سلّطه الله علیه، کشته های ابومسلم بیش از ششصد هزار نفر بودند 438 برائت شدید امام رضا(علیه السلام) از ابومسلم خراسانی 739 سیّد مرتضی ابن الداعی الحسینی الرازی، از بزرگان شیعه است، در راه مکه با غزالی ناصبی، بحث کرد، و او را الزام فرمود 741 با یزید بسطامی چند روز خدمت جعفر کذاب کرده است، و بستن او به امام صادق(علیه السلام) افتراء محض است، 745 روایات در مذمت صوفیه 747 فساد صوفیه از طریق مطالعه کتب فلاسفه شد، گمراهی افلاطون قبطی، آنان را گمراه کرد 752.

سوء استفاده کردن صوفی ها از کلام انبیاء، و اوصیاء علیهم السلام که، آن کلمات را، انشاء ات خودشان به خورد مردم دادند، 753

ص: 269

خوش طبعی گفت: کشف صوفی ها، از قبیل کشف عمرو عاص است

صوفی ها بی حياء، نسبت دانستن علم غیب را، به کفار هند، و سند، هم می دهند مرحوم مقدس اردبیلی می فرمایند: در مجلسی بودم شخص خوش طبعی گفت، چرا بی انصافی می کنید، صوفی ها در ادعای کشف، صادقند، لکن کشف آنان، از قبیل کشف عمر و عاص در جنگ صفین است 761.

در پاورقی، از مثنوی، لوظهرت الحقایق بطلت الشرایع

در پاورقی: مثنوی دفتر پنجم ص 818، لوظهرت الحقایق بطلت الشرایع 767.

عشق نام مرضی است

این فرقه خودشان را عاشق خدا می دانند، و متوجه نیستند که عشق نام مرضی است، از مرض های دماغی 781 فرمایش امام حسن عسکری (علیه السلام) به سند معتبر: علماؤهم شرار خلق الله علی وجه الارض، لانهم یمیلون الی الفلسفه و التصوف 785 فرمایش امام هادی (علیه السلام): فمن ذهب الی زیاره احد منهم (صوفی ها) حیاً و میتاً، فکائما ذهب الی زیاره الشیطان الخ 800.

ابوالفتوح رازی طبق وصیت اش در کنار حضرت عبدالعظیم دفن شد

شیخ ابوالفتوح رازی، طبق وصیت خویش در کنار امام زاده لازم التعظیم حضرت عبدالعظیم دفن شد، معلوم می شود که مردم اصفهان شیخ ابوالفتوح عجلی شافعی صوفی را، با شیخ ابوالفتوح رازی اشتباه

گرفته اند که، به زیارت او می رفتند، حافظ ابونعیم را صوفی می داند: صاحب کتاب الهادی الی النجاه و کتاب ایجاز المطالب 802.

برای رفع مشکلات دنیا و آخرت روزی صد بار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ»

برای رفع مشکلات دنیا و آخرت، فرمایش امام صادق (علیه السلام): روزی صد مرتبه، لا اله الا الله الملك الحق المبين 815 امام کاظم (علیه السلام) با مرد خراسانی، و چینی، به زبان آنها حرف زد، اسحق بن عمار گوید زبان چینی، شبیه کلام مرغان بود 825 سناباد، دهی از روستاهای طوس بود 840.

خنده ام برای این بود که عمو بهتر خواهد شد و به پسر برادر گریه خواهد کرد

عموی امام رضا (علیه السلام) (محمد بن جعفر (علیه السلام)) در حال مرگ بود، خبر کردند امام (علیه السلام) ملاقات فرمود، دید برادرش اسحاق با پسر عموهایش گریه می کند، امام (علیه السلام) تبسم فرمود، حمل بر شماتت می کنند، وقتی به

حضرتش عرض کردند که، تبسم شما را حمل بر شماتت کرده اند، می فرماید غلط فهمیده اند، تبسم من برای این بود که، عمویم بهتر می شود، در مرگ اسحاق گریه می کند 846.

از معجزه امام رضا مأمون غش کرد

وقتی دعای امام رضا(علیه السلام) در طلب باران مستجاب می شود، حمید بن مهران به مأمون می گوید، اگر اجازه بدهی من امام(علیه السلام) را خوار می کنم، مأمون گفت پیش من چیزی از این بهتر نیست، حمید پس از خیلی جسارت کردن، می گوید اگر دعاء تو مستجاب است، به این دو صورت شیر دستور بده، مرا پاره کنند، و الاّ نعوذ بالله دورغ می گوئی، امام اشاره کرد که اثری از او باقی نگذارید، حتی خونس هم به زمین نریخت، بعد اجازه خواستند که مأمون را بر او ملحق کنند، مأمون غش کرد، با تدبیر امام به هوش آمد، شیرها دوباره اجازه خواستند، امام(علیه السلام) فرمود به جای خود برگردید 847.

احتجاج دزد بر مأمون

جریان احتجاج دزد بر مأمون که، پدرت مادرت را از پول بیت المال خریده است، من از سهم خود تو را آزاد نکرده ام 863 امام رضا به مأمون اخبار می کند که، حضرتش را زهر خواهد داد 872 هرثمه با اصرار مأمون، از جمله خبرها خبر انار و انگور را به مأمون بازگوئی می کند، او غش می کند، ویل للمامون زیاد گفت، از هرثمه عهد گرفت که این مسئله را به کسی نگوید 880 امام رضا(علیه السلام) شهید شد مأمون به بغداد آمد، و حکومتش قوی شد، و امام جواد(علیه السلام) از حوادث زمان، و تعب دوران، در مدینه

توطن نتوانست نمود، با اهل عشیره به بغداد آمد، مأمون امام را در نه سالگی، در بغداد دید الخ 882 مأمون به بنی عباس گوید: علم امام جواد(علیه السلام) لدنی است، خواستید امتحان کنید، یحیی بن اکثم اعلم در فقه و حدیث، برای این کار انتخاب شد 884 مأمون در حال مستی امام جواد(علیه السلام) را کشت، لکن خداوند حفظ فرمود 892 امام جواد(علیه السلام) دختری به نام عایشه دارد 900 در حلق متوکل دملی در آمد، مشرف به هلاکت شد، امام هادی(علیه السلام) فرمود پشکل گوسفند را در کلاب نرم کند، و بر آن بگذارد بهتر شد، 903 امام هادی(علیه السلام) در مقابل لشگر متوکل لشگر خود را نشان داد، متوکل غش کرد، و لذا آن حضرت عسکری نامیده شد 912 امام هادی(علیه السلام) ده سال و چند ماه، در سامرا اقامت کردند 918.

امام حسن عسکری (علیه السلام) هیچ منقبتی نداشته باشد جز پدر بقیه الله عجل الله فرجه کافی است

امام حسن عسک-ری (علیه السلام) هیچ منقبتی نداشته باشد جز اینکه، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از صلب اوست، کافی می باشد 919 نوشتن و آویزان کردن) یا نار کونی برداً و سلاماً علی ابراهیم،) برای شفای تب ربع نافع است، به دستور امام حسن عسکری (علیه السلام) 922 امام حسن عسکری (علیه السلام) وقتی استخوان را از لای انگشتان راهب در آورد، هوا صاف شد، و فرمود دوباره آزمایش کنید، استخوان را از لای پارچه بیرون آوردند، هوا شروع به رختن باران کرد، دوباره وقتی استخوان مخفی شد هوا آرام گرفت، سپس از طریق نماز استسقاء که خودشان وارد شدند، باران آمد 927 حافظ ابونعیم، چهل حدیث درباره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جمع کرده است 941 تعریف مؤمنین طالقان از زبان امیرالمؤمنین (علیه السلام) 943 فرمایش امام باقر (علیه السلام): وقتی بقیه الله عجل الله فرجه الشریف ظهور کرد، خیمه ها برای تعلیم قرآن به نحوی که نازل شده، زده، خواهد شد این کار بر مردم، از مشکل ترین چیزها خواهد بود، 27 نفر از خواص حضرت مهدی (عج): از آنهاست مالک اشتر، سلمان، مقداد، و یوشع بن نون، و 7 نفر از اصحاب کهف، و 15 نفر از قوم حضرت موسی (علیه السلام) 945 در روایات بسیار آمده، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چهل روز قبل از قیامت از دنیا خواهد رفت، و در آن چهل روز، هرج و مرج در احوال دنیا راه خواهد یافت، و علامات قیامت ظاهر خواهد شد 946 نگارنده گوید با ملاحظه روایات مسلمة رجعت، لابد این چهل روز، پس از مرگ رجعتی آن حضرت خواهد بود، نه مرگ شهادتی که، برای آن حضرت مثل سایر

امامان (علیه السلام) هست، ربنا امتنا اثنین و احنینا اثنین الایه، در ترجمه حدیث پنجم، از احادیث حافظ ابونعیم: پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به فاطمه (علیها

السلام) می فرماید از این دو سبط، (حسن و حسین علیهما السلام) خواهد بود مهدی این امت، سخن نگارنده: مخفی نماند امام باقر (علیه السلام)، و امامان بعدی، هم حسنی و هم حسینی هستند، زیرا که مادر امام باقر (علیه السلام)، دختر امام حسن (علیه السلام) است، لذا در زیارت حضرت معصومه (علیها السلام) می خوانیم: السلام علیک یا بنت الحسن و الحسین (علیهم السلام)، باز در آن حدیث، از قول امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده: فاطمه (علیها

السلام) بعد از پدرش باقی نماند مگر 75 روز 948 عبدالله بن عمر از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از دهی بیرون خواهد آمد که، آن را کرعه گویند 949 ابر بر سر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سایه خواهد انداخت،

در وقت ظهور حضرت مهدی علیه السلام، اکثر عرب در بیت المقدس خواهند بود، و در مدینه کمتر کسی خواهد بود

باز از عبدالله عمر: در وقت ظهور حضرت مهدی، اکثر عرب در بیت المقدس خواهند بود، در مدینه از آنها کمتر کسی خواهد بود 951 هر گاه دیدید که، علم های سیاه از طرف خراسان(1) می آید، رو به آن کنید که، خلیفه خدا مهدی در آن است 953 حضرت عیسی (علیه السلام) در قتل دجال، بر حضرت مهدی کمک خواهد کرد، در دهی که آن را الده گویند، از مضافات فلسطین است 960 در طرف مغرب فرزند و فرزند زادگان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، بسیارند، بلکه شهرها در تصرف ایشان است، لیکن به جهت مصلحتی که خدا می داند، از نظر خلق غایب است، به روایتی دجال در چاهی به زنجیر بسته است 962 تا آن حضرت ظهور نکند، رخصت در تسمیه نیست، توقیعی که در لعن حسین منصور حلاج، از ناحیه بیرون آمد 972.

* از طرف معتضد، سه نفر مأمور شدند که به سامرا بروند، و خانه امام حسن عسکری (علیه السلام) را محاصره کنند حضرت بقیه الله را دیدند، و هیچ غلطی نتوانستند بکنند

از طرف معتضد، سه نفر مأمور شدند هر چه زودتر به سامرا بروند، و خانه امام حسن عسکری (علیه السلام) را محاصره کنند، و در آن خانه از کوچک و بزرگ هر که را پیدا کردند سرشان را بیاورند، بالاخره وارد سرداب شدند، دریائی را مشاهده کردند، در آن طرف دریا شخصی را بر حصیری که، روی

دریا انداخته، و مشغول نماز است دیدند، و دو نفرشان خودشان را به آب زدند، و نیمه جان بیرون آوردند، نتیجه نشد 976 امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود ایمان ابوبکر و عمر طمعاً بوده، و طوعاً و کرهاً نبود، وقتی دیدند که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به آنها مقام نداد، در شب عقبه با رفقایشان کمین کردند، جبرئیل خبر کرد، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از یک به یک آنها سؤال فرمود که، نظرشان چه بوده است 988 حضرت بقیه الله در میان رکن و مقام ظاهر می شود، و جبرئیل در آنجا به حضرتش می رسد، و شیعه او را از اطراف زمین خدمت آن حضرت می خواند، و در آن روز 313 نفر خدمتش می رسند،

ص: 273

1- زمان امام عسکری (علیه السلام)، بر معظم بلاد ایران امروزی، اطلاق می شد (کتاب العم النافع، ص 165).

چهار تن از انبیاء، با حضرت مهدی، خواهند بود

و چهار تن از انبیاء علیهم السلام: (عیسی، و ادریس، و خضر، و الیاس) با حضرتش حاضر می شوند، حضرت عیسی از آسمان به پشت کعبه نزول کرده، و از آنجا با نردبان پائین می آید، در بیان 313 نفر که کیانند، و حضرت مهدی (علیه السلام) لباس سفید می پوشد، (1) روز پنجشنبه ظهور، و روز جمعه خروج می کند،

حضرت مهدی سه علم خواهد داشت، بر یکی از آنها (الیوم اکلمت لکم دینکم) نوشته است

و دارای سه علم است بر یکی (الیوم اکلمت لکم دینکم) نوشته است الخ 994 از جمله علائم ظهور، پسری از آل محمد، به نام محمد در میان رکن و مقام کشته می شود 995 و از آن جمله علمی که تا آن روز پیچیده است، به خودی خود باز می شود، و از آن صدائی شنیده می شود، یا ولّی الله اقتل اعداء الله، و همانطور شمشیری به خودی خود از غلاف بیرون می آید، و گوید اخرج یا ولّی الله الخ 996.

سفیانی، از اولاد عقبه بن ابی سفیان است، حتی خود حضرت مهدی، از وقت ظهورش خبر ندارد

سفیانی از اولاد عقبه بن ابی سفیان است، وقت ظهور حضرتش بر کسی معلوم نیست، چنانچه وقتی صعصعه از امیرالمؤمنین (علیه السلام) از وقت ظهور دجال، سؤال می کند، می فرماید علم آن از اسرار مخفیّه است (2) 997 چهل و نه میل، مساحت لشکرگاه حضرتش خواهد بود، و در تمامی لشکر مخنث، و دیوث، و خماز، و فاسق، نیست 996 دجال از اصفهان بیرون می آید، و چشم راست ندارد، و چشم چپش، در

پیشانی است 998 امام (علیه السلام) دجال را در ساعت سوم روز جمعه، در عقبه ای در اطراف شام که، نام آن فیق است، می کشد 999.

اکثر تابعین دجال، یهود، و زنان و اعراب است

و اکثر تابعین دجال، یهود، و زنان، و اعراب، است و در جمیع آفاق غیر از مکه و مدینه، خواهد گشت 1000.

ص: 274

1- ر برهان، جلد 2، ص 122، آوردم که، حضرت بقیّه الله با عمامه سفید، ظهور خواهد فرمود.

2- در روایتی، در تهوایل آورده ام که، امام صادق (علیه السلام)، ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، را از مصادیق الساعة، می داند که، طبق فرموده قرآن، کسی از آن خبر ندارد.

خیلی ها که به آرزوی ظهور از دنیا رفته اند، زنده شده، و فرزندان به هم می رسانند

کسانی که به آرزوی ظهور از دنیا رفته اند، و برای فرج حضرتش دعا کرده اند، وقتی امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظاهر شد، در کنار قبر آنها صدا می زنند، و آنان را بین زنده شدن، و خوابیدن، مخیر می کنند، بسیاری از آنها زنده می شوند، و زنان و فرزندان به هم رسانند، فرمایش امام صادق (علیه السلام) 1004 تفتازانی، و دوانی، ابن طلحه شافعی، و صاحب فصول المهمه مالکی، معترفند به حقانیت امامیه، به دلیل من مات ولم يعرف امام زمانه الخ 1007.

مراتب سه، یا چهارگانه، ائمه معصومین (علیه السلام)

محققین علمای امامیه بر آنند که، امیرالمؤمنین (علیه السلام) به جهت نفس پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بودنش، بر سایر امامان برتری دارد، و حسن و حسین علیهما السلام به جهت فرزندی علی و فاطمه (علیها السلام)، از امامان بعدی بهترند، و 9 امام دیگر، در علم برابر، لکن ثواب صاحب الزمان به جهت طول عمرش، بیشتر است 1022 شهرهای فرزندان حضرت بقیه الله، شروع از ص 1007

تمام شد بحول الله، شنبه 17 ربیع الاول، 1438 برابر 27/09/1395، و الحمد لله، و الصلوه علی رسوله و اله، و اللعن علی اعدائهم.

1. خوب است نگاهی به کتاب غلط ننویسیم، بکنیم.
 3. تاریخ اختصاص روحانیت به این لباس از کی است..
 4. مروری به بعضی از مجلدات کتاب جواهر الکلام
 4. مقدمه جواهر الکلام جلد اول.
 - و اما اصل کتاب: 4
 5. جواهر جلد چهارم
 5. چرا این حدیث سلسله الذهب نامیده شد؟
 5. در اصطلاح فقهاء بیت المال چه معنی دارد؟
 6. جواهر جلد پنجم.
 6. تقویت صاحب جواهر عید نوروز را
 6. فتوی به استحباب غسل نهم ربیع داده
 6. جواهر جلد ششم.
 7. جواهر جلد پانزدهم.
 7. از مطایبه خالی نشود
 7. جواهر (جهاد) جلد بیست و یکم.
 8. جواهر جلد چهل و یکم.
 8. دقت کنید.
 8. مسئله:
 8. مسئله:
- در بحر مواج وسائل الشیعه (در دریای پرخروش یا در اقیانوس خروشان) 9

وسائل الشيعه جلد اول. 9

در عين آيت الله العظمى بودن مهندس هم بودند. 9

ص: 276

سنّ بلوغ دختر با تمام کردن 9 سال قمری است و بس.. 9

گشتی بشه ور اون بشه: 10

چه توجیه و جیهی! 10

فاصله بین حق و باطل. 11

در انتخاب استاد 11

هشدار بر محققین. 11

با وضو بخواب.. 11

اسلام دین نظافت است.. 11

می خواهی قلبت قوی شود؟ 11

تعجب نکن. 11

وسائل الشیعه جلد دوم 12

ضعیف ترین حالات انسان. 12

سزاوار نیست که غفلت شود 12

مؤمن محکم کار می شود 12

وصیت استاد 12

منع با شدت.. 13

ثواب صبر کردن در فوت فرزند. 13

امام حسین تشنه و گرسنه کشته شد. 13

معنی یتیم در اصطلاح شرع. 14

دست به شطرنج زدی آب بکش.. 14

وسائل الشیعه جلد سوم 15

چه می دانی از نماز 15

کعبه قبله حضرت آدم (علیه السلام) و آخرین ذریه او 15

کاشتن دندان در زمان امامان (علیه السلام) 15

عمل جراحی در زمان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) 15

ثواب نماز زن در خانه اش 25 مرتبه از نماز جماعت بیشتر است.. 15

وسائل الشیعه جلد چهارم 17

مژده ای بر فقهاء 17

هشدار 17

سجده های طولانی گذرنامه ورودی بهشت.. 18

حضرت آدم و یوسف (علیه السلام) حکم قبله را داشتند. 18

تعجب کن از شیوائی بیان. 18

غفلت نشود 18

المؤمن کیس.. 19

سؤال می شود رو به قبله خوابیدن که مستحب است یعنی چه؟ 19

نتیجه خوبی می گیریم. 19

از شمشیر برنده تر است.. 19

امان از غفلت های بی موقع. 19

خدا کر نیست.. 19

ما و شیعیان ما 20

سخن نگارنده 20

در اینجا مناسبت بیشتری دارد 20

وسائل الشیعه جلد پنجم. 21

در مجالس دینی هیئتی بنشینید. 21

وسائل الشیعه جلد ششم. 22

نه قسمت از میوه باغ امام صادق (علیه السلام) به دیگران می رسید. 22

به شرط اینکه از مردم چیزی نخواهید. 22

صفت شیعیان ما 23

اگر می خواهی هم خدا تو را دوست دارد، و هم مردم 23

کوچک ترین چیزی که انسان را داخل جهنم می کند. 23

سخن نگارنده 23

وسائل الشیعه جلد هفتم. 24

ثواب افطاری دادن و سحری خوردن. 24

مسئله 24

کلام الملوک.. 25

وسائل الشیعه جلد هشتم. 26

اگر چیزی را گم کرده باشی. 26

انسان در وقت مرگ دوستان خود را می بیند. 26

توجه 1: 26

توجه 2: 27

وسائل الشیعه جلد نهم. 28

تذکر لازم 28

از صدای خر هم بدتر است.. 28

جلد دهم وسائل الشیعه. 28

ص: 279

امام حسین (علیه السلام) فقط احرام عمره بسته بود 28

اشتباه نشود 28

وسائل الشیعه جلد یازدهم. 30

حقیقت چقدر شیرین است؟ 30

کاری نکن زنده باد گویانت، مرده باد گویند. 32

وسائل الشیعه جلد دوازدهم. 33

خدایان را بر ما مبارک گردان. 33

سخن نگارنده 33

اگر گرفتار کمی روزی هستی. 34

زمین فروختی زمین دیگر بخر 34

هدیه باید چیز خوب و درد بخور باشد. 34

روی داد خطرناک.. 34

زیاده نویسی نکنید. 35

بلی که رباخوار فقیر است.. 36

وسائل الشیعه جلد سیزدهم. 38

وسائل الشیعه جلد چهاردهم. 38

هدیه ای بر فقها 38

وسائل الشیعه جلد پانزدهم. 40

ص: 280

می خواهید رسول خدا(صلی الله علیه و آله) سر بلند باشد؟ 40

اگر می خواهی فرزندات پسر شود؟ 40

امام اجازه نمی دهد قیمت عقیقه صدقه شود 41

اگر چیزی به پدر و مادر خواستی بدهی دستت را پائین قرار بده 42

از دو قلوها کدام بزرگ تر است؟ 42

وسائل الشیعه جلد شانزدهم. 43

سخن نگارنده 43

قاعده مستفاد است یا روایت.. 43

چقدر پر رو بودند. 43

اگر می خواهی احتیاج به دکتر نداشته باشی. 44

جدی باش نه تعارفی. 44

سخن نگارنده 44

وسائل الشیعه جلد هفدهم. 45

دوای ضعف اعصاب و ایجاد حُسن خلق. 45

در دوا خوردن حریص نباش.. 45

سرکه عقل را محکم و قلب را زنده می کند. 45

سخن نگارنده 45

سخن نگارنده 46

بر این مطلب بیشتر دقت کنید. 46

چرا با داشتن این همه سرمایه این همه غفلت.. 46

سور المؤمن شفاء 47

سخن نگارنده 47

وسائل الشيعه جلد هيچدهم. 49

محققين دقت کنند. 49

سخن نگارنده 49

سخن نگارنده 49

با اين همه سرمايه اين همه احتياج. 49

شمّ الفقاهه 50

مسئله 50

وسائل الشيعه جلد نوزدهم. 51

سخن نگارنده 51

وسائل الشيعه جلد بيستم. 52

كامل الزيارات.. 53

كتاب آداب الطلاب.. 54

خدا نکند دقت زيادی در روز حساب پيش بيايد. 54

بترسيم از متولى اوقاف شدن. 54

احترام علماء و ارزش علم دين. 54

حتى در سنين بالا نماز مستحبي را ايستاده مى خواند. 54

سخن نگارنده 55

سخن نگارنده 55

نمی خواهم حساب جاری ام قطع شود 56

وارث بدتر از حارث.. 56

اثبات کردند که پدر در وقت وصیت دیوانه بود 56

مسئله 56

مجلدات ششگانه کتاب الانتصار. 58

کتاب الانتصار جلد اول. 59

کتاب الانتصار جلد دوم 59

سخن نگارنده 60

سخن نگارنده 60

خدائی را که اهل سنت عقیده دارند. 60

کتاب الانتصار جلد سوم 62

ابن تیمیه را در ایام حیاتش رسوا کردند. 62

بیش از پنج هزار تفسیر قرآن از علمای شیعه 62

کتاب الانتصار جلد چهارم 63

سخن نگارنده 63

چرا عقلشان را به کار نمی گیرند. 63

چرا و چرا 64

سخن نگارنده 64

کتاب الانتصار جلد پنجم. 66

توسل احمد بن حنبل. 66

توسل عمر به عموی پیغمبر (صلی الله علیه و آله) 66

تصرفات زیادی در صیغه صلوات.. 66

محدوده صلوات.. 67

کتاب الانتصار جلد ششم. 68

از ترس جانشان کشف عورت کردند. 68

مگر هر دامادی فضیلت است.. 69

سخن نگارنده 69

سخن نگارنده 70

غیبت نعمانی.. 72

سخن نگارنده 72

سخن نگارنده 72

سخن نگارنده 73

کتاب ولایت فقیه آقای جوادی آملی.. 74

اول توضیح المسائل آقای وحیدی.. 76

دو جزوه 78

و اما جزوه دومی 78

مرأه الحرمین.. 80

سه نفر از قرمطیان، که برای کندن ناودان طلا، به بام کعبه رفتند هر سه هلاک شدند. 80

برکت نام فاطمه (علیها السلام). 80

سخن نگارنده 81

یازدهمین ساختمان کعبه 81

سخن نگارنده 81

سخن نگارنده 82

نمرود گفت، هر کس دوست انتخاب می کند، مثل دوست ابراهیم (علیه السلام) برگزیند. 82

بت پرستی از راه مجسمه سازی وارد عالم بشریت شد. 82

بارک الله به اصفهان. 82

مجموعه ورام 83

در عظمت بسم الله الرحمن الرحيم. 83

شرار خلق. 83

تا می توانی از صدقه مردم استفاده نکن. 83

اهمیت اطعام بر برادران دینی. 84

بر هر عالمی نگاه کردن عبادت نیست.. 84

سخن نگارنده 84

البرایا اهداف البلیا 84

مغرورها خودشان را بیش از انبیاء (حساب می کنند. 84

قرآن علمای فجره را به خر و سگ تشبیه کرده است.. 85

کرم های قبر اول حدقه چشم راست را می خورند. 85

مراتب چهارگانه علم. 85

وای بر شما ای عالمان بد که مزد می گیرید و کار نمی کنید. 85

دورکعت نماز بر این صاحب قبر از همه دنیا بهتر است.. 86

چرا مفید لقب یافت.. 86

کتاب نور الامیر فی تثبت خطبه الغدیر. 87

سخن نگارنده 87

سخن نگارنده 87

حدیث منزله با پنج هزار سند. 87

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) وقتی سوره براءت به علی(علیه السلام) داد او را کوچک حساب نکرد 88

کتاب روضه کافی.. 89

اگر کجروی ها خلفاء را اصلاح کنم، پادگان لشگرم خالی، یا مثل خالی می ماند. 89

سخن نگارنده 89

آرزوی امام صادق(علیه السلام) مجالس شیعه خالص را 89

سخن نگارنده 90

سخن نگارنده 90

بنی امیه برای از بین بردن معجزه علوی باب ثعبان را باب فیل کردند. 90

خداوند با عجله بندگان عجله نمی کند. 90

کامل بهائی.. 91

خریت هم اندازه داشته باشد بهتر است.. 91

همه انبیاء(وصی را از فامیل گرفته اند. 91

سخن نگارنده 91

ابوبکر پس از عزل خود با اقیلونی، کی نصب شد. 91

قیام صفورا بر علیه وصی حضرت موسی(علیه السلام) 92

پس سهم بنی امیه چه شد؟ 92

سخن نگارنده 92

پنجاه سال در شام علیه امیرالمؤمنین(علیه السلام) تبلیغ شده بود که امام سجاد(علیه السلام) منبر رفت.. 92

هجرت الى الله و الى الرسول(صلى الله عليه و آله) اعتبار دارد نه مع الرسول(صلى الله عليه و آله) 93

نبوت ارثی نیست.. 93

اجتماع ابوبکر و عمر با ابن عباس و آمدن حضرت خضر 94

سخن نگارنده 94

علل برنگرداندن فدک در زمان حکومت امیرالمؤمنین(علیه السلام) 94

چرا به این کنیه مکتبی شد. 95

در سقیفه چه گذشت.. 95

اسامی آن چهارده نفر 95

زد و خورد شدید بین امیرالمؤمنین، و کفار قریش، در لیلۃ المبیته.. 95

ابوبکر چون به عمر وعده وصی بودن داده بود، به حرف مردمی که می گفتند،

او خشن است نایب قرار نده، گوش نداد 96

کشتن 70 صحابی در یک روز 96

به علی(علیه السلام) گفتند اگر قبول بیعت نکنی، تو را هم مثل عثمان می کشیم. 96

سخن نگارنده 96

سخن نگارنده 97

تحقیق در روز رفتن ابوبکر 97

عمداً سهو کرده است.. 97

خالد سر مالک بن نویره را به جای هیزم زیر دیگ گذاشت.. 97

سخن نگارنده 98

ابن جرّموز از آنهایی بود که هر روز خطّ عوض می کنند. 98

سرّ فرمایش نبوی (صلی الله علیه و آله) معلوم شد. 98

قنبر چراغ دیگر بیار 98

پوشش شتر عایشه پوست پلنگ بود 98

تا اسرا به خانه یزید نیامده بودند بچه ها از شهادت پدرانشان خبر نداشتند. 99

سخن نگارنده 99

تحقیق در اینکه اسم دختری که در خرابه شام ماند رقیه است.. 99

بلی شب قدر را می شناسیم. 100

یزید با حيله معاویه از عمرو عاص بیعت گرفت.. 100

نقشه مروان و معاویه در تحریک جعه به قتل امام حسن (علیه السلام) 100

دشمن زاده مرا از خانه من بیرون کنید. 101

امام حسین (علیه السلام) صندلی آهنی به طرف مروان پرت کرد 101

حجاب حضرت زهرا (علیها السلام) سرایت به دخترش کرده است.. 102

کتاب الايقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه. 103

برگشت روح به کلّ بدن عجیب و تنها به سر اعجب است.. 103

قبل از ظهور حضرت مهدی. عدّه ای زنده می شوند. 103

قسمتی از فتوحات زمان امام زمان. با دست امام حسین (علیه السلام) انجام می گیرد 104

سخن نگارنده 104

امیرالمؤمنین (علیه السلام) رجعتی هم قبل از ظهور حضرت مهدی خواهد داشت.. 104

امامان بودنشان در زمان حضرت مهدی. عظمت است.. 104

غوصی در بحر زاخر مجلدات بیست گانه تفسیر المیزان. 105

المیزان جلد اول. 105

از تفسیر آیات همدیگر را کاملاً عصمت حضرت آدم (علیه السلام) ثابت می شود 105

سخن نگارنده 105

انبیاء (علیهم السلام) در جمیع حالات معصوم اند به اجماع شیعه 105

المیزان جلد دوم 107

سخن نگارنده 107

توجیه و جیهی می کند. 107

ارزش زن ها در پیش امت های وحشی. 108

سخن نگارنده 108

اسلام چقدر مقام زن را بالا برد ولی زنان کفران نعمت کردند. 108

طلاق از مفاخر شریعت اسلامی است.. 108

المیزان جلد سوم 109

قرآن با مفرد آوردن کلمه انجیل تحریف آن را ثابت کرد 109

احترام به همه زبان ها 109

سخن نگارنده 109

استاد فرمود قرآن به همه زبان ها احترام کرد 109

عذاب خداوندی مخصوص آخرت نیست و این از حقایق قرآنی است.. 109

در ترک هر چیزی که رکنی از ارکان دین منهدم می شود اسلام شدت به خرج می دهد. 110

خدا را حرام روزی نمی دهد حرام خور خودش جلو روزی حلال را می گیرد 110

الحمد لله گمشده ام پیدا شد. 110

تاریخ تولد تورات فعلی و انجیل. 111

سخن نگارنده 111

و اما انجیل. 112

سخن نگارنده 112

المیزان جلد چهارم 113

مقاومت از انصار و فرار کردن از مهاجرین. 113

مشاوره برای امت رحمت است.. 113

سخن نگارنده 113

چرا خداوند زبان عربی را برای کتابش انتخاب کرد 114

سخن نگارنده 114

جنگ های اسلامی همیشه دفاعی بوده است.. 114

ولی باید خرجی یتیم را از درآمد مالش تهیه کند. 114

ارث زن در مص-رف دو مقابل ارث مرد می شود 114

اشتباه بزرگ تمدن روز 115

سخن نگارنده 115

خدا باید کسی را تزکیه کند، و بشر حق تزکیه ندارد 116

سخن نگارنده 116

مقصود از آل ابی طالب(علیه السلام) دوازده امام می باشد. 116

تعبیر اعتماد به نفس خلاف منطق قرآن است.. 116

اصحاب پیغمبر(صلی الله علیه و آله) مثل سایر مردم همه شان خوب نبودند. 117

المیزان جلد پنجم. 118

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نشد بدی کسی را با بدی جواب دهد. 118

اعتراف زمخشری به رجعت.. 118

نکاتی که علامه درباره آیات ولایت تذکر داده است.. 118

سخن نگارنده 119

همه آیات وارده در شأن اهل بیت در ضمن آیات دیگر ذکر شده است.. 119

بیان آیه الله حاج شیخ باقر مرندی. 119

خداوند کارهایش با منوال های عادی انجام می گیرد و همین طور کارهای اهل بیت (علیه السلام) 120

نقطه جالبی در براءة استهلال اول سوره مائده 120

صحابه از اهل بیت روایات تفسیر نقل نکردند اما از دیگران هفده هزار 120

این همه گناه در قتل برای چیست؟ 121

المیزان جلد ششم. 122

ترس پیغمبر فقط از منافقین بود 122

این همه کرامت در مقابل آن اذیت.. 123

بعد از هزار سال فهمیدند. 123

عرق خورد که سر عبدالرحمن بن عوف را شکست.. 124

وای به حال مسلمانان اگر از حقیقت حج غافل شوند. 124

بین تفاوت ره از کجاست به کجا 125

المیزان جلد هفتم. 126

طلوع آفتاب از مغرب یعنی چه؟ 126

سخن نگارنده 127

دعوت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) پیغمبران را بر بندگی خدا در عالم ارواح. 127

المیزان جلد هشتم. 128

امیرالمؤمنین میزان الاعمال است.. 128

مسجود ملائکه نوع انسان است و حضرت آدم (علیه السلام) نمونه است.. 128

اینکه ابلیس بر بنی آدم از چهار طرف می آید یعنی چه؟ 129

سخن نگارنده 129

المیزان جلد نهم. 130

سخن نگارنده 130

المیزان جلد دهم. 131

سخن نگارنده 131

سخن نگارنده 131

حتی در چلوکبابی لازم است وزن برنج و گوشت آن معلوم شود 132

المیزان جلد یازدهم. 133

سخن نگارنده 133

سخن نگارنده 134

سخن نگارنده 135

سخن نگارنده 135

المیزان جلد دوازدهم. 137

سخن نگارنده 137

سخن نگارنده 138

سخن نگارنده 139

المیزان جلد سیزدهم. 140

معراج روایات زیادی حتی روایت مسند دارد 140

در روز قیامت انسان خود عملش را می بیند. 140

توجیه نگارنده 141

سخن نگارنده: 141

چطور شیطان شریک مال و اولاد انسان می شود 142

سخن نگارنده 142

سخن نگارنده 143

سخن نگارنده 144

المیزان فی تفسیر القرآن جلد چهاردهم. 145

سخن نگارنده 145

سخن نگارنده 146

فخر رازی و اشتباهش.. 146

تنها طنابی سوخت که دست و پای حضرت ابراهیم را با آن بسته بودند. 147

سخن نگارنده 147

المیزان جلد پانزدهم. 149

سخن نگارنده 149

حتی برای سادات بدون عمل نسب شان نافع نخواهد شد. 149

آیه (الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً... (الی آخر، نسخ نشده است.. 149

سخن نگارنده 151

تفسیر بیدل الله سیئاتهم حسنات.. 151

سخن نگارنده 152

سخن نگارنده 153

سخن نگارنده 153

المیزان جلد شانزدهم. 154

قرآن زن پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بودن را به تنهائی ملاک فضیلت قرار نداده است.. 155

سخن نگارنده 156

معنی حجاب در زمان نزول آیه آن. 156

شیطان را ما دعوت نکنیم بر ما مسلط نمی شود 157

المیزان جلد هفدهم. 158

انسانیت انسان چون به روح است پس خود انسان محشور می شود 158

توریه بر انبیاء (علیهم السلام) جایز نیست.. 159

سخن نگارنده 160

در درخواست حضرت سلیمان بخل نیست.. 160

المیزان جلد هیجدهم. 162

در آسمان هم مثل زمین جنبندگانی است.. 162

بهشت و جهنم شعور دارند. 163

ذنب معانی متعدده دارد و منحصر به گناه نیست.. 164

عمل کردن بر طبق خبر موثق از اصول عقلائییه است.. 165

سخن نگارنده 166

المیزان جلد نوزدهم. 167

چرا حرف باء در این آیه داخل شده با اینکه زوج متعدی بنفسه است.. 167

مضمون روایت کافی: 167

حتی شفاعت شافعین نتیجه سعی انسان است در وقتی که زنده بود 167

هدیه ثواب عملی را بر مؤمن، با اینکه ثواب عمل هدیه کننده را کم نمی کند، ثواب صله بر مؤمن را هم خواهد داشت.. 168

کفار از قبرهایشان بیرون می آیند، در حالی که به همدیگر فشار می آورند. 168

انتظار اهل مکه تا آمدن مسافرین (بعد از شق القمر) 168

اسم پدر بزرگ جنّ شومان است.. 169

طغیان با غیر مال هم حاصل می شود 170

سخن نگارنده 170

بوی گمشده می آید. 170

نسیان نفس از نسیان الله است.. 171

آفرین بر رادمردان ایرانی. 171

سخن نگارنده 172

المیزان جلد بیستم. 173

سخن نگارنده 173

سخن نگارنده 174

مژده بزرگ.. 175

سخن نگارنده 176

سخن نگارنده 176

جامع السعادات جلد اول. 177

سخن نگارنده 177

سخن نگارنده 178

هیچ کس نمی تواند به عمل خود تکیه کند. 179

سخن نگارنده 179

در مقابل متکبر تکبر لازم است.. 179

جامع السعادات جلد دوم 180

شما دنیا را ترک نکنید او شما را ترک می کند. 180

برای فقرا دولتی است سعی کنید حق بر آنها داشته باشید. 180

دوری دوستی. 181

برادر بزرگ در حکم پدر است.. 181

سخن نگارنده 181

جامع السعادات جلد سوم 182

چرا شب قدر و اسم اعظم و معاصی کبیره را روشن نکرده اند. 182

بدون یت رضای خدا بزرگ ترین عمل ها

بی محتوا خواهند بود 182

خدایا آدم گناهکار بر من حقی نداشته باشد. 182

خداوند از جاهل ها برایش دوست نگرفته 182

سه تا پدر داری. 182

سخن نگارنده 183

سخن نگارنده 183

نعمت لباس از خصوصیات انسان است.. 184

ص: 296

نماز ما مرکب و نماز ملائکه بسیط. 184

سالانه دوم مکتب تشیع. 185

مقدمه 185

سخن نگارنده 185

دوازده هزار صحابی و چند صد حدیث!! 187

سخن نگارنده 187

سخن نگارنده 188

منشور عقاید امامیه به قلم آقای سبحانی.. 189

تفسیر نمونه جلد اول. 191

قرآن نور و نقاب بر عقل هاست.. 191

ابن عباس گفت مرور زمان قرآن را تفسیر می کند. 191

تفسیر نمونه جلد دوم 194

سخن نگارنده 195

تفسیر نمونه جلد سوم 196

ابوذر فرمود بر مهمان شتر چاق را سر ببر روز مبادای من وقت مرگ است.. 196

تأثیر عجیب آیات قرآنی. 196

تعدد زوجات را اسلام اصلاح کرد 197

فلسفه وجوب اعطاء صداق. 197

چرا اسلام تعدد زوجات امضاء فرمود 198

کلیساء اجازه نداد بعد از جنگ دوم در آلمان از قانون تعدد زوجات استفاده شود به فحشاء کشیده شد. 198

بر خلاف آنچه مشهور است میل جنسی در مردها بیشتر است.. 198

شخصیت یتیم ها را با تعبیرات قشنگ بالا ببرید. 199

نعمت اجتماع در بهشت از بالاترین نعمت هاست.. 199

عباس از نفوذ سیاسی پسر برادر می خواست استفاده کند؛ لکن پیغمبر راضی نشد. 200

تفسیر نمونه جلد چهارم 201

در مقابل شعار ابوسفیان اعل هبل، مسلمانان شعار الله اعلى و اجل دادند. 201

ثار به معنی خون نیامده، خداوند مالک خون بهای حسین (علیه السلام) است، نه وارث او 202

از منضم شدن دو آیه، معلوم می شود دین مرضی خدا، با ولایت علی (علیه السلام) است.. 202

قال (صلی الله علیه و آله) بالعدل قامت السموات و الارض... 202

روایت توسل حضرت آدم (علیه السلام) را بر محمد (صلی الله علیه و آله) عمر نقل کرده است.. 202

سه تعبیر مختلف برای سه منظور 203

نادانی هم حدّ داشته باشد خوب است.. 203

تفسیر نمونه جلد پنجم. 204

یکی از ساکنان جزایر خلیج فارس گفت، اثر حیات بخش باران در دریا، بیش از خشکی. 204

قریش معتقد بودند، خدا با اجنه ازدواج کرد، ملائکه زائیده شدند. 205

تفسیر نمونه جلد ششم. 206

جبری هم آزادی قائل است.. 206

قتل فرزندان از ترس گرسنگی، در قرن بیستم، به طرز دیگر 206

قتل فرزندان از ترس گرسنگی زمان جاهلیت، در قرن بیستم به طرز گستردهای، انجام میگیرد (جلوگیری و سقط جنین) 206 34

یک روز، در مقابل یک روز، و شصت روز به احترام ماه رمضان است.. 206

به ابلیس بگو آتش هم موادش، از خاک است، مثل درخت.. 206

در مکه 17 مرد، و یک زن سواد داشتند. 207

تفسیر نمونه جلد هفتم. 208

مصرف قسمتی از خمس، به فقرا سادات، تبعیض نیست، دیگران از زکوة و آنها صندوق حکومتی گرفتاری شان را برطرف می کنند. 208

یکی از دانشمندان اهل سنت گفت، شیعه می تواند تمامی اصول و فروعش را، از کتاب های ما اثبات کند 209

جزیه مالیاتی است که، کافر ذمی با دادن آن، تحت حمایت حکومت اسلامی می شود 209

اهل کتاب با دادن جزیه، از حضور در جهاد واجب بر مسلمانان معاف می شوند. 209

روایات ظهور، از نظر ابن تیمیّه هم، از متواترات است.. 209

اثرات سازنده انتظار ظهور 210

تفسیر نمونه جلد هشتم. 211

مشهور وجوب زکوة در سال دوم هجری است، لکن از چند سوره مکی، وجوب آن استفاده می شود 211

همه حرکت ها از آفتاب است.. 211

آیات نازل در مکه کوتاه، و آیات مدنی بلند هستند. 211

سید قطب و نماز جمعه اش در قلب اقیانوس اطلس.. 211

تفسیر نمونه جلد نهم. 213

ربا و زنا 213

حاضر نشد قدم روی خود بگذارد 213

کم را میزان قرار نده، کیف ملحوظ است.. 213

ص: 299

حضرت یوسف (علیه السلام) وقتی برادرانش او را می زدند، خنده اش گرفت.. 213

تفسیر نمونه جلد دهم. 215

برکات رعد و برق. 215

بداء در خدا به معنی ابداء است.. 215

در زمستان درخت هم میوه داشت، و هم برای میوه جدید گل کرده بود 215

تفسیر نمونه جلد یازدهم. 216

با ملاحظه اینکه در زمان پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، 70 نفر حافظ قرآن شهید شدند، چطور ممکن است تحریفی در آن رخ بدهد. 216

هر قومی رسول داشتند گاهی خود پیغمبران و گاهی نماینده آنان. 216

ملائکه هائی از اول خلقت تا قیامت در سجده اند، روز قیامت سر از سجده برمی دارند، و گویند ما عبدناک حق عبادتک.. 217

علت خشونت اسلام درباره مرتد فطری. 217

تفسیر نمونه جلد دوازدهم. 218

حتی بر روی نهر آب، برای وضوء زیاد آب بریزی، اسراف می شود 218

لباس هم تسبیح می گوید. 218

اگر انشاء الله را در اول فراموش کردی بعد از یک سال هم بگو 218

جدائی از استاد برای حضرت موسی (علیه السلام) دردناکتر بود 219

تفسیر نمونه جلد سیزدهم. 220

مشرکان لجوج، درباره حروف مقطعه، استهزاء نکردند، پس می فهمیدند. 220

خروج از وطن ردیف مردن قرار گرفته است.. 221

به تصدیق زبان شناسان جهان، زبان عربی، یکی از رساترین لغات است.. 221

نمرود بعد از دیدن قدرت خدا، حاضر شد چهار هزار قربانی تقدیم کند، ابراهیم (علیه السلام) فرمود تا ایمان نیاوری فایده ندارد 221
پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از جبرئیل پرسید، از رحمت للعالمین بودن من، به تو چیزی رسیده، عرض کرد تضمین عاقبت به خیری.
221

تفسیر نمونه جلد چهاردهم. 222

در نجف ارواح مؤمنین همدیگر را زیارت می کنند. 222

شقاوت و سعادت نتیجه اعمال است، و گرنه دعوت انبیاء (علیه السلام)، بی فایده می شود 222

سوره مؤمنون با فلاح مؤمنون شروع و با عدم فلاح کافرون ختم می شود 222

به عقیده کسانی که وجه کفین را استثناء می کنند، یک نوع تسهیل است، نه اینکه دیگران حق نگاه کردن دارند. 223

ابرها از طرف پائین صاف و از طرف بالا مثل کوه هایند. 223

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اگر کسی را دعوت کرد جدی است مسامحه نکنید. 223

تفسیر نمونه جلد پانزدهم. 224

آتش جهنم، در انتظار گناهکار، مثل حیوان درنده گرسنه است.. 224

گیاهان در شب، نوعی از خواب را دارند. 224

حضرت موسی (علیه السلام): بودن من در خانه تو، نتیجه ظلم تو بود، من هم می خواستم با پدر و مادرم باشم. 224

اعترافی از فخر رازی. 225

شهادت مورچه به عدالت حضرت سلیمان (علیه السلام) و هدهد به آزادی بیان. 225

تفسیر نمونه جلد شانزدهم. 226

باید در صندوق حضرت موسی (علیه السلام) با دست فرعون باز شود 226

تفسیر نمونه جلد هفدهم. 227

تمایل زنان پیغمبر(صلی الله علیه و آله)، به زرق و برق دنیا، و عکس العمل آن حضرت.. 227

قرآن با ذکر جاهلیت اولی پیش گوئی از جاهلیت ثانیه می کند. 228

تفسیر نمونه جلد هیجدهم. 230

تفرق اجزاء انسانی به مخصوص بعد از مرگ نیست جلوتر هم بود 230

سرمایه را خودش داده خریدار می شود 230

علت آتش سوزی در جنگل ها 231

معاد امری فطری است.. 231

تفسیر نمونه جلد نوزدهم. 232

لطف الهی به حضرت یونس(علیه السلام) 232

حضرت سلیمان(علیه السلام) خیلی ناموس دوست بود 233

اشاره آیه شریفه به اهمیت آب سرد 233

شیطان نه تنها به بندگان خدا زبانی نمی رساند، بلکه نردبان ترقی هم می شود 233

تفسیر نمونه جلد بیستم. 235

زمخشری، و قرطبی، و فخر رازی، حدیث من مات علی حب آل محمد(صلی الله علیه و آله) را، نقل می کنند. 235

قرآن با صراحت، وجود موجودات زنده را، در آسمان، بیان می کند. 236

تفسیر نمونه جلد بیست و یکم. 237

خدا دستور شفاعت می دهد، و خودش هم شفاعت می کنند. 238

تفسیر نمونه جلد بیست و دوم. 239

تنها بت پرست است که غیر از جنگ چاره دیگری نیست.. 239

آنهایی که بعد از من می آیند، و ایمان و عمل صالح داشته باشند، آنان برادران من بوده، و بر عمل کننده آنان اجر پنجاه مقابل شما خواهد

بود 239

ص: 302

آنانی که بر ابوبکر شوریدند مرتد، حساب می کنید، و شورشیان بر علی (علیه السلام) را، مجتهدین خطا کننده می دانید. 239

مدرک لعن الله من تخلف عن جيش اسامه، و كفانا كتاب الله. 240

شیعیان ما بعد از مردن هم، عبادت می کنند. 240

رقیب و عتید نام دارند. 240

استفهام در هل من مزید، انکاری است.. 240

از کمال لطف خدا جنت بر متقین نزدیک می شود نه بالعکس.. 240

تفسیر نمونه جلد بیست و سوم 241

صبر زیاد حضرت نوح. 241

دعاء مستجاب.. 241

درخت سدر، و سدر بهشتی. 241

تفسیر نمونه جلد بیست و چهارم 242

اولین نماز جمعه در مدینه قبل از تشریف آوردن پیغمبر (صلی الله علیه و آله) 242

هر کدام از سنگ ها، میلیاردها اتم دارد 242

کهکشان ما، راه شیری نام دارد 242

مغول ها، در فرهنگ ایران حل شدند. 243

علت تعلیم امیرالمؤمنین (علیه السلام) علم نحو را 243

رنگ ها، بیش از 7 تا می باشند. 243

تفسیر نمونه جلد بیست و پنجم. 244

در میان طوفان نوح (علیه السلام) آتشی پیدا شد قوم آن حضرت را سوزانید. 244

از 22 روز، تا 40 روز، فقط با خوردن آب، زنده ماندند. 244

در زمان رسول خدا(صلی الله علیه و آله)، زندان نبود، اسیرها تقسیم می شدند. 244

تفسیر نمونه جلد بیست و ششم. 245

بر ظلمت شب، هفت بار قسم خورده است.. 245

چه نکته لطیفی دارد، واللیل اذا یسری. 245

مژده بسیار بزرگ.. 245

تفسیر نمونه جلد بیست و هفتم. 246

آمار نشان می دهد هنگام تعطیلات مؤسسات آموزشی، فساد گاهی تا 7 برابر، بالا می رود 246

تعصب غیر عاقلانه زمخسری، و قضاوت عجولانه او 246

دوای زخم معده 246

الاسلام یعلو، و خنده جبرئیل(علیه السلام) 247

سایه نیم کره که، بر نیم کره دیگر بیفتد، شب محقق می شود، پس شب قدر در کل زمین، 24 ساعت می شود 247

حتی به روایات اهل سنت، اطلاق کلمه شیعه، به پیروان امیرالمؤمنین(علیه السلام)، از رسول خداست(صلی الله علیه و آله) 248

غفلت نشود از تعبیر زلزلهها، در کل زمین خواهد شد، مقطعی نیست.. 248

چرا ابرهه به فکر تخریب کعبه افتاد 248

مژده آمدن لشکر خدا، (ابابیل) را پدر پیغمبر(صلی الله علیه و آله) آورد 249

به فیل ها، عوض چوب با تبر می زدند. 249

ابابیل، اسم آن مرغ نیست، معنی گروه گروه دارد 249

فخر رازی: این همه از اهل بیت گشتند، باز دنیا پر است، بنگر چه علمائی مثل باقر و صادق و رضا(علیهم السلام) از آنها هست.. 249

هائ هو، برای توجه دادن است واو آن، ضمیر است.. 250

از جمله خصایص نبوی (صلی الله علیه و آله) 251

جلد اول حدیقه الشیعه. 253

19 قرینه در کتاب، هست که کتاب تألیف مقدس اردبیلی است.. 253

اگر قرآن به تنهایی کافی بود، نمیبایست مذاهب اسلامی، بیش از 700 مذهب باشد. 253

تا پیغمبر (صلی الله علیه و آله) زنده بود، حسن و حسین (اورا پدر می گفتند. 253

در را باز کنید، وگرنه آتش می زدم، و زدند. 254

تمام اوصیای، انبیاء (علیه السلام) از فامیل خودشان بود 254

اولین سجده شکر در اسلام 255

سید ابن طاووس می فرماید: اگر امیر (علیه السلام)، در رختخواب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نمی خوابید، نه هجرت بود، و نه اتمام رسالت 255

شیخ طوسی صلوات را در نماز، از ارکان حساب می کند. 255

چه عجب غزالی اقرار می کند که، پس از بخ بخ گفتن، قبول نکردن جز هوای نفس، چیز دیگری نیست.. 255

امام صادق: موالی بودن من بر علی (علیه السلام)، بهتر از فرزندیم است.. 256

برای پائین انداختن بتها از بالای کعبه (علیه السلام) پا بر دوش پیغمبر (صلی الله علیه و آله)

گذاشت و بالا رفت.. 256

کفار وقت دیدن علی بن ابی طالب (علیه السلام) وصیت می کردند. 256

ادعای دوستی علی بن ابی طالب (علیه السلام) و جواب حضرت.. 257

اگر آیه (و سیجبتّها الاتقی)، درباره ابوبکر آمده، چرا خودش در سقیفه ادعا نکرد 257

ابوبکر اگر مال داشت چرا به پدر کورش و به دخترش نداد که مزدوری نکنند. 257

خلفاء که خودشان به جنگ نرفتند، تا فتوحات به آنها مستند شود 257

ابلیس حاضر شد توبه کند، او (دومی) نگذاشت.. 258

فدک را خالصانه هم کردند. 258

علل عدم قبض فدک، در زمان حکومت علوی (علیه السلام) 258

احیاء سنت یهود، و ترک سنت رسول (صلی الله علیه و آله) 258

مطاعن شیخین، حذف تشهد از نماز، و داخل کردن آمین است و چیزهای دیگر زیاد است.. 260

حرف معروف عمرو و عاص... 261

حضرت ابراهیم (علیه السلام) 7 سال هم در کوهستان فارس تبلیغ می کرد 262

زمخشری در تفسیر (و هموا بما لم ینالوا) رم دهندگان شتر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را، پانزده نفر نوشته است.. 262

عمر در زمان خلافت، حدیفه را منع از بدگویی منافقین کرد او با صراحت لهجه جواب داد 262

ابوبکره گوید، از خروج عایشه من به تردید افتادم، فرمایش نبوی که در زمان حیات شنیده بودم، مرا نجات داد 263

عایشه بر ابوهریره، در سوار شدن، بر استر قیمتی ایراد گرفت، گفت این مزد چند حدیث است که، بر پدرت ساختم. 263

بنی عباس از شیعه بی حدّ، و از اولاد امیرالمؤمنین (علیه السلام)، 120 هزار نفر کشتند. 263

عایشه لقب زیاد بن ابیه را، بر او داد 263

معاویه، از تاریخ ازدواج هند با ابوسفیان، سه ماه می گذشت،

به دنیا آمد. 263

امام صادق (علیه السلام) فرمود، چطور شب قدر را شناسیم که، در آن، ما را به کرسی کرامت می نشانند. 264

تفتازانی گوید یزید ملعون است، علماء که از لعن او نهی می کنند،

برای اینکه بالائی ها، سرایت نکنند. 264

معاویه بعد از انداختن عایشه به چاه، در وقتی که مانع از بیعت یزد شد، گفت هنوز خامی، باشی تا پخته شوی. 264

پای بر سر بی جان معاویه، زد و گفت، این حرامزاده این را بلد نبود، تو یادش دادی. 265

اسامی پدران چهارگانه معاویه 265

حدیقه الشیعه جلد دوم 266

هام، بن هیم، بن لاقیس، بن ابلیس در صفین شهید می شود، و امیرالمؤمنین (علیه السلام) دعایش می کند. 266

دعائی که، امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن را، به مرد آذربایجانی یاد داد 266

علی بن ابی طالب (علیه السلام) به دومی گفت: گردنت را می زنیم. 267

امام حسین (علیه السلام) 6 پسر، و 4 دختر داشت، علی اکبر، و اوسط، اصغر، محمد، عبدالله، جعفر 268

سر امام حسین (علیه السلام) را حرمه به شام برد، و در راه بسیار بی ادبی،

و شماتت، به خرج می داد 268

در حدیث آمده تربت امام حسین (علیه السلام) همراه داشتن، راه خوفناک را امن می کند. 268

محمد حنفیه برای اثبات امامت امام سجاد پیش حجرالاسود رفتند بعد از شهادت حجر پای امام را بوسید. 268

روایت صریح است که، هدیه رسول خدا، نام و کنیه اش را بر محمد حنفیه است.. 269

هدیه اجنه، دو طبق انگور و انار، بر امام سجاد (علیه السلام) و همراهان. 269

خوش طبعی گفت: کشف صوفی ها، از قبیل کشف عمرو عاص است.. 270

در پاورقی، از مثنوی، لوظهرت الحقایق بطلت الشرایع. 270

عشق نام مرضی است.. 270

ابوالفتوح رازی طبق وصیت اش در کنار حضرت عبدالعظیم دفن شد. 270

برای رفع مشکلات دنیا و آخرت روزی صد بار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» 270

خنده ام برای این بود که عمو بهتر خواهد شد و به پسر برادر گریه خواهد کرد 270

از معجزه امام رضا مأمون غش کرد 271

احتجاج دزد بر مأمون. 271

امام حسن عسکری (علیه السلام) هیچ منقبتی نداشته باشد جز پدر بقیّه الله عجل الله فرجه کافی است.. 272

در وقت ظهور حضرت مهدی، اکثر عرب در بیت المقدس خواهند بود، و در مدینه کمتر کسی خواهد بود 273

از طرف معتضد، سه نفر مأمور شدند که به سامرا بروند، و خانه امام حسن عسکری (علیه السلام) را محاصره کنند حضرت بقیّه الله را دیدند، و هیچ غلطی نتوانستند بکنند. 273

چهار تن از انبیاء، با حضرت مهدی، خواهند بود 274

حضرت مهدی سه علم خواهد داشت، بر یکی از آنها (الیوم اکلمت لکم دینکم)

نوشته است.. 274

سفیانی، از اولاد عقبه بن ابی سفیان است، حتی خود حضرت مهدی، از وقت ظهورش خبر ندارد 274

اکثر تابعین دجال، یهود، و زنان و اعراب است.. 274

خیلی ها که به آرزوی ظهور از دنیا رفته‌اند، زنده شده، و فرزندان به هم می‌رسانند. 275

مراتب سه، یا چهارگانه، ائمه معصومین (علیه السلام) 275

فهرست.. 276

ص: 308

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

